

مناظره خدا گراها و داروینیسم گراها

پیرامون فرضیه شجره و خلقت نخستین انسان,ها
(نمونه ای از کرسی نظریه پردازی و جنگ نرم علمی - عقیدتی)



گردآوری و تالیف : شهرروز حسنی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مناظره خدا گراها و داروینیسم گراها

(پیرامون فرضیه شجره و خلقت نخستین انسان,ها)

(نمونه ای از کرسی نظریه پردازی و جنگ نرم علمی - عقیدتی)

گردآوری و تالیف : شهروز حسنی

تقدیم به همه مومنان مجاهدی که مصداق این آیه اند :

لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ
فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ
الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا (النساء/ ۹۵)

(هرگز) افراد باایمانی که بدون بیماری و ناراحتی، از جهاد بازنشستند، با مجاهدانی که در راه خدا با مال و جان خود جهاد کردند،(در هر یک از حوزه های نظامی ، اجتماعی ، علمی ، فرهنگی ، اقتصادی و سیاسی) یکسان نیستند! خداوند، مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد نمودند، بر قاعدان [= ترک کنندگان جهاد] برتری مهمی بخشیده؛ و به هر یک از این دو گروه (به نسبت اعمال نیکشان،) خداوند وعده پاداش نیک داده، و مجاهدان را بر قاعدان، با پاداش عظیمی برتری بخشیده است.

مقدمه :

پس از ارائه این فرضیه در پاییز ۹۵ ، موجی از واکنشهای مثبت و منفی به راه افتاد و خدا را شکر باعث شد ، نظریات مطرح شده در این کتاب ، از حد کلام صرف خارج شود و به دهها موضوع قابل اندیشه دیگر تقسیم شود . و واکنشهایی متعددی را برانگیزاند . و همچون موتوری ، کرسی نظریه پردازی را (در طیفی از موضوعات مطرح شده) روشن کند و علم با زد و خورد آراء تولید می شود و خروجی کرسی های نظریه پردازی است که به تولید علم جدید و نافع می انجامد ، لذا رویکرد علم برای علم که در متدولوژی دانشگاهی و فیلاسوفی آو دکتریت، مرسوم است، به هیچ وجه مورد نظر ما نیست ، رویکرد غالب ما حل مسائل علمی برای راه حل یابی مصائب بشری است و بخش عمده ای از آن مربوط به شق لا اله می شود ، یعنی زدودن جهل (دانسته های غلط) ، چون قطعاً موضوعات علمی ، ثابت و لایتغیرند و با زمان و مکان تغییر نمی کنند ، (این افراد هستند که نسبی اند و گذر زمان و مکان رای آنها را تغییر می دهد)مثلا امکان ندارد فردا روزی بیاید که آب در غیر از ۱۰۰ درجه سلسیوس به جوش آید ،(با فرض همه شرایط اولیه ثابت) این یکتایی علم و معرفت که به تفصیل در کتاب نظریه حق (جایگاه یونیک و انحصاری هر موجود در عالم خلقت و هر موضوع در نظام معرفت حکمت بنیان) بیان شده است ، کار دانشمندان را برای کشف و اشراف بر موضوعات علمی بسیار راحت می کند ، نسبی گرایی ، هرج و مرج طلبانه ای که در فلسفه، جاری است در جهان واقع و حقیقی ، کاملاً بی معنی است . در جهان مخلوق خداوند همه چیز تحت ولایت امری و حاکمیت یک خالق ، به تسخیر و تسلیم در آمده است و اثلا تصور اینکه یک موجودی بخواهد فراتر از جایگاه خلقی خود ، عملی انجام دهد ، احمقانه و پوچ است ، مثلاً هیچگاه سنگ ، گیاه و حیوان بالذات قادر نیست ، تبدیل به آب یا چوب یا ... شود ، نسبی گرایی مهمترین درد در نظام معرفتی مدرن ، تمدن یهودی غرب، است ، که آنها را و جهان را به سیاه چاله های نابودی هدایت می کند . (یکی از فلاسفه یهود : این افتخار برای یهود بس ، که جهان یهودی می اندیشد)

به هر حال لازم دیدم ، زد و خورد آرائی که پیرامون این فرضیه در یکی از سایتها انجام شده است را گرد آوری و مرتب کنم و به عنوان یک نمونه جالب و عملی از جریان کرسی های نظریه پردازی ، که مورد نظر رهبری هم هست ، ارائه دهم .

مسئله دیگر اینکه متاسفانه نظام علمی جزء نگر(بدون برقراری ارتباط با کل) ، که وارداتی از تمدن غرب مدرن است ، امروزه در همه دانشگاههای ما سیطره دارد و در این نظام ، افراد هر چه جلوتر می روند و به اصطلاح در مقام علمی بالاتر می روند ، جزء نگر تر و کوچکتتر ، می شوند ، نه کل نگر تر !!!!! مثلاً (یهودیان در غرب) علم را به ۳ حوزه تجربی و ریاضی و انسانی تقسیم کرده اند و به افراد می گویند لازم نیست ، یا نباید به حوزه های دیگر دخالت داشته باشید ، سرت در رشته و کار خودت باشد و جزئی تربیت بشو ، سپس هر حوزه در دانشگاه به صدها رشته جزءتر تقسیم می شود و به اجبار به دانشجو ها می قبولانند ، که تو نباید در سایر رشته ها کسب معرفت کنی یا اگر فضولی کردی ، حق اظهار نظر نداری و ... در این نظام علم آموزی باطل ، در مرحله فوق لیسانس ، مجدداً فرد را در موضوعی جزءتر درگیر می کنند و همینطور دکتری و پست دکتری و ... ، یعنی یک دانشجو در این نظام علمی هر چه جلوتر می رود ، به جزء بسیار کوچکی از جهان مشرف می شود ، و همراه با آن موضوع کوچک شده ، خودش هم کوچکتتر می شود و چون از سایر رشته های علمی فکتی در ذهن ندارد ، نمی تواند ادراکی از کلیت هستی پیدا

کند. جالب اینکه یکی از این دکترها هم حاضر نیست یا وجودش را ندارد، بیرون بیاید، و به بقیه بگوید، مردم من تا آخر این مسیر را رفته ام، هیچ چی ته اش نیست، به این مسیر امید نبندید یا حداقل آن را وحی منزل قلمداد نکنید، اگر داعیه خدمت به بشریت و حل مسائل عالم را دارید باید آتش به اختیار در هر حوزه ای که برایتان مسئله است، وارد شوید، جوینده دانش باشید، و دانشهای جزئی را با هم ترکیب کنید تا بتوانید بر کلیت موضوع و مسئله ای که درگیرش هستید، مشرف شوید و بتوانید نظریات راهگشا ارائه دهید ...

دلیل اثبات ناکارآمدی نظام فعلی دانشگاهی مدرن، چند ده هزار دکترای بیکاری است که پس از نزدیک ۳۰ سال دانش گرفتن، نمی توانند حتی شکم خودشان را سیر کنند و محتاج اینند که حکومت برایشان دانشگاه بزند و شاگرد تامین کند، تا اینها باصطلاح هیات علمی آنها شوند و حقوقی بگیرند و احمقانه و کورکورانه، به تکثیر این روال باطل ادامه دهند، ...

سوال: آیا خداوند که طراح عالم و سازنده آن است، اینگونه جهان را طراحی و ساخته است؟، اثلا شدنی است که، یک موضوع بشری، فقط اثراتی در همان حوزه داشته باشد؟. و...

نظام مدرن، در تقسیم بندی معرفت، ضربه بسیار شدیدی به دانشمندان زده است، و اکثر آنها تا آخر عمر شان، گیج و مبهوت و عاجز از پاسخ دادن به سوالات مهم بشریت، باقی می مانند، چون هیچگاه ذهن جزء نگر نمی تواند، بر کلیت چیزی مشرف شود و ...

اما از خود بپرسید، سود اصلی این نوع نظام آموزشی و پژوهشی را چه کسانی می برند؟ کسانی که می خواهند با کوچک کردن دیگران گالیور باشند، صهیونیستها و فرعونها و متکبران دنیا، که جایگاه خود را نه همچون سایر انسانها، که برتر از آنها تا درجه خدایی تعریف کرده اند و به خود حق داده اند تا تعریفشان از بقیه انسانها، اینها باشد. حیوان ناطق، حیوان ضاحک، حیوان اجتماعی ماب، حیوان شگفت انگیز، ...

لذا ما با صراحت کامل، تقسیم بندی نظام فعلی علوم را زیر سوال می بریم و حداقل به عنوان نمونه شاهد هستید، از همه طرف به باطلی به نام داروینیسیم، حمله می کنیم و فکتهای مختلف از سایر رشته ها را برای ابطال آن مستند می کنیم و بله، قبول دارم با قالب بندی و ذهنیت اکثر مردم و دانشگاهیان، همخوانی ندارد، و ما را هجو و مسخره می کنند، که چرا در همه علوم نظر می دهید و ... ولی کسانی که مامور به تحول هستند، از قواعد عصر خود تبعیت نمی کنند، توکلیمان به خداست و هم او ما را بس است. و لذا به کوری جزءنگران متعصب دنیا بین و جاهل (مملو از دانسته های غلط)، که به ما اشکال می کنند، ما در همه زمینه ها و رشته های تجربی، فنی و انسانی (تاریخ و جامعه شناسی و سیاست و روانشناسی و ...) اظهار نظر می کنیم، حال آنها اگر آبرو و ادعایی دارند، به جای تهمت زنی به شخصیت افراد، نظرات را نقد کنند.!!!!

و اما، سلام به آزادگان عالم، که شیعه قرآن و عترت (سنت رسول اکرم (ص) و اهل بیتش) نیستند ولی وجدان خود را نیز، فریب نمی دهند:

پرفسور سید حسین نصر:

پیش از هر چیز اجازه دهید بگویم من در هاروارد نه تنها فیزیک بلکه زمین شناسی و دین شناسی هم خوانده ام و با این پیش زمینه فکری است که فهم رایج در خصوص نظریه تکاملی داروینی را - حتی با زمینه های علمی - رد می کنم.



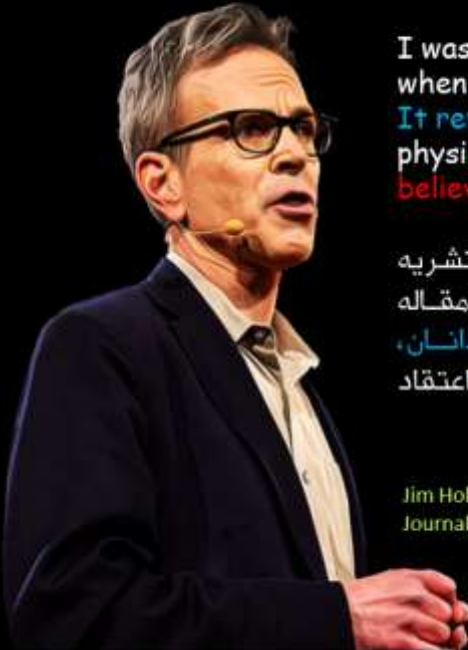
نظریه تکامل ستون خیمه مدرنیسم است و اگر این ستون سقوط کند، کل خیمه بر سر مدرنیسم فرو خواهد ریخت. بنابراین به مانند یک ایدئولوژی با آن رفتار می شود، نه یک تئوری علمی که به اثبات رسیده است. می دانم که بسیاری از مردم اظهارات من در این مورد را نمی پذیرند، اما حداقل مسلمانان باید از این دیدگاه به کل موضوع بنگرند.

روزنامه اعتماد، ترجمه مرضیه سلیمانی

www.welayatnet.com

adyannet.com

جیم هولت فیلسوف مشهور امریکایی:



I was reminded of this a few months ago when I saw a survey in the journal Nature. It revealed that 40% of American physicists, biologists and mathematicians believe in God.

من به یاد می آورم که چند ماه پیش در یک نشریه (*Journal Nature*) مقاله ای را دیدم. آن مقاله افشا کرده بود که 40 درصد فیزیک دانان، زیست شناسان و ریاضی دانان امریکایی به خدا اعتقاد دارند.

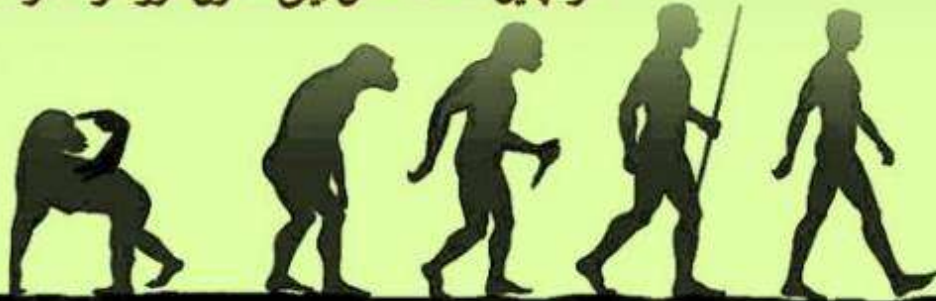
Jim Holt. 1997. Science Resurrects God. The Wall Street Journal, December 24, 1997, Dow Jones & Co., Inc.

پروفسور سید حسین نصر:

ما می دانیم که این ادعا و پذیرش نظریه تکامل چقدر نامعقول است. شما می دانید کسی گفته است احتمال اینکه یک سلول زنده پای در عرصه وجود گذارد همانند این احتمال است که یک میمون پشت دستگاه تایپ پرد و تمام نمایشنامه های شکسپیر را خلق کند.



بله پذیرش این بیهودگی ها، این احتمالات باور نکردنی شکست انگیز است. اما مردم همچنان این حرف های پوچ و نامعقول را باور می کنند زیرا ،
اگر چنین نکنند جهان بینی مدرن فرو خواهد ریخت.



www.welayatnet.com

متذکر می شوم ، اصل این پستها ، در سایت کتابناک ، جهت بررسی و مطابقت ، موجود است . ضمن تشکر از دست اندرکاران سایت کتابناک، با توجه به اینکه پست های جدیدتر بالاتر از بقیه قرار می گرفت ، لازم دیدم که آنها را مرتب کنم و پیشاپیش از محضر شما بابت کلمات رکیکی که برخی از افراد به کار برده اند ، معذرت خواهی می کنم ، به هر حال در میدان منازعات فکری و معرفتی ، حلوا پخش نمی کنند ، دفاع از عقیده ، دفاع از دلیل وجودی هر کسی است ، لذا داروینیستهایی که موجودیت خود را در خطر می بینند ، چاره ای ندارند جز اینکه از هر راه ممکن ، بر نفوذ جریان انقلابی ، تاثیر منفی بگذارند و با فحش و لجن پراکنی ، فضا را مسموم کنند . پیشنهاد می شود ، در این نمونه موردی ، نحوه عمل این افراد را به عنوان یک واکسن ویروسی، مطالعه کنید، که باید نسبت به آن ، از خودتان ، پاتن ، ترشح کنید . اگر بتوانید بر جریان سیاهی که قصد دارد بر حقیقت ، پرده بیافکند (کفران کند) ، غلبه پیدا کنید ، دیگر بازیچه افکار افراد فاسد الاخلاق ، ملحد ، عاقبت به شر ، نمی شوید و آزادانه و به اختیار خود عقاید حق را کشف و انتخاب می کنید .

این میدان همچنان از هر دو طرف اهل حق و اهل باطل مبارز می طلبد . لذا شما یا تماشاچی هستید و باری به هر جهت، یا الا و لابد باید طرفدار یک جبهه می شوید ،

اما برای خودم و شما دعا می کنم ، آخر امتحان دنیا ، کارنامه اعمالمان را به دست راستمان بدهند ،

يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ فَمَنْ اُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَاُولٰٓئِكَ يَفْرَهُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يظَلْمُوْنَ فَتِيْلًا (الإسراء/ ۷۱)

(به یاد آورید) روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می‌خوانیم! کسانی که نامه عملشان به دست راستشان داده شود، آن را (با شادی و سرور) می‌خوانند؛ و بقدر رشته شکاف هسته خرمایی به آنان ستم نمی‌شود!

وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا (الإسراء/۷۲)

اما کسی که در این جهان (از دیدن چهره حق) نابینا بوده است، در آخرت نیز نابینا و گمراهتر است! و سخن آخر اینکه، امام معصومی فرمود: ان الحياه عقیده و الجهاد، زندگی، جز عقیده و جهاد در راه آن نیست. اگر بتوانید، عقیده حق را کشف کنید، می‌توانید جبهه حق را تشخیص دهید، آنگاه می‌توانید مبارزه و تقلاى جبهه باطل را برای یقای خود، ببینید (با سرمایه گذاری های عظیم در کتابها و همایشها و فیلم ها و ... که آخرش القا کنند، خدایی نیست و باید خدایتان را پول، خوراک حرام و شهوت حرام و خشم جاهلی و حرام قرار دهید). ولی قطعا شما، بسته به نانی که خورده اید و نطفه تان، (حلال یا حرام) یکی را برای حضور و جهاد انتخاب می‌کنید؟! اما کسانی که جبهه حق را برای فعالیت و مبارزه انتخاب می‌کنند،

إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ (الحج/۳۸) خداوند از کسانی که ایمان آورده‌اند دفاع می‌کند؛ خداوند هیچ خیانتکار ناسپاسی را دوست ندارد!

روی دفاع خداوند از خودش، حساب ویژه ای باز کنند و اما کسانی که متاع زودگذر دنیا را می‌طلبند (مقام استادی در رشته های داروینستی، مدیر دانشکده و مقام دولتی و ...) بدانند که

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا (الإسراء/۸۱) و بگو: «حق آمد، و باطل نابود شد؛ یقینا باطل نابود شدنی است!»

و بصیرت این است که :

وَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ (التوبة/۸۵)
مبادا اموال و فرزندان، مایه شگفتی تو گردد! (این برای آنها نعمت نیست؛ بلکه) خدا می‌خواهد آنها را به این وسیله در دنیا عذاب کند، و جانشان برآید در حالی که کافرند!

امید اینکه این اثر مقبول خداوند به عنوان ولی امر، زمان و مکان و جماد و نبات و حیوان و ملک و جن و انس، و بندگان صدیق او، قرار گیرد.

فی امان الله

[صفحه اصلی](#) « [رسته‌ها](#) » [دین و آیین](#) « [اسلام](#) » [قرآن و تفسیر](#) « [فرضیه شجره و خلقت نخستین انسان ها](#)

فرضیه شجره و خلقت نخستین انسان ها

نویسنده: [شهرزود حسینی](#)

کتاب با آوردن نتایج تحقیقات متعدد علمی ابطال داروینیسم را منطقاً و عقلاً اثبات می کند و سپس در پاسخ به پرسش چی به جایش در تلاش برای ارائه نظریه جایگزینی برای آن از دل قرآن بر می آید و با آوردن آیات متعدد فرضیه جدیدی را مطرح می نماید که ...

حق تکثیر: ری: شهرزود حسینی، ۱۳۹۵
خود صاحب اثر می باشم

• برای آگاهی یافتن از چگونگی مطالعه این کتاب، [ویکی کتابناک](#) را ببینید.

« [قبلی](#) [۲۰۱۷۶۵۴۳۲۱](#) ... [۲۰](#) » بعدی همه (۱۹۲)

[۷۰۳۰Mpm](#)

Member

[۰۳:۲۴ - ۲۵/۰۷/۱۳۹۵](#)

واقعا تاسف

برای خودمان

برای ما که این کتاب را دریافت کردیم

منطقی که ایشان مطرح کردند با عرض پوزش کاملا غیر قابل پذیرش بود
یادم می آید کتابچه ای مانند همین ساختار را از قائمیه دریافت کردم که دوست عزیزی قصد داشت در رد کسروی
مطلبی بنویسد اما جالب اینجا بود که آن دوست جز خاطرات شخصی مطلبی را بیان نکرده بود و همه چیز در آن
کتابچه بود جز مطلبی راجع به کسروی. حتی دوستان راجع به خرسواری در جاده های روستایی قزوین نکته هایی
نوشته بود اما کتابی که نام آن مهور به اسم کسروی بود در آن خبری از ایشان نبود.
باید به این دوستان توصیه کنیم اندکی بیشتر مطالعه بفرمایند. داروینیسیم با اینکه در آن پرسش های بیشماری
وجود دارد اما باید پرسش ها را با استنادات پاسخ گفت و صرف تاکید بر روی باورها و تفکرات غیر سنجیده فقط
موجب افزایش خلط مبحث می گردد و درونمایه ای مناسب به ارمغان نمی آورد.

Member

[۱۹:۲۰ - ۳۰/۰۷/۳۹۵](#)

نقل قول از ۷۰۳۰mpm:

با عرض تاسف برای خودمان

چقدر راحت است خود را در مقام قاضی دید و نسبت به منطق دیگران اظهار نظر کرد . لابد از دید ایشان هر کس
ضد داروینیسیم حرفی بزند حرف غیر منطقی زده است
از نظر ایشان تاکید بر باورهای اعتقادی و سند و آیه آوردن از قرآن ,تفکر غیر سنجیده است و فقط موجب خلط
مبحث می شود نمی دانم شاید ایشان هم به نوعی نان خور داروینیسیم باشند
ای کاش به تعدادی یا یکی از منطقهای غلط ایشان اشاره می کردند تا ما هم روشن شویم
علی ایها حال ما که استفاده و لذت بردیم حداقل ۲ تا آیه قرآن خواندیم فردا سرمان پایین نباشه
خدا همه ما را به راه مستقیم هدایت کند

[۷۹۴۷hasan](#)

Member

[۱۸:۰۳ - ۰۵/۰۸/۱۳۹۵](#)

اینجانب حسنی گرد آورنده ومولف مطالب کتاب هستم در پاسخ به نظر یکی از خوانندگان مطالبی را عرض می کنم
نظر خواننده " واقعا تاسف

برای خودمان برای ما که این کتاب را دریافت کردیم:

منطقی که ایشان مطرح کردند با عرض پوزش کاملا غیر قابل پذیرش بود

یادم می آید کتابچه ای مانند همین ساختار را از قائمیه دریافت کردم که دوست عزیزی قصد داشت در رد کسروی مطلبی بنویسد اما جالب اینجا بود که آن دوست جز خاطرات شخصی مطلبی را بیان نکرده بود و همه چیز در آن کتابچه بود جز مطلبی راجع به کسروی. حتی دوستان راجع به خرسواری در جاده های روستایی قزوین نکته هایی نوشته بود اما کتابی که نام آن مهور به اسم کسروی بود در آن خبری از ایشان نبود. باید به این دوستان توصیه کنیم اندکی بیشتر مطالعه بفرمایند. داروینیسیم با اینکه در آن پرسش های بشمارای وجود دارد اما باید پرسش ها را با استنادات پاسخ گفت و صرف تاکید بر روی باورها و تفرکات غیر سنجیده فقط موجب افزایش خلط مبحث می گردد و درونمایه ای مناسب به ارمغان نمی آورد.

جوابیه:

۱- اینکه به باور اینجانب اشکال می گیرید می خواهم بگویم اثلا علمی که به باور تبدیل نشود آیا ارزش و اهمیت آن را دارد که به آن توجه کرد. فلسفه که ریشه آن از زمین فکری غرب برخاسته علمی است که می توان آن را دانست ولی الزاما نمی خواهد که به آن باور داشت و به آن عمل کرد، ولی برعکس حکمت که زمین فکری آن جغرافیای توحیدی است وقتی به دست می آید که فرد به آن باور داشته باشد و به آن عمل کند.

۲- با معیارهای علم مدرن که ریشه هایش در کفر کیشی و اثبات جهان بی خداست همیشه به سراغ منابع توحیدی و ایمانی رفت. پارادایم آن دو مستقل از هم رشد کرده است. در غرب فلسفه به شاخه های علوم فعلی انجامیده است که جز حرفهایی در تکنولوژی فنی در باقی حوزه های علوم انسانی به بن بست رسیده اند. و در شرق حکمت دین در سیر تکوینی خود در حال رشد است. لذا اگر منطق اینجانب برای شما قابل پذیرش نیست به این توجه کنید که در کدام زمین فکری زیست می کنید.

۳- اکثر استنادات این کتاب در جعل (قرار دادن) فرضیه جایگزین به آیات قرآن است، لذا اینکه آنها را جزء باورهای اینجانب قلمداد کرده اید تشکر می کنم ولی اینکه افکاری که با استعانت از آن بیرون می آید را غیر سنجیده بخوانید محل اشکال است. در مورد خلط مبحث مطلب همان است که گفته شد با ابزار فکر (منطق مدرن) دانش های مدرن نمی توان به سراغ منابع حکمی دین رفت، چون التقاط صورت می گیرد و آن هم به گفته امام خمینی خیانتی بزرگ به اسلام و مسلمین است.

۴- در مورد منطق اینجانب اشکال گرفته بودید خاطر نشان می کنم کل منطقهای بشری در سراسر عالم در ۸ دسته تقسیم بندی می شوند منطق ۱- فیثاغوری یا ریاضی ۲- منطق یونان و یانگ چینی و ۳- منطق فازی (مثل شب و ظهر ۰.۵ و روز ۱) و ۴- منطق دیالکتیک هگل (تز و آنتی تز- سنتز) ... و منطق توحیدی که صفر و یک است مثل حق و باطل، کفر و ایمان که حد وسط ندارد منطق قرآن در امور جعل انحصارا، منطق توحیدی است و همه سعی اینجانب این بوده با این ابزار فکر کردن به سراغ این موضوع مهم بروم.

۵- ۳ بار نام کسروی را آوردید بنده هنوز فرصت نکرده ام کتابی از ایشان بخوانم و اثلا با دستگاه فکری ایشان آشنا نیستم. لذا اینکه شما در تقبیح آن دوست عزیزتان و بزرگداشت کسروی مطلبی را بیان کنید به خودتان مربوط است که جایش اینجا نبود و قیاس مع الفارق فرمودید. بنده در این کتاب نه از امثال خاطرات خر سواری قزوین نوشته ام و نه طرف حسابم شخص داروین است. تنها قصدم مقابله با انحرافی است که او و همدستانش در تمدن بشری ایجاد کرده اند. و لذا فروکاستی که سعی می کنید در مورد این کتاب القا کنید را باطل می کنم.

۶- در مورد اینکه چرا اسم کسی یا جایی را نیاورده ام باید بگویم اگر می شد اسم خودم را هم نمی آوردم، چون مسئله به قدری مهم است که اسم ها و اعتباریات باید محو شود تا چشم های حقیقت بین متمرکز اصل موضوع شوند.

۷- اینکه اینطور القا کنید که این مطلب را موسسه قائمیه منتشر کرده است چون قبلا ساختاری مشابه را از آنها دیده بودید را نیز رد می کنم , و شما را اگر قابل بدانید به این توصیه می کنم که : ببینید چه می گوید نه اینکه که می گوید.

۸- اینکه به اینجانب توصیه کردید که بیشتر مطالعه کنم به گوش جان شنیدم و اطاعت می کنم ولی مطمئن باشید من وقتم را با تئوریات کهنه و پوسیده یهودی های مدرن اندیش (که خودشان را هم رستگار نکرده است) تلف نمی کنم مستقیما به سراغ منبع وحی می روم و با اکتشافات جدید, رزق خود را از خداوند می گیرم.

۹- اینکه جواب با استنادات خواسته بودید اتفاقا اکثر مطالب آنتی داروینیزم از منابع دانشمندان آزاده غربی است (کریشنیست ها) که با یک جستجوی ساده به هزاران فکت دیگر آن دسترسی پیدا می کنید و موارد ذکر شده فقط مشت بود از خروار .

۱۰- چرا برای فعالیت های فکری هم وطنان خود تاسف می خوری چطور وقتی داروین یهودی زاده کافر, یک فرضیه برای اثبات کفر خویش و رد ایمان به الله می دهد برای او تاسف نمی خوری , ولی وقتی یک شیعه ایرانی , یک فرضیه برای ابطال آن و جایگزینی آن می دهد ناراحت می شوی و تاسف می خوری.

۱۱- چرا تاسف خودت را جمع می بندی چرا به جای سرد کردن مخاطبان جدید و تلاش برای خاموش کردن نور هدایت (بالاخره تعداد زیادی آیه از ام الکتاب هدایت در این کتاب آمده است) شما هم سعی نمی کنی سبیل و راهی برای ایمان به الله پیدا کنی و آن را به بقیه معرفی کنی. در ضمن اگر دریافت این کتاب با روحیه ات سازگار نیست و مطالعه آن باعث تاسفت می شود لطفا آن را مثل هزاران آیت دیگر خدا ندید بگیر و بگذر ولی صدو عن سبیل نکن . بالاخره روز قیامت , احکم الحاکمین نظر قطعی را در درستی یا غلط بودن یا اصلاح آن می دهد .

۱۲- بسیار بسیار ممنون می شدم تا به طور مصداقی و موردی به یکی از صدها فکت و موضوعی که در این کتاب آمده می پرداختید و نظر خودتان را اعلام می کردید چه بسا , با تضارب آرای به وجود آمده به ادله جدیدی می رسیدیم.

به هر حال از اینکه اعلام وجود کردید و نظری را ثبت کردید تشکر می کنم.

۷۳jalil

Member

۰۲:۳۸ - ۰۶/۰۸/۱۳۹۵

من که مطمئن هستم که هیچکدام از آبا و اجداد من میمون شامپانزه و ناندرتال نبودند ... حالا اگر اجداد داروین از نسل میمون و بوده اند... الله و اعلم

۶۷Behruz

Member

۰۳:۵۲ - ۰۶/۰۸/۱۳۹۵

نقل قول از ۷۳ jalil:

من که مطمئن هستم که هیچکدام از آبا و اجداد من میمون شامپانزه و ناندرتال نبودند ... حالا اگر اجداد داروین از نسل میمون و بوده اند... الله و اعلم

اگر این نظر شما از روی مزاح نباشد به گمانم به خود زحمت مطالعه و درک نظریه ی فرگشت و آرای داروین را نداده اید و گرنه متوجه می شدید که صحبت از «نیای مشترک» بین انسان (و در واقع انواع انسان هایی که بر کره ی زمین بوده اند) و میمون هاست و نه ارتباط مستقیم اجدادی!

دبیرزاده

Member

۱۰:۰۵ - ۰۶/۰۸/۱۳۹۵

هنگامیکه از تئوری داروین سخن باشد ، همین خود "تئوری " گوپای آنست که آن "تئوری " را همچون انبوهی از تئوری های دیگر، نمیتوان قانون دانست و هنوز جای بررسی و حتی یافتن تئوری بهتر دیگری ، باز است ، اما نمیدانم چرا گاهی چون این تئوری ها در کتابهای درسی منتشر میشوند همگان آنرا "قانون " می شمارند ، باید پرسید اگر میمونسانها در گذر تاریخ به انسانها فرگشته باشند، پس چرا هنوز میمونسانها بجا مانده اند ؟ چرا دایناسورها نابود شدند؟ آیا شما تئوری افسانه ایی که میلیونها سال پیش، شهابسنگی که به زمین برخورد کرد و به آن انجامید تا که بطور گزینشی تنها دایناسورها را حتی دایناسورهایی که در آب میزیستند و یا پرواز میکردند نابود شوند ، را میپذیرید؟

پژوهشگران کم کم دارند به این نتیجه میرسند که خاستگاه همه گونه های انسانی شاید در آفریقا و از میمونسانان برخاسته باشد (Svante Paabo) از انستیتو ماکس پلانک در آلمان .

بر خلاف حقایق ثبت شده تاریخی ، روش علمی بررسی پدیده ها، روش اسکپتیک (تردید و ناباوری و گریز از مطلق گرایی) است.

هیرکان

Member

۱۹:۰۳ - ۰۶/۰۸/۱۳۹۵

چطور وقتی داروین یهودی زاده کافر، یک فرضیه برای اثبات کفر خویش و رد ایمان به الله می دهد برای او تاسف نمی خوری ولی وقتی یک شیعه ایرانی ، یک فرضیه برای ابطال آن و جایگزینی آن می دهد ناراحت می شوی و تاسف می خوری.

برادر من داروین کجا یهودی زاده کافر بود؟

پدر و پدر بزرگ داروین مسیحی بودند. اگر داروین در بریتانیای عهد ویکتوریا کافر به حساب می آوردند امکان زندگی به راحتی برای او در آن جامعه وجود نداشت.

بجای انگ کفر و الهاد زدن به دیگران بجای سبک و سنگین نمودن دیدگاه و آرای آنها و ارایه نظری نوین بهتر است مطالب این سایت را که به دیدگاه های داروین و فرگشت می پردازد مطالعه نماییم:

<http://\1.darwinday.ir/>

هیرکان

Member

۱۹:۱۲ - ۰۶/۰۸/۱۳۹۵

نام کتاب: اسماعیل

شاید خلاصه کتاب را بتوان اینگونه نوشت: نقد رفتار انسانها توسط یک گوریل فیلسوف که چگونه هوموساپینسها(یعنی ما) توانستند میراث چند میلیون ساله طبیعت را در عرض چند هزارسال نابود کنند.

<http://\1.darwinday.ir/%d%84%9/>

<http://\1.darwinday.ir/%d%84%9/>

هیرکان

Member

۱۹:۰۸ - ۰۶/۰۸/۱۳۹۵

دانلود کتاب: میمون برهنه نوشته دزموند موریس:م

<http://۱.darwinday.ir/%d%۸af%d%۸a%۷d۸۶%۹...%۶d%۸af-%d۸۵%۹/>

هیرکان

Member

۱۹:۰۷ - ۰۶/۰۸/۱۳۹۵

تولدت مبارک آقای داروین! (دانلود ویژهنامه:

<http://۱.darwinday.ir/happy-darwin-۲۰۱۶/>

هیرکان

Member

۱۹:۰۶ - ۰۶/۰۸/۱۳۹۵

دانلود کتاب: زندگی نئاندرتالها از آغاز تا انقراض

<http://۱.darwinday.ir/life-of-neanderthal/>

هیرکان

Member

۱۹:۰۵ - ۰۶/۰۸/۱۳۹۵

بدهمی‌هایی از روانشناسی فرگشتی:

<http://۱.darwinday.ir/evolutionary-psychology-misconception/>

۹۶۵babak

Member

۲۲:۱۹ - ۰۶/۰۸/۱۳۹۵

نویسنده محترم، کتاب فرضیه شجره و خلقت نخستین انسان‌ها را بر مبنای دانسته‌ها و مطالعاتی که از قرآن داشته به رشته نگارش درآورده و قرآن را مبنا و پایه قرار داده برای رد کردن فرضیه‌ای که دانشمندان و محققان سراسر دنیا هیچ‌گونه شکی درباره درستی آن ندارند. یادآوری این نکته ضروری است که دانسته‌های دینی با دانش و علوم قابل مقایسه نیست زیرا دین یک باور است که از کودکی در ذهن انسان به صورت موروثی ثبت می‌شود اما علوم بر اساس تحقیق و مطالعه و آزمایش و راستی آزمایشی پدید می‌آید. در پذیرش دین تعقل و تفکر جایی ندارد و هرگاه کسی شک و شبهه‌ای در دین داشته باشد از دین خارج شده و مرتد اعلام می‌شود و مخصوصاً در اسلام خونس حلال می‌شود. اما علوم مبنا و پایه‌اش بر اساس تفکر و ذهن خلاقانه است. علوم و دانش هیچگاه ادعا نمی‌کند که همه چیز را می‌داند و هر روز در پی مکاشفه زمینه‌های جدید است اما دین می‌گوید به همه چیز آگاه است و این صدمه روحی و فکری شدیدی است برای کسانی که لحظه‌ای خود را در عرصه دانش، شکست خورده می‌بینند و با سرهم کردن چیزهایی که می‌دانند در صدد جبران بر می‌آیند و اینگونه، تحقیقات چند صد ساله بشری را زیر سوال می‌برند.

۷۹۴۷hasan
Member

۰۸:۵۶ - ۰۷/۰۸/۱۳۹۵

نقل قول از Behruz ۶۷:

نقل قول از jalil ۷۳: من که مطمئن هستم که هیچکدام از آبا و اجداد من میمون شامپانزه و ناندرتال نبودند ... حالا اگر اجداد داروین از نسل میمون و بوده اند... الله و اعلم

اگر این نظر شما از روی مزاح نباشد به گمانم به خود زحمت مطالعه و درک نظریه‌ی فرگشت و آرای داروین را نداده‌اید و گرنه متوجه می‌شدید که صحبت از «نیای مشترک» بین انسان (و در واقع انواع انسان‌هایی که بر کره‌ی زمین بوده‌اند) و میمون‌هاست و نه ارتباط مستقیم اجدادی!
در مورد نیای مشترک شما را به پیوست ۱۴ و ۱۵، صفحه ۱۹۱ و ۱۹۲ جلب می‌کنم اگر جواب خود را نگرفتید، مجدداً در خدمتم.

۷۹۴۷hasan
Member

۰۹:۰۸ - ۰۷/۰۸/۱۳۹۵

در پاسخ به نظرات محترم آقا یا خانم دبیرزاده

در مورد قسمت اول سخنانشان: تئو در زبان یونانی یعنی خدا و "ری" یعنی دیدن و تئوری یعنی از منظر خدا دیدن حال اینکه یونانیها کدام خدا یا خداها را به عنوان خالق قبول داشته‌اند موضوع دیگری است که جایش اینجا نیست ولی داروینیسم صرفاً یک فرضیه است و هر گاه فرضیه اثبات شود تازه تبدیل به تئوری می‌شود لذا داروینیسم را معادل یک تئوری در نظر نگیرید. در مورد بخش دوم سخنانتان توضیحی لازم دارد علم کلمه‌ای است عربی و مشتقاتش عالم بر وزن فاعل، معلوم بر وزن مفعول و معلم و تعلیم و تعالیم و ... است که تازه یک سطح پایینتر هم دارد به نام درس. ما در زبان فارسی کلمه دانش از ریشه دانه را داریم که مشتقات آن دانش آموز، دانشگاه، دانشجو، دانشمند ... می‌باشد و غربیها واژه ساینس را دارند نکته مهم این است که ساینس غربی معادل علم عربی و دانش فارسی نیست و ما تا وقتی ترمینولوژی (چهارچوب مفهومی) خود را اصلاح نکنیم قادر به درک درست موضوعات نمی‌باشیم

علم کلمه‌ای قرآنی است و با مشتقاتش قریب ۴۸۴ بار در قرآن استفاده شده است که نشان از اهمیت خداوند به علم و عالم و تفکر و ... دارد و حدیث داریم یک ساعت تفکر مومن بهتر از ۷۰ سال عبادت است و... لذا دوستان عزیز روشهایی که در دانشگاه و به وسیله کتابهای غربی درس داده می‌شود از نوع ساینس است و نباید با علم یا دانش خلط کرد (مخصوصاً در حوزه جعلیات (قر دادن ها) علوم انسانی) اطلاعات بیشتر در مورد تفکیک این موضوعات را باید در مباحث فلسفه علم جستجو کرد. لذا اگر در جمله "بر خلاف حقایق ثبت شده تاریخی، روش علمی بررسی پدیده‌ها، روش اسکپتیک (تردید و ناباوری و گریز از مطلق گرایی) است." به جای کلمه علم، کلمه ساینس و ساینسیسم را بگذارید بنده هم با شما موافقم چون ساینسیست‌ها به دنبال کشف حقایق نیستند (حقیقت با گذر تاریخی کم یا زیاد یا باطل یا تبدیل و تحویل نمی‌شود) چه در علوم خلق مثل قانون جاذبه نیوتنی (همیشه بوده و

از ۴۰۰ سال پیش که توسط اسحاق نیوتن پرده برداری شد تا امروز کار می کند و قریب به یقین تا قیامت هم کار می کند) و چه در علوم جعل (راستی و وفاداری و امنیت و) که مسئله همیشه تاریخ انسانها بوده است , تبدیل بردار نبودن و تحویل بردار نبودن آنها نشان از ثبات در مدیریت قوی عالم دارد . لذا اتفاقا روش ما که به ام الکتاب با منطلق توحیدی تمسک می جوییم بر خلاف روش اسکپتیک مورد اشاره شما بر رسیدن باورمان به درجه عین الیقین , حق الیقین , ورد الیقین استوار است و دستگاه فکری مان را طبق آنچه در کتاب عنوان شده بر مطلق بودن الله به عنوان مبدا و منشا همه چیز چیدمان می کنیم که الله الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ و خودمان را از گرداب نسبی گرایی های سران امانیستها (که غالبا یهودی معاند بشریت بوده اند) نجات می دهیم باور کنید تسلیم یک وجود بسیار عالی و متعالی شدن لذتی دارد که اگر همه این ۱۰۰ فیلسوف به اصطلاح بزرگ غرب هم جمع شوند (هر چند بسیاری شان دیگری را انکار کرده) یک میلیاردم آن را به دست نمی دهد

۷۹۴۷ hasan

Member

۰۹:۱۰ - ۰۷/۰۸/۱۳۹۵

نقل قول از هیرکان:

چطور وقتی داروین یهودی زاده کافر, یک فرضیه برای اثبات کفر خویش و رد ایمان به الله می دهد برای او تاسف نمی خوری ولی وقتی یک شیعه ایرانی , یک فرضیه برای ابطال آن و جایگزینی آن می دهد ناراحت می شوی و تاسف می خوری.

برادر من داروین کجا یهودی زاده کافر بود؟

پدر و پدر بزرگ داروین مسیحی بودند. اگر داروین در بریتانیای عهد ویکتوریا کافر به حساب می آوردند امکان زندگی به راحتی برای او در آن جامعه وجود نداشت.

کافر اسم فاعل است از ریشه کفر به معنی پوشاننده , وقتی کسی حرفی می زند یا کاری می کند که روی حقیقت پوشیده می شود , یا به حقیقت بعد از اینکه بر او مسجل شده است اعتراف نمی کند او کافر است . چون کافر در فرهنگ عامیانه ما به عنوان یک فحش به کار می رود , برای شما شائبه به وجود آمده است لیکن واقع امر در مورد ایشان همان است که بیان شد . داروینیسیم و نتایجی که از آن گرفته اند غرب را در کفر کیشی و پاگانیسیم عمیقی فرو برده است به اضافه آیات ۱- وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ (التوبة/۳۰) یهود گفتند: «عزیر پسر خداست!» و نصاری گفتند: «مسیح پسر خداست!» این سخنی است که با زبان خود می گویند, که همانند گفتار کافران پیشین است؛ خدا آنان را بکشد, چگونه از حق انحراف می یابند؟! ۲- لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا مائده ۸۲ ۳- وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا مائده ۶۴ ۴- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ مائده ۵۱ ۵- وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ مائده ۱۸ ۶- وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ بقره ۱۲۰ و در انتها ۷- فَبِظُلْمٍ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا (النساء/۱۶۰) بخاطر ظلمی که از یهود صادر شد, و (نیز) بخاطر جلوگیری بسیار آنها از راه خدا, بخشی از چیزهای پاکیزه را که بر آنها حلال بود, حرام کردیم. وَأُخَذِهِمُ الرَّبُّ وَقَدْ نُهِوا

عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (النساء/۱۶۱) و (همچنین) بخاطر ربا گرفتن، در حالی که از آن نهی شده بودند؛ و خوردن اموال مردم بباطل؛ و برای کافران آنها، عذاب دردناکی آماده کرده‌ایم

۷۹۴۷hasan
Member

۰۹:۱۳ - ۰۷/۰۸/۱۳۹۵

نقل قول از هیرکان:

بدفهمی‌هایی از روانشناسی فرگشتی:

<http://۱.darwinday.ir/evolutionary-psychology-misconception/>

از روی عنوان مقاله به راحتی می‌توان فهمید که نویسنده آن ثابت و اصل و درست و حق را روانشناسی فرگشتی بر پایه داروین‌یسم گرفته و هر آنچه مخالف آن است را می‌خواهد بدفهمی القا کند باید گفت دوست عزیز در کار علمی و پژوهشی بالاخص از نوع ساینتیسم پیش داوری اشکال دارد لذا بنده مطالعه این کتاب را برای غیر اهل فن و غیر متخصص پیشنهاد نمی‌کنم..

۷۹۴۷hasan
Member

۰۹:۱۸ - ۰۷/۰۸/۱۳۹۵

نقل قول از هیرکان:

نام کتاب: اسماعیل

شاید خلاصه کتاب را بتوان این‌گونه نوشت: نقد رفتار انسان‌ها توسط یک گوریل فیلسوف که چگونه هوموساپینس‌ها (یعنی ما) توانستند میراث چند میلیون ساله طبیعت را در عرض چند هزارسال نابود کنند.

دوست عزیز کتابهایی که نام بردید همگی نوشته تعدادی متفکر غربی است که فکرشان در زمین کفر کیشی و جهان بی خدا رشد کرده است. اسامی و واژه‌هایی که آنها جعل می‌کنند برای پاسخ به مردم شان است مثل "هوموساپینس" هدف آنها این است که مردم بر کفر خودشان باقی بمانند و همچنان ایمان و باور به الله خدای یگانه را پیدا نکنند. و تقریباً همه آن متفکرین ابتدا به ساکن در معرفی خود، به الحاد خود اقرار و افتخار می‌کنند و اینکه پاگان‌یست هستند و کار را از اینجا شروع می‌کنند لذا تبلیغ آنها و افکار آنها مصداق امام ضلالت شدن است شما اگر از خودتان مطلب یا نظری دارید بفرمائید تا در حد توان پاسخ بگوئیم که من یک تار گندیده شما را به هزار متفکر ملحد آنها معاوضه نمی‌کنم و رای و نظر شما برایم اهمیت دارد نه آنها.

هیرکان
Member

۰۹:۲۵ - ۰۷/۰۸/۱۳۹۵

هوموساپینس

گرامی بزرگوار

هوموساپینس نام علمی آدمیزاده به معنای انسان هوشمند و یا خرد ورز می باشد و برپایه نام گذاری علمی کارل لینه سوئدی شکل گرفته است. اگر احساس می شد که دانشمندانی چون لینه کافر شده اند کلیسای قرن هژدهم اروپا هنوز قدرت کافی برای سرکوبی آنها را داشت.

پاگانیست هستند

پس از ورود مسیحیت به اروپا باور های مذهبی کهن به تدریج جای خود را به آیین جدید داده اما همچون دیگر ادیان با وجود تغییر آیین مردم و به رسمیت شناخته شدن مسیحیت آثار مذاهب کهن هنوز وجود دارد.

هدف آنها این است که مردم بر کفر خودشان باقی بمانند و همچنان ایمان و باور به الله خدای یگانه را پیدا نکنند

باور بفرمایید که داروین را با وجود مخالفت های شدید کلیسای انگلستان از دین بیرون رفته معرفی نکردند و گرنه در بریتانیای عهد ویکتوریایی در عمل او قادر به کار و تدریس نبود.

هیرکان

Member

۰۹:۲۸ - ۰۷/۰۸/۱۳۹۵

وقتی کسی حرفی می زند یا کاری می کند که روی حقیقت پوشیده می شود , یا به حقیقت بعد از اینکه بر او مسجل شده است اعتراف نمی کند او کافر است

اگر اینگونه حساب کنیم تعداد کافران در ایران بر تعداد مسلمین می چربند!

پس با این حساب فردوسی را باید پاگان به حساب آورد و حافظ و مولوی را مهدور الدم!!

۷۹۴۷hasan

Member

۰۹:۳۴ - ۰۷/۰۸/۱۳۹۵

در پاسخ به نظر babak ۹۶۵ مطالب ذیل به استحضار می رسد

۱- اولاً ضمن تشکر از اینکه این حقیر را لایق دانستید که از قرآن مواردی را دانسته ام لیکن خودم اقرار می کنم که دانشم در این حوزه کمتر از بوعلی سیناست که گفت دانشم از قرآن به اندازه دانه ریگی است از اقیانوس جمله شما را اصلاح می کنم : اینجانب با آوردن دهها فکت و گزاره از تحقیقات دانشمندان عموماً غربی مخالف ۲- فرضیه داروین که کاملاً مستدل و مستند و قابل پیگیری است بطلان داروینیسم را اعلام کردم حتی استدلال خود داروین را که در مورد زمان ابطال نظریه اش است از کتاب خودش آوردم اگر از تعداد فکت ها راضی نشده اید کافی

است جستجویی در فضای مجازی بفرمائید تا به عمق بحث پی ببرید . اگر حوصله اش را داشته باشید شما را به مناظرات داغی که خلقت گراها و داروینیسیت ها در آمریکا داشته اند جلب می کنم (البته توضیح دهم که استدلالات خلقت گراها در آن مناظرات عمدتاً بر انکار داروینیسیم است و در مقوله نظریه جایگزین چون دسترسی شان به منابع تحریفی از کتاب مقدس است فشل مانده اند) به اضافه مطالب این صفحه و اسنادی که ارائه شده است <http://www.mashreghnews.ir/fa/news/۳۱۴۲۷۳> است هم مفید است

۳- با توجه به توضیح بالا , بنده حقیر از قرآن برای رد فرضیه داروین استفاده نکرده ام از فکتهای علمی و منطقی برای ابطال داروینیسیم استفاده کرده ام و از دل قرآن برای ارائه فرضیه جایگزین استعانت کرده ام . لذا داروینیسیم را اینقدر بزرگ نبینید , که لازم باشد از قرآن برای ابطالش ادله آورد.

۴- فرضی که از دید خودتان در جمله " فرضیه ای که دانشمندان و محققان سراسر دنیا هیچ گونه شکی درباره درستی آن ندارند" مطرح کرده اید با توجه به توضیحات بند ۱ محل اشکال جدی است و البته خاطر نشان می کنم در سراسر دنیا فقط دو قوم هستند که قادر به نظریه پردازی های در این سطح هستند یکی قوم یهود و یکی قوم شیعه لذا به شما اطمینان می دهم که در سرتاسر دنیا هیچ فرهنگ و تمدن و مردم یا کشوری نیستند که دغدغه شان پرداختن به این حوزه از مباحث نظری باشد اگر هم باشد , حداکثر قادر به رصد موضوع هستند نه ابراز وجود , حال اگر به مدرک گرفته های دانشگاههای مدرن با سیلابس درسی آنها عنوان دانشمند می نهید و منظورتان از دانشمندان سراسر دنیا آنها هستند که موضوع کاملاً روشنه آنها به چیزی اقرار دارند که می بایست در برگه امتحانی خود بنویسند تا مدرک و درجه خود را از دست اساتید داروینیسیتشان بگیرند و اگر بخواهند خلاف آن را اظهار کنند گویی مدرک و اعتبار و هویت خودشان را زیر سوال برده اند .و...

۵ در مورد توهینی که کردید : " یادآوری این نکته ضروری است که دانسته های دینی با دانش و علوم قابل مقایسه نیست و "...

توجه شما را به توضیحاتی که در مورد فرق علم از ساینس ارائه شد جلب می کنم به اضافه اینکه إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ لذا مطالبی که از یهودیت یا مسیحیت (اسرائیلیات) به اسم دین در ذهن شماست و غالباً تحریفی و دست نوشته دکان داران به اسم دین موسی و عیسی علیهما السلام است را به حساب اسلام ننویسید.

۷۹۴۷hasan

Member

۰۹:۳۶ - ۰۷/۰۸/۳۹۵

در ادامه پست قبلی در پاسخ به نظر babak ۹۶۵

۶- در مورد قیاس باطلی که بین تعالیم دینی و (دانش و علوم به زعم شما و در اصل ساینس غربی) عنوان کردید باید توضیح دهم : علوم (به معنای حقیقی آن که در قرآن به کار رفته) به ۲ بخش جعل و خلق تقسیم می شود علم خلق : مثلاً آب در ۱۰۰ درجه سانتیگراد به جوش می آید (در شرایط ثابت) و همه عقلای عالم این را قبول دارند و هیچ دعوایی هم بین آنها نیست مثل فرمولهای ریاضی و فیزیک و شیمی و .. که با ماده سر و کار دارد هیچ دانشمند مسلمان و یهودی و مسیحی حتی بودایی و کافر و ... با اینها مشکلی ندارند , سندش اینکه غرب تکنولوژیک امروز روی میراث علمی امثال بو علی سینا و رازی و خیام و ... انقلاب صنعتی صده ۱۶ را رقم زده است دعوا در عالم جعل است که مباحث در سطح دکتری را در بر می گیرد که عمده مباحثش در علوم انسانی است مثال : وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (الروم/۲۱) و از نشانه های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید, و در میانتان مودت و

رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند! یعنی الله زن و مرد را در رابطه زوجیت برای همدیگر خلق می‌کند ولی رابطه رحمت و موده را بین آن دو جعل می‌کند .. لذا انسانها در جعلیات خود مثلا در شرق بودیست و شینتوئیست به بت پرستی باورمند می‌شوند و در هند به ۱۰۰۱ فرقه تقسیم می‌شوند و در غرب به امانیسم و خود محوری می‌رسند و ... مثلا در ادیان توحیدی حاخام های یهود حکم به تکفیر عیسی ع را می‌دهند و در اسلام وهابیت به نام اسلام و الله سر شیعه را می‌برند تا به بهشت بروند تمام این احکام در عالم جعل بررسی می‌شود ولی تنها با منطقی توحیدی می‌توان حق و باطل جعلیات انسانها را ثابت کرد نتیجه اینکه توضیحات دین ستیزانه شما باطل است، اینقدری که الله در قرآن انسانها را به تفکر و تعقل و درس و فهم دعوت کرده است هیچ مصلح بشری دعوت نکرده است و حرف آخر اینکه وقتی فقط شخص خودت مطرح باشی : لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ خودت می‌دانی ، ولی اگر قرار باشد در فضای عمومی تبلیغ دین ستیزی و هر چیزی غیر دین را انجام دهی آن وقت ما را مقابل خودت خواهی دید

۷- در مورد این حرفتان " دین یک باور است که از کودکی در ذهن انسان به صورت موروثی ثبت می‌شود" باید اعتراف کنم که حس ترحم نسبت به دوران کودکیتان را بر انگیختید و بیان می‌کنم در اصول دین تقلید جایز نیست یعنی هر مسلمان باید خودش به سطح و باور توحید ، معاد ، نبوت ، عدل ، امامت برسد و اگر نه اسلام زبانی یا موروثی او را قبول نمی‌کنند

۸- در مورد این حرف " اما علوم براساس تحقیق و مطالعه و آزمایش و راستی آزمایی پدید می‌آید. در پذیرش دین تعقل و تفکر جایی ندارد" طبق توضیحات قبلی احتمالا منظور شما ساینس غربی است که اثبات در آن مبتنی بر آزمایش و تکرار پذیری استوار است بسیار خوب ما که گفتیم در حوزه عالم خلق ما هم با بسیاری از آزمایشات ساینستیک برای کشف پدیده های عالم موافقیم و حتی به آن امر شده ایم ولی دوست عزیز با ابزار ساینس نمیشه پدیده های روانی و روحی و عالم جعل را تفسیر و اثبات کرد.

۷۹۴۷hasan

Member

۰۹:۳۷ - ۰۷/۰۸/۱۳۹۵

در ادامه پست قبلی در در پاسخ به نظر babak ۹۶۵

۹ -- در مورد شانتاژ ضد اسلامی " هرگاه کسی شک و شبهه ای در دین داشته باشد از دین خارج شده و مرتد اعلام میشود و مخصوصا در اسلام خونس حلال می‌شود." باید بیان کرد : پیامبر اسلام و همه ائمه (ع)، مدام مردم را به سوال پرسیدن تشویق می‌کردند و از طرفی جلسات مباحثه علمی که سلاطین جور برای شکستن هیبت علمی ائمه انجام می‌دادند همه باطل بودن سخن شما را ثابت می‌کند اتفاقا اگر در عالم خلق رازی موفق به کشف بسیار مهم الکحول یا الکل می‌شود چون شاگرد درس امام صادق بوده است و اینکه مامون برای ضربه زدن به امام رضا صائبی و یهودی و مسیحی را جلوی امام صف می‌کند تا شبهه مطرح کنند و تنها کسانی که قادر به ارائه پاسخ منطقی و مستدل بودند این شجره طیبه بوده اند همگی نشان می‌دهد که علم و فکر و پاسخ به شک و شبهه در اسلام شیعه چقدر اهمیت دارد لذا خواهشمندم جعلیات سایر فرقه ها و مذاهب و یهود و مسیحی را با اسلام شیعی خلط نکنید که به آن ضربه بزنید. در مورد حکم ارتداد هم باید گفت که پس از انقلاب ، امام خمینی علی رغم وجود هزاران عنوان شبهه و مخالفت با اسلام فقط در یک مورد از این ظرفیت استفاده کرده اند آن هم در مورد سلمان رشدی ملعون بود که هنوز هم جاری است و آن ملعون امروزه تحت شدیدترین حفاظت انگلیسی مخفی است خوب به نظر

شما اگر این حکم نبود امروز چند سلمان رشدی در هر گوشه جهان هر قبیحی را علیه پیامبر خدا و جبرئیلش و ... به زبان می راندند و...

۱۰- در مورد جمله " اما علوم مبنا و پایه اش بر اساس تفکر و ذهن خلاقانه است " خلط کلماتی که از نظر ترمینولوژی (ریشه شناسی) به نتیجه نمی رسد، مجددا شما را به بحث افتراق علم از ساینس غربی جلب می کنم و اینکه پایه ساینس بر حس، تجربه و تکرارپذیری است و کلمه قرآنی تفکر با ذهنیت گرای غربی (MIND IS GOD) فرق دارد.

۱۱- در مورد جمله " علوم و دانش هیچگاه ادعا نمی کند که همه چیز را می داند و هر روز در پی مکاشفه زمینه های جدید است اما دین می گوید به همه چیز آگاه است " و مقایسه ای که بین ساینس و دین صورت داده اید شاید سایر مدعیان دین در زرتشتی و صائبی و یهودیت و مسیحیت و بودیستها و ... و حتی برخی از فرقه های اسلامی با جعل موارد باطل و تحریفی و برای دکانداری خود چنین القائاتی را در مخاطبان نشان صورت دهند ولی شیعه و پیرو فکر و راه علی ع و اولادش می گوید: آنکس که به من چیزی آموخت مرا عبد خود کرد و اللهم زدنی علما من المهد الی اللحد و علم و دانش گمشده مومن است و...

۱۲- در مورد جملات " و این صدمه روحی و فکری شدیدی است برای کسانی که لحظه ای خود را در عرصه دانش، شکست خورده می بینند و با سرهم کردن چیزهایی که می دانند در صدد جبران بر می آیند و اینگونه، تحقیقات چند صد ساله بشری را زیر سوال میبرند. " که بنده را مورد تفقد قرار داده اید و دچار صدمات روحی و فکری شدید خوانده اید پناه می برم به آیه: اذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (النحل/۱۲۵)

با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما! و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن! پروردگارت، از هر کسی بهتر می داند چه کسی از راه او گمراه شده است؛ و او به هدایت یافتگان داناتر است. و اینکه داروینیسیم حداکثر ۲۰۰ ساله مطرح شده ولی ادیان توحیدی بیش از ۷۰۰۰ سال قدمت مسئولیت رشد معارف و هدایت بشر را عهده دارند.

و در پایان دعای همیشگی ام، اللهم اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم و الضالین

۷۹۴۷hasan

Member

۰۷/۰۸/۱۳۹۵ - ۰۹:۳۹

اگر خود موضوع تطور داروینی ۱ اهمیت را داشته باشد، نتایج بسیار خطرناکی که از آن گرفته شده ۱۰۰ اهمیت را دارد یعنی فرضیه اثبات نشده داروین را، صرفا افکار یک ساینتیست معمولی قلمداد نکنید که مثلا روی طور میمونی به طور انسانی حرفهایی زده است بلکه اهمیت کار اینجاست که کل جعلیاتی که در حوزه علوم انسانی، بر پایه آن بنا شده از قبیل داروینیسیم سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی امروز مصیبت بشر است قائلین به آن فرضیه اولاً همه چیز را نسبی می بینند و متکبرانه، ثبات در عالم طبیعت با بی نهایت آیت را نقص آن می دانند دوماً از این فرضیه نتیجه می گیرند که مدام باید از طوری به طور دیگر در همه موضوعات خلقی و جعلی (به تعبیر خودشان) (EVOLUTION) تغییر کرد. و با خلط موضوعات روحی و روانی و معرفت انسانی با اختراعات عالم تعیین به نهیلیسم و پوچی و سیطنیسیم و صهیونیزم، تکامل، به زعم خودشان و (اسفل سافلین به زعم ما) نیل پیدا کرده اند. سوماً: با اصل قرار دادن شاخص اصلح بودن در انتقال از این طور به آن طور (بقای اصلح به زعم خودشان) اصلح

بودن را در بی تفاوتی نسبت به سایرین ، مادی تر بودن ، سنگدل تر بودن ، بی رحم تر بودن و وحشی تر بودن و پیروزی به هر وسیله ای ولو فریب و نامردی ، فرار کردن از مواجهه با حقیقت و ... تعریف می کنند یادمان نرود جنگ کشورهای اروپایی با هم موسوم به جنگ جهانی اول و دوم که ۵۲ میلیون کشته و صدها میلیون زخمی بر جای گذاشت جنگی از دل تفکر مدرن بوده که چه نازیسم ، چه سوسیالیسم ، چه ناسیونالیسم ، چه لیبرالیسم همگی قائل به پارادایم پآگانیسمی (کفر کیشی) محصول افکار داروینیستها و تابعانش بوده اند . لذا اهمیت داروینیسم و مقابله با آن ، نه صرفاً در یک بحث زیست شناسی صرف، که بحثی برای همه شئون معیشت و زندگی همه انسانها است . لذا اگر بتوانیم هیمنه داروینیسم را بشکنیم ، بشر از بزرگترین غل و زنجیر فکری اش خلاص می شود.

هیرکان

Member

۰۹:۳۹ - ۰۷/۰۸/۱۳۹۵

اصطلاحات علمی که بد فهمیده شده است

بسیاری از نظریه های علمی و اصطلاحات مربوط به آن وارد زبان روزمره شده اند و طبیعتاً بعد از مدتی افراد مختلف آنها را برای انتقال معنایی متفاوت مورد استفاده قرار داده اند. کلماتی نظیر:

اثبات – proof

Sean Carroll فیزیکدان و استاد انستیتوی تکنولوژی کالیفرنیا می گوید: « متداول ترین مفهومی که بد فهمیده شده است و به طور گسترده ای نادرست به کار می رود، مفهوم « اثبات » است. تعریف مشخص این کلمه می شود « روش منطقی برای رسیدن به یک نتیجه گیری بر اساس مجموعه ایی از حدس و گمان ها» که با معنای رایج این واژه در مکالمه های عادی اصلاً همخوانی ندارد. منظور مردم در گفتگوهای شان وقتی که کلمه اثبات را به کار می برند این است که شواهد مسلم برای ادعای شان دارند.

همواره یک ناهمگونی میان چیزی که ما دانشمندان مدعی می شویم و آن چه که مردم از آن درک می کنند وجود دارد. زیرا ما معمولاً تعریف دقیق تری از پدیده ها در ذهن داریم. ما دانشمندان می دانیم که علم به طور ذاتی هیچگاه چیزی را اثبات نمی کند! به همین خاطر زمانی که از ما می پرسند: « چطور می توانید اثبات کنید که نوع بشر ادامه انواع دیگر جانداران است؟ و آیا واقعا می توانید اثبات کنید که تغییرات آب و هوایی به خاطر زیاده روی انسان هاست؟ »

ولی ما دانشمندان به جای آن که بگوییم البته که می توانیم اثبات کنیم ، من من می کنیم و نمی توانیم خودمان را به هر دلیلی متقاعد کنیم که مدعی اثبات پدیده ایی شویم. علم نمی تواند چیزی را اثبات کند، در طول تاریخ تحول علم، همواره تئوریهای جامع تر، قابل اطمینان تر و معتبرتر درباره جهان هستی ایجاد می شود. آنچه که هست فقط یک مسیر مداوم «به روز شدن» و «توسعه یافتن» است. فرق اندیشه علمی با سایر تلاش های ذهنی بشر دقیقاً همین نکته است و شاید به همین دلیل پیشرفت و موفقیت علم نیز مداوم است.

Dave Goldberg از روسای دپارتمان فیزیک کیهانی دانشگاه فیلادلفیا که در طی ۵ سال گذشته جزو صد دانشگاه برتر امریکا بوده است سعی می کند تعریف مشخص تری از کلمه « نظریه » فراهم کند. او می گوید:

مردم کوچه و خیابان (به همراه کسانی که سنگ ایدئولوژی خاصی را به سینه می زنند) زمانی که واژه « نظریه » را می شنوند آن را با یک طرح یا ایده یا حدس و گمان بی اهمیت یکسان می پندارند. ولی نظریه علمی یک مجموعه به هم پیوسته و جهانشمول از ایده هایی قابل آزمایش هستند. هرچند، امکان طرد و رد شدن شان توسط آزمایشات یا تجربه های علمی دیگر همواره وجود دارد.

بهترین نظریه های علمی مستحکم و همه جانبه مثل نظریه تکامل می توانند تصحیح و کامل تر شوند ولی هسته اصلی شان در برابر چالش های بوجود آمده ماندگار خواهند بود. سخن آخر این که نظریه های علمی تا حدودی انعطاف پذیر هستند و ترمیم و تصحیح نکات جزئی ترا باعث نمی شود ساختمان کلی نظریه فرو بریزد. می شود اینجا و آنجا در بین محاوره مردم شنید که: «تکامل تنها یک نظریه است» و این سخن به شکل نادرستی القا کننده این برداشت است که یک نظریه علمی چیز کوچکی است، در حالی که این طور نیست.

هیرکان

Member

۰۹:۴۴ - ۰۷/۰۸/۱۳۹۵

لذا اگر بتوانیم هیمنه داروینیسیم را بشکنیم ، بشر از بزرگترین غل و زنجیر فکری اش خلاص می شود. قربانتان مردم بشری که دانشمندان نام علمی انسان خردمند را برای ان برگزیده اند هزاران سال پیش از داروین گرفتار ده ها غل و زنجیر در فکر و ذهنش بود.

یادمان نرود جنگ کشورهای اروپایی با هم موسوم به جنگ جهانی اول و دوم که ۵۲ میلیون کشته و صدها میلیون زخمی بر جای گذاشت جنگی از دل تفکر مدرن بوده که چه نازیسم ، چه سوسیالیسم ، چه ناسیونالیسم ، چه لیبرالیسم همگی قائل به پارادایم پاگانیسیمی (کفر کیشی) محصول افکار داروینیستها و تابعانش بوده اند باور بفرمایید که در جنگ جهانی اول همه طرف های جنگ به شدت پایبند مذهب بوده و سلطان عثمانی و ویلهلم دوم و نیکلای دوم و جرج بریتانیای کبیر همه با هم و بنام خدایی واحد اتباع خویش را به نبرد فرا می خواندند.

۷۹۴۷hasan

Member

۱۱:۴۶ - ۰۷/۰۸/۱۳۹۵

نقل قول از هیرکان:

وقتی کسی حرفی می زند یا کاری می کند که روی حقیقت پوشیده می شود ، یا به حقیقت بعد از اینکه بر او مسجل شده است اعتراف نمی کند او کافر است

اگر اینگونه حساب کنیم تعداد کافران در ایران بر تعداد مسلمین می چربند!

پس با این حساب فردوسی را باید پاگان به حساب آورد و حافظ و مولوی را مهدور الدم!!
نه عزیزم فردوسی بزرگوار و حافظ و مولوی و سایر بزرگان (متمسک به حق) که دغدغه شان مقابله با انحرافات بوده همیشه باقی اند چون حق همیشه باقی است . و به حمدالله جمعیت ایران با اینکه فقط یک درصد جمعیت جهان است فطرتا حق گریند و لو اینکه در زبان یا فکر مقداری ابهام داشته باشند

۷۹۴۷hasan

Member

۱۲:۰۸ - ۰۷/۰۸/۱۳۹۵

"نقل قول از هیرکان:

هوموساپینس

گرامی بزرگوار

هوموساپینس نام علمی آدمیزاده به معنای انسان هوشمند و یا خرد ورز می باشد و برپایه نام گذاری علمی کارل لینه سوئدی شکل گرفته است. اگر احساس می شد که دانشمندانی چون لینه کافر شده اند کلیسای قرن هژدهم اروپا هنوز قدرت کافی برای سرکوبی آنها را داشت."
پاگان‌یست هستند

پس از ورود مسیحیت به اروپا باور های مذهبی کهن به تدریج جای خود را به آیین جدید داده اما همچون دیگر ادیان با وجود تغییر آیین مردم و به رسمیت شناخته شدن مسیحیت آثار مذاهب کهن هنوز وجود دارد.
هدف آنها این است که مردم بر کفر خودشان باقی بمانند و همچنان ایمان و باور به الله خدای یگانه را پیدا نکنند
باور بفرمایید که داروین را با وجود مخالفت های شدید کلیسای انگلستان از دین بیرون رفته معرفی نکردند و گرنه در بریتانیای عهد ویکتوریایی در عمل او قادر به کار و تدریس نبود."

تعاریفی که دانشمندان اغلب یهودی غرب از انسان ارائه داده اند : ۱- انسان , حیوان ناطق ۲- انسان حیوان , شگفت انگیز ۳- انسان , حیوان اجتماعی ماب ۴- انسان , حیوان خرد ورز و ... همگی ریشه در خود برتر بینی یهود و دیگر حیوان بین آنها دارد . لذا ملاک ما برای انسان , از تعریف آنها نیست و ما منابع خود را برای تعریف انسان و انسانیت داریم . به همین خاطر اسامی یونانی که آنها روی پاره های تفکر خود می گذارند برای ما در حکم صرفا آشنایی با تفکرات آنهاست و خود را پایبند آن نمی دانیم و کلمه علم قرآنی را روی آن نمی گذاریم .

اگر شما تاریخ دین در غرب را از ابتدا مطالعه و تحلیل فرمائید به این نتیجه می رسید که غرب پس از یک دوره طولانی کفر کیشی در چند قرن واسط مسیحیت تحریفی را پذیرفت که تعارضات جدی درون آن پیدا شد و دادگاههای تفتیش عقاید و جنگ ها و ... همگی باعث شد تا بالاخره نسلی سر کار بیاید که انقطاع خود را از دین و بازگشتش به دوره پاگان‌یست را فریاد زند لذا بسیاری از آثار افرادی همچون کسانی که نام بردید در این دوره روی داده است که کلیسا دیگر قدرت اعمال زور و ظلم های پیشین را نداشته است نکته جالب اینجاست که از این به بعد است که نقش سازمانهای مخفی یهودیت نظیر فرماسونری و ... برجسته می شود و گویی جای کلیسا را پر کرده است . و اهداف این گروه هم به خوبی در پروتوکل های یهود برای اداره جهان قابل بررسی است
لذا همه چیز به همه چیز ربط دارد.

در پایان به باقی دوستان اعلام می کنم که این تضارب آراء را به قصد کل کل برگزار نمی کنم بلکه برای باز شدن موضوع و حواشی آن , مفید تشخیص دادم . امید وارم از این انجام وظیفه , بهره کافی را ببرید.

۷۹۴۷hasan

Member

۱۲:۱۵ - ۰۷/۰۸/۱۳۹۵

"نقل قول از هیرکان:

لذا اگر بتوانیم هیمنه داروینیسیم را بشکنیم ، بشر از بزرگترین غل و زنجیر فکری اش خلاص می شود. قربانتان گردهم بشری که دانشمندان نام علمی انسان خردمند را برای ان برگزیده اند هزاران سال پیش از داروین گرفتار ده ها غل و زنجیر در فکر و ذهنش بود.

یادمان نرود جنگ کشورهای اروپایی با هم موسوم به جنگ جهانی اول و دوم که ۵۲ میلیون کشته و صدها میلیون زخمی بر جای گذاشت جنگی از دل تفکر مدرن بوده که چه نازیسم ، چه سوسیالیسم ، چه ناسیونالیسم ، چه لیبرالیسم همگی قائل به پارادایم پاگانیسمی (کفر کیشی) محصول افکار داروینیستها و تابعانش بوده اند باور بفرمایید که در جنگ جهانی اول همه طرف های جنگ به شدت پایبند مذهب بوده و سلطان عثمانی و ویلهلم دوم و نیکلای دوم و جرج بریتانیای کبیر همه با هم و بنام حدایی واحد اتباع خویش را به نبرد فرا می خواندند."

در اینکه همیشه دکاندارانی بوده اند که از ظرفیت عظیم مذهب برای استحمار مردم و پیشبرد مقاصد و هوسهای فردی شان استفاده می کردند شکی نیست ، چرا جای دور می روید ، مگر امام علی را با ترفند قرآن بر نیزه کردن وادار به ترک مخاصمه نکردند ، مگر در صدر اسلام ابوسفیان و فرزندانش به نام دین ، بر منبر رسول الله سوار نشدند و در دوره حاضر ... لذا اراده جنگهای موسوم به جنگ جهانی اول و دوم از ذهن فرماندهانی بیرون آمد که دغدغه دین نداشتند و برای زمین و پول و منابع ، امکانات دسترسی به آبهای آزاد و ... دست به آن دیوانگی ها زده اند

۶۷Behruz

Member

۱۰:۱۷ - ۰۸/۰۸/۱۳۹۵

نقل قول از ۷۹۴۷ hasan:

در مورد نیای مشترک شما را به پیوست ۱۴ و ۱۵ ، صفحه ۱۹۱ و ۱۹۲ جلب می کنم اگر جواب خود را نگرفتید ، مجددا در خدمتم .

اگر منظورتان پیوستهای ۱۵ و ۱۶ باشد بعله نگاهی کردم که همان تکرار انتقادات ضدداروینی با رویکرد غیرعلمی هست.

کاملترین این انتقادات خیلی وقت پیش از طرف هارون یحیی نامی بود که زمانی برای خود معروفیتی داشت و از جهل عمومی در کشورهای اسلامی چه استفادهها که نکرد.

به هر رو، تمام این نکاتی که شما زحمت گردآوری آنها را کشیدهاید قبلا تماما پاسخ گرفتهاند و همگی در اینترنت قابل دسترسی هستند و لزومی به کپی و پست مجدد آنها نمی بینم.

در صورتی که دیگرانی علاقمند بودند این آدرسها شاید به درد بخور باشند:

توضیحاتی در باب فرگشت انسان در ویکی پیدیای فارسی: متن لینک

آیا انسان از نسل میمون هاست؟ متن لینک

توضیحاتی درباره بحث اشتراک بالای کروموزمهای انسان و میمون: متن لینک

چرا تمامی پستانداران به انسان تبدیل نشدند: متن لینک

نظریه فرگشت داروینی چیست؟ متن لینک

نیای مشترک انسان‌ها و شامپانزه‌ها به احتمال زیاد به ۱۳ میلیون سال پیش می‌رسد: متن لینک

Behruz ۶۷
Member

ضمناً، آشفتگی فکری زیادی در ارتباط با مفاهیم فرضیه و نظریه و قانون در کامنت‌ها به چشم می‌خورد. تا جایی که به این مبحث برمی‌گردد، «فرگشت» که در ایران به نادرست به «تکامل» ترجمه شده یک قانون به حساب می‌آید و دیگه تردیدی در صحت اون نیست (که تمام موجودات زنده با همه تنوعی که دارند، از نیاکانی مشترک پدیدار گشته‌اند..).

«انتخاب طبیعی» هنوز در حد یک «نظریه» علمی است (با دیدگاه و نظر عمومی و رایج متفاوت) که بین نظریات ارائه‌شده‌ی دیگه هنوز بهترین توضیح ممکنه هست. سوالی بود دنیای وسیع اینترنت و منابع علمی مطمئن در اختیار همگان می‌باشد.

Hasan ۷۹۴۷
Member

۲۰:۵۴ - ۰۹/۰۸/۱۳۹۵

پیرو دفاع تمام عیاری که کاربر محترم behrouz ۶۷ از فرضیه داروین انجام داده اند نکاتی را به استحضار ایشان و سایر مخاطبان می‌رسانم.

۱- فرمودید: "... همان تکرار انتقادات ضد داروینی با رویکرد غیرعلمی هست" اولاً توضیح داده شد که کلمه علم قرآنی با ساینس غربی تفاوت دارد و کاربرد آن در مورد داروینیسم غلط است دوماً رویکرد ساینسیسم غربی مبتنی بر حس و تجربه است و فقط در حوزه‌هایی که در حیطه حواس ۵ گانه انسان بگنجد و از طرفی تکرار پذیر باشد کاربرد دارد، لذا در موضوعات غیبی از انسان (مثلاً روح و حالات روحی و یا حس ششمی که برخی حیوانات از آن برخوردارند و وقوع بلایای طبیعی مثل زلزله و ... را زودتر، و قبل از وقوع می‌فهمند) نا توان است. همچنین در موضوعاتی که یکبار اتفاق افتاده است و قابلیت تکرار و آزمایش را ندارند مثلاً نقطه آغاز هستی (با فرض صحت بیگ بنگ) و تولد هر انسان، مرگ هر انسان و ... لذا خود عبارت " رویکرد غیر علمی" محل اشکال است. ۳- این داروین بوده که بر خلاف جریان طبیعی و سیر تکوینی دین (از آدم ع تا پیامبر خاتم ص و از امام اول تا امام غائب) مطالبی را مطرح کرده یعنی اصل، دین است و داروین، ضد دین، موضعی را اعلام کرده نه بر عکس. ۴- انتقادات و تحلیل‌های ضد داروینیسم وقتی بدون جواب می‌ماند دلیل ابطال آن است و تکرار آنها حقی برای مظلوم‌نمایی داروینیست‌ها ایجاد نمی‌کند.

۲- فرمودید " کامل‌ترین این انتقادات خیلی وقت پیش از طرف هارون یحیی نامی بود که زمانی برای خود معرفیتی داشت و از جهل عمومی در کشورهای اسلامی چه استفاده‌ها که نکرد." اولاً کل این فرضیه نزدیک ۱۷۰ سال عمر دارد ولی عهد دین بیش از ۷۰۰۰ سال قدمت دارد. لذا عبارت " خیلی وقت پیش" محلی از اعراب ندارد. دوماً هارون یحیی ترک که هنوز هم در قید حیات هست و هنوز هم ضد داروینیسم موضع‌گیری می‌کند در زمانی لب به سخن گشود که صحبت از آنتی داروینیسم همچون صحبت راجع به آنتی هولوکاست ممنوع بوده و معرفیتش بیشتر به این خاطر است. سوماً: اینکه بنده پیش فرض شما مبنی بر اینکه در کشورهای اسلامی جهل عمومی حاکم است و لابد به عکسش در کشورهای غربی عقل عمومی حاکم است را زیر سوال می‌برم سندش الا ما شا الله کتابها و مقالات در نا کارآمدی سیستم‌های اقتصادی و فرهنگی و آموزشی و سیاسی‌شون و بنده به عکس شما

برای شعور و فهم مخاطب در کشورهای اسلامی ارزش بسیار زیادی قائلم و همانطور که قبلا گفتم یک موی گندیده اینها را با همه دنیای آنها عوض نمی کنم.

۳- فرمودید " به هر رو، تمام این نکاتی که شما زحمت گردآوری آنها را کشیده‌اید قبلا تماما پاسخ گرفته‌اند و همگی در اینترنت قابل دسترسی هستند و لزومی به کپی و پست مجدد آنها نمی‌بینم." اولاً اینکه این دلایل و صدها برابر در جهت ابطال داروینیسیم قبلا وجود داشته است و چیز جدیدی نیست، بنده هم قبول دارم و هیچگاه ادعا نکردم که تهیه این ادله کار بنده بوده است اتفاقاً آدرس منبع آن را هم در ذیل آنها قرار داده‌ام لذا کپی و پیست بودن قسمت‌های پیوست مشخص است و لازم به تمسخر نیست، اما قسمت‌های اصلی کتاب که مربوط به ارائه فرضیه جایگزین است کاملاً بدیع و برای اولین بار ارائه شده است. دوماً در اینکه موافقین داروینیسیم توجیهاتی داشته باشند نیز شکی نیست ولی انسانها در تعریف اسلامی دارای قوه عقل و اختیار هستند و باید بابت انتخابها و احکام رد یا تأیید هر موضوعی که درگیر آنند جواب پس دهند، لذا اینکه آنها چیزهایی گفته باشند ولو اینکه برای شما هم به هر دلیل حکم پاسخ داشته باشد، باز دلیل نمی‌شود که استقراء خاص به عام بگیرید و نتیجه بگیرید که همه افراد درگیر با این موضوع باید به آن کلام (ولو هجویات باشد) تمکین کنند. لذا عبارت " قبلا تماما پاسخ گرفته‌اند" را باطل می‌کنم. ۳- اتفاقاً در اینترنت حجم و تعداد مقالات و مطالبی که در رد داروینیسیم ارائه شده و غالباً پژوهشگران مستقل مطرح کرده‌اند بسیار بیشتر از موارد تأیید آمیز داروینیسیم است که شرکتها و سازمانهای ذینفع آن فرضیه ارائه کرده‌اند.

۷۹۴۷hasan

Member

۵۵:۲۰ - ۰۹/۰۸/۱۳۹۵

ادامه پست قبلی

-در خصوص آدرسهای منابعی که معرفی کردید به مخاطبان عزیز این کتاب اعلام می‌کنم که وقت و انرژی خود را با آنها تلف نکنند توجیهاتی که آورده می‌شود تماماً برای این است که شما را با عرض معذرت به استحمار بکشند با ارائه یک مشت خزعلات پوسیده و نخ نما از شما می‌خواهند به ایدئولوژی داروینیسیم ایمان بیاورید و به تبعات آن گردن نهید. قبلاً اشاره شد اگر خود مسئله‌تطور میمون به انسان یا نیای مشترک یا ... هر مزخرف دیگری یک اهمیت را داشته باشد نتایجی که از آن می‌گیرند ۱۰۰ اهمیت را دارد امروز کارگزاران مدرنیسم به داروینیسیم به عنوان ایدئولوژی، در برابر دین نگاه می‌کنند و تمام نظریه‌ها و سیاستهایشان را بر اساس آن چیدمان کرده‌اند و به حقایقی از انحطاط که در کشورهاشون رقم خورده نگاه نمی‌کنند فقط می‌خواهند جلو دین را بگیرند.

۵- اگر مخاطبان عزیز موضوع کتاب را بررسی کرده باشند متوجه می‌شوند تمرکز نگارنده بر عبور از داروینیسیم و ارائه مباحث جایگزین بوده است و اگر نه اگر ۱۰۰۰ سال دیگر هم بگذرد باز عده‌ای از ذی‌نفعان داروینیسیم در یک طرف به دفاع از آن می‌پردازند و عده‌ای دیگر از آزاداندیشان عموماً غربی در طرف دیگر به آنتی داروینیسیم می‌پردازند. لذا خواهشمندم دوستان (غیر زیست‌شناس) از مباحث داخل زیست‌شناسی بیرون بیان و محاط بر موضوعات تبعی آن را بررسی کنند اگر هم سوالاتی در مورد نتایج فرضیه اینجانب همان فرضیه جایگاه یونیک و انحصاری هر موجود در عالم خلقت است نظراتی دارند بفرمایند.

۶- اینکه فرمودید " «انتخاب طبیعی» هنوز در حد یک «نظریه» علمی است" اصلاح می‌کنم: در حد یک فرضیه است. در ساینس نظریه به فرضیه‌ای می‌گویند که با حس و تجربه ثابت شده باشد. در حالیکه داروینیسیم هنوز اثبات نشده است.

۷- بنده هم حرف شما را که فرمودید " «فرگشت» که در ایران به نادرست به «تکامل» ترجمه شده" را تأیید می کنم چون اکمل, کمال, کامل و تکامل از ریشه کامل قرآنی اقتباس شده که کاملاً التقاطی بوده و ظلم به قرآن است. اما اینکه فرمودید فرگشت به زعم شما و تطور (از این طور به آن طور) به زعم بنده "یک قانون به حساب می یاد و تردیدی در آن نیست" را اشکال می کنم و شاید برای شما و سایر مدرنیست ها بدون کوچکترین شک و تردید مورد صحت باشد ولی برای ما که خود را طلبه قرآن می دانیم و آرزومان بندگی خداست, داروینیسیم ضد علم, ضد منطق, ضد انسان, ضد جامعه, ضد دین و ضد خداست و همه تلاشمان را برای ابطال آن و سیستمهای برآمده از آن و اقامه حق و ایجاد سیستمهای جایگزین حق می کنیم تا خدا چقدر لیاقت در ما ببیند.

۸- نکته دیگر اینکه خود اساتید مدرنیست که زمانی از داروینیسیم به عنوان اعتقادی تردید ناپذیر دفاع می کردند امروز در عقب نشینی آشکار موضوع, هوشمندی خلقت را پذیرفته اند اما با نهایت موزی گری می خواهند القا کنند که این هوشمندی نه از جانب خداوند که از جانب تمدنهای فرازمینی و موجودات فضایی است. فلسفه صدها فیلم و سریالی که در مورد موجودات فضایی ساخته اند این است و اینکه ماهواره هاشون را سالهاست سمت فضا گرفته اند تا بلکه یک صدا دریافت کنند. لذا دوست عزیز نگذار تعصب بیجا, تعقل و شعور و فطرت حق طلبت را مسخره کند و جایی که صاحبان آن فرضیه جا زده اند, شما کاسه داغ تر از آش نشو.

دبیرزاده

Member

۲۲:۲۹ - ۰۹/۰۸/۳۹۵

به هموطن گرامی آقای hasan ۷۹۷۴

نخست اینکه درباره ریشه تئوری گفتنی است که این واژه تئوری از یونانی $\theta\epsilon\omega\rho\acute{\iota}\alpha$ آمده که: در اینجا $\theta\epsilon\alpha$ از ریشه $\theta\eta\alpha\omicron\mu\alpha\iota/\theta\alpha\omicron\mu\alpha\iota$ و نیز $\acute{\omicron}\rho\alpha\nu$ برابر با مشاهده و تماشا و نگرش است و بطور مستقیم ربطی به "خدا ($\theta\epsilon\acute{\omicron}\varsigma$)" ندارد، و از این رو بوده که در گذشته این واژه را به "نظریه" ترجمه کرده بودند، که بویژه در دانش هندسه بکار میرفته است و پس از آن در دانش نوین نیز در همه زمینه ها بکار برده شده است، دیگر اینکه من نیز هر چند مانند شما منتقد تئوری داروینیسیم ام اما نتیجه گیری ام با شما شاید فرق کند، انتقاد من بر داروینیسیم در اینست که آنهایی که با دانش طبیعی سروکار دارند آگاهند که در جانوران گاهی بجای فرگشت $evolution$ ، فروگشت $devolution$ پدید میآید، و جاندارانی بوده اند که بخاطر همان فروگشت و ناتوانی در خوگرفتن به شرایط تازه زمینشناسی و یا آب و هوایی و نیز پایین رفتن در چرخه خوراک طبیعی (همه جانداران خوراک یکدیگرند) یکسره از زمین ناپدید شده اند، حتی مردم امروزی شاید از دید زیستشناسی از مردم هزار سال پیش هم از دید بدنی و هم از دید ذهنی فروگشته اند (پژوهشگران دریافته اند که مردم باستان I.Q بالاتر و توان و نیروی بدنی بهتری نسبت به مردمان امروزی داشته بودند،

و نیز در فیزیک ما قانون ترمودینامیک "انترپوی" را یافته ایم که نشان میدهد که سیستم های ذرات سامان یافته (نظم یافته) گرایش دارند تا به بی سامانی (بی نظم) برسند، پس اگر همه جانداران از ذره های فیزیکی پدید آمده اند که آنها نیز از قانونهای فیزیکی و در نتیجه از انترپوی پیروی میکنند، پس جانداران نیز بایستی همراستا با مواد تشکیل دهنده بدنشان به فروگشت (انترپوی) گرایش داشته باشند،

و اگر بگوییم که نه اینطور نیست، پس این (پارادوکس) خود گویای آنست که چیزی در طبیعت هست که بر ضد آن میکوشد، پس اگر فرگشتی باشد آن نیرویی است که بر خلاف روند طبیعی، گام برمیدارد، پس به باور من و بر پایه قانونهای فیزیکی فرگشت قانونی طبیعی نیست.

Behruz ۶۷

Member

۰۰:۰۴ - ۱۰/۰۸/۱۳۹۵

نقل قول از hasan ۷۹۴۷:

... "لذا دوست عزیز نگذار تعصب بیجا ، تعقل و شعور و فطرت حق طلبت را مسخره کند و جایی که صاحبان آن فرضیه جا زده اند ، شما کاسه داغ تر از آش نشو ."

شما با کپی/پست کردن ادعاهای کذب خلقت‌گرایان علیه داروینیسیم و نادیده گرفتن مدارک علمی (زمین‌شناسی، باستان‌شناسی، انسان‌شناسی، زیست‌شناسی، ژنتیک و ...) و با مراجعه به چند آیه/سوره‌ی مبهم از قران آیا نهایت افکار ضدعلمی و ارتجاعی خود را نشان نداده‌اید؟! دوستانی که حتی اطلاعاتی ابتدایی از زیست‌شناسی و ژنتیک دارند می‌توانند به آسانی در باب پیوست‌های تکراری شما در کتاب‌تان قضاوت کنند.

نقل قول از hasan ۷۹۴۷:

... "اینکه فرمودید " «انتخاب طبیعی» هنوز در حد یک «نظریه»ی علمی است" اصلاح می‌کنم : در حد یک فرضیه است ."

در محافل آکادمیک می‌گویند «نظریه‌ی انتخاب طبیعی». اگر شما علاقه‌ی به این موضوع ندارید ارتباطی با موضوعات علمی ندارد و مشکل جایی دیگر است.

نقل قول از hasan ۷۹۴۷:

... "نکته دیگر اینکه خود اساتید مدرنیست که زمانی از داروینیسیم به عنوان اعتقادی تردید ناپذیر دفاع می‌کردند امروز در عقب نشینی آشکار موضوع ، هوشمندی خلقت را پذیرفته اند"

برخی «اساتید مدرنیست» پیرو خلقت‌گرایان از داروینیسیم عقب‌نشینی نکرده‌اند بلکه کوشش در توجیه ادعاهای خود با یافته‌های نوین علمی که علیه آن‌هاست دارند. برخلاف گفته‌ی شما، پژوهش‌گران علمی بیشتری اعلام کرده‌اند که نیازی به هوشمندی یا علت غائی در پیدایش کائنات نیست و جزئیات آن را نیز به نگارش درآورده‌اند. شاید برای مثال، شاید بتوان به کتاب‌های اخیر استیفن هاوکنینگ اشاره کرد.

التقاط مفاهیم «قانون»، «نظریه»، «فرضیه» و «فاکت» هنوز به جای خود باقی‌ست و علاقمندان می‌توانند به منابع معتبر علمی در این زمینه مراجعه کنند که مثلا تفاوت نظریه‌ی گرانشی و قانون گرانشی را بدانند یا همانطور فرگشت همچون یک فاکت علمی و یک نظریه علمی.

برای اطلاعات بیشتر: متن لینک

Behruz ۶۷

Member

۰۰:۱۰ - ۱۰/۰۸/۱۳۹۵

نقل قول از دبیرزاده:

...انتقاد من بر داروینیسیم در اینست که آنهایی که با دانش طبیعی سروکار دارند آگاهند که در جانوران گاهی بجای فرگشت evolution، فرگشت devolution پدید میآید، و جاندارانی بوده اند که بخاطر همان فرگشت و ناتوانی در خوگرفتن به شرایط تازه زمینشناسی و یا آب و هوایی و نیز پایین رفتن در چرخه خوراک طبیعی (همه جانداران خوراک یکدیگرند) یکسره از زمین ناپدید شده اند، حتی مردم امروزی شاید از دید زیستشناسی از مردم هزار سال پیش هم از دید بدنی و هم از دید ذهنی فروگشته اند (پژوهشگران دریافته اند که مردم باستان I.Q بالاتر و توان و نیروی بدنی بهتری نسبت به مردمان امروزی داشته بودند، و نیز در فیزیک ما قانون ترمودینامیک "انترپوی" را یافته ایم که نشان میدهد که سیستم های ذرات سامانیافته (نظم یافته) گرایش دارند تا به بی سامانی (بی نظم) برسند، پس اگر همه جانداران از ذره های فیزیکی پدید آمده اند که آنها نیز از قانونهای فیزیکی و در نتیجه از انترپوی پیروی میکنند، پس جانداران نیز بایستی همراستا با مواد تشکیل دهنده بدنشان به فروگشت (انترپوی) گرایش داشته باشند، و اگر بگوییم که نه اینطور نیست، پس این (پارادوکس) خود گویای آنست که چیزی در طبیعت هست که بر ضد آن میکوشد، پس اگر فرگشتی باشد آن نیرویی است که بر خلاف روند طبیعی، گام برمیدارد، پس به باور من و بر پایه قانونهای فیزیکی فرگشت قانونی طبیعی نیست.

به گمانم جناب دبیرزاده با همان دیدگاه غالب «تکاملی» به موضوع فرگشت می نگرند و در نتیجه «فروگشت» را در ضدیت با فرگشت می یابند در حالی که این دو منافاتی با همدیگر ندارند و نظریه انتخاب طبیعی به همین موضوع می پردازد که چرا برخی موجودات به حیات خود ادامه می دهند و برخی دیگر به انقراض می روند. و به همین ترتیب، پارادوکسی هم وجود ندارد و قانون انترپوی به جای خود باقی است. در باب فرگشت و قابلیت آزمون پذیری: متن لینک

Behruz ۶۷

Member

۰۰:۲۵ - ۱۰/۰۸/۳۹۵

در باب برخوردهای اسلامی به موضوع فرگشت:

ادیان مختلف نگاههای متفاوتی به نظریه تحول انواع داروین دارند. فرنگیس حبیبی در گفتگویی با محمد جواد اکبرین، دین پژوه مقیم این پرسش را مطرح می کند که در حوزه های علمیه و در چارچوب معارف اسلامی، به تئوری منشا انواع داروین چطور نگاه می شود و چگونه با آن برخورد می شود؟

محمد جواد اکبرین، دین پژوه: اگر بخواهیم به متن دینی اشاره کنیم ظاهر قرآن کریم با نظریه داروین سازگار نیست. براساس آیه ۵۹ سوره آل عمران، انسان حاصل آمیزش یک زن و مرد هست که آن دو هم از خاک خلق شدند؛ "خلقکم من تراب". در نتیجه ظاهر این آیه با این نظریه سازگار نیست. اما برداشت های دینی موجود از این آیه، برخی از این برداشت ها منافاتی نمی بینند بین این آیه از قرآن و سایر آیات قرآن و برخی مانند مرحوم مرتضی مطهری معتقدند که زبان قرآن اساسا زبان سمبلیک است و داستان خلقت انسان هم اصالت در قرآن ندارد. محمد جواد اکبرین در ادامه می افزاید " آنچه که برای قرآن مهم است کرامت انسان است که منشا خلقت و تکامل فیزیکی آن هر چه که باشد با کرامت انسان که در قرآن آمده سازگار است.

آیا نظریات و قرآنت های دیگری هم وجود دارد که بنیادگرایانه است؛ آنها به نظریه داروین چگونه نگاه می کنند؟

محمد جواد اکبرین: بسیاری از فقیهان سنتی با این نظریه سازگاری ندارند؛ از نظر آنها وقتی ظاهر قرآن به صراحت می گوید که انسان از خاک خلق شده و حاصل آدم و حواست و نسل آدمی اینطور در قرآن تعریف شده، حتی حاضر به اندیشیدن به نظریه داروین هم نیستند، چون یک پیش فرض کلامی دارند مبنی بر اینکه باطل در قرآن راه ندارد و اگر ما نظریه داروین را بپذیریم بدین معناست که سخن باطلی در قرآن وجود دارد. در نتیجه غالب فقیهان سنتی این نظریه را بخاطر تعارضش با قرآن، نمی پذیرند.

وی در ادامه می افزاید: اما برخی دیگر مثل مرحوم علامه طباطبائی معتقدند که می شود به گونه ای این دو را با هم جمع کرد. در حال حاضر بسیاری از کسانی که برداشتهای مدرنی دارند معتقدند که اصلاً نباید قرآن را منبعی برای نظریات مدرن متغیر زیست شناسی قرار داد. قرآن کتاب معرفت الله است و کتاب تبیین کرامت انسان است و باید از همین زاویه به آن نگاه کرد. نباید نظریات زیست شناسی مدرن را در ترازوی قرآن سنجید.

آیا این چند گونگی قرآنت در میان اهل تسنن هم دیده می شود؟

محمد جواد اکبرین: بله در آنجا بسیار بنیادگراتر از میان فقههای شیعه هم با آن رفتار می شود. در بین فقیهان شیعه گرایش اخباری گری، اشائره و معتزله، در میان این دو گرایش گرایش معتزله عقلانی تر است و در فقه شیعه غالب شده؛ یعنی شیعه معتزله عقل اندیش جایگاه محکمتری در فقه شیعه دارد اما در میان فقیهان اهل سنت توجه به متن و ظاهر قرآن و نگاه بنیادگرانه بر متون دینی قویتر است از نگاه عقل اندیش.

دبیرزاده

Member

۰۱:۲۳ - ۱۰/۰۸/۱۳۹۵

نخست اینکه مدرنیته خودش واژه ایی است که حدو مرز زمانی را گویاست modo در لاتین می خواهد بگوید محدود به (کنون) و چیزی که امروز مدرن است ۱۰۰ سال دیگر کهنه خواهد بود ، بنابر این من هیچگاه همراه مدرنیسم نشده ام ، و همواره روش scepticism برای بررسی پدیده ها را بکار میبرم ، هر زمانی نیز دارای پیشداوری های دگماتیک خودش است ، حتی میتوان گفت عامه مردم تئوری های به اصطلاح علمی مدرن را بدرستی نمیدانند اما ایمان میآورند و با تعصبی مذهبی پیروی میکنند و هر کس که این تئوری را بخاطر تردید و شک و گمان در درستی اش نخواهد یکسره بپذیرد تکفیر میکنند و بقول Rupert Sheldrake (به او بر چسب) pseudo-science دانش دروغین (میزنند ، برای نمونه همین تئوری فرگشت (اوولوسیون) evolution و یا تئوری نسبیت و صدها تئوری دیگر که دارای چاله های منطقی و نادرستی های آزمونی بسیارند را اگر بطور انبوه در رسانه های به اصطلاح مدرن، منتشر شود و چند آدم نامدار (مدرن) آنرا ستوده باشند ، عامه مردم همانرا بی آنکه از خود اندیشیده باشند میپذیرند

و اما درباره فرگشت evolution ، این واژه در ریشه اش از e-->ex برابر با باز /از و volvere برابر با گشتن آمده و می خواهد بگوید از خود باز شدن ، باز شکفتن همچون گلی که از غنچه اش باز میشود و یا فنر ساعت افشرده ایی که از خود باز میشود و میچرخد ، زیرا اوولوسیون میخواست به بگوید که جانداران دارای پتانسیل هایی اند که بطور نهادی در جایگیری در زمینه ها و شرایط ویژه ایی، گرایش به گشودن آنها دارند تا به مرحله بالاتری از این "باز شکوفایی" برسند اکنون اگر ما بیاییم این تئوری را از دید اخلاقی انسانی بررسی کنیم : از همان آغاز سخن از فرازیستن بهترینها survival of the fittest بوده است ، در حالیکه برای طبیعت ظالم و خشن شاید سختجانه ترین و برجسته ترین گونه ها سنگدلترین و نادانترین و خونخوارترینشان باشند ، survival of the fittest خودش اصلی است که هر گونه خشونت و بیدادی را توجیه میکند ، و شاید برای همین است که هر انسان خوشنهادی بطور غریزی

با داروینیسیم مخالفت میکند زیرا داروینیسیم به گونه ایی نفی و انکار ارزشهای استتیک(زیباشناسی) و ذهنی و رفتاری انسانی است ،

altruism (دگردوستی/نوعدوستی) در طبیعت جانوران هیچ مفهومی ندارد ، اما انسانها دارای این گزینه اند و همین با survival of the fittest در تضاد بنیادی است .

اما مدرنیسم دوستدار تا انسان را در حد حیوان پایین بیاورد ،

۷۹۴۷hasan

Member

۲۲:۵۵ - ۱۰/۰۸/۱۳۹۵

خدمت مخاطب عزیز دبیرزاده

با سلام و عرض ادب

اولا از دوستانی که اظهار نظر فرمودند و حد ادب را در محضر سایر مخاطبان رعایت می کنند تشکر می کنم . چون کلام مودبانه ,مقدمه کار فکری و عقلی است.

۱- باید بگویم هدف بنده از ارائه این فرضیه در این کتاب پاسخ به ابهامات و شبهات علیه دین پیرامون خلقت و هدف از خلقت و اتفاقات قبل و حین و پس از خلقت انسان و ... بوده است لاجرم می بایست بت داروینیسیم را می شکستم تا چشمهای حقیقت بین , بدیلی در مقابل حرفهای ساینس غربی بیابند لذا موضوعاتی مثل ,حکمت علم و فلسفه ساینس , فرق نظریه با فرضیه , فرق علم با ساینس , فرق ایدیا با تنت با دکتترین با دوگما , فرق علم با درس , فرق فکر با عقل , فرق حکمت با فلسفه و ... منظوم نبوده و آنچه بیان شد تنها در حد رفع اضطرار بوده و اگر نه پرداختن به هر کدام آنها دهها کتاب لازم دارد . لذا از شما هم خواهشمندم , به داروینیسیم و این فرضیه جایگزین از موضعی بالاتر و مشرفتر نظر کنید یعنی داروینیسیم , مادر چه نظریه هایی بوده و سیستمهایی فعلی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی چگونه بر پایه آن نظریه ها بنا شده است و اوضاع کف صحنه چگونه در جریان است . و بعد اینکه فرضیه جایگزین , بر نظریه های موجود چه تاثیری می گذارد و چه سیستمهایی را می تواند پیشنهاد می دهد و...

۲- فرمودید کلمه تئوری ربطی به خدا ندارد , در رد این مطلب, فقط شما را ارجاع می دهم به اینکه تئوکراسی یعنی نظامهایی به اسم حکومت خدا بر مردم و تئو در هر دو کلمه به یک معنا به کار رفته است , (تئوری از منظر خدایی دیدن است , کل نگری را می رساند علمی که یهود نمی خواهد بقیه از آن سر در آورند و محصور و محدود به اعضای خود می کند و بقیه دنیا را با علوم جزء نگر سرگرم و مخدوم و مطیع خود می کند .)

۳- مطالبی که در مورد فروگشت فرمودید را کاملترش را قرآن گفته است :و وقتی خداوند این آیات را نسبت به اشرف مخلوقات گفته است قطعاً حیوان و نبات و جماد ذیل آن تعریف می شود . ولی این تغییرات میکرو است یعنی اجسام تنومند پیشینیان با اجسام نحیف امروزی ها تبدیل شده ولی سطح و ظرفیت ادراک و شعور و قابلیتهای ذهنی امروزی ها صدها برابر گذشتگان است لیکن همه این تغییرات میکرویی است و ماهیت انسان را به موجودی دیگر(یعنی تغییرات ماکرویی) تبدیل نکرده است در دستگاه خلقت جایگاه انسان دیروز با انسان امروز دقیقاً یکسان است .

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ(الروم/۹)

آیا در زمین گردش نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند چگونه بود؟! آنها نیرومندتر از اینان بودند، و زمین را (برای زراعت و آبادی)بیش از اینان دگرگون ساختند و آباد کردند، و پیامبرانشان با دلایل روشن به

سراغشان آمدند (اما آنها انکار کردند و کیفر خود را دیدند)؛ خداوند هرگز به آنان ستم نکرد، آنها به خودشان ستم می کردند!

أُولَئِكَ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكُنُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا (فاطر/۴۴)

آیا آنان در زمین نگشتند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند چگونه بود؟! همانها که از اینان قویتر (و نیرومندتر) بودند؛ نه چیزی در آسمانها و نه چیزی در زمین از حوزه قدرت او بیرون نخواهد رفت؛ او دانا و تواناست!

hasan ۷۹۴۷

Member

۲۳:۰۱ - ۱۰/۰۸/۱۳۹۵

أُولَئِكَ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارًا فِي الْأَرْضِ فَآخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ (غافر/۲۱)

آیا آنها روی زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنان بودند چگونه بود؟! آنها در قدرت و ایجاد آثار مهم در زمین از اینها برتر بودند؛ ولی خداوند ایشان را به گناهانشان گرفت، و در برابر عذاب او مدافعی نداشتند!

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَأَثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أُغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (غافر/۸۲)

آیا روی زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند چه شد؟! همانها که نفراشان از اینها بیشتر، و نیرو و آثارشان در زمین فزونتر بود؛ اما هرگز آنچه را به دست می آوردند نتوانست آنها را بی نیاز سازد (و عذاب الهی را از آنان دور کند)!

۴- پیرامون مدرنیته مطالبی فرمودید . به عنوان یک برادر کوچکتر اگر قابل بدانید یک توصیه به شما می کنم دستگاه فکریتان را با کلمات و اصطلاحات غربی که ترکیبی از (هلنیات (یونانی مابی) , اسرائیلیات (کتب تحریف شده بنی یعقوب) , و تثلیث مصر باستان و ...) چیدمان نکنید . ترمینولوژی (ریشه شناسی و دیرین شناسی کلمات) همه آنها اشکالات جدی دارد . خود دانشمندان طراز اول غرب به این امر خوب واقفند لذا تمرکز و توجه ها را به متدولوژی (روش شناسی) جلب کرده اند امروز فضای غالب در محافل فکری شون اصالت غایت اندیشی نیست یعنی با هدف غایی کار ندارند بلکه توجه و اصالت را صرفا روی بازتولید روشها گذاشته اند . مباحثی نظیر , علم برای علم , فلسفه برای فلسفه و ... خروجی این وضعیت است . لذا در مواجهه با کلام آنها همواره گارد خود (عقل و داشته های فرهنگی و تمدنی و حکمتهای خودی) را داشته باشید به همه مقدساتی که قبول دارید و قبول دارم , سوگند , که کاملترین ترمینولوژی فقط در دستگاه اندیشه قرآنی جمع شده است و محال است کسی بتواند در آن اشکال پیدا کند . لذا همه این تعارضاتی که وجود دارد به خاطر جدا بودن دستگاه فکری اسلام شیعی ولایی با سایر دستگاه های فکری است (یهودی , غربی , ...) و تا وقتی دو نفر از دو دستگاه فکری جدا با هم مکالمه می کنند حتما تعارضاتی پیدا می شود . و از طرفی به شما اطمینان می دهم که خداوند خالق علم (به معنای قرآنی اش) و ساینس (با مفهوم غربی اش) است و دین حق , هیچ تعارضی با علم ندارد . لذا علم ناب را در دین ناب و حق (و دستگاه فکری ای که ارائه می دهد) جستجو کنید .

۵- فرمودید " ... مردم با تعصب مذهبی پیروی می کنند " ۱- هگل کلمه ای را جعل کرده است به نام گاست مفهوم پیچیده ایست ولی با اغماض شاید بتوان گفت روح جامعه , اراده ای که سرجمع اراده های تک تک مردم است . که آن هم حاصل برآیند همه نیروهای وارد به اجتماع است . که یکی از آنها دین است . ۲- بین اسلام ناب و همه اسلامهای دروغین و مناسک غربی و شرقی و یهودیت و مسیحیت فرق قائل باشید ۳- قرآن دین (راه و روش زندگی)

بیرونی است دین درونی فطرت کمال جوی انسانهاست . حتی انسانی که هیچ پیامی از جانب پروردگار به او نرسیده باشد باز از روی فطرتش خوب را خوب می شناسد و تأیید می کند و بد را بد , لذا برای مردم , برای دین حق , برای عقاید و تعصبات و غیرتهای حق و به جا ارزش بیشتری قائل باشید.

۷۹۴۷hasan
Member

۲۳:۰۳ - ۱۰/۰۸/۱۳۹۵

در پاسخ به مخاطب عزیز بهروز ۶۷

۱- باور کن درس یعنی کپی کردن چیزی که دیگران تولید کرده اند و پیست کردن آن در ذهن و دستگاه فکری خود , یعنی کپی پیست مطالب حق و درست نه تنها بد نیست بلکه واجب است لذا با نگاه مسخره آمیز به آن نگاه نکن بنده هم که اعتراف کردم مطالب مربوط به پیوستها و آیات قرآن و ... را کپی پیست کرده ام , سندش , آدرسی است که ذیل اکثر آنها آورده ام ولی اولاً وقتی آنها را آورده ام یعنی آنها را تأیید می کنم و پایش می ایستم . شما نهایتاً می توانید نسبت به آنها نظر رد داشته باشید نه اینکه مدام بگوئید کپی , پیست ثانیاً , انصافاً نظریاتی که در حوزه فرضیه جایگزین زده شده است را قبلاً از کسی یا جایی شنیده بودید و ...

۲- در مقابل نظر شما " ادعاهای کذب خلقت‌گرایان علیه داروینیسیم " نظر ما این است " ادله منطقی و عقلی و وجدانی موحدان جهت ابطال فرضیه داروین "

۳- در مقابل نظر شما " نادیده گرفتن مدارک علمی (زمین‌شناسی، باستان‌شناسی، انسان‌شناسی، زیست‌شناسی، ژنتیک و ...) " اولاً رشته‌هایی که عنوان کردید ساینس هستند نه علم دوماً غلط را از هر راهی بروی غلط است لذا اتفاقاً بسیاری از دلایل رد داروینیسیم مربوط به این رشته هاست.

۴- در مقابل حرف " و با مراجعه به چند آیه/سوره‌ی مبهم از قرآن " به شما اخطار می کنم بنده نسبت به قرآن به شدت متعصبم و کوچکترین اهانتی به آن را به شدت پاسخ می دهم , لذا برای اولین و آخرین بارت باشد که نافرمانی خودت را از قرآن را با تهمت ابهام به قرآن رفع کنی . شما در پست های قبلی به شخص بنده بی حرمتی کردید . آیا از من بی ادبی پاسخ گرفتید ؟ لذا هر ایرادی دارید به عنوان سوال مطرح کنید بالاخره از جواب بنده یا قانع می شوید یا قانع نمی شوید و موضوع تمام می شود .(به هر حال اجازه ورود به خط قرمزها را ندارید).

۷۹۴۷hasan
Member

۲۳:۰۳ - ۱۰/۰۸/۱۳۹۵

ادامه پست قبلی

۵-- اگر منظورتان از محافل آکادمیک , مدرسه‌هایی است که درسهای ساینستیستهای ملحد غربی را باز نشر می دهند, اشکال ندارد, آنها آزادند هر چه می خواهند بگویند . هر وقت استادی پیدا کردید که در برابر نظریات آنها با جرات بگویند این هم نظر من (یا نظر ما) بنده به آن محافل آکادمیک احترام می گذارم.

۶- اینکه اسم هاوکینگ را آوردید , مخاطب محترم اگر قرار باشه بنشینیم تا هر چند وقت یکبار سران تمدن غرب یک چیز جدید بیرون بیارن و آن را بولد کنن که معذرت می خواهم ما باید بریم غاز بچرونیم . یک روز آناکسیمندر میگه اساس عالم بر ۴ چیز است آب و باد و خاک و آتش یک روز دیگه بطلمیوس می گه خیر, اساس عالم بر عدد و کمیت است یک روز دیگه ارسطو میگه خیر اساس عالم بر کلمه است لوگوس , و ... و امروز هم حرف ضد دین و ضد خداشون را در دهان این افلیج گذاشتن که بگو تئوری همه چیز (آخه یکی نیست بهش بگه تو

اول به وضعیت خودت نگاه کن بعد بیا راجع به همه چیز فرضیه بده . و البته این داستان همچنان ادامه دارد و آنها برای پر کردن ذهن نوه های شما با باطل ها و هدر دادن عمرها همچنان نقشه های جدیدتری می کشند . ولی مخاطبان عزیزم در مقابل خط انحرافی که فیلسوفان غربی و تابعان شرقیشان در معرفت بشری به وجود آوردند. سلسله انبیا و ائمه فقط یک کلام را تکرار کردند مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُمْ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُمْ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ(المائدة/۱۱۷)

من، جز آنچه مرا به آن فرمان دادی، چیزی به آنها نگفتم؛ (به آنها گفتم خداوندی را بپرستید که پروردگار من و پروردگار شماست! و تا زمانی که در میان آنها بودم، مراقب و گواهمان بودم؛ ولی هنگامی که مرا از میانشان برگرفتی، تو خود مراقب آنها بودی؛ و تو بر هر چیزی، گواهی!

۷- در باب برخورد های اسلامی به موضوع فرگشت نیز در صفحه ۱۳ کتاب " واکنش علمای اسلام تا به امروز در قبال فرضیه داروین " تحلیل جامعتری ارائه شده است.

۸- خدایا همه ما را به راه مستقیم (اقامه حق) هدایت کن . راهی که به روندگان آن نعمت داده ای (آنچه از نظر تو نعمت است نه از نظر ما) و نه راه روندگانی (معاندانی که با تو و سبیل تو عدو و دشمنی کردند) که به آنها غضب کرده ای و نه راه حیرانان و سرگردانان.

nikdoost
Member

۰۰:۳۵ - ۱۱/۰۸/۱۳۹۵

به hasan ۷۹۴۷ ؛

حرفهایتان را خلاصه کنید و بگوئید که دیدگاه غائی ی شما نسبت به فرگشت و خلقت نخستین انسان روی زمین چیست، فکر نمی کنم مخاطبان شما هم به منبر سنگین شما توجهی داشته باشند زیرا تقریباً همه ی حرفهایتان بی پاسخ می ماند، تا آنجا که بنده می دانم مخاطبان شما بخصوص آقای دبیر زاده؛ ید طولائی پیرامون این موضوع و این گفت و گو دارند اما بدین لحاظ که مطالبی که نوشته در جهت صدق گفتار شما نیست و ایشان به سادگی زیر بار حرفهای شما نمی روند و از طرف دیگر طول و تفصیل حرفهای شما از حوصله ی دیگران خارج است، چنانچه سخنان خود را درز بگیریید و هرچه می نویسید و هر نظری دارید خلاصه تر کنید و از کلمات قلمبه سلمبه احتراز کنید؛ افراد کم سوادى مثل بنده بهتر می توانند از دانش شما استفاده کنند و اگر ابهامی باشد با شما درمیان بگذارند، درضمن هیچوقت نباید فیلسوفان را در خطّ انحرافی فرض کرد، بدون تردید نظر فلاسفه در هر عصر و زمان موجه تلقی میشده و حد اقل مورد توجه واقع می شده که فیلسوفشان نامیده اند، ممکن است نظرات فلاسفه با نظرات همطرازان بعدیشان متفاوت و یا مغایرت داشته باشد ولی هرگز از طرف آنان متهم به انحراف نشده اند، وقتی صحبتی از فلاسفه به میان می آید، حق انتقاد منتفی است زیرا فرضیه های آنان در جمع سایر فرضیات محفوظ می ماند و گاهی و در مواردی مورد استفاده قرار می گیرد، شما مختارید قبول کنید یا قبول نکنید ولی فیلسوفان منحرف و یا به قول شما "در خط انحرافی" نیستند.

!آتیلآ آذربایجانی

Member

۲۲:۳۷ - ۱۱/۰۸/۱۳۹۵

برادر، ما ایرانیا یا بهتر بگیم ما مسلمونا همه چی رو به مسخره کشوندیم ، برادر نظریه ی داروین یک نظریه ی علمیه خب؟ بگو خب ، و قرآن یک متن دینیه ، قرآن از علم جداست و علم هم از قرآن جداست، نه اینکه ضد هم باشن، البته شاید گاهی هم ضد همدیگه باشن مثلا امروزه هر آدم عاقلی میدونه چیزی بنام هفت آسمون وجود نداره از نظر علمی ، در ضمن من کاری ندارم که شما فرضیه ی جدیدی ساختین یا نه، که باید این فرضیه شما قابل آزمایش باشه ، نه اینکه پاهاتو بذاری روی هم و به یک نقطه خیره بشی و نظریه ساطع کنی فلسفه که نیست فقط با براهین عقلی اثبات کنی باید قابل آزمایش باشه ، درضمن اگه میخوای کار علمی انجام بدی باید کارت علمی باشه نه چیز خرافاتی شما به من نشون بدید کدوم ساینتیستی تو دنیا میاد از کتاب مقدسش یک سری فرمول استخراج کنه کدوم منجمی میاد سرعت نور رو از کتاب مقدسش استخراج کنه ؟ ولی ما مسلمونا متاسفانه همه چی رو ربط میدیم به کتاب مقدس حالا میخواد به هر قیمیتی باشه

۷۹۴۷hasan
Member

۰۱:۱۴ - ۱۲/۰۸/۱۳۹۵

با سلام و عرض ارادت خدمت کاربر محترم نیکدوست

۱- به خدا شرمنده ام که مجبورم زیاد توضیح بدم . گاهی یک جمله شبهه ناک یک کتاب برای جواب نیاز دارد.
۲- اگر کتاب را با دقت بیشتری مطالعه کرده باشید متوجه می شوید که از لا اله (آنتی داروینیسم) می خواهیم برسم به الا الله مطالب قسمت اول را عمدتا از منابع کریشنیست ها غربی اقتباس کرده ام که در غرب سالهاست معرکه ای بزرگ علیه داروینیستها به پا کرده اند .و مطالب قسمت دوم که فرضیه جایگزین است با اقتباس از مهمترین منبع در دسترس و تحریف نشده عالم غیب یعنی مادر همه کتابها، قرآن کریم در غالب نظریات و برداشتهای نوینی ارائه گردیده است.

۳- بابت منبر سنگین مجدد عذر خواهی می کنم ولی یاد گرفته ام از امتحاناتی که الله سر راهم می گذارد(ابهامات مخاطبان) سرسری رد نشم.

۴- اینکه به حرفهایم پاسخ داده شود یا نشود ،فرع مسئله است تکلیف بنده ارائه پاسخ در حد وسعی است که الله به من داده

۵- اتفاقا به نظر من آقای دبیر زاده مخالف داروینیسم (حداقل به بیان فعلی اش) است. ولی بنده موظفم تحلیل خودم را از منظر خودم ارائه دهم . باقی اش عقل و محکمه وجدان فردی و جمعی شما و ارجاع امور الی الله است.

۶-مجدد معذرت می خواهم که حوصله شما را سر آوردم و از خداوند استغفار می طلبم.

۷-در مورد درز گرفتن سخنانم و ... به روی چشم در حد توان

۸-در مورد کلمات قلمبه و سلمبه جسارتا عرض می کنم برای هر کاری ابزاری لازم است در علوم انسانی کلمات بار مفاهیم را به دوش می کشند ابتدای انجیل یوحنا آمده " ابتدا کلمه بود و غیر کلمه هیچ نبود" این عبارت را نه به عنوان تصدیق بلکه برای این گفتم که جایگاه کلمه و واژه ها را در مباحث علوم انسانی یاد آور شوم لذا وقتی سطح بحث بالا می ره ،مجبوریم.

۹-در مورد سواد عرض کنم ، سواد از ریشه سود یعنی سیاه کردن است و جایگاه عقل و دریافت های وجدانی و فطری بسیار بیشتر از سواد اندوختن است (که بسیاری مواقع كَمَثَلِ الْجِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا) لذا دوست عزیز بسیاری از پیرمرد پیرزنهای بی سواد(برای نمونه) را می تونی پیدا کنی که رستگارانند ، دلشان آرامه و بسیاری از اساتید فوق فوق دکتري را هم می تونی پیدا کنی که احساس بدبختی می کنند و نا آرامند . لذا شما به جدلها و تو سرهم

زندنیهای ما نگاه نکن ببین هر جا دلت آرام می گیره عقل و فطرت و روح و تمام وجودت به صداقت آن گواهی می ده آنجا برو و آن حرف را قبول کن باور کن هیچ بهشتی بهتر از آن نیست.

۱۰- هر ابهامی دارید مصداقی بفرمایید که اگر خدا لیاقت پاسخ دادن آن را به من داده باشد خدمتتان عرض کنم.
۱۱- در مورد اینکه فرمودید "هیچوقت نباید فیلسوفان را در خط انحرافی فرض کرد" بنده این تابو را می شکنم و آنها را که به الحاد خود معترفند و بلکه مفتخرند و وضعیت اسفبار جهان امروز ما محصول افکار آنهاست، منحرف می نامم. البته شما می توانی نظر موافق نسبت به آنها داشته باشی و به حکم و فتوا یا نظر آنها عمل کنی ولی بدان یکی از کارکردهای قیامت این است که همه طرفهای درگیر بالاخره می فهمند حق با کی بوده و کی اشتباه می کرده. لذا نهایتش این است که تا آن موقع صبر کنیم، ولی وای به حال بازنده آن روز.

۱۲- در مورد "بدون تردید نظر فلاسفه در هر عصر و زمان موجّه تلقی میشده و حد اقل مورد توجه واقع می شده که فیلسوفشان نامیده اند" با اینکه فلسفه را قبول ندارم ولی در ابطال حرف شما (چون فلاسفه را قبول دارید) به کوجیتو دکارت استناد می کنم که می گه من شک می کنم پس هستم. لذا بنده هم به جمله ای که گفتید شک می کنم تا هست بشم.

۱۳- در مورد "ممکن است نظرات فلاسفه با نظرات همطرازان بعدیشان متفاوت و یا مغایرت داشته باشد ولی هرگز از طرف آنان متهم به انحراف نشده اند،" زمین فلسفه الحاد است و اثلا دلیل وجودی فلسفه تلاش حاکمان اعصار برای قرار دادن بدیلی در برابر حکمت رسیده از انبیا و رسل بوده است. از طرفی شاخص حق و باطل (درستی و غلطی) قضاوت فلاسفه بعدی نیست لذا کور کجا تواند عصاکش کوری دگر شود.

۱۴- در مورد "وقتی صحبتی از فلاسفه به میان می آید، حق انتقاد منتفی است" دوست خوبم امروز در عصری زندگی می کنیم که جوانان و نوجوانان با خواندن ۲ کتاب از نیچه به نهیلیسم (پوچی) می رسند و برای اینکه اعتقاد خود را به دیگران ثابت کنند خود را از بالای پل پرت می کنند پایین. حاکمان جور در اعصار گذشته حق انتقاد را برای خود نسبت به اکثر انبیا و رسل منتفی نمی دیدند تا حدی که آنها را سر می بریدند و برای ترساندن دیگران به فجیع ترین شکل می کشتند. همه ائمه شهید شدند لذا شما دوست عزیز هم حق انتقاد را برای خودت منتفی ندان. تو حق داری نسبت به عمر و زحمتی که در راه حرفهای آنها می کشی از آنها بازخواست کنی.

- ۱۵

۱۶- در مورد "شما مختارید قبول کنید یا قبول نکنید ولی فیلسوفان منحرف و یا به قول شما "در خط انحرافی" نیستند." بنده از شما تشکر می کنم که مختار بودنم را تأیید کردید و به همین خاطر بنده هر غیر مومنی را چه کافر، چه مشرک، چه تثلیثی، چه منافق، چه ناکث (پیمان شکن)، چه مارک، چه صائبی، چه خورشید پرست، چه آتش پرست، چه گاوپرست، چه آلت پرست و ... همه اینها را منحرف می دانم.

۷۹۴۷hasan

Member

۰۱:۱۵ - ۱۲/۰۸/۱۳۹۵

در جواب آقای آذربایجانی

۱- برادر در جامعه ۸ میلیاردی جهان، فقط در ایران ۸۰ میلیونی ما (۱ درصد جمعیت دنیا) میشه به این راحتی از خدا و حق خدا حرف زد، لذا به ایرانی بودن خودت افتخار کن.

۲- اینکه گفتید " ما مسلمانا همه چی رو به مسخره کشوندیم " عرض کنم اسلام بعد از پیامبر تا به امروز به بیش از ۷۲ فرقه تقسیم شده نمی دانم شما از کدام فرقه اید که همه چی را به مسخره گرفته اید ولی به شما اطمینان می دهم جدی تر از پرداختن به کلام الله هیچ کلامی نیست.

۳- فرمودید " برادر نظریه ی داروین یک نظریه ی علمیه خب؟ بگو خب ، " اجازه بدهید بگویم خیر ، داروینیسیم فرضیه است در حوزه ساینس که هنوز با حس و تجربه اثبات نشده که به نظریه تبدیل شود . کلمه مقدس و قرآنی علم را به جای ساینس غربی به کار نبرید . ساینس محدود و محصور به حواس پنجگانه است در حالیکه علم علاوه بر آن حوزه غیب (ماوراء طبیعه و ...) را نیز شامل می شود.

۴- فرمودید " و قرآن یک متن دینی " قرآن تنها منبعی از کلام الله است که مطمئنیم تحریف نشده لذا آن را با هر فرقه ای به نام دین با هر نوع متن تحریف شده قیاس نفرمائید.

۵- فرمودید " قرآن از علم جداست و علم هم از قرآن جداست " خیر دوست عزیز در قرآنی که ۴۸۴ بار از علم ، ۴۹ بار از عقل ، ۱۹ بار از فکر با مشتقاتشان یاد شده است قبول بفرمائید . علم و قرآن قابل تفکیک از هم نیستند . ولی اگر منظورتان تفکیک قرآن از خط فلسفه باشد تائید می کنم اگر منظورتان تفکیک قرآن با ساینسیسم باشد باید بگویم ساینس یک جزء از علم می باشد که با حواس ۵ گانه و تجربه مادی قابل فهم می باشد.

۶- فرمودید " نه اینکه ضد هم باشن، البته شاید گاهی هم ضد همدیگه باشن " در علوم انسانی کاملاً ضد هم هستند و در علوم طبیعیات و تجربی (فنی و ریاضی و فیزیک و شیمی) و به طور کلی علوم خلقی کاملاً با هم منطبقند یعنی دین هیچگاه ادعا نکرده مثلاً قوانین ریاضی و فیزیک و شیمی من غیر از آنی هست که الان داره کار می کنه اتفاقاً بر عکس فلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا (فاطر/۴۳) هرگز برای سنت خدا تبدیل نخواهی یافت، و هرگز برای سنت الهی تغییری نمی یابی! هر قانون و فرمولی که درست کار می کند سنت خداست و چون سنت خداست زمان و مکان، آن را تغییر نمی دهد مثال نیروی جاذبه میلیاردها سال وجود داشته ولی نیوتن فرمول آن را با جرم ، کشف کرد . نباید تلقی شود نیوتن خودش آن جاذبه را به وجود آورده ، یا چون نیوتن گفته $f=mg$ پس الا و لابد همه اجسام باید از آن تبعیت کنند .خیر چون سنت الهی از ابتدای خلقت اینگونه بنا و ثابت شده است نیوتن توانست با آزمایشات مختلف آن را پیدا کند . لذا خیالتان راحت نه قرآن با علم مشکل دارد و نه علم با قرآن . البته شیطان و کارگزاران جنی و انسی اش در علوم انسانی با ریشه فلسفه با قرآن به شدت مشکل دارند.

۷- فرمودید " مثلاً امروزه هر آدم عاقلی میدونه چیزی بنام هفت آسمون وجود نداره از نظر علمی " عزیزم زمین ما یک عضو کوچک از منظومه شمسی است که آن هم جزئی کوچک از کهکشان راه شیری که آن هم جز کوچکی از یک ... و ما (جامعه بشری) با همه ادعاهامون در ساینس از مریخ آن ور تر نرفتیم چطور شمای عاقل با این یقین می گوید هفت آسمان نداریم .

۸- فرمودید " که باید این فرضیه شما قابل آزمایش باشه ، نه اینکه پاهاتو بذاری روی هم و به یک نقطه خیره بشی و نظریه ساطع کنی " برادرم فرضیه جایگزینی که بنده ارائه دادم چیزی نیست جز ربط و ارتباطات بین داده هایی که ۱۴ قرنه در قرآن خفته بوده، اول کتاب هم اتمام حجت کردم که این کتاب برای کسانی که به غیب (وجود اشیا، موجودات و روابطی خارج از حواس ۵ گانه قابل درک نوع انسان)ایمان ندارند کاربردی نداره .بنده ادعای ساینسیستیک نکردم که آزمایش برای آن ارائه بدم . در مورد قسمت دوم سخنانتان هم مطمئن باشید هیچکس به آن روش قادر به ساطع کردن نظریه نیست.

۹- فرمودید " فلسفه که نیست فقط با براهین عقلی اثبات کنی باید قابل آزمایش باشه " ببخشید متوجه نشدم الان شما فلسفه را بزرگ کردی یا کوچک کردی به هر حال بنده با خط فلسفی که با سوال در مورد وجود ، خودشان را سر کار گذاشتن مخالفم و به جایش با حکمت (قرآنی) که در مورد حضور خدا و ترتیبات اداره عالم و ... بحث می

کنه حال می کنم . لذا کاربرد کلمات قرآنی ، برهان ، عقل ، ثبت (اثبات) در مورد فلسفه التقاط است و التقاطی فکر کردن خیانتی بزرگ به اسلام و مسلمین است .

۱۰- فرمودید " درضمن اگه میخوای کار علمی انجام بدی باید کارت علمی باشه نه چیز خرافاتی " اجازه دهید قضاوت در مورد اینکه شما این کتاب را غیر علمی و خرافاتی تلقی می کنید و احیانا نقطه مقابل آن را (یعنی داروینیسیم) علمی و حقیقت تلقی می کنید به سایر مخاطبان و رای اکثریت موکول کنیم و نتیجه هر چه شد طبق دموکراسی ای که حتما به آن معتقدید(چون اتفاقا بنده با آن هم مشکل دارم) پای بند باشیم.

۱۱- فرمودید " شما به من نشون بدید کدوم ساینتیستی تو دنیا میاد از کتاب مقدسش یک سری فرمول استخراج کنه " اولاً دنیا را اینقدر بزرگ نبینید یک فیلسوف یهودی میگه : بزرگترین افتخار یهود این است که امروزه مردم دنیا یهودی می اندیشند . ببخشید بیشتر توضیح نمی دم، این جمله ، اندازه ۱۰ کتاب مطلب داره .

شما به من نشون بدید کدام ساینتیستی (در علوم انسانی) رستگار شده است یعنی خانواده دارد و پدر و مادر دارد ، لقمه حلال سر سفره اش می بره ، آزاد منشانه روبه روی ظلم قیام می کنه و ... تا بعدش من به شما بگم شرط اول ساینتیست شدن (در علوم انسانی) اینه که روی دین و کتاب مقدس خط بکشی. در مورد فرمولهای عالم خلق (با اغماض ریاضی و فیزیک و شیمی) عرض شد که همه آنها سنت الهی هستند و چون قائم به اراده او هستند کار می کنند . نه اینکه چون این فرمولها کار می کنند پس حتما خدایی نیست.

۱۲- فرمودید " کدوم منجمی میاد سرعت نور رو از کتاب مقدسش استخراج کنه ؟ " ۴۰۰ سال قبل از گالیله ابوریحان بیرونی شیعه گرد بودن زمین را با فرمولهای دقیق ریاضی اثبات کرده بود (چه بسا گالیله که کشف گرد بودن زمین را به نام خود ثبت کرده از ایشان کپی برداری کرده با منابعی که بعد از رنسانس از کشورهای اسلامی جمع کردند)

به هر حال کتاب و عترت دو منبع هدایت بشر به سوی تعالی و کمال هستند که مباحث تکنیکی عالم خلق، همچون مثالی که زدید خیلی کوچکتز از آن هستند که ادله تحقیر و تمسخر کتاب مقدس بشوند . در ضمن از بین پیامبرانی که کتاب داشته اند تنها قرآن دست نخورده باقی مانده است لذا هر کتابی مقدس نیست.

۱۳- فرمودید : " ولی ما مسلمونا متاسفانه همه چی رو ربط میدیم به کتاب مقدس حالا میخواد به هر قیمیتی باشه " جواب ما که هنوز نفهمیدیم شما از کدام فرقه مسلمانها هستید ولی " فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَأَعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (المائدة/۱۳)

ولی بخاطر پیمان شکنی، آنها را از رحمت خویش دور ساختیم؛ و دلهای آنان را سخت و سنگین نمودیم؛ سخنان (خدا) را از موردش تحریف می کنند؛ و بخشی از آنچه را به آنها گوشزد شده بود، فراموش کردند؛ و هر زمان، از خیانتی (تازه) از آنها آگاه می شوی، مگر عده کمی از آنان؛ ولی از آنها در گذر و صرف نظر کن، که خداوند نیکوکاران را دوست می دارد!" در مقابل ۱۲۴۰۰۰ پیامبر و ۱۲ امام بر حق و ۶۳ زعیم که همگی می گفتند کلام الله (و نه کلام من) ، عده ای از معاندان هم بدیل فلسفه را رو کردند تا نور آن را خاموش کنند با این تفاوت که کلام هر کدام آنها دعوت به من (حدیث نفس) و منیت و ... بوده است . و هیچ دو فیلسوفی یک حرف را نزده اند لذا افتخار مسلمان شیعه ولایی این است که دار و ندارش را از قرآن بگیرد و با آن مانوس و محشور باشد والسلام

Khwanirath
Member

۰۵:۲۴ - ۱۲/۰۸/۱۳۹۵

نقل قول از آتیلا آذربایجانی:

"البته شاید گاهی هم ضد همدیگه باشن مثلا امروزه هر آدم عاقلی میدونه چیزی بنام هفت آسمون وجود نداره از نظر علمی"

عدد در قرآن کریم، نشانه کثرت است نه اینکه تعداد دقیق آن مورد توجه باشد. چند نمونه تقدیم می کنم.

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ-القدر ۳

شب قدر از هزار ماه ارجمندتر است-ترجمه فولادوند

این به معنای این نیست که شب قدر از هزار و یک ماه ارجمندتر نیست. به این معناست که از ماه های زیادی ارزش بیشتری دارد و نه دقیقاً عدد هزار. مثال دوم

اسْتَغْفِرُ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرُ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرُ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ-التوبه ۸۰

چه برای آنان آمرزش بخواهی یا برایشان آمرزش نخواهی [یکسان است حتی] اگر هفتاد بار برایشان آمرزش طلب کنی هرگز خدا آنان را نخواهد آمرزید چرا که آنان به خدا و فرستاده اش کفر ورزیدند و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی کند-همان آیا اگر رسول الله برای ایشان هفتاد و یک بار آمرزش می طلبیدند آمرزیده می شدند؟ اینجا هم "هفتاد" به معنی "زیاد" است. مثال دیگر "وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ-لقمان ۲۷" و اگر آن چه درخت در زمین است قلم باشد و دریا را هفت دریای دیگر به یاری آید سخنان خدا پایان نپذیرد قطعاً خداست که شکست ناپذیر حکیم است-همان اگر هشت دریا افزوده گردد چگونه؟ سخنان خدا پایان می پذیرد؟ البته که نه. هفت هم نماد کثرت می تواند باشد.

اما از کجا بدانیم که هفت آسمان هم همین طور است؟ در سوره نوح از زبان حضرت نوح رحمه الله تعالی می فرماید

أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا-نوح ۱۵

مگر ملاحظه نکرده اید که چگونه خدا هفت آسمان را توبرتو آفریده است-همان

معاصرین نوح نبی علیه السلام که می توانستند بگویند: کجا بالای سر ما هفت تا آسمان است؟ چرا ما نمی بینیم. در همین آیه هم از "تروا" یعنی دیدن صحبت می کند. پس هفت آسمان قابل دیدن است. همانطور که عرض شد، عدد گاهی در قرآن نماد کثرت است. هفت آسمان هم به این معناست که یک فضای وسیع از آسمان بالای سر شما گسترده شده است. نه اینکه "هر آدم عاقلی میدونه چیزی بنام هفت آسمون وجود نداره از نظر علمی". اگر "هر آدم عاقلی" به زبان عربی شناخت داشته باشد می فهمد "هفت آسمون وجود داره" از نظر کلامی.

ان شاءالله که کلام خداوند متعال را خلاف علم ندانیم. دانای آسمان ها و زمین مگر خلاف علم هم سخنی می گوید؟

Behruz ۶۷

Member

۰۷:۵۷ - ۱۲/۰۸/۱۳۹۵

"نقل قول از hasan ۷۹۴۷:

۴- در مقابل حرف " و با مراجعه به چند آیه/سوره‌ی مبهم از قرآن " به شما اخطار می‌کنم بنده نسبت به قرآن به شدت متعصبم و کوچکترین اهانتی به آن را به شدت پاسخ می‌دهم لذا برای اولین و آخرین بارت باشد که نافیمی خودت را از قرآن را با تهمت ابهام به قرآن رفع کنی . شما در پست های قبلی به شخص بنده بی حرمتی کردید . آیا از من بی ادبی پاسخ گرفتید ؟ لذا هر ایرادی دارید به عنوان سوال مطرح کنید بالاخره از جواب بنده یا قانع می‌شوید یا قانع نمی‌شوید و تمام . "

هر چند انسان خداناباوری هستم ولی عادت به اهانت به ادیان و در اینجا قرآن ندارم، ذکر «مبهم» در واقع به تلاش‌های غیرعلمی شما در ارجاع به قرآن بازمی‌گردد و گرنه من هم مانند خیلی‌های دیگر خط تمایز جدی بین دین به مثابه‌ی امری شخصی بین یک نفر و خدای خود با علم به مثابه‌ی روش شناخت و درک جهان مادی دارم. اگر «نافه‌می» هم در بین باشد باز هم برمی‌گردد به افکار شما که با سماجت خاصی در پی آشتی دادن این دو موضوع هستید .

همچنین هیچگاه با افراد مشکلی ندارم و حیطه‌ی خصوصی و فردی همه برایم محترم و باارزش است، و درصدد شخصی کردن گفتگو ندارم. چیزی که تاب نمی‌آورم نظریات مغشوش و عقب‌مانده‌ای‌ست که در فوروم‌های عمومی ارائه می‌شود و بالطبع در حد توان خود به پاسخ‌گویی برمی‌خیزم. در صورتی که با برخورد به نظریات خود مشکلی دارید شاید بهتر است در محافل خصوصی به نشر آراء ضدعلمی خود ادامه دهید! در ضمن، زیاد خود را مبرا از توهین‌گویی ندانید که دانسته یا ندانسته برخی واژگان دل‌چرکین نیز بر زبان آورده‌اید، آن هم در اشاره‌ی مستقیم به افراد (فلج بودن هاو کینگ!).

اشاره با کپی / پست کردن مطالب نه از روی ریشخند و تمسخر بلکه در اشاره به شیوه‌ی جمع‌آوری مطالبی دارد که هر یک پاسخ‌های علمی خود را پیشاپیش گرفته‌اند و در مراجع معتبر علمی در صفحات اینترنتی به راحتی قابل دسترسی است. می‌توان روی هر یک از پیوست‌هایی که شما زحمت جمع‌آوری‌اش را کشیده‌اید مکث کرد و به گفت‌وگو نشست ولی در خاتمه هیچ یک از طرفین، صحبت طرف دیگر را نخواهند پذیرفت که امری عجیب نیست. بنابراین، نظریات ارائه‌شده در این صفحات صرفاً برای علاقمندانی است که به هر دلیلی این کامنت‌ها را پی‌می‌گیرند و بهتر است تا از هر دو طرف موضوع آگاه شوند.

در خاتمه، اگر نادانسته توهینی به شما روا داشته‌ام عذر می‌خواهم و روز خوبی برای‌تان آرزومندم.

padshah nashnas
Member

۱۱:۰۳ - ۱۲/۰۸/۱۳۹۵

کسی از امام ششم (ع) پرسید عقل چیست؟

فرمود چیزی است که به وسیله‌ی آن خدا پرستش می‌شود ، بهشت بدست آید ، آن شخص گوید:

پس آنچه معاویه داشت چه بود؟

فرمود آن نیرنگست ، آن شیطن است ، آن نمایش عقل را دارد ولی عقل نیست.

**

حسن بن جهم گوید:

از امام رضا (ع) شنیدم که می‌فرمود:

دوست هر انسانی عقل اوست و دشمن او جهلش

**

اسحاق بن عمار گوید:

امام صادق (ع) فرمود:

هر که عاقل است دین دارد و هر که دین دارد بهشت می رود. [یعنی هر که عاقل است بهشت می رود]
اینگونه حدیث ها زیاد است.

اما آقای ۷۹۴۷hasan

شما که داعیه ی پیروی از اسلام را دارید ، چرا با فلسفه دشمنی می ورزید؟
اصلا با این حساب نظر شما در باره فلاسفه اسلامی همچون بوعلی سینا ، فارابی ، سهروردی ، ملاصدرا و غیره
چیست؟ آنها هم کافر و بی دین بودند؟!

padshah nashnas
Member

۱۱:۴۲ - ۱۲/۰۸/۱۳۹۵

آقای ۷۹۴۷ hasan

شما فرمودید:

به کوچیتو دکارت استناد می کنم که می گه من شک می کنم پس هستم.
دوست عزیز!

آن کوگیتو (cogito) و می اندیشم پس هستم (cogito ergo sum)، هست نه آنی که فرمودید.
در ضمن خود دکارت در رساله اصول فلسفه می گوید:

با این همه باید توجه داشت که منظور من از شک ، استفاده ی عام از آن [در همه ی زمینه های زندگی]
نیست. شک را تنها در [اشتغال به تفکر و] نظاره ی حقایق باید به کار گرفت. زیرا روشن است که ما در امور زندگی
ملزم به پیروی از عقایدی هستیم که فقط به ظاهر حقیقی اند ؛ چون اگر غیر این باشد ، فرصت های اقدام ، اغلب ،
پیش از آنکه ما بتوانیم خود را از قید تردید های خویش برهانیم ، از دست می رود. و اگر فرصت های متعددی برای
اقدام در یک موضوع معین پیش آید ، با آنکه حقیقت هیچ کدام ، از نظر ما ، به ظاهر بیش از دیگری نیست ، عقل
حکم می کند یکی را برگزینیم. و چون این گزینش انجام شد ، چنان عمل کنیم که گویی به حقیقت آن یقین داشته
ایم. (رنه دکارت ، اصول فلسفه ، اصل سوم)
و فرمودید:

بسیاری اساتید فوق فوق دکتر هم می تونی پیدا کنی که احساس بدبختی بد بختی می کنند و نا آرامند ،
و گفتید: بسیاری از پیرمرد و پیرزن های بیسواد را هم می توانی پیدا کنی که رستگاران
دوست عزیز، فقط اینجا این جمله ی کاشف اصفهانی را نقل می کنم:

خوشا به حال آنکه کره خر آمد ، الاغ رفت [!]

در باره ی الحاد فلاسفه فرمودید:

اولا بسیاری از فلاسفه به خداوند ایمان داشتند،

دوما همانطور که امام ششم(ع) فرمودند:

هر که عاقل است دین دارد ، و هر که دین دارد بهشت می رود.

مطمئن باشید این فلاسفه ملحد اگر واقعا از روی عقل خدا را رد کرده باشند از بسیاری از دینداران جاهل دیندار
ترند.

سخن در جواب ردیه های شما بر فلاسفه بسیار است اما فعلا به همین بسنده می کنیم.

موفق باشید.

آتیلآ آذربایجانی

Member

۱۷:۳۶ - ۱۲/۰۸/۱۳۹۵

آقای hasan ۷۹۴۷

بنده میخوام چند تا مطلب بگم ، شما که زحمت نوشتن کتابی (که البته اگه اسمشو گذاشت کتاب) رو کشیدید جای تقدیر داره ، ولی حوزه ی تکامل یا همون فرگشت مبحثی از علم بیولوژی هستش که البته نظریه ی تکامل زیر بنای علم بیولوژی مدرن هستش ، بنده خودم تحصیلاتم مهندسی برق هست ولی به بیولوژی فوق العاده علاقه مند هستم، ولی شمایی که در حوزه ی بیولوژی کتاب نوشتید مطمئن هستم حتی یک کتاب بیولوژی عمومی همچون کمپبل یا سولومون رو نخوندید اگه فصل اول کتاب بیولوژی کمپبل رو ورق بزنید تو همون اول گفتن که نظریه ی تکامل زیر بنای بیولوژی امروزیه، برادر من نظریه تکامل یک فرضیه نیست بلکه نظریه هست ، همچون که گردش زمین به دور خورشید یک نظریه هست ، فک کنم با همت شما دوستان تو سال های آینده تو دانشگاه رشته ی بیولوژی اسلامی ، فیزیک اسلامی تاسیس بشه همونطور که اقتصاد اسلامی ، روانشناسی اسلامی به وجود آوردند ، اگه تخصصت بیولوژی نیست یا حداقل مطالعه نکردی جزوه ، مطلب و هیچی نذار، باشه ؟؟؟؟؟

دبیرزاده

Member

۲۲:۲۳ - ۱۲/۰۸/۱۳۹۵

اینکه کسی بخواهد پدیده ایی را با تنها استناد به کتابی ثابت کند چه کتاب بیولوژی "کمپبل" باشد و چه فرضیه داروین و چامسکی و چه انجیل و تورات و اوستا و...،فرقی نمیکند چون از خود هیچ دلیل و برهانی نیآورده است و عقل و توان بررسی و آزمون خودش را بکار نگرفته است و تنها کتابی را مقدس شمرده و دیگران را در پذیرفتن بی چون و چرای آن بایسته دانسته است ،

بیاد داشته باشیم که همه قانونها و فرضیه ها و اصل ها یی که در کتابهای درسی منتشر میشوند تنها برداشت و تفسیر بعضی انسانها از پدیده های طبیعی است ، بدیگر سخن ، در طبیعت چیزی همچون اصل و فرضیه و قانون نیست ، بلکه پژوهش گر میکوشد تا پدیده های طبیعی را طبقه بندی کند و آنها را با روشها آزمون قانونمند نشان بدهد تا بتواند آن پدیده ها را اندازه ایی برای اندیشه مردمی فهمپذیر بگرداند ،

نمونه : در طبیعت شماره-۰- و یا شماره ها منفی ، را نمیتواند ثابت کرد ، و اینکه آنها در فرمولهای ریاضی بکار میروند دلیل بر آن نیست که طبیعت نیز بایستی از شمارگان فرضی صفر و یا شمارگان منفی پیروی کند ، در حالیکه پدیده های طبیعی برای همگان روشن است و نیازی به مغلطه و سخنپردازی نیست

اگر شما مذهبی باشید ، خدا هیچ توان واندامی را بیهوده نیافریده است و اگر به ما عقل داده است آن را برای بکار بردن در فهم و بررسی پدیده ها داده است ، پس اگر خدا را دوست دارید و خدا خواه اید ، همان عقل خدادادی را همچون اندامی باید درست بکار برد و نیازی به استناد به نوشته های مقدس و تاریخی (هر چند که آنها را گرمی میداریم) نیست.

و اگر کسی به مذهبی پایبند نباشد ، او نیز باید توان منطقی و عقلی خودش را چنان پرورش دهد که بی نیاز از استناد به نوشته های دیگران بتواند پدیده ها را توجیه و بررسی کند .

فرضیه داروین و فرگشت یا درست است و یا نادرست است ، چرا هموطنان چه مذهبی و چه مدرنیست ، نمیکوشند تا با عقل خود و دلیل های روشن و منطقی در اثبات و رد آن بکوشند؟

۷۹۴۷hasan

Member

۲۳:۵۴ - ۱۲/۰۸/۱۳۹۵

سلام مجدد خدمت همه دوستان

با تشکر از کاربر محترم Khwanirath که مطلبی را به ما آموختند و اما در جواب کاربر محترم آقای Behruz ۶۷ :

۱ - همه انسانها به کسی یا چیزی به عنوان خدا باور دارند از سنگ و چوب و مجسمه بگیر تا امروز که در غرب money is god or mind is god or لذا شما هم بین خدایت کیست یا چیست . ولی اگر منظورت این است که به خدای ۱۲۴۰۰۰ پیامبر و خدای ابراهیم و نوح و موسی و عیسی و محمد علیهم السلام و امام معصوم اهل بیت ع باور نداری لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (البقرة/۲۵۶) در قبول دین، اکراهی نیست. (زیرا) راه درست از راه انحرافی، روشن شده است. بنابر این، کسی که به طاغوت [= بت و شیطان، و هر موجود طغیانگر] کافر شود و به خدا ایمان آورد، به دستگیره محکمی چنگ زده است، که گسستن برای آن نیست. و خداوند، شنوا و داناست.

۲ - اینکه فرمودید " عادت به اهانت به ادیان و در اینجا قرآن ندارم " ۱- عزیزم إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ (آل عمران ۱۹) به درستیکه دین در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است. پس ما یک دین بیشتر نداریم و ادیان را کاسبان میراث انبیا باب کرده اند ۲- قرآن صاحب داره إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (الحجر/۹) ما قرآن را نازل کردیم؛ و ما بطور قطع نگهدار آنیم! لذا اگر قدرت مقابله با صاحبش را داری اهانت کن ۳- قرآن رسول بیرونی است عقل رسول درونی است و این ۲ کاملا با هم همپوشانند. لذا به عقل درون خودت مراجعه کن و هر مطلب غلط و باطل و اشتباهی را رد کن ولو از قرآن باشد وَلَوْ أَن قُرْآنًا سِيرَتَ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلَّمَ بِهِ الْمَوْتَىٰ بَل لَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا أَفَلَمْ يَأْسِ الَّذِينَ آمَنُوا أَن لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهْدَى النَّاسَ جَمِيعًا وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُم بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِّن دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْلِفُ الْمِيعَادَ (الرعد/۳۱) اگر بوسیله؛ قرآن، کوهها به حرکت درآیند یا زمینها قطعه قطعه شوند، یا بوسیل؛ آن با مردگان سخن گفته شود، (باز هم ایمان نخواهند آورد!) ولی همه کارها در اختیار خداست! آیا آنها که ایمان آورده اند نمی دانند که اگر خدا بخواهد همه مردم را (به اجبار) هدایت می کند (اما هدایت اجباری سودی ندارد!) و پیوسته بلاهای کوبنده ای بر کافران بخاطر اعمالشان وارد می شود، و یا بنزدیکی خانه آنها فرود می آید، تا وعده (نهایی) خدا فرا رسد؛ به یقین خداوند در وعده؛ خود تخلف نمی کند!

۳ - فرمودید " و گرنه من هم مانند خیلی های دیگر خط تمایز جدی بین دین به مثابه امری شخصی بین یک نفر و خدای خود با علم به مثابه روش شناخت و درک جهان مادی دارم " اجازه دهید بنده جزء آن خیلیهای دیگر نباشم ، شاید آن خیلیها همگی بخوان برن تو دره یا بخوان برن جهنم یا بخوان خودشان را از مهمترین کتاب دنیا محروم کنند آیا من هم باید از آنها تبعیت کنم ؟ بنده هیچ تمایزی بین کلام خدا و راه خدا (دین) و علم (به معنای قرآنی آن نه الزاما ساینس) و عقل سالم نمی بینم و دین من هم شخصی نیست و در جامعه به همه احکام جماعت (جمعیتی که امام دارد) پایبندم و لذا زندگی بورژوازی پیش ما اعتباری ندارد.

ادامه پست قبلی

-فرمودید " اگر «نافهمی» هم در بین باشد باز هم برمی‌گردد به افکار شما که با سماجت خاصی در پی آشتی دادن این دو موضوع هستید." فرض کنید بنده نا فهم هستم , مطمئن باشید هرگز مثلا پیچ نمره ۱۴ به مهره نمره ۸ نمی‌رود, هرگز سیب به جای افتادن به سمت زمین به طرف آسمان پرتاب نمی‌شود و ... قوانین الهی برای دنیا ثابتند چیزهایی که با هم ممزوج هستند را هر کاری کنید از هم جدا شود نمی‌توانید علم کلمه ای قرآنی است که حداقل ۱۴۰۰ سال قدمت دارد و بارها در قرآن به آن استناد شده و ساینس غربی که خائنان در کشور آن را به علم ترجمه کرده اند , حداکثر ۴۰۰ سال قدمت دارد لذا هموطن عزیز علم و دین با هم هستند.

۵- بابت سماجت هم اگر موجب تکدر خاطرتان شده از شما عذر می‌خواهم.

۶- فرمودید " همچنین هیچگاه با افراد مشکلی ندارم و حیطةی خصوصی و فردی همه برایم محترم و باارزش است " بنده برعکس شما " انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم و ولی لمن والاکم و عدو لمن عاداکم اهل البيت (ع) " با کسانی که با دین اهل بیت (ع) در سلم و آشتی اند آشتی ام و با کسانی که با آن در حرب و دشمنی اند دشمنم و با دوستداران اهل بیت دوستم و با دشمنان آنها دشمنم تا چقدر خداوند لیاقت دهد.

۷- فرمودید " چیزی که تاب نمی‌آورم نظریات مغشوش و عقب‌مانده‌ایست که در فوروم‌های عمومی ارائه می‌شود " اگر منظور تکثر آرائی است که مدرنیست‌ها دارند (به سبب اینکه به نسبییت در همه چیز قائلند) بنده هم موافقم ولی اگر منظورتان حرفهای بنده است , به استحضار می‌رسانم هر جایی از این حرفها مخالف قرآن و عقل (سالم) بود را خط بزنید اشتباه بنده است و اگر نه حرفی که ۱۲۴۰۰۰ نبی و ۱۲ امام معصوم به خاطرش همه هستیشان را دادند همواره یکی بوده یکی هست و یکی خواهد بود کَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا (توبه ۴۰) و سخن خدا (و آیین او)، بالا (و پیروز) است؛ و خداوند عزیز و حکیم است!

-فرمودید " شاید بهتر است در محافل خصوصی به نشر آراء ضدعلمی خود ادامه دهید!" دوست عزیز می‌دانید ۸۵ درصد محافل عمومی اینترنت (۸۵ درصد حجم ترانسفر دیتای اینترنت) در جهان به چه کاربری اختصاص دارد؟ (دانلود و آپلود پورن با لیستهای وحشتناک) بنده اصراری ندارم آرائم را , ولو به زعم شما ضد ساینس , بخوانید , شما هم می‌توانستید به جمع آن ۸۵ درصد در محافل عمومی اینترنتی بپیوندید .

توصیه می‌کنم به این موضوع از دید دیگری نگاه کنید شاید یکی از این حرفها یک جرعه ای در شما زد و هدف و مسیر زندگیتان را به سمت بهتر شدن تغییر داد.

-فرمودید " در ضمن، زیاد خود را مبرا از توهین‌گویی ندانید" می‌دانید خشم خدا را در قرآن کجا می‌توان متوجه شد جایکه با شدت لعن و نفرین می‌کنه لَئِن لَّمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا(الأحزاب/۶۰) اگر منافقان و بیماردلان و آنها که اخبار دروغ و شایعات بی‌اساس در مدینه پخش می‌کنند دست از کار خود بر ندارند، تو را بر ضد آنان می‌شورانیم، سپس جز مدت کوتاهی نمی‌توانند در کنار تو در این شهر بمانند! مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقُفُوا أَخَذُوا وَتَلَّوْا تَقْتِيلًا(الأحزاب/۶۱) و از همه جا طرد می‌شوند، و هر جا یافته شوند گرفته خواهند شد و به سختی به قتل خواهند رسید!

سُنَّةُ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا(الأحزاب/۶۲) این سنت خداوند در اقوام پیشین است، و برای سنت الهی هیچ‌گونه تغییر نخواهی یافت!

بنده خود را در شاخص توهین‌گویی به دشمنان خدا و دین و مردم بسیار پایین می‌دانم و از این بابت شرمندم ام.

۱۰ - فرمودید " آن هم در اشاره‌ی مستقیم به افراد (فلج بودن هاو کینگ!) ". به نظر شما اگر یک کور جسمانی ادعا کند من می توانم جراحی اعصاب بکنم شما به او اعتماد می کنید و مغز خود را در اختیار او قرار می دهید , وقتی یک فرد بدون پا ادعا کند من می خواهم در مسابقات دو صد متر , شرکت کنم آیا به او نمی خندید چرا !! این به معنی مسخره کرده این افراد نیست . به معنای تناسب تواناییها با تکلیف است . چون الله بهترین محاسبه گر است وقتی چشم نمی دهد , از آن بابت حسابکشی هم نمی کند و در ضمن در بعدی دیگر تواناییهای دیگر هم می دهد مثلا بنده در دوره دبیرستان معلم نابینایی داشتم که هزاران بیت شعر حفظ بود و ... آن عبارت را شما نسبت به موضوع بسنجید چطور یک نفر که حتی قادر نیست رفع حاجت خود را , خودش انجام دهد ادعا می کند که خدای احد و واحد , خدای همه انبیا و اولیا , خدای قبل و حال و بعد , قادر نیست جهان را خلق کند و بدون توجه به حرف سایر فلاسفه هم پارادایمش ادعا می کند , که تئوری همه چیز را کشف کرده . شنونده باید عاقل باشد.

۱۱ - فرمودید " مطالبی که هر یک پاسخ‌های علمی خود را پیشاپیش گرفته‌اند " عزیزم در مورد مطالب آنتی داروینیسیم , یک طرفه قاضی نرو هنوز دعوا جریان داره نهایت اینکه می توانی بگویی اساتید داروینیسیم غرب این جواب ها را داده اند و ...

در مورد hosnaism هم که این فرضیات تازه یک ماهه علنی شده هنوز خیلی ها نمی دانند که بخوان راجع بهش نظر بدن . لذا شب دراز است و قلندر بیدار

۱۲ - من هم بابت ابراز وجودی که در قالب نظرها تون ارائه دادید از شما تشکر می کنم.

در پاسخ به کاربر محترم padshah nashnas

۱ - بابت احادیثی که نقل فرمودید تشکر می کنم ولی به شخصه بهترین تعریف از عقل را حدیث حضرت رسول می دانم که فرمودند این کتاب قرآن ظاهر است و قرآن درون , عقل است . (قریب به مضمون)

۲ - اینکه احادیث عقلی را آوردید و بعد از دشمنی بنده با فلسفه یاد کردید برداشت می کنم که احتمالا شما عقل و فلسفه را یکی گرفته اید؟! در حالیکه عقل کلمه ای قرآنی است و ۴۹ بار در قرآن به کار رفته است و مدام خداوند ما را به آن تنبه می دهد حال آنکه فلسفه از ریشه philosophia واژه ای یونانی است که حتی یکبار هم در قرآن ولو به جهت انذار نیامده است , در تحقیقات جدید دیرین شناسی فهم , مشخص شده است که ریشه فلسفه از کیفیت و کمیت و لوگوس تشکیل شده و ... و مهمترین کارکردش این است که در برابر آیه های الهی , آرخه ارائه دهد به زعم یکی از دوستان فلسفه همان شجره خبیثه است که در قرآن ما را از آن پرهیز داده اند.

۳ - کلمه فلاسفه اسلامی غلط است . همیشه با اضافه کردن یک کلمه " اسلامی " پشت هر چیزی (هر مفهوم از غرب و شرق آمده ای) آن را اسلامی کرد به عبارت دیگر با اسلام مالی کردن مفاهیمی چون فلسفه , بانکداری و دانشگاه و فیزیک و ... ماهیت آنها به اسلامی تغییر نمی کند . اگر افرادی این کار را کردند به آن می گویند التقاط و امام فرمودند : التقاطی فکر کردن خیانتی بزرگ است به اسلام و مسلمین "

-بو علی سینا در آخرین کتابش اعتراف کرده که راه را اشتباه رفته و به جای پرداختن به قرآن خود را سرگرم فلسفه کرده است

دستگاه فکری ملاصدرا هم که در اسفار اربعه تجلی پیدا کرده ، ماخوذ از ارسطوی یونانی و معبد دلفی و ... است یعنی حرفی از داخل قرآن نیست ، بلکه حرفهایی است که در تقابل با هلیات وارداتی زده است و... من به زحمت همه آنها احترام می گذارم و آنها را جزئی از هویت فرهنگی و تمدنی خودمان ارج می نهم. ولی تابع رسول ظاهری(قرآن) و رسول باطن یعنی عقل هستم . چون باید روز قیامت حساب پس بدم لذا اولاً بیشتر از اینکه بخواهم به حرفها و برداشتهای آنها بپردازم به اصل کتاب قرآن رجوع می کنم ثانیاً مسائلی که من درگیر آنها هستم ، مسائل آنها و دوره آنها نیست ثالثاً هر جا با آنها به اختلاف نظر بخورم به رای خودم (و در موضوعات تخصصی به رای مرجع تقلید مربوطه) عمل می کنم بالاخره نا سلامتی ما در دوره اینترنت و انفجار اطلاعات هستیم زمان آن بنده های خدا یک صدم اطلاعات امروز در دسترسشان نبوده و ... اگر قرار باشه باز به همان حرفها رجوع کنیم که خیلی

..

۵- فرمودید " آنها هم کافر و بی دین بودند؟! " لطفاً مغلطه نکنید . بنده هیچگاه چنین جسارتی نکرده و نمی کنم . ولی من ، فقط نظر خودم را دارم ، آیا این جرمه کسی نظری مخالف آنها داشته باشه شما هم نظر خودت را داشته باش هیچ اشکالی ندارد . جهت و هدف خدا باشه از هر راهی به آن رسیدی درسته .

۶- در مورد لفظ کوجیتو یا کوجیتو بنده دعوی لفظ ندارم ولی در کتب مختلف از هر دو استفاده شده ، اثلاً آنیکه شما می گوئید ، شما به کارکرد آن توجه کنید .

۷- در مورد اشکالی که گرفته بودید : " دکارت می گوید: «در هر چیزی اگر شک کنم خواهم گفت ولی در خود اندیشه نمی توانم شک کنم» و می اندیشم پس هستم " بنده مستقیم فهوی کلامش را زدم اینک : شک می کنم پس هستم برای اطلاعات بیشتر به نقد دینانی از فلسفه دکارت مراجعه شود .

۸- در مورد اینکه به بنده تفقد فرمودید و از زبان کاشف اصفهانی گفتید " خوشا به حال آنکه کره خر آمد ، الاغ رفت " [!]

آیه زیر را تقدیم می کنم:

وَمِنْهُمْ مَنْ سَمِعَ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ يَرَوْا كَلِمًا آيَةً لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّى إِذَا جَاءَهُمْ يَجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (الأنعام/۲۵)

پاره‌ای از آنها به (سخنان) تو، گوش فرامی دهند؛ ولی بر دل‌های آنان پرده‌ها افکنده‌ایم تا آن را نفهمند؛ و در گوش آنها، سنگینی قرار داده‌ایم. و (آنها بقدری لجوجند که) اگر تمام نشانه‌های حق را ببینند، ایمان نمی آورند؛ تا آنجا که وقتی به سراغ تو می آیند که با تو پرخاشگری کنند، کافران می گویند: «اینها فقط افسانه‌های پیشینیان است!»

۹- در مورد رستگاری و نا آرامی هم فقط کافی بود به سطح فکر و علم سوال کننده توجه می فرمودید تا متوجه می شدید چرا مجبور شدم مثالی ساده بزنم . در ثانی مگر غیر از آن است، بگذارید صریحتر بگویم هیچ فیلسوفی رستگار نشده و نمی شود هیچکدام نتوانسته اند حتی یک خانواده درست کنند و اکثراً مقطوع نسلند فوکوو و خیلی های دیگه شان ، همجنس باز بودن ، فلسفه آنها، آنها را به آن درجه از انحطاط رساند ولی از این طرف چقدر براتون مثال بزنم پیرمرد و پیر زنهایی که بچه هایی تربیت کردن که شهید راه حسین و امام زمانشان و جامعه شان ، باشند این کجا و آن کجا .

۱۰- فرمودید " اولاً بسیاری از فلاسفه به خداوند ایمان داشتند، " لطفاً چند تاشون را نام ببرید با فقط یک جمله مومنانه از آنها که ثابت کند موحد بوده اند.

۱۱- با حدیثی از امام صادق - " هر که عاقل است دین دارد ، و هر که دین دارد بهشت می رود." و برابر هم قرار دادن فلاسفه با عاقل ، التقاط سنگینی کردید و خیانت بزرگی به اسلام و مسلمین مرتکب شدید از من گفتن بود...

۷۹۴۷hasan

Member

۲۳:۵۹ - ۱۲/۰۸/۱۳۹۵

ادامه پست قبلی

-فرمودید " مطمئن باشید این فلاسفه ملحد اگر واقعا از روی عقل خدا را رد کرده باشند از بسیاری از دینداران جاهل دیندار ترند." شما اگر با بنده مشکل دارید و می خواهید جاهل ببینید بسیار خوب اعتراضی ندارم . ولی تو را به خدا به خودتان رحم کنید بنده تنم لرزید، وقتی جمله اول شما را خواندم به کجا دارید می رید ، خدایا اهدنا الصراط المستقیم.

در پاسخ به کاربر محترم " آتیلا آذربایجانی "

۱ -هموطن عزیزم از توجهی که راجع به بیولوژی دادید تشکر می کنم ،لوژی در انتهای کلمات انگلیسی مثل بیولوژی ، سایکولوژی ،اپیستمولوژی و ... یعنی شناسی ، شناختن سازوکار مربوطه و بیو یعنی حیات زندگی
۲ -فرمودید " حوزه ی تکامل یا همون فرگشت مبحثی از علم بیولوژی هستش که البته نظریه ی تکامل زیر بنای علم بیولوژی مدرن هستش ،" ای کاش حرفی که داروین زده بود در همان حوزه بیولوژی می ماند و خفه می شد ولی حاکمان ظلم و جور غرب آن را از حوزه تخصصی خودش بیرون آورده اند و به همه حوزه ها تسری داده اند امروز بر نتایج باطلی که از فرضیه باطل داروینیسم گرفته شده کل نظامات اقتصاد داروینیستی و داروینیسم سیاسی و اجتماعی و فرهنگی را با مشخصه اصلی ، هر چیز غیر از لحاظ اثر خدای واحد تنظیم و عملیاتی کرده اند . مصیبت امروز بشر حاصل این است.

۳ -فرمودید " بنده خودم تحصیلاتم مهندسی برق هست ولی به بیولوژی فوق العاده علاقه مند هستم،" تبریک می گویم و توصیه می کنم به هیچ وجه خود را محصور تقسیم بندی های فعلی از دانشها نکنید امروز مطرح ترین نظریه ها و حرفها از فعالین و پژوهشگرهای میان رشته ای در می یاد،براتون آرزوی توفیق می کنم.

۴ -فرمودید " ولی شمایی که در حوزه ی بیولوژی کتاب نوشتید مطمئن هستم حتی یک کتاب بیولوژی عمومی همچون کمپبل یا سولومون رو نخوندید " دوست خوبم موضوعات فکری و علمی و کاری و سازمانی و . به ۳ سطح کلی استراتژیولوژی و تاکتولوژی و تکنولوژی تقسیمی می شوند موضوع این کتاب در سطح استراتژیولوژی است و هدفش بررسی موضوع داروینیسم از بالاترین جایی که می شود مشرف شد . و در این سطح باید اطلاعات وسیعی از اکثر رشته های دانشگاهی و ... داشت از طرفی مخاطب آن بیولوژیستها نیستند بلکه عامه جوانان از همه رشته هاست .

۵ -فرمودید " اگه فصل اول کتاب بیولوژی کمپبل رو ورق بزنید تو همون اول گفتن که نظریه ی تکامل زیر بنای بیولوژی امروزیه " خوب برادر من مگه بنده غیر از این گفتم که داروینیسم زیربنای بیولوژی و اکثر رشته های فعلی دانشگاههاست . و وقتی که ابطال این فرضیه ثابت بشه اکثر آنها دچار تحول می شوند.

۶ -فرمودید " برادر من نظریه تکامل یک فرضیه نیست بلکه نظریه هست ، همچون که گردش زمین به دور خورشید یک نظریه هست ،" عزیزم در خصوص فرق فرضیه و نظریه نظرات قبلی ام را مطالعه کنید اجمالا اینکه ادعای علمی (از نوع ساینس) اولش فرضیه است اگر مدعی توانست با آزمون و خطا و آزمایشات مختلف و تکرار و تجربه نتایج

مشخص و ملموس و قابل درک توسط حواس ۵ گانه (بینایی ، شنوایی ، بویایی، لامسه، چشایی) انسان ها ارائه دهد آن وقت تبدیل به نظریه می شه، داروینیسیم هنوز در سطح فرضیه است چون مدعیان آن در آزمایشگاههاشون هنوز نتوانسته اند، تبدیل نوع (از حیث ماهیت را ثابت کنند) و مثلا از نسل میمون انسانی را متولد کنند یا از یک نیای مشترک (حالا هر چیز) یک میمون و یک انسان متولد کنند و...

۷۹۴۷hasan

Member

۰۰:۰۰ - ۱۳/۰۸/۱۳۹۵

ادامه پست قبلی

-فرمودید " فکر کنم با همت شما دوستان تو سال های آینده تو دانشگاه رشته ی بیولوژی اسلامی ، فیزیک اسلامی تاسیس بشه همونطور که اقتصاد اسلامی ، روانشناسی اسلامی به وجود آوردند" عزیزم تو نظر قبلی نظرم را راجع به اسلام مالی کردن ساینس غربی گفتم . بنده این کار را باطل می دانم التقاط از سوی هر کس که باشد باطل است . نمی شود سر در دانشگاهی نام مبارک ائمه را زد ولی در داخلش محصولات ساینس غربی را درس دارد (حالا کار پژوهش علمی پیشکششون) رشته هایی به نام اقتصاد اسلامی و روانشناسی اسلامی و ... من در آوردی حجت الاسلام دکتر هاست . در علوم انسانی ، جعلیات در پارادایم دین و کلام خدا کاملا با جعلیات در پارادایم های فلسفی با اصل ماتریالیستی و ضد خدای واحد، فرق دارد لذا همیشه به هم خوراندش اما در علوم خلقی مثل فرمولهای فیزیک و شیمی و ریاضی و علوم فنی ، برق قدرت ، الکترونیک ، کنترل ، ابزار دقیق ، سخت افزار و ... سنت خدا تغییر بردار نیست یعنی چه توسط یک ساینست غربی یا شرقی یا مومن یا کافر یا ... کشف و به کار گیری بشه کار می کنه مثلا آب در ۱۰۰ درجه به جوش می یاد در همه جای جهان (اغماضا با لحاظ از سطح دریا) و ما در این امور با هیچ کافری دعوا نداریم لذا فرض شما در مورد بیولوژی اسلامی یا فیزیک اسلامی باطله.

۸ -فرمودید " اگه تخصصت بیولوژی نیست یا حداقل مطالعه نکردی جزوه ، مطلب و هیچی نذار باشه ؟؟؟؟؟ " عزیزم دغدغه من بیولوژی نیست دغدغه من انحرافی است که وضع جامعه بشری را به این حد از انحطاط رسانده و می خواهم با زدن مبانی نظری باطل، سیستمهایی که با آنها درست شده اند، را زیر سوال ببرم لذا حتما توصیه می کنم کتاب "تخصص" مرحوم شریعتی را بخوانید.

۹ - رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ پروردگارا! ما را تسلیم فرمان خود قرار ده! بقره ۱۲۸

ost

ember

۰۲:۱۰ - ۱۳/۰۸/۱۵

به ۷۹۴۷ hasan

به نظر بنده شما بیش از حد تند روی می کنید، به تمام فیلسوفان توهین می کنید و نظرات آنان را باطل و مردود می دانید، در حالیکه هیچکدام به دنبال نشر اکاذیب نبوده اند و همه ی آنها اندیشمندانی بوده اند که با همت والا خواهان کشف حقایق و اسرار طبیعت و خلقت بوده اند، بدین لحاظ می توان و باید گفت؛ فرضیه ها و دیدگاههای فلاسفه منشا پیدایش علم بوده است، علم فقط و تنها علوم اسلامی نیست، پیامبر اکرم یکی از توصیه های مهمش به جوامع اسلامی؛ " اطلبوا العلم حتی بالسنین " بوده، یعنی برای کسب دانش حتی به چین سفر کنید، کسب دانش در نظر پیامبر اسلام فضیلت به شمار می رفته، تردیدی نیست آغاز علم و حکمت در پرتو خدا شناسی شکل گرفته، اما همان هم با اهتمام و سعی فلاسفه بوده است، ابوعلی سینا، سهروردی، ملا صدرا، فخر رازی طبرستانی و صدها نفر دیگر از دانشمندان ایرانی، همه از بهترین فلاسفه ی مطرح در عالم بوده اند، آن دانشمندان خود تحت تاثیر فلاسفه

دیگر از سایر ممالک دنیا بوده اند، فرض کنید هم اینک تمام علوم و فنون غیر اسلامی و قرآنی را از مدارس و دانشگاهها و حوزه های علمیه و در نهایت از لابلائی افکار جامعه حذف کنیم، جز مکارم اخلاق و دروس الهیات و فقه و تعلیمات مذهبی چه چیزی باقی می ماند!، تحرک جامعه معطل می ماند، همه ی آثار علمی برخاسته از اذهان و مغز متفکران و دانشمندان است که در واقع بخشی از موهبات الهی ودیعه نهاده شده در وجود انسان است که به بندگان عطا گردیده، با سخنان شما مخالفتی ندارم، اما نمی شود، امثال داروین و یا فروید را جزو کسانی لحاظ کرد که غرض ورزی کرده اند، اگر یهودی هم بوده باشند و فرضیات آنان اگر باطل هم باشد قابل تامل است، زیرا در راستای خدمت به بشر و تنویر افکار دانش ورزان بوده و مخاطبانشان نیز اندیشمندان بوده و نه تحمیق عوام و باید در میان سایر براهین و فرضیات موجود محفوظ بماند، جنابعالی کار بسیار با اهمیت و خوبی انجام داده اید که با ادله ی مبسوط اسلامی به مقابله با فرضیات داروین مطالبی نوشته اید، این اقدام مستطاب شما نیز باید مورد توجه واقع شود، بخصوص که برای تدوین آن زحمت زیادی کشیده اید و بنده به نوبه ی خود قدر دانی می کنم، البته فرصت مطالعه ی آن را نیافته ام و فقط دیدگاههایتان را دیده ام.

عامیان کورند و بینا در جهان ... زمره ی ارباب فضل و دانش اند

وارث پیغمبران مرسلین حاملان علم و اهل بینش اند

حاصل این عبارات این است که باید علما و دانشمندان و فلاسفه را با یاد نیک خدمت کنیم و ارج نهیم، فرقی هم نمی کند یهودی یا نصرانی یا مسلمان باشند، ما عهده دار تعیین جایگاه در بهشت و جهنم برای هیچ کس نیستیم. خداوند رحمان تبارک و تعالی واقف به امور عالم است" و یعلم سرکم و جهرکم و یعلم ما تکسبون"

هیرکان

Member

۰۸:۵۳ - ۱۳/۰۸/۱۳۹۵

فرضیه داروین به هیچ روی نافی ذات باری تعالی نبوده و نیست و در هر حال داروین خالق و گرداننده ای را برای این مجموعه بی نظیر در نظر داشته است.

nikdoost

Member

۱۶:۴۵ - ۱۳/۰۸/۱۳۹۵

با عذر خواهی از دوستان محترم به خاطر جا افتادگی ی نیم بیت از شعری که در دیدگاه اخیر خود نوشته بودم، کامل آن؛

عجب نبود گر از قرآن نصیبت نیست جز نقشی

که از خورشید جز گرمی نیابد چشم نابینا

عروس حضرت قرآن نقاب آنگه براندازد

که دارالملک ایمان را مجرد بیند از غوغا

alizanjani

Member

۲۰:۲۰ - ۱۳/۰۸/۱۳۹۵

داروینیسم و خداناباوری(و حتی شکل تندتر آن یعنی ضدیت و مبارزه با دین) در روزگار ما به هم گره خورده اند. اتفاقی نیست که چهار نماینده برجسته "نوائتئیسیم" (که شوالیه های نوائتئیسیم نام گرفته اند) در عصر ما همگی

دیدگاهی داروینستی دارند. فرض پیوند این دو مفهوم باهم در حال تبدیل به یک ایدئولوژی است. البته ایدئولوژی ناقص! چرا که که صرفاً دارد خداوند و دین را "نفی" میکند و چیزی برای جایگزینی و جنبه "اثباتی" نمیتواند عرضه کند. "برایان اپل یارد" نقد ژورنالیستی ولی دقیقی بر این فرض (پیوند داروینیسم و خداناباوری) دارد که آقای محمود صدیقی آن را ترجمه کرده است. این مقاله جذاب را میتوانید در اینجا بخوانید.

۷۹۴۷hasan

Member

۰۱:۲۵ - ۱۴/۰۸/۱۳۹۵

با تشکر ویژه از آقای علی زنجانی بابت پیش کشیدن موضوع شوالیه های نئو آنتیسم و مقاله مربوطه که نگاه ایدئولوژیگونه به داروینیسم را بررسی می کند.

با تشکر از آقای نیکدوست بابت پاسخی که به کاربر هیرکان ارائه دادند و اما در پاسخ به پست اول آقای نیکدوست ای کاش همه دانشمندان دنیا اخلاق نرم و روحیه صلح طلب شما را داشتند ولی استاد بزرگوارم اگر جسارت بنده را به حساب بی ادبی ام نگذارید نکاتی را اعلام کنم

۱- منطق قرآن منطق حق و باطل است صفر و یک مثل دیجیتال حد وسط ندارد , به شهادت مراجع , از منطق حد وسط ارسطویی اعتدال در نمی یاد . منطق حد وسط جزئی از منطق فازی است مثال ما در عالم خلق شب شب شب یا روز روز روز نداریم بلکه جایگزین شدن شب و روز به یکدیگر با یک سیر بسیار ملایم صورت می گیرد مثال ۲ وقتی آب می خواهد به جوش بیاید درجه حرارتش بسیار ملایم از صفر درجه (با شاخص سانتی گراد) شروع می کند آرام آرام تا به ۱۰۰ برسد هر جا وسط این فرآیند یک درجه و دمایی دارد مثلا ۳۷ یا ۶۴ یا ۸۷ یا ... اما کامپیوتر منطقش دیجیتال یعنی صفر و یک است اگر در بیت الکترون جاری باشد یعنی یک و اگر در بیت الکترون جاری نباشد یعنی ۰ همه این داستان برای عالم خلق است برای عالم جعل داستان فرق می کنه و نباید این دو را با هم خلط کرد قرآن کتابی برای عالم جعل است . الله فقط حق را جعل می کند و اگر باطلی در دنیا وجود دارد کار ما انسانهاست . بین حق و باطل ما هیچ گزینه دیگری نداریم . اولش کمی پیچیده به نظر می یاد ولی اگر قواعد و قوانین عالم خلق را از عالم جعل تفکیک کنید کاملاً متوجه موضوع می شوید. مثال ماشین مکانیکی مال عالم خلق است و از قوانین آن تبعیت می کنه , به کافر و مومن هر کس که اصول رانندگی را بدانه , سواری می ده و ... این نکته ابهام خیلی از مدرنیستها و سکولار ها است فکر می کنند که مومنان به خدا با این قوانین مشکل دارند یا با کشفیات فنی و مهندسی و پزشکی مشکل دارند نه به خودش قسم , اتفاقاً بیشتر از هر عالم و ساینتیستی سفارش به علم و فکر و عقل کرده . *وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ* (النحل/۱۲)

او شب و روز و خورشید و ماه را مسخر شما ساخت؛ و ستارگان نیز به فرمان او مسخر شمايند؛ در این، نشانه‌هایی است (از عظمت خدا)، برای گروهی که عقل خود را به کار می‌گیرند! *وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاجِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ* (النحل/۱۴) او کسی است که دریا را مسخر (شما) ساخت تا از آن، گوشت تازه بخورید؛ و زیوری برای پوشیدن (مانند مروارید) از آن استخراج کنید؛ و کشتیها را می‌بینی که سینه دریا را می‌شکافند تا شما (به تجارت پردازید و) از فضل خدا بهره گیرید؛ شاید شکر نعمتهای او را بجا آورید!

اما مشکل در عالم جعل است , شیطان و کارگزارانش نام جعل را مثلا روی اسکناس دروغی یا چک دروغی گذاشتند تا عظمت این کلمه را پایین بکشند اینقدری به شما بگویم : تمام علوم انسانی و تمام موضوعات که موجب درگیری و نزاع می شود مربوط به این حوزه است اینکه یک وهابی به اسم اسلام و با شعار الله اکبر سر شیعه ای را می برد تا

بهشت بر او واجب شود یا یک شیعه انقلابی که برای دفاع از ناموس زن و بچه اهل سنت به خط مقدم مبارزه با همان وهابی ها می رود و با الله اکبر شلیک می کند هر دو طبق حکمی در عالم جعل دست به این عمل می زنند اما این کجا و آن کجا، حق و باطل این پیچیدگیها را دارد.

۷۹۴۷hasan

Member

۰۱:۲۷ - ۱۴/۰۸/۱۳۹۵

ادامه پست قبلی

-فرمودید : در حالیکه هیچکدام به دنبال نشر اکاذیب نبوده اند و همه ی آنها اندیشمندانی بوده اند که با همت والا خواهان کشف حقایق و اسرار طبیعت و خلقت بوده اند" عزیزم مسلمانان پس از رحلت پیامبر از اسلام واحد ، همه انبیا و اولیا بیش از ۷۲ فرقه درست کردند سوال : آیا همه بر حقند ؟ این که مال خودمان است اینجوری تکثر و اختلاف وجود داره ، وای به حال فیلسوفهایی که حتی روی اساس عالم هم اشتراک نظر ندارند و... لذا هم اندیشمند مومن داریم مثل بسیاری از دانشمندان اسلامی و شاگردان امام صادق ع و ... ، هم اندشمنند کافر مثل اکثر فلاسفه غرب و هر کدام باز به فرقه های متعدد تقسیم می شود ، لذا برای همه آنها یک حکم نیچید . در مورد صدق و کذب هم ، بنده تعریفم را از قرآن می گیرم و حاضرم ساعتها با شما بحث کنم تا به شما ثابت کنم وقتی نتیجه عمری از فکر دوانیدن آنها میشه الحاد، یعنی همه اش کذب بوده.

۴- در خود غرب که خواستگاه فلسفه است به صراحت اعلام کردن که هدف ما از درخت فلسفه رسیدن به میوه آن یعنی تخنه (یا تکنیک) بوده و حالا که به آن رسیدیم دیگه باهاش کاری نداریم و امروز غرب داره تخنه یا تکنیک (مثلا مدل زندگی) به بقیه تمدنها صادر می کنه بعد از هگل ، دیگه تقریبا هیچ فیلسوف زنده برجسته ای ندارن . چرا ما کاسه داغتر از آش بشیم و...

۵- فرمودید " بدین لحاظ می توان و باید گفت؛ فرضیه ها و دیدگاههای فلاسفه منشا پیدایش علم بوده است " اجازه دهید در این مورد بنده نظر خلاف با شما را داشته باشم . در مورد منشا علم شما را به این ۳ آیه توجه می دهم : فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا(الکھف/۶۵) (در آن جا) بنده ای از بندگان ما را یافتند که رحمت (و موهبت عظیمی) از سوی خود به او داده، و علم فراوانی از نزد خود به او آموخته بودیم. وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِتُخْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ(الأنبياء/۸۰) و ساختن زره را بخاطر شما به او تعلیم دادیم، تا شما را در جنگهایتان حفظ کند؛ آیا شکرگزار (این نعمتهای خدا) هستید؟

وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ(یس/۶۹) ما هرگز شعر به او [= پیامبر] نیاموختیم، و شایسته او نیست (شاعر باشد)؛ این (کتاب آسمانی) فقط ذکر و قرآن مبین است!

۶- فرمودید " علم فقط و تنها علوم اسلامی نیست " نظر بنده : با توجه به آیه إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ(آل عمران/۱۹) دین در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است. و کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده شد، اختلافی (در آن) ایجاد نکردند، مگر بعد از آگاهی و علم، آن هم به خاطر ظلم و ستم در میان خود؛ و هر کس به آیات خدا کفر ورزد، (خدا به حساب او می رسد؛ زیرا) خداوند، سریع الحساب است.

۷۹۴۷hasan

Member

ادامه پست قبلی

علم حق و خدایی جزئی از دین الله است و دین نزد الله اسلام است. حال اگر منظور شما تقسیم بندی فعلی از دانشها با متد غربی اش است (علوم انسانی , علوم فنی , علوم تجربی و ...) اولاً آنها ساینس هستند و ساینس جزئی از علم است (علم با تعریف قرآنی اش) بنده اعلام می کنم اسلام هیچ مشکلی با علوم عالم خلق ندارد برق و مکانیک و پزشکی و ... چه اگر تاریخچه هر یک از آنها را در بیاورید می بینید دانشمندان مومن کلیدهای اصلی آن رشته ها بوده اند. اما اما مبنای علوم انسانی غرب (که در حوزه عالم جعل باید بررسی شود) غیر توحیدی و شرک آلود و تزلیزی است. (حتما می دانید این جمله را کی گفته) دعوای ما با تمدن غرب تو این حوزه است و اگر نه همین الان اش هم تو آی اس آی و ... مقالات تاپ فنی مال مومنان است و در داخل هم پروژه های هسته ای و ... دست بچه متدین هاست .

لذا ساینس آنها هم وقتی درست کار می کنه که دست مسلمانان (تسلیم شدگان به حق) باشد , (غیر از حوزه علوم انسانی) و این یعنی , سنت خداست و علم اسلامی است .

۷- در مورد حدیث پیامبر " اطلبوا العلم حتی بالسّین " معنایش این نیست که علم توحیدی خودت را زمین بگذاری , بری از چین یین و یانگ آنها را به اسم علم بیاری به خورد خلق الله بدی . خیر منظور علوم عالم خلق است هیچ اشکالی نداشت اگر ما زودتر از انگلیسیها به چین می رفتیم و از مواد منفجره (که خدا علمش را به آنها داده بود) یاد می گرفتیم تا وقتی شرق و غرب متجاوز به مرزهامون حمله کردند از خودمان دفاع می کردیم تا نوامیسمن بی سرپرست نمی شدن . به هر حال در مورد چین و علوم انسانی اتفاقا ما دستور داریم معارف کلام الله را به گوش آنها هم برسانیمنه برعکسش , مال انحرافی آنها را وارد کنیم .

۸- فرمودید " ... و صدها نفر دیگر از دانشمندان ایرانی، همه از بهترین فلاسفه ی مطرح در عالم بوده اند،" اولاً حساب اندیشمندان مومن و مسلمان را از حساب فلاسفه غرب جدا کنید این کجا و آن کجا , از آبرویی که اینها دارند برای کسب آبرو برای آنها خرج نکنید . ثانیاً اگر اسامی که نام بردید اعتباری دارند به خاطر فلسفه شان نیست بلکه به خاطر ایمانشان است که از الله رزقشون را گرفتن , ثالثاً به نظر بنده , عند الله , خیلی مهمتر از عند الانگلیس یا عند اروپا است . در مورد کلمه عالم در آن جمله هم باید بگم: ای بابا باقی مردم دنیا که اثلا تو این باغها نیستند گیر شکم و امنیتشونند.

۹- فرمودید " آن دانشمندان خود تحت تاثیر فلاسفه دیگر از سایر ممالک دنیا بوده اند،" اندیشه را در حوزه مملکت نمی سنجند مثال اندیشه کمونیزم در پس از جنگ به اصطلاح جهانی ۲ , قریب ۶۰ درصد سطح زمین را گرفت ولی در سال ۹۰ میلادی به زباله دانی تاریخ سقوط کرد . لذا یکبار اندیشه را در قالب عالم ایمانی و عالم کفر تقسیم بندی می کنند, یکبار در ۲ پارادایم کلی خدا محور یا سکولار و ... یکبار داخل اسلام اندیشه شیعه و اندیشه سنی و ... لذا همه اندیشمندان از , به یکدیگر تاثیر و تاثر دارند . لیکن شاخص برای ما منطق توحیدی حق و باطل در عالم خلق و جعل است . حرف حق از هر کس و هر مملکتی باشد می پذیریم و در مورد حرف باطل بالعکس

۷۹۴۷hasan

Member

ادامه پست قبلی

-فرمودید " فرض کنید هم اینک تمام علوم و فنون غیر اسلامی و قرآنی را از مدارس و دانشگاهها و حوزه های علمیه و در نهایت از لابلای افکار جامعه حذف کنیم, جز مکارم اخلاق و دروس ال‌هیات و فقه و تعلیمات مذهبی چه

چیزی باقی می ماند! " فکر کنم با توضیحاتی که ارائه شد در مورد اینکه اسلام با ساینس در حوزه عالم خلق (که جزئی از علم اسلامی است) پاسخ داده شد اینکه در علوم غیر از علوم انسانی با هم مشکلی ندارد. ۲- در مورد اینکه حوزه علمیه، خودش را محدود کرده به رشته هایی که نام بردید و متأسفانه عقبتر از جامعه است، باید انتقادات را به گوش خود آنها برسانید.

۱۱- فرمودید " تحرک جامعه معطل می ماند" باور کنید در دوره ۳۰ ساله گذشته که مسئولین حکومت که شیرها دستشون بود و یکدفعه بستند و یادشون رفت باز کنند، و با قواعد مدرن کشور را به اسم اسلام اداره کردند، خیلی بیشتر تحرک جامعه را معطل کردند کافی است به سطح فقر و غنا و اشتغال، سن ازدواج و ... نگاه کنید تا متوجه بحرانی که در پیش رو داریم، بشوید. بنده اشکال اصلی را در مبانی غلط نظری، می دانم و اینکه محال است با اسلام مالی کردن دم آن رشته ها ماهیتشون را تغییر داد. خانه از پایبست ویران است فیلاسوفی او دکتريت از پایبست ویران است.

۱۲- فرمودید " همه ی آثار علمی برخاسته از اذهان و مغز متفکران و دانشمندان است که در واقع بخشی از موهبات الهی و دویعه نهاده شده در وجود انسان است که به بندگان عطا گردیده" اولاً اگر تفکیک را در فرق فکری قائل باشید نتیجه گیریتان معتبر تر خواهد بود حکم کلی در مورد تفکر مومن با تفکر کافر، غلط است. مومن فکر می کنه تا به حق (یکتا و ثابت) برسه ولی فکر کافر (نسبی است و) جز در ضلالت و گمراهی نیست. (او برای هدف ضاله و پست دنیوی فکر می کنه تا هر وسیله ای را بسازه) در مورد متفکران کافر: وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنَ الْإِحْدَىٰ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا (فاطر/۴۲) آنان با نهایت تأکید به خدا سوگند خوردند که اگر پیامبری انذارکننده به سراغشان آید، هدایت یافته ترین امته خواهند بود؛ اما چون پیامبری برای آنان آمد، جز فرار و فاصله گرفتن از (حق) چیزی بر آنها نیفزود!

۱۳- فرمودید: " اما نمی شود، امثال داروین و یا فروید را جزو کسانی لحاظ کرد که غرض ورزی کرده اند،" در رویکردهای کارکرد گرایی و سپس نتیجه گرایی در حوزه تفکر از ظاهر آدمها حق و باطل بودن آنها را قضاوت نمی کنند. کارکرد داروینیسم چه بوده؟ نتیجه داروینیسم چه بوده؟ (وضعیت اسفبار امروز در سطح جهان از تخریب طبیعت تا ...) کارکرد فرویدیسم در جامعه چه بوده؟ نتیجه فرویدیسم در جامعه غرب چه بوده؟ (X) یادم رفته اسمش را (بر اساس نظریات فروید دست به پژوهشها و تبلیغات آزادی جنسی زد و اولین لیستهای پورن را تهیه کرد و قبح آن را در جامعه ریخت که نتیجه فعالیتها و و تبلیغاتش، یک دهه بعد به انقلاب جنسی اول در آمریکا و بعد به کل غرب انجامید آیا این نتایج در اینکه آنها غرض ورز بوده اند کفایت نمی کند.

۷۹۴۷hasan

Member

۰۱:۳۰ - ۱۴/۰۸/۱۳۹۵

ادامه پست قبلی

- فرمودید " زیرا در راستای خدمت به بشر و تنویر افکار دانش ورزان بوده" نگاه یهود به غیر از قوم خودش نگاه به حیوان است این را در همه تعاریفی که از انسان ارائه داده اند می توانید بجوئید و لذا بنده با شما مخالفم. در مورد اختراعاتی عصری، که آنها به نام خودشون ثبتش می کنند اگر به تاریخچه اش نگاه کنید می بینید مثلاً می خواستن بمب اتم بسازن برای کاربری نظامی و سلطه شروانه به سایرین، لیکن خدا از همان هم نعمت برای بشر جعل می کند مثلاً نیروگاه اتمی را مسخر انسان می کند پَرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (الصف/۸) آنان می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند؛ ولی خدا نور خود را کامل می کند هر چند کافران خوش نداشته باشند! بنده با شما موافق بودم.

۱۵- فرمودید " و مخاطبانشان نیز اندیشمندان بوده و نه تحمیق عوام" در یهودیت یک حکم کلی وجود دارد ربا دادن به یهودی حرام است ولی ربا گرفتن به غیر یهود واجب است و ... یهودی که اینطور تربیت شده و با این ترفند، بانکهای جهان را در قبضه خودشون گرفتند به نظر شما برای مخاطبان اندیشمند، ارزشی قائلند یا از اندیشه به عنوان حربه ای برای تسلط خودشان بر جهان استفاده می کنند ، ارجاع می دم شما را به پروتکل های یهود برای تسلط بر جهان . ثنیا اگر از قسمت دوم جمله تان کنایه به بنده داشتید قضاوت را به سایر مخاطبان واگذار می کنم .

۱۶- فرمودید " و باید در میان سایر براهین و فرضیات موجود محفوظ بماند،" در مورد باطل هیچ بایدی در کار نیست حداقل بنده حقیر به قدر وسع خود هر برهان و فرضیه باطلی را (با شاخصهای قرآن و عقل و عتره، اجماع) می زنم، تا فضا برای اقامه حق باز شود.

۱۷- در مورد تعریفی که از بنده فرمودید ضمن تشکر عرض می کنم هر چه اعتبار است مال کلام خداست ما کی باشیم، که کنار کلام خدا دیده شویم.

۱۸- فرمودید " باید علما و دانشمندان و فلاسفه را با یاد نیک خدمت کنیم و ارج نهیم،" اگر منظورتان از یاد نیک ، تائید آراء و عقاید آنهاست ، طبق آیه زیر گناه یا ثواب هیچ انسانی و اندیشمندی را به پای من نمی نویسند ولی اگر از باطل اندیشمندی تبعیت کنم گناه آن را به پایم می نویسند . حداقل در مورد بنده این "باید" صدق نمی کند باقی مخاطبان به خودشان مربوطه

إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (الزمر/۷) اگر کفران کنید، خداوند از شما بی نیاز است و هرگز کفران را برای بندگانش نمی پسندد؛ و اگر شکر او را بجا آورید آن را برای شما می پسندد! و هیچ گناهکاری گناه دیگری را بر دوش نمی کشد! سپس بازگشت همه شما به سوی پروردگارتان است، و شما را از آنچه انجام می دادید آگاه می سازد؛ چرا که او به آنچه در سینه هاست آگاه است!

۱۹- فرمودید " ما عهده دار تعیین جایگاه در بهشت و جهنم برای هیچ کس نیستیم" اگر کنایه تان به بنده است که من همچین کاری کرده ام : جوابتان آیه بالاست و اینکه ما مکلف به انتخاب هستیم و در انتخاب همیشه به دوراهی حق و باطل بر می خوریم خیلی زرنگ باشیم ، خودمان را از جهنم نجات بدیم ، تعیین جایگاه برای بهشت و جهنم دیگران پیشکش .

[۷۹۴۷hasan](#)

Member

۰۱:۳۰ - ۱۴/۰۸/۱۳۹۵

ادامه پست قبلی

۲۰- فرمودید " خداوند رحمان تبارک و تعالی واقف به امور عالم است" و یعلم سرکم و جهرکم و یعلم ما تکسبون"" بسیار خوب پس با این معرفتی که کسب کردیم خیلی مهم است که در درون و برون حق طلب و باطل گریز باشیم تا لیاقت کسب بهترینها را داشته باشیم.

۲۱- در پست دومتان ضمن تشکر از توضیحی که از داروین نقل فرمودید اضافه می کنم در مورد جمله " تفاوت اندیشه ی خدا باوری داروین با دینمداران در این است که گفته است، خدا جهان را خلق کرده و به حال خودش گذاشته است" خدای ساعت ساز با تعریفی که ارائه دادید مال مسیحیت است و البته مبانی آن بر تثلیث (۳خدایی بر گرفته از عصر پاگان ،خدایان مصر و یونان) شرک آلود است لذا به این اندیشه لا اله الا الله نمی گویند . و در مورد

کلمه دینمداران ، هم ، توضیح داده شد، که اول تفکیک فرقه ای سپس تبیین .تا مشخص نشه کی به کیه ، که همیشه دینداری کسی را قبول کرد.

۲۲- فرمودید " نظرات شخصی ی هیچکس در باره ی داروین تأثیری در اصالت وجود فرضیات او ندارد" اگر منظورتان از نظرات شخصی ، آراء بنده است ، جسارتا مطالب آنتی داروینیسم اکثرا مال کریشنیستهای آزاده غربی است که یک جریانند، بنده اگر خدا توفیق دهد در مورد حسنا ایسم مطالبی را ارائه داده ام . ثنیا خود بحث فلسفی "اصالت وجود" زیر سوال است حال وقتی آن را با فرضیه داروین ترکیب می کنید ببینید چه می شود!

۲۳- فرمودید " ابطال و نفی و کنار گذاشتن فرضیات داروین و هر دانشمند و فیلسوف دیگر ناشدنی است" جسارتا بنده این کار را کردم و دیدم که شد و برای همه مخاطبان عزیز هم آرزو می کنم که این کار را بکنند و بشود . باور کنید افکار باطل است، که ذهن و عین ما را در غل و زنجیر کرده و تا وقتی تغییرشان ندهیم از عذابشان رهایی نداریم . لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ رعد ۱۱

۲۴- فرمودید " زیرا گفتار اندیشمندان بزرگ حتی اگر نادرست باشند برای همیشه در صفحات تاریخ علم ثبت و ضبط می شوند،"

بله البته که جنایات آتیلاها و جغتای ها ، هیتلرها و موسولینی ،بوش و ... در تاریخ ثبت و ضبط است لیکن دلیلی بر حق بودن آنها نیست امروز همه مردم آزاده ، آنها را به خاطر جنایاتی که کرده اند لعن و نفرین می کنند.

۷۹۴۷hasan

Member

۰۱:۳۳ - ۱۴/۰۸/۱۳۹۵

ادامه پست قبلی و بخش پایانی

۲۵- فرمودید " اشکال بزرگ داروین آن بوده که با اسلام نا آشنا بوده" یقین داشته باشید که یهودیان معاند " الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ(البقرة/۱۴۶) کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده‌ایم، او [= پیامبر] را همچون فرزندان خود می‌شناسند؛ (ولی) جمعی از آنان، حق را آگاهانه کتمان می‌کنند! الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ(الأنعام/۲۰) آنان که کتاب آسمانی به ایشان داده‌ایم، بخوبی او [= پیامبر] را می‌شناسند، همان‌گونه که فرزندان خود را می‌شناسند؛ خود را به خسران می‌اندازند ولی حاضر نمی‌شوند ایمان بیاورند.

۲۶- فرمودید " و آلا فرضیات خود را به گونه ای دیگر رقم می زد، " اگر با خط سیر فلسفه غرب آشنا باشید اذعان می کنید که آن مسیر الا و لابد به داروینیسم ختم می شد حالا اگر داروین این حرف را نمی زد ، کس دیگه ای مثلا به نام جرج این حرف را می زد و امروز ما به جای داروینیسم می گفتیم جرجیسم ، ولی ماهیت مباحث همین بود . لذا به موضوعات با دید کلان و و ریشه ای نگاه کنید.

۲۷ - فرمودید " چه بسا عالم را متحیر می ساخت و در ردیف و جایگاه فضلا و دانشمندان بزرگ اسلامی قرار می گرفت،"

جسارتا این اسلام است که به پیروانش شرف و ارزش و اعتبار می دهد نه برعکس و از طرفی دین نزد خدا یکی است و بنده خدا هم اگر هدفش خداست ، نباید آن را به اسلام و یهودیت و مسیحیت تفکیک کنه . لذا داروین و امثالهم اگر ادعای دینداری داشته اند باید تسلیم حق بودن خودشان را نشان می دادند . ثنیا برای مومن حقیقی در ردیف فضلا و دانشمندان بزرگ اسلامی قرار گرفتن ارزشی نداره ، عندالله مهم است .ولو یک مثقال

۲۸- فرمودید " از نظر دور نداریم که اقوال نظری ی دانشمندان ممتاز در طول تاریخ چه گذشتگان و چه از آیندگان را هرگز نمی توان با کلام الهی، خالق جهان هستی یعنی با قرآن حکیم مقایسه کرد، " اولاً شاخص شما

برای ممتاز شمردن داروین چیست؟ اگر با شاخص حق و باطل قرآنی بسنجی می بینی که او در اسفل السافلین جای داره به خاطر اینکه پایه گذار انحرافات کلان بعدی در بشر غربی شد، که بعدها در جهان هم سرایت کرد. ثانیاً این همه به پیامبران صفت هَذَا سَاحِرٌ عَلِيمٌ (الشعراء/۳۴) هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ (ص/۴) كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ (الذاریات/۵۲) این گونه است که هیچ پیامبری قبل از اینها بسوی قومی فرستاده نشد مگر اینکه گفتند: «او ساحر است یا دیوانه!» مگر پیامبران از پیش خودشان حرف می زدند، هرگز، جز کلام الله نمی گفتند، پس چرا صفت سحر و جنون به آنها زده می شد، لذا قیاس که کار شیطان، ولی برای اینکه نور قرآن را به بقیه هم نشان داد، باید به جنگ تاریکی رفت.

۲۹- فرمودید " این کتاب عظیم بی نظیر، ماخذ و ریشه ی همه ی علوم دست یافته و دست نایافته است، " پس حماقت است تا وقتی چنین گنجینه ای به ما هبه شده، اکثر وقت و انرژی خودمان را سرگرم کلام فلاسفه ای بکنیم که آن کلام حتی خودشان را هم رستگار نکرده. ای کاش حوزه و دانشگاه ما این را می فهمید.

۳۰- ضمن تشکر مجدد اگر جایی بی ادبی از حقیر سر زد، به بزرگی خود ببخشید.

nikdoost

Member

۱۱:۲۳ - ۱۴/۰۸/۱۳۹۵

به hasan ۷۹۴۷؛

فکر می کردم به لحاظ دانش در حد خود و در مقایسه به افراد متدین فرد پیشروی هستید، ولی حالا با خواندن قسمتی از مطالب شما مطمئن شدم که اینطور نیست، بسیار فرد متعصب و خود باخته و خود باوری هستید، به مانند طلبه هائی که دو سه سال از مجالس چند درس از اساتید حوزه های علمیه استفاده می کنند و اندکی با ادبیات عرب آشنا می شوند و مقداری عربی یاد می گیرند فکر می کنند علامه ی دهر شده اند، چگونه به خود اجازه می دهید از آیات قرآن حکیم شاهی بر گفتار نا مفهوم و سراسر شالوده به تعصب خود بیاورید، قرآن کریم برای این نازل نشده که وسیله و مستمسکی برای جبران ناتوانی های به اصطلاح اهل علم قرار گیرد، متأسفانه دچار ضعف استنباط از دیدگاههای دیگران نیز هستید، وقتی گفتم؛ " از نظر دور نداریم که اقوال نظری ی دانشمندان ممتاز در طول تاریخ چه گذشتگان و چه از آیندگان را هرگز نمی توان با کلام الهی، خالق جهان هستی یعنی با قرآن حکیم مقایسه کرد، " کجای این عبارت اشاره به داروین بود، هرگز داروین را جزو دانشمندان ممتاز بر نشمردم، این دیگر چه تعبیری برای تبیین منطقتان بود، حالا چرا اینقدر به داروین بند کرده اید؟ داروین هرکه بوده نظراتش مغرضانه نبوده و فرضیاتش برآمده از تجربیات درست یا نادرست شخصی خودش بوده و هیچوقت در نظر نداشته تحکم کند و بر اندیشه های عالمان دیگر غالب کند، ولی برعکس شما چنین هستید که می گوئید می خواهید فرضیات خود را جایگزین فرضیات داروین نمائید، کدام فرضیه، فرد تازه به مکتب رفته ای با این همه ادعا!، شما با این اصرار و پافشاری فقط آبروی خودتان را می برید، از آن می ترسیم که آرام آرام خود را صاحب کرامت و معجزه هم معرفی کنید، دست بردارید از این میدان داری های بی نتیجه، در کارزار گفت و گوی شما حریف خودتان فقط خودتان هستید، گاهی امر به معروف و نهی از منکر نفس خود مهمتر از برای دیگران است، برای که اینقدر رجز می خوانید، این مباحث طولانی و بی طرفدار را ببرید در حجره ها حوزه ها و با آنان در میان بگذارید، هنوز هم جسارت و جرأت شما را در مقابله با نظریات و فرضیات داروین تحسین می کنم، چون بنده اعتقادی به حرفهای داروین ندارم ولی با این موضع گیری های تعصب وار و پراکنده گوئی های شما باور ندارم کتابی که نوشته اید مناسبی با فرضیات داروین داشته باشد، یک طرفه و بدون ظرفیت شبهای پیشاور راه نیندازید، حد اقل یک نفر را پیدا کنید که دنباله ی حرفهای شما را بگیرد و به شما پاسخ بدهد، و البته مجالی هم برای گفت

دیگران باقی بگذارید، نه اینکه یک نفر یک عبارت کوتاهی بنویسد یا بگوید و شما بحر طویل و در حد و اندازه یک جزوه ی مفصل بنویسید و تحویلش دهید که بدون تردید از حوصله خواندنش خارج باشد .

بجای داروین چه خوب بود بر کتاب آیات شیطانی ی سلمان رشدی کتاب یا جزوه ای می نوشتید تا مردم نسبت به یاهو های وی و چرائی ی تحت تقیب گرفتن وی بیشتر آشنا شوند، داروین اسلام ستیز نبوده ولی سلمان رشتی با افکار پلیدش رمان آیات شیطانی را نوشت و سر و صدا بر پا کرد، پاسخی برای رمان مزخرف آیات شیطانی بنویسید، از این طریق حتماً شهرتی هم کسب خواهید کرد.

nikdoost
Member

۱۸:۰۸ - ۱۴/۰۸/۱۳۹۵

به ۷۹۴۷ hasan ؛

هم اینک جمعیت جهان ۷،۴۶۲،۰۰۰،۰۰۰ نفر است، از این جمعیت تقریباً ۱،۸۵۰،۰۰۰،۰۰۰ نفر از آنان مسلمان هستند و از بین مسلمانان با فرق مختلف تقریباً ۲۰۰،۰۰۰،۰۰۰ نفر از آنان با احتساب نوزادان و کودکان و جوانان و میانسالان و پیران و کهنسالان؛ شیعه هستند، یعنی کمتر از ۹.۵٪ کل مسلمانان شیعه هستند، چنانچه جمعیت ۷۵،۰۰۰،۰۰۰ نفری شیعیان ایران را مترقی تر از شیعیان سایر بلاد بدانیم، با همه ی این اوصاف شاید ۱٪ از این جمعیت انبوه با کتاب آسمانی یعنی قرآن حکیم آشنا نیستند و حتی مسائل جزئی ی معارف اسلامی را نمی دانند، قریب یکهزار و چهار صد سال از پیدایش دین مبین اسلام می گذرد ولی آنچنان که باید اسلام در بین طبقات مختلف مردم جهان با آن همه عظمت و بی نظیر بودنش به لحاظ اخلاق که مهمترین آن است رشدی نداشته است، و از طرف دیگر بین مسلمانان نیز همیشه مناقشه و اختلاف نظر های مرگبار وجود داشته، که برای نمونه دیری از ۸ سال جنگ تحمیلی ی ایران و عراق، دو کشور اسلامی با بیشترین جمعیت شیعه، نمی گذرد اما می دانید چرا!، شکی نیست که به دلیل ضعف تربیت و آشنا سازی ی فرزندان در خانواده ها با حقایق متقن اسلام بوده و می باشد، چرا که خانواده ها خود وقوفی با واقعیت های اسلام نداشته و ندارند، در همین کشور ما زندانها پر است از خلافکاران که اگر پیروان واقعی ی ائمه ی اطهار یعنی واقعاً شیعه بودند تعداد آنان بسیار کمتر و وضعیت آرامش و امنیت جامعه ی ما بسیار بهتر از امروز بود، اسلام خوب به مردم معرفی نشده، عده ای بسیار ضعیف و عده ای بسیار متعصب، حالا افرادی مثل شما پیدا شده اند که با احکام الهی اندکی آشنا هستند اما چه سود که راه ارشاد و تبلیغ را درست نمی دانند و بجای نرم خوئی و کنار آمدن با بندگان خدا آنان را کافر و لامذهب و مطرود از جامعه می پندارند و بدون آنکه شان نزول آیات قرآن حکیم را بدانید از سر ستیز و دشمن تراشی، آیات قرآن را خودسرانه تعبیر و تفسیر می کنند و برداشت دلخواه خوشان را ارائه می دهند، بر سر پیامبر اسلام در مسیر رفت و آمد به خانه اش خاکستر داغ می ریختند و دم بر نمی آورد، با مردم جاهل زمان خود ملاحظت نشان می داد و هیچوقت ادیان دیگر را نا محترم نمی شمرد و اجازه می داد سنن و آداب آئین خود را بجای آورند، همه ی مردم جهان مخلوق باریتعالی هستند و باید با دیده ی احترام و تکریم به آنان نگریست، اگر از دانشمندان غیر مسلمان از جای جای عالم خوشتان نمی آید، اختیار با خودتان است ولی سخنگوی دیگران نشوید و آراء و عقاید شخصیتان را تعمیم ندهید، بلا نسبت به مانند تکفیری های داعش فریاد وا اسلاما سر ندهید که می گویند غیر مسلمان نجس و کافرند و همه باید کشته شوند، وقتی می گوئید دین نزد خدا اسلام است و نا دانسته آیات قرآن را به گواه می آورید، نتیجه اش این می شود که جز مسلمان هیچ جنبنده ای حق حیات ندارد، العیاذ بالله جای خدا می نشینید و برای ابناء بشر تصمیم گیری می کنید، نخیر اینطور نیست باید با همه ی مردم جهان راه تعامل پیش گرفت و بدانیم فقط با رفتار مردم دوستانه و حفظ

تعادل و اخلاق نیکو می شود از مبانی ی اسلام دفاع کرد و آن را نشر داد. اگر راه تبلیغ در پیش گرفته اید باید آرام و مهربان باشید.

۷۹۴۷hasan

Member

۰۲:۱۹ - ۱۵/۰۸/۱۳۹۵

سلام علیکم به همه مخاطبان

در جواب آقای نیکدوست که انتقادات تندی علیه اینجانب روا داشتند.

۱- استاد عزیزم شرط برگزاری کرسی های نظریه پردازی آرامش روحی است ، پافشاری و تعصب بر سر عقاید حقه ، ممدوح است ، ولی عصبیت شخصی ، مذموم است درسی که علی ع در مواجهه با عمر بن عبدود به ما داد . علی رغم غلبه بر دشمن ، چون او به صورت مبارک حضرت توف کرد ، ایشان بلند شد کمی قدم زد آرام گرفت و بعد کار دشمن را تمام کرد تا مبادا ضربتی که می زند از روی خشم خودش باشد، نه حکم الهی و اولی الامر ، خدا را دعا کنید که بنده خدایی که احیانا می خواست با سبیل خدا آشنا شود ، با این گفتار شما بر نگردد که در آن صورت عمل شما مصداق صدو عن سبیل است.

۲- بنده اعتراف می کنم " نیستم " دیگه از این بالاتر پس شما نبین که می گوید، ببین چه می گوید اگر از گفته هایم ایراد گرفتید بفرمائید تا رفع ابهام کنم و در نهایت اگر قانع نشدید هر دو با هم ردو الی الله می کنیم ، تا او حکم کند .

۳- بله بنده متعصب راه حق هستم ، خودباور هستم ولی سعی کردم و می کنم افسار منیت ام را در مشتتم بگیرم . اما خود باخته نیستم خودم را با حق ممزوج کردم تا کمبودم را با آن جبران کنم.

۴- بنده طلبه حوزه علمیه نیستم ولی افتخارم طلبگی محضر قرآن است.

۵- بنده در هیچ کجا ادعا نکردم علامه دهرم و هیچ حظی هم از آن نمی برم ، تلاش می کنم عند الله به آبرویی برسیم.

۶- فرمودید " چگونه به خود اجازه می دهید از آیات قرآن حکیم شاهی بر گفتار نا مفهوم و سراسر شالوده به تعصب خود بیاورید، " اولاً لطفاً جو سازی نکنید ، مثال بزنید ، مصداق بیاورید بنده هیچوقت همچین غلطی نمی کنم ثانیاً اگر هم گفتارم برای شما نا مفهوم و شالوده به تعصب است لطفاً پیگیری نکنید ثالثاً اصل اول اجتهاد (یعنی از دل منابع دین ، راه حل برای مشکلات جامعه پیدا کردن است.) این است " گفتار تابع آیات است نه برعکس ، که شما به بنده نسبت دادید لذا افترا زدید و بنده شما را نمی بخشم.

۷- فرمودید " متأسفانه دچار ضعف استنباط از دیدگاههای دیگران نیز هستید، " عزیزم مسئله اصلی این کتاب آنتی داروینیسیم است و همه مباحث حول ابطال فرضیه اوست لذا خواه یا نا خواه ، مصداق جمله شما در ذهن مخاطب داروین می نماید حالا با این توضیحی که شما دادید " هرگز داروین را جزو دانشمندان ممتاز بر نشمردم، " دعوایی با هم نداریم.

۸- فرمودید " حالا چرا اینقدر به داروین بند کرده اید؟ " به این علت " داروینیسیم ستون خیمه مدرنیسم است و اگر این ستون سقوط کند، کل خیمه بر سر مدرنیسم فرو خواهد ریخت. بنابراین به مانند یک ایدئولوژی با آن رفتار می شود، نه یک تئوری علمی که هنوز به اثبات هم نرسیده است "

۹- فرمودید " داروین هرکه بوده نظراتش مغرضانه نبوده و فرضیاتش برآمده از تجربیات درست یا نادرست شخصی خودش بوده و هیچوقت در نظر نداشته تحکم کند و بر اندیشه های عالمان دیگر غالب کند، " از اینکه اینقدر خوب او را می شناسید و معرفی می کنید تعجب می کنم ، به هر حال، برای مخاطب عام می گم : من نگاه

نمی‌کنم کی گفته، نگاه می‌کنم به اینکه حرفهای او که زیر بنای سایر نظریات مدرن است امروز جامعه بشری را به انحطاط کشانده، لذا آن نظرات برای بشر مغرضانه بوده و امروز نظراتش را با تحکم بر اندیشه عالمان دیگر غالب می‌کنند. کافی است کمی اطلاعات راجع به مافیای علمی غرب جمع آوری کنید، برای مخاطب خاص می‌گم. یهودی اگر غرض نداشته باشد خدا را اصل می‌گیرد، نه قوم و نژاد خودش را، لذا کلام خدا را گوش بدیم که گفت: وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غَلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلِيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَالْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يَحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (المائدة/۶۴) و یهود گفتند: «دست خدا (با زنجیر) بسته است.» دستهایشان بسته بادا و بخاطر این سخن، از رحمت (الهی) دور شوند! بلکه هر دو دست (قدرت) او، گشاده است؛ هرگونه بخواهد، می‌بخشد! ولی این آیات، که از طرف پروردگارت بر تو نازل شده، بر طغیان و کفر بسیاری از آنها می‌افزاید. و ما در میان آنها تا روز قیامت عداوت و دشمنی افکندیم. هر زمان آتش جنگی افروختند، خداوند آن را خاموش ساخت؛ و برای فساد در زمین، تلاش می‌کنند؛ و خداوند، مفسدان را دوست ندارد.

۱۰- فرمودید "می‌گوئید می‌خواهید فرضیات خود را جایگزین فرضیات داروین نمائید،" بنده فرضیاتی را که به آن رسیدم به همه علاقه‌مندان عرضه می‌کنم شاید در ذهن یک پژوهشگر مومنی، جرقه‌ای زده شد و راه حلی برای مشکلی پیدا شد و جمعی دیگر از بندگان خدا از آن منتفع شدند و روز قیامت سر ما جلو خدا پایین نبود شما مختاری توجه بکنی یا خیر، تکلیف بنده ابلاغ بود و ضمناً اگر شما هم در این زمینه یا هر زمینه دیگری فرضیاتی دارید از اعلام آن دریغ نکنید. شاید الله شما را وسیله انتقال علمش به ناس انتخاب کرده باشد.

۷۹۴۷hasan

Member

۰۲:۲۵ - ۱۵/۰۸/۱۳۹۵

ادامه پست قبلی

۱۱- فرمودید "کدام فرضیه، فرد تازه به مکتب رفته‌ای با این همه ادعا!" وقتی سخن قبلی شما "باید علما و دانشمندان و فلاسفه را با یاد نیک خدمت کنیم و ارج نهیم،" را کنار این جمله تان می‌زارم خنده‌ام می‌گیرد ولی به هر حال شما نبین که کی می‌گه ببین چی می‌گه

۱۲- فرمودید "شما با این اصرار و پافشاری فقط آبروی خودتان را می‌برید،" بنده تعجب می‌کنم چرا شما اینقدر اصرار و پافشاری دارید که بنده جواب ندهم. ولی پیش ما آبرو عند الله ارزش دارد و سعی می‌کنیم غیر از کلام الله نگوییم لذا عیب نداره، اگر پیش شما آبروی نداشته باشیم.

۱۳- فرمودید "از آن می‌ترسیم که آرام آرام خود را صاحب کرامت و معجزه هم معرفی کنید" شما نترسید چون با توجه به آیه وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْرِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفِخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ وَأُخِيئُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأَنْبِئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدْخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّكُمُ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (آل عمران/۴۹) و (او را به عنوان) رسول و فرستاده به سوی بنی اسرائیل (قرار داده، که به آنها می‌گوید من نشانه‌ای از طرف پروردگار شما، برایتان آورده‌ام؛ من از گل، چیزی به شکل پرنده می‌سازم؛ سپس در آن می‌دمم و به فرمان خدا، پرنده‌ای می‌گردد. و به اذن خدا، کور مادرزاد و مبتلایان به برص [= پیسی] را بهبودی می‌بخشم؛ و مردگان را به اذن خدا زنده می‌کنم؛ و از آنچه می‌خورید، و در خانه‌های خود ذخیره می‌کنید، به شما خبر می‌دهم؛ مسلماً در اینها، نشانه‌ای برای شماست، اگر ایمان داشته باشید!

همه معجزات فقط و فقط به اذن الله واقع می شود و بس , لذا سر ابا عبدالله با اینکه همه جنود ارض و سماء در اختیارش بود بر نیزه رفت چون اذن استفاده از آنها را نداشت, چون اراده الهی بر آن تعلق گرفته بود ثار الله (بهای خونش خود خداست) وقتی معجزه و کرامت در مورد اولیاء الهی بدون اذن الله اتفاق نمی افتد , هر کس ادعای معجزه یا کرامت کند , کذاب است.

۱۴ -فرمودید " دست بردارید از این میدان داری های بی نتیجه, " هنوز به هل من مبارز نرسیدم برادر و اینکه ما مامور به تکلیف هستیم , نتیجه فرع ماجراست.

۱۵ -فرمودید " در کارزار گفت و گوی شما حریف خودتان فقط خودتان هستید, " اگر خودتان را در مقابل و حریف بنده می بینید , گفتار بنده , آنتی داروین ایدئولوژی (ضد ایدئولوژی داروین) است تا فضا برای اقامه کلام خدا باز شود , لطفا خجالت نکشید ,عین مرد بگویید نه اینکه خود را مخالف داروین معرفی کنید, ولی به حرفهای آنتی داروینیسیم خرده بگیرید.

۱۶ -فرمودید " گاهی امر به معروف و نهی از منکر نفس خود مهمتر از برای دیگران است" عزیزم شما اول سر معروف و منکر ما با به تفاهم برس , بعدش امر به معروف و نهی از منکر کاری نداره . بنده داروینیسیم و فلسفه غرب , یونانی مابی , هلنیات , اسرائیلیات و وهابیت و ... را منکر می دانم و خودم و همه را از آنها نهی می کنم . شما هم لطفا در اعلام مواضع صریح باشید.

۱۷ -فرمودید " برای که اینقدر رجز می خوانید, " وقتی قلیل باشی مجبوری رجز بخونی کم مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةٌ كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ(البقرة/۲۴۹) گفتند: «چه بسیار گروه‌های کوچکی که به فرمان خدا، بر گروه‌های عظیمی پیروز شدند!» و خداوند، با صابران و استقامت‌کنندگان) است.

اثلا شیعیه , هست و رجز حق . تو صحرای کربلا چند تا رجز خون می خوی برات بشمارم...

۱۸ -فرمودید : این مباحث طولانی و بی طرفدار را ببرید در حجره ها... " اگر بی طرفدار است لطفا شما وارد گود نشو , اگر طولانی است و ظرفیتش را ندارید لطفا وارد گود نشوید , لا تکلف الله نفسا الا وسعها .

۱۹ -فرمودید : ببرید در حجره ها حوزه ها و با آنان در میان بگذارید, " عزیزم بنده می خوام حجره و حوزه ها را بکشونم وسط گود تا از خواب بیدار شوند , ببین علم روز اینهاست نه حرفهای فیلسوفهای اعصار پیشین و ...

۲۰ - فرمودید " هنوز هم جسارت و جرأت شما را در مقابله با نظریات و فرضیات داروین تحسین می کنم, " جسارتا دم خروس بیرون زد اگر به حرفهای داروین اعتقادی ندارید , از شما مطلبی می دیدیم نه اینکه نظریات و فرضیات داروین را اینقدر بزرگ ببینید که بابت مقابله با آن کسی چون بنده را تحسین کنید . خیر عزیزم , آنتی داروینیسیم خیلی وقته فعاله افتخار بنده چیز دیگری است کتاب را مطالعه بفرمائید بعدا می گم

۲۱ -فرمودید : ولی با این موضع گیری های تعصب وار و پراکنده گوئی های شما باور ندارم کتابی که نوشته اید مناسبتی با فرضیات داروین داشته باشد, " برای اینکه به باور برسید بهتر بود اول کتاب را می خواندید بعد اظهار نظر می کردید ثانیاً عرض کردم موضع گیری تعصب وار اگر حق باشد ممدوح است (اگر موردی غیر حق بود مصداق بیاورید) پراکنده گویی بنده به پراکنده بودن سوالات بر می گردد وقتی از هر جهتی , شبهه و ابهامی مطرح می شود بنده ناگزیرم پاسخ دهم تا معذور نباشم.

۷۹۴۷hasan

Member

۰۲:۲۷ - ۱۵/۰۸/۱۳۹۵

ادامه پست قبلی

۲۲ - فرمودید " یک طرفه و بدون طرفیت شبهای پیشاور راه نیندازید، " کتاب شبهای پیشاور مربوط به اختلافات شیعه و سنی بود هیچ قرابتی با موضوع بحث ما ندارد بنده کم کم از این همه اتهامات قطاری شما دارم به شک می افتم آیا شما واقعا آنتی داروینیسیم هستید و...

۲۳ - فرمودید " حد اقل یک نفر را پیدا کنید که دنباله ی حرفهای شما را بگیرد و به شما پاسخ بدهد، " بنده با خدای خودم انس دارم ،می دانم که می شنود ، می دانم که می بیند ، می دانم که می داند و با آن حال ، خوشی دارم بقیه اش دیگه به من مربوط نیست خودش می دانه و بنده هاش

۲۴ - فرمودید " و البته مجالی هم برای گفتِ دیگران باقی بگذارید " بنده ایست بازرسی گذاشتم که مخاطبان نظر ندهید؟! این حرف شما با نظر قبلی تان منافات دارد.

۲۵ - فرمودید " نه اینکه یک نفر یک عبارت کوتاهی بنویسد یا بگوید و شما بحر طویل و در حد و اندازه یک جزوه ی مفصل بنویسید و تحویلش دهید که بدون تردید از حوصله خواندنش خارج باشد. " بنده سر سری رد نمی شم می توانید بررسی کنید که در جواب پستهای موافق آنتی داروینیسیم جز یک کلمه تشکر چیزی ننوشتیم.

۲۶ - فرمودید " جای داروین چه خوب بود بر کتاب آیات شیطانی ی سلمان رشدی کتاب یا جزوه ای می نوشتید ... " نمی دانم چرا بی اختیار یاد دم خروس می افتم به هر حال ، هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد در مورد آن ملعون هم در یکی از پستها نظرم را دادم اینکه فتوای الحاد در اسلام به این سادگی ها نیست و در حدود ۴۰ سال حکومت دینی (اغماضا چون در بدنه همچنان با قواعد مدرنیته اداره میشه) علی رقم هجمه های سنگین ، به تعداد معدود فتوای ارتداد صادر شده است و اگر امام خمینی آن فتنه را در نطفه خفه نمی کرد امروز هر کی از جاش بلند می شد پیامبر ص ، جبرئیل ، زنان پیامبر و .. را به سخره می گرفت و....

۲۷ - فرمودید " داروین اسلام ستیز نبوده " اصلاح می کنم داروین خدا ستیز بود و او و هم دستانش و کارفرماهایش همه سعیشان را کردند که بگویند ، پشت عالم هیچ خدایی نیست و همه چیز خود به خودی به وجود آمده و بشر را از چرایی و علت العلل پدیده ها غافل کرد و سرگرم چگونگی ها کرد و...

۲۸ - فرمودید " پاسخی برای رمان مزخرف آیات شیطانی بنویسید، " به روی چشم ، گذاشتمش تو نوبت ، و در ضمن شهرت ما بندگی برای خدای احد و واحد ، الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ است . شهره شدن نزد شما برایمان ارزشی ندارد.

۲۹ - فرمودید : شاید ۱٪ از این جمعیت انبوه با کتاب آسمانی یعنی قرآن حکیم آشنا نیستند " لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (البقرة/۱۴۲) اول این جمعیت انبوه باید خود را لایق بکنند بعد مطمئن باشید می خواهند که با قرآن آشنا بشن

۳۰ - فرمودید " و از طرف دیگر بین مسلمانان نیز همیشه مناقشه و اختلاف نظر های مرگبار وجود داشته، که برای نمونه دیری از ۸ سال جنگ تحمیلی ی ایران و عراق، دو کشور اسلامی با بیشترین جمعیت شیعه، نمی گذرد " ارجاع می دم شما را به متن کتاب راجع به شرایط انتخاب خلیفه پس از پیامبر (ص)، به اضافه اینکه نظرات کسینجر در مورد جنگ ایران و عراق ۱- بگذار آسیایی ، آسیایی را بکشد ۲- جنگ ایران و عراق نباید برنده داشته باشد ۳- انقلاب اسلامی نباید به سایر جاها سرایت کند و ... حتما به این هم قائلید که آمریکا برای برخی کدخدای بزرگی است و...

۳۱ - فرمودید " در همین کشور ما زندانها پر است از خلافکاران... " خوب در این راستا شما چه کار کرده اید ، کدام نظریه انحرافی را باطل کردید ، کدام نظریه جایگزین را ارائه داده اید که بتواند از آن مدل استخراج کرد و...

۳۲ - فرمودید " حالا افرادی مثل شما پیدا شده اند که با احکام الهی اندکی آشنا هستند " جسارتا شاخص شما برای اندک یا بسیار بودن چیست، بنده که خود را در این وادی عددی نمی بینم چه برسه به اندک

۳۳- فرمودید " اما چه سود که راه ارشاد و تبلیغ را درست نمی دانند" عزیزم ارشاد را جز از صاحبش نخواه و إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ (البقرة/۱۸۶) و هنگامی که بندگان من، از تو در باره من سؤال کنند، (بگو) من نزدیکم! دعای دعا کننده را، به هنگامی که مرا می خواند، پاسخ می گویم! پس باید دعوت مرا بپذیرند، و به من ایمان بیاورند، تا راه یابند (و به مقصد برسند)!

۳۴- فرمودید " بجای نرم خوئی و کنار آمدن با بندگان خدا آنان را کافر و لامذهب و مطرود از جامعه می پندارند" بنده فقط می خواهم به دستوری که خدا به پیامبرش داده عمل کنم ، چون او را اسوه حسنه معرفی کرده یا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (التوبة/۷۳) ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن، و بر آنها سخت بگیر! جایگاهشان جهنم است؛ و چه بد سرنوشتی دارند! و همیشه دغدغه ام، خادمی بندگان خدا بوده است و آن را وَاَبْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ می دانم و در مورد قسمت دوم جمله تان ،به خدا پناه می برم از اتهامی که زدید.

۳۵- فرمودید " بدون آنکه شان نزول آیات قرآن حکیم را بدانید از سر ستیز و دشمن تراشی، آیات قرآن را خودسرانه تعبیر و تفسیر می کنند " یاد جمله تان افتادم که به بنده اتهام زدید از آیات قرآن شاهد برای حرفهایم می آورم و ... افتزایی که به بنده زدید نمی بخشم (از سر ستیز و دشمن تراشی و...) باشد قیامت یک جور با هم حساب می کنیم . و اما در مورد خود سری تعبیر و تفسیر آیات قرآن، شاخصتان چیست ؟ مصداقی بفرمایید در کجا به کلام الله جسارتی کرده ام ؟ چرا شما تعبیر و تفسیر درست را به ما نشان نمی دهید ؟ ...

۷۹۴۷hasan

Member

۰۲:۲۸ - ۱۵/۰۸/۱۳۹۵

ادامه پست قبلی

۳۶- فرمودید " و برداشت دلخواه خوشان را ارائه می دهند" اتهام پشت اتهام بنده خدا، همه تلاش من در فرضیه جایگزین این بود که بگم دل بخواهی و خود به خودی و همینطوری و داروینی و ... نداریم و همه چیز حساب شده و دقیق و در نظم مشخص و جایگاه حق خودش باید قرار بگیره ،جایگاهی که حق بودنش را خدای خالق که هوشمندترین عالم است تعیین کرده و ... آن وقت به بنده همچین اتهام مسخره ای می زنید، تازه اگر با عینک شما هم ببینم دلخواه من حقه ، اشکال داره آن را ارائه بدم.

۳۷- فرمودید " بر سر پیامبر اسلام در مسیر رفت و آمد به خانه اش خاکستر داغ می ریختند و دم بر نمی آورد، با مردم جاهل زمان خود ملاطفت نشان می داد" رفتار پیامبر در برابر مردم جاهل اینگونه بود آیا شما خود را عامی جاهل محسوب می کنی ؟ ولی مطمئن باش کسانی که این تاپیک را دنبال می کنند اهل خواص هستند که وقتی یک مثال و توضیح ساده می زنم اعتراض می کنند و ... اینجا گود افراد فکری موضع دار است، آیا پیامبر با منحرفین و ... با ملاطفت برخورد می کرد . چقدر خطابه های کشته باد و مادرت به عزا بنشیند و ... از زبان معصوم علیه منافقان می خواهید تا برایتان بیاورم ،لذا اگر جلو انحراف را در مسائل نظری نگیریم ، ۱۴۰۰ سال بعد به اینجا می رسیم که دو مسلمان هر دو به اسم الله همدیگر را می کشند و هر دو هم ایمان دارند که به بهشت می روند و ...

۳۸- فرمودید " و هیچوقت ادیان دیگر را نا محترم نمی شمرد" اگر شاخص عند الله را قبول دارید که إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوْتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (آل عمران/۱۹)

دین در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است. و کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده شد، اختلافی (در آن) ایجاد نکردند، مگر بعد از آگاهی و علم، آن هم به خاطر ظلم و ستم در میان خود؛ و هر کس به آیات خدا کفر ورزد، (خدا به حساب او می‌رسد؛ زیرا) خداوند، سریع الحساب است.

پیامبر (ص) به قراردادهای با اهل کتاب، تا وقتی آنها پایبند بودند، پایبند بود. نه اینکه بگه اهل کتاب هر کی به دین خودش، خدا هم نعوذ بالله دیده دین کمه، همینطوری من را فرستاده یک دین جدید درست کنم، لذا عزیزم بنده علیه کاسبان کتاب موسی، و کاسبان کتابی که به عیسی نسبت می دهند موضع دارم. و برام احترامی ندارند و نسبت به مردم بی اطلاعی که خودشان را یهودی یا مسیحی ولی غیر مسلم، می دانند، سعی می کنم، کلام خدا را اطلاع رسانی کنم.

۳۹- فرمودید " همه ی مردم جهان مخلوق باریتعالی هستند و باید با دیده ی احترام و تکریم به آنان نگریست، " در مورد قسمت اول بر منکرش لعنت، و در مورد قسمت دوم به عنوان ناس (عوام معمولی) قبول دارم ولی به عنوان خواص معاند، عدوالله و عدونا (دشمنان خدا و دشمنان خودمان) هرگز، نه تنها به دیده احترام و تکریم نمی نگریم بلکه با شدت و حدت، برخورد می کنیم و در مورد انصار الله هم که حکم مشخص است...

۴۰- فرمودید " اگر از دانشمندان غیر مسلمان از جای جای عالم خوشتان نمی آید، اختیار با خودتان است " بله با اختیاری که خدا به من داده (نه شما) به صراحت اعلام می کنم از فیلسوفان بی دین، چه غربی، چه شرقی شان، از ساینسیستهای بی دین ... که در آزمایشگاههاشون فرمول بمبها را کشف می کنند، از منافقهای وطنی و از همه ضد انقلابیون و ... نه تنها خوشم نمی یاد بلکه آنها را دشمن گرفته ام و...

۴۱- فرمودید: " ولی سخنگوی دیگران نشوید و آراء و عقاید شخصیتان را تعمیم ندهید، " لطفا مصداق بیاورید ثانیاً شیطان، باطل خود را همه جا تعمیم داده، آن وقت شما آن را ول کردید، گیر دادید به حقیر که، نگو، متاسفم حداقل یک جمله ضد شیطان بگید ما به شما شک نکنیم.

۴۲- این دفعه دیگه ... " بلا نسبت به مانند تکفیری های داعش فریاد وا اسلاما سر ندهید " آقا جان، نمی دانم، کی می خواهید دست از اتهام زنی و شانتاژ و ... دست بردارید، به خودش قسم دارید صدو عن سبیل می کنید، هر جور اتهامی تونستید زدید و هر جور شبهه ای تونستید وارد کردید، هر اهانتی و... هر ذهنیتی منفی که از این کتاب تو ذهن مخاطبی که می خواست آن را بخونه به وجود بیاد و نخونه پای تو نوشته می شه. شاید شاید خدا می خواست که آن را با یک آیه ای که تو این کتاب آمده هدایت کنه، می تونی جواب بدی ???

و اما فریاد وا اسلاما اگر مسلمانی دغدغه وا اسلاما نداشته باشه مسلمان نیست، در مورد تکفیری های داعش اگر بچه شیعه های جنگ مذهبی نبودند که مهارشون کنند، اثتلافشون تا حالا صد باره ایران را ایرانستان کرده بود.

۴۳- گفتید " که می گویند(داعش) غیر مسلمان نجس و کافرند و همه باید کشته شوند، " عجب پس به همین خاطره با اسرائیلی ها و آمریکائی ها و ... کار ندارند، می رن بیمارستانهاشون، از فرماندهان آنها دستور می گیرند و ... فقط به مردم بدبخت اهل سنت عراق، کردهای موصل و به شیعه های کفریا سوریه حمله می کنند و...

۴۴- گفتید " وقتی می گوئید دین نزد خدا اسلام است و نادانسته آیات قرآن را به گواه می آورید " عزیزم (((من))((گفتتم!! آیه قرآن با آدرسش را گذاشتم رو به روت، نمی خوای قبول کنی که این کلام خداست برو خودت را ...إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ آل عمران ۹۱

قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَيْ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ(البقرة/۱۳۶) بگوئید: «ما به خدا ایمان آورده ایم؛ و به آنچه بر ما نازل شده؛ و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پیامبران از فرزندان او نازل گردید، و (همچنین) آنچه به موسی و عیسی و پیامبران (دیگر) از طرف پروردگار داده شده است، و در میان هیچ یک از آنها

جدایی قائل نمی‌شویم، و در برابر فرمان خدا تسلیم هستیم؛ (و تعصبات نژادی و اغراض شخصی، سبب نمی‌شود که بعضی را بپذیریم و بعضی را رها کنیم.)»

فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَأَشْهَدُ بِأَنَّ مُسْلِمُونَ (آل عمران/۵۲)

هنگامی که عیسی از آنان احساس کفر (و مخالفت) کرد، گفت: «کیست که یاور من به سوی خدا (برای تبلیغ آیین او) گردد؟» حواریان [= شاگردان مخصوص او] گفتند: «ما یاوران خداییم؛ به خدا ایمان آوردیم؛ و تو (نیز) گواه باش که ما اسلام آورده‌ایم.»

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ (شوری/۱۳) آیینی را برای شما تشریع کرد که به نوح توصیه کرده بود؛ و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم این بود که: دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید! و بر مشرکان گران است آنچه شما آنان را به سوی دعوت می‌کنید! خداوند هر کس را بخواهد برمی‌گزیند، و کسی را که به سوی او بازگردد هدایت می‌کند. وَمَنْ يُرْعَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ (البقرة/۱۳۰) چه کسی از آیین ابراهیم، (با آن پاکی و درخشندگی)، روی گردان خواهد شد؟! ما او را در این جهان برگزیدیم؛ و او در جهان دیگر، از صالحان است.

۷۹۴۷hasan

Member

۰۲:۳۱ - ۱۵/۰۸/۱۳۹۵

ادامه پست قبلی

إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْتُ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (البقرة/۱۳۱) در آن هنگام که پروردگارش به او گفت: اسلام بیاور! (و در برابر حق، تسلیم باش! او فرمان پروردگار را، از جان و دل پذیرفت؛ و) گفت: «در برابر پروردگار جهانیان، تسلیم شدم.»

فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ (آل عمران/۲۰) اگر با تو، به گفتگو و ستیز برخیزند، (با آنها مجادله نکن! و) بگو: «من و پیروانم، در برابر خداوند (و فرمان او)، تسلیم شده‌ایم.» و به آنها که اهل کتاب هستند [= یهود و نصاری] و بی‌سوادان [= مشرکان] بگو: «آیا شما هم تسلیم شده‌اید؟» اگر (در برابر فرمان و منطق حق، تسلیم شوند، هدایت می‌یابند؛ و اگر سرپیچی کنند، نگران مباش! زیرا) بر تو، تنها ابلاغ (رسالت) است؛ و خدا نسبت به (اعمال و عقاید) بندگان، بیناست.

قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقِهَا قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (النمل/۴۴) به او گفته شد: «داخل حیاط (قصر) شو!» هنگامی که نظر به آن افکند، پنداشت نهر آبی است و ساق پاهای خود را برهنه کرد (تا از آب بگذرد؛ اما سلیمان) گفت: «(این آب نیست)، بلکه قصری است از بلور صاف!» (ملکه سبا) گفت: «پروردگارا! من به خود ستم کردم؛ و (اینک) با سلیمان برای خداوندی که پروردگار عالمیان است اسلام آوردم!»

۴۵- گفتید " نتیجه اش این می شود که جز مسلمان هیچ جنبنده ای حق حیات ندارد، " اینکه شما اینجوری نتیجه گیری کردید به خودتان مربوط است، ولی همه جنبندگانی که در عالم هستند و حتی جمادات به این شرط حق وجود و حیات دارند که تسلیم امر پروردگارشان باشند، در مورد انسان که مختار آفریده شده ، وقتی به کمال حق

خود، جایگاه خلیفه الهی می رسد که تسلیم امر الله و الرسول و اولی الامر باشد. اینکه این همه (طبق آمار خودتان) غیر مومن شیعه در جهان وجود دارد، یعنی آنیکه حیات و ممات دستشه، قابل دیدتشان که به این دنیا آوردتشان

ولی فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسَلَمْتُ وَجْهِي لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَسَلَمْتُمْ فَإِنْ أَسَلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ (آل عمران/۲۰)

اگر با تو، به گفتگو و ستیز برخیزند، (با آنها مجادله نکن! و) بگو: «من و پیروانم، در برابر خداوند (و فرمان او)، تسلیم شده‌ایم.» و به آنها که اهل کتاب هستند [= یهود و نصاری] و بی‌سوادان [= مشرکان] بگو: «آیا شما هم تسلیم شده‌اید؟» اگر (در برابر فرمان و منطق حق، تسلیم شوند، هدایت می‌یابند؛ و اگر سرپیچی کنند، (نگران مباش! زیرا) بر تو، تنها ابلاغ (رسالت) است؛ و خدا نسبت به (اعمال و عقاید) بندگان، بیناست.

۴۶- گفتید "العیاذ بالله جای خدا می نشینید و برای ابناء بشر تصمیم گیری می کنید،" عجب آن وقت انتظار دارید بنده حقیر جواب این جمله تان را در یک خط بدم، باشه برایش یک جوابیه طولانی می نویسم ولی اجمالا خدا به ما یاد داده اینجوری دعا کنیم، ایاک نعبد و ایاک نستعین اهدنا الصراط المستقیم شیعه امام داره، صاحب داره، ولی امر داره، جماعتی کار می کنه (جمعیتی که امام داره) لذا بابت اتهامی که زدید بنده هم به همان کسی پناه می برم که شما یاد کردید فَأَصْبِرُوا حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ (الأعراف/۸۷)... صبر کنید تا خداوند میان ما داوری کند، که او بهترین داوران است!

۷۹۴۷hasan

Member

۰۲:۳۲ - ۱۵/۰۸/۱۳۹۵

ادامه پست قبلی و بخش پایانی

۴۷- گفتید "باید با همه ی مردم جهان راه تعامل پیش گرفت" آیا اینکه ما به آنها ابلاغ رسالاتی را بکنیم که الله به پیامبر خاتم فرستاده، اسمش تعامل نیست؟ اینکه دانشهای خلقی (ساینس فنی، ساینس علوم زیستی، ساینس سایبر و ...) را از آنها بیاموزیم اسمش تعامل نیست؟ اینکه حوائجی از آنها را که الله در دست ما قرار داده (نفت و ...) و بالعکس ... را تامین کنیم اسمش تعامل نیست؟ ولی مطمئن باشید معاملات باطل ولو اینکه از ریشه تعامل است ولی عند الله ارزشی ندارد و لذا بایدی هم در کار نیست.

۴۸- گفتید "و بدانیم فقط با رفتار مردم دوستانه و حفظ تعادل و اخلاق نیکو می شود از مبانی ی اسلام دفاع کرد و آن را نشر داد." اگر دقت کرده بودید عرض کردم از منطق حد وسط ارسطویی تعادل در نمی یابد با یکی به میخ زدن یکی به نعل زدن نمی شه از اسلام دفاع کرد، اخلاق نیکو، جلو کدخدا، همچون مثال "اشک کباب موجب طغیان آتش است" می باشد و ما حکم خدا را مهمتر از توصیه اخلاقی شما می دانیم اینکه:

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ (البقرة/۱۹۳) و با آنها پیکار کنید! تا فتنه (و بت پرستی، و سلب آزادی از مردم)، باقی نماند؛ و دین، مخصوص خدا گردد. پس اگر (از روش نادرست خود) دست برداشتند، (مزاحم آنها نشوید! زیرا) تعدی جز بر ستمکاران روا نیست.

۴۹- گفتید "اگر راه تبلیغ در پیش گرفته اید باید آرام و مهربان باشید" نه خیر مبلغ به حد کافی داریم، مصلح اجتماعی نداریم، کسی که برای زدن بزرگترین باطل عصر حاضر از خودی و ناخودی فحش و ناسزا بخورد، کسی که آبرویش را وسط گذاشته، تا بگه، مردم داروینیسیم و سیستمهای تابعه آن غلطه، هدایت را در سنتهای ثابت خدا جستجو کنید، کسی که امیدش فقط به خداست.

۵۰ - امیدوارم این توضیح مبسوط کفایتان کند از اینکه پستهای بعدی تان را جواب نمی دهم پیشاپیش معذرت می خواهم والسلام من اتبع الهدی.

nikdoost
Member

۱۰:۳۳ - ۱۵/۰۸/۱۳۹۵

۷۹۴۷hasan؛ " امید وارم این توضیح مبسوط کفایتان کند از اینکه پستهای بعدی تان را جواب نمی دهم " جناب حسن آقای عزیز، منتظر پاسخ مبسوط شما نبودم، چون همه حرفهایتان بجز آنچه که به من خطاب کرده اید و اظهار ناخرسندی کرده اید، تکراری است و نکته چندان جدیدی در آن نبود، باور کنید ذره ای ناراحت نشدم زیرا به یقین می دانم، نیت شما فقط دفاع از مواضع سرسختانه برای ردّ فرضیات داروین است، که برای آن زحمت زیادی کشیده اید و در این خصوص حق با شما و در جای خود محترم و قابل توجه است، ولی شخصاً بر این باور نیستم که مشکلات موجود در کشورهای پیشرفته ی صنعتی ی غرب وابسته و برانگیخته از فرضیات داروین است و یا به قول شما "داروینیسیم ستون خیمه مدرنیسم است"، اگرچه مدرنیسم به معنای اصلی کلمه؛ تبعیت از پیشرفت و نو آوری چیز خوبی است و در اسلام منع نشده و در همین زمینه حضرت علی ع فرموده " فرزند زمانه ی خود باش "، عرض بنده این است که امروز مسائل و مشکلات بسیار مهمتر داخلی پیش رو داریم که باید هرکسی که دل سوخته ی باورهای اسلامی و انسانی است در صدد حل و رفع آنها باشد، مثلاً از بین جمعیت ۷۵ میلیونی شیعه ی کشورمان که تعداد بسیاری از آنان خردسال و از کار افتاده و معلول و بازنشسته ی غیر فعال و ساکت هستند، بیش از ۱۵ میلیون پرونده ی دعاوی ی گشوده در دادسراها و دادگستری ها داریم، آیا فرضیه ی تکامل داروین این بلاها را بر سر مردم آورده!؛ از بین بیشتر افراد تحصیل کرده شاید تعداد قلیلی و آنهم آنان که با علوم انسانی سر و کار دارند، با نظرات داروین در عین حالی که بازهم اکثریت به اتفاق آنها قبول ندارند، آشنا هستند، در کشور های خارج هم موضوع فرضیات داروین کنار گذاشته شده و به ندرت مطرح می شود، مشکلات اخلاقی ی اروپا و غرب ناشی ی از سیستم آزادی های بدون کنترل و بی در و پیکر مربوط به حکومت آن ها است، در همین کشور خودمان هم اگر چنین آزادی به مردم داده شود، وحشی گری و تجاوز و فحشا رواج می یابد، و هیچکدام ربطی به فرضیات داروین ندارد، بسیار عالی است که چنین اقدامی برای نفی فرضیات داروین نموده اید، هرگز معترض نیستم، ولی ته حرف بنده این است که جامعه ی خدا باور و مسلمان شیعه ی کشور ما نیازی به مطالعه ی آن ندارند، چون خوانده و یا ناخوانده فرضیات داروین در نظر قاطبه ی آنان مردود است، فرضیات داروین مسبب خلافتکاری و جنایات هیچ مجرمی در کشور ما نبوده و نیست، چون بخصوص این گروه از تبهکاران داروین را نمی شناسند، بگذریم از اینکه داروین هیچکس را ترغیب به بزه کاری ننموده است، و باز هم تکرار می کنم، خداوند متعال همه ی بندگان را در سراسر جهان دوست دارد، خداوند مهربان؛ رحمان و رحیم است و وظیفه ی فرد فرد ما مسلمانان هم این است که خدا گونه رحمان و رحیم باشیم، باید انسان دوست باشیم، باور کنید بیشتر ما مسلمانان؛ مسلمان شناسنامه ای هستیم، به ظاهر کلمه ی لا اله الا الله بر زبان می رانیم، در نماز یومیه ایّاک نعبد و ایّاک نستعین می گوئیم ولی معانی آن در ذهنمان مستور است و خرّ هوای نفس خودمان را می رانیم، و در واقع در عمل نکردن به تکالیف الهی با غیر مسلمانان اشتراک وجه داریم و بین ما و آنان تفاوتی نیست. یعنی در بهشت و جهنّم با درجات متفاوت برای هر دو باز است، خداوند متعال برای عاقبت و آخرت تمام افراد بشر دو جایگاه مهیّا ساخته؛ یکی بهشت و یکی هم جهنّم، و او را مخیر ساخته تا با اعمال و رفتارشان به سوی جهنّم بروند و یا به سوی بهشت. واقع بین و آرام و مهربان باشید، تا حرفهایتان مؤثر باشد،

- سلام علیکم و رحمه الله خدمت همه کسانی که نظرات را دنبال می کنند و سلام خدمت آقای نیکدوست ببخشید که دیر جواب دادم درگیر کاری تو نمایشگاه صنعت تهران بودم پیامبر اکرم فرمودند اگر مسلمانی ۳ روز با برادر مسلمان خود قهر باشد مسلمان نیست فلذا آشتی، جمله ای که بابت جواب ندادن به پستهایتان گفتم را پس می گیرم . و اما نکاتی
- ۱- فرمودید "چون همه حرفهائیتان ... تکراری است" خوب اگر حرف حق باشد چه اشکالی دارد تکرار بشه , شما هم تا می تونید حرفهای حق که به کلام خدا می رسه را تکرار کنید باور کنید دنیا گلستان می شه
 - ۲- فرمودید " آنچه که به من خطاب کرده اید و اظهار ناخرسندی کرده اید، " برعکس شما که آن همه ... بار بنده کردید، باور کنید خطاب به شما فقط همان یک جمله بود که در این پست پس گرفتم . دغدغه من افراد نیستند بلکه افکار هستند . اصل و مبنا فکر حق یا باطل است افراد به تبع آن تعریف می شوند.
 - ۳- فرمودید "...نکته چندان جدیدی در آن نبود،" خدا بنده را نبخشاید اگر بخواهم غیر از کلام او نکته جدیدی از پیش خودم اضافه کنم والله قسم جلاله می خورم که به همین قرآنی که ۱۴۰۰ ساله پیش نازل شده تسلیم بشیم و مومن بشیم و عامل بشیم نیاز به هیچ نکته جدیدی نداریم.
 - ۴- فرمودید "نیت شما فقط دفاع از مواضع سرسختانه برای ردّ فرضیات داروین است،" بابت بیان این مطلب از شما تشکر می کنم . ولی با اجازه شما , یک کم تغییرش می دم دفاع سرسختانه از مواضع خدا و علیه داروینیسیم.
 - ۵- فرمودید "...در این خصوص حق با شما ... " حق همیشه با الله است بنده کی باشم برادر خیلی زرنگ باشم بتونم حق و معروف خدا را بشناسم و بشناسونم.
 - ۶- فرمودید "شخصاً بر این باور نیستم که مشکلات موجود در کشورهای پیشرفته ی صنعتی ی غرب وابسته و برانگیخته از فرضیات داروین است " نظر شخص شما برایم محترم ولی نظامات پیچیده اداره جوامع امروزی با قریب ۱۴۰۰۰ سیستم روی مبانی نظری ساخته می شود و امروز مهمترین پایه نظری در غرب پاگان , داروینیسیم است که اکثر نظریات در حوزه های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و ... بر آن اساس بنا شده نظری که می گه ماهیت موجودات زنده مدام در حال تغییر است مثلا ماهیت نیای مشترک به ماهیت میمون یا انسان یا .. تغییر می کند و حال می دانیم که حتی در جمادات ماهیت یک عنصر محال است به ماهیت عنصر دیگری تبدیل شود, لذا نظریات نسبت و تغییرات مکرر در همه چیز (نرخ ارزها) و ... ریشه در این نظریه دارد و...
 - ولی مسئله ما آنها نیستند به خودشون مربوطه , ما خیلی زرنگ باشیم گلیم خودمان را از آب بیرون بکشیم , مضاف اینکه ما اثلا آنها را کشور پیشرفته ای در علوم انسانی و معارف توحیدی و علوم اجتماعی و سیاسی و فرهنگی نمی دانیم مثالش آمار زنازادگی بیشتر از ۵۰ درصدی به سند نهاد فامیلی آو لایف, سازمان ملل, آنها حداکثر در برخی علوم خلقی (فنی و مهندسی و کامپیوتر و پزشکی ..) از ما بالاتر باشند که ما هم به حمدالله داریم به سرعت فاصله را کم می کنیم.
 - ۷- فرمودید "مدرنیسم به معنای اصلی کلمه؛ تبعیت از پیشرفت و نو آوری چیز خوبی است و در اسلام منع نشده" در این موضوعات با هم اختلاف نظر داریم که ... ولی در اسلام هر چیزی که احد و واحدیت خدا را زیر سوال ببرد منع شده مدرنیته در زمین پاگانیستی و الحادی رشد کرده است.

۸- فرمودید "عرض بنده این است که امروز مسائل و مشکلات بسیار مهمتر داخلی پیش رو داریم که باید هرکسی که دل سوخته ی باورهای اسلامی و انسانی است در صدد حل و رفع آنها باشد،" باور کنید دغدغه های بنده هم همینهاست و در نظرات پیشین می توانید ثبت شده آن را مشاهده کنید و در صورتی که هر دو صادق بوده باشیم پس هم مقصد هستیم و ... در این زمینه جمله ای از دشمنان نقل می کنم که گفت : " نپرسید آمریکا برای من چه کار کرد ، پرسید من برای آمریکا چه کار می کنم (کردم ، خواهم کرد) " فقط آمریکاش را بردارید به جاش اسلام ، شیعه ، ایران ، مستضعفان عالم و ... هر چیز خوب دیگه بزارید.

۹- فرمودید "بیش از ۱۵ میلیون پرونده ی دعاوی ی گشوده در دادسراها و دادگستری ها داریم،" نظریه غلط مبتنی بر داروینیسیم در همه حوزه ها باعث می شه قوانین غلطی به اجماع برسه (تصویب بشه) آن قوانین غلط حتی اگر به امامزاده ها هم برای اجرا داده بشه، نتایج غلطی به بار می یاره و این تعداد پرونده نشانه همینه . ولی کار ریشه ای، اینه که باطل داروینیسیم را بزنییم تا حق ، احکام خدا مجال اقامه پیدا کنه

۱۰- فرمودید "آیا فرضیه ی تکامل داروین این بلاهارا بر سر مردم آورده!" اجازه دهید بگویم بلا نسبت شما ، غریزگانی که کورکورانه تبعیت از کفار و مشرکین و ملحدین را (که داروینیسیمی فکر می کنند) می کنن و ... و منابع حق و اصلی و داشته های خودی را منکوب و سرکوب می کنند، این بلاها را سر مردم در آوردن یک مثالش سیستم بانکی است ، ربای که خدا گفته هر کس چه بدهد چه بگیرد چه کارگزاری کند گویی به جنگ با من آمده ،امروز کاملاً در تسخیر مدرنیست هاست و به اسم اسلام ، خر ، مراد ، لیبرالیستی، خودشان را می رانند و از پیوستن به اف ای تی اف معذرت می خوام ... کیف می شن.

۱۱- فرمودید " از بین بیشتر افراد تحصیل کرده شاید تعداد قلیلی و آنها آنان که با علوم انسانی سر و کار دارند،" به استحضار می رسانم طبق آخرین آماری که من داشتم از بین ۴.۵ میلیون دانشجو ۲.۵ میلیونش علوم انسانی است که حتی صدای آقا را هم درآورد که شما که متن درست حسابی ندارید و استاد مبرز و شاخصی ندارید چرا اینقدر دانشجو گرفتید و...

۱۲- فرمودید " تحصیل کرده ها ... با نظرات داروین در عین حالی که بازهم اکثریت به اتفاق آنها قبول ندارند، آشنا هستند،" تکرر اطلاعات یا ماس اینفورمیشن یکی از سیاستهای غرب برای گیج کردن اهل فکر و دانشمندان بوده و هست ولی در مورد قبول نداشتن ، اگر قبول نداشتن تبعیت نمی کردن و در عمل در جواب به سوالات امتحانی مدرکشان ، متون برخاسته از آن را در برگه ها نمی نوشتند و... در مورد آشنایی هم ، علمی که در انسان به باور تبدیل نشود ، به درد نمی خورد ، حالا هر چقدر می خوان آشنا باشن . چون در شیعه فقط عمل حقی پذیرفته است که عاملش به آن باور داشته باشد.

۷۹۴۷hasan

Member

۰۲:۲۲ - ۱۷/۰۸/۱۳۹۵

ادامه پست قبلی

۱۳-- فرمودید " در کشور های خارج هم موضوع فرضیات داروین کنار گذاشته شده و به ندرت مطرح می شود، " باید عرض کنم خیر ۱- سندش اینکه با وجودیکه دسترسی به اکثر پایان نامه های علمی و پژوهشها در غرب بسیار گران و با هزینه صورت می گیرد (دریافت هزینه عضویت های سنگین از دانشگاهها) ولی سندسازیهای مربوط به داروینیسیم به رایگان و وفور در اختیار همگان قرار می گیرد و ... ۲- کافی است مناظرات سنگین و چالشی کریشنیست ها و داروینیسیت را که هر چند وقت یکبار در غرب رخ می دهد (در حالیکه اینجا همه خوابند) توجه

کنید و و اگر مخاطب این جمله شما خواننده احتمالی این کتاب است که سرد شود و آن را نخواند یا بی اهمیت از کنارش رد شود و ... بنده به عقل آنها احترام می گذارم.

۱۴- فرمودید " مشکلات اخلاقی ی اروپا و غرب ناشی ی از سیستم آزادی های بدون کنترل و بی در و پیکر مربوط به حکومت آن ها است،" لسه فر (بگذار هر چه می خواهد انجام دهد) میوه لیبرالیزم است که ... که بر روی داروینیسیم بنا شده و ... در مورد بقیه جمله تان حرف بسیار است که صرفنظر می کنم

۱۵- فرمودید " ... و هیچکدام ربطی به فرضیات داروین ندارد" بنده گاهی با سخنان شما به تناقض می خورم از یک طرف می گوید مواضع آنتی داروینی را تحسین می کنید از یک طرف اینگونه از داروینیسیم حمایت می کنید به هر حال از نظر بنده همه چی به همه چی ربط داره این مورد هم که جای خود دارد.

۱۶- فرمودید " ولی تَه حرف بنده این است که جامعه ی خدا باور و مسلمان شیعه ی کشور ما نیازی به مطالعه ی آن ندارند" جسارتا تنها جمعیتی که قائل به امام به عنوان ولی امر است، شیعه می باشد ، وقتی ولی امرش می گوید علوم انسانی غرب (روی پایه داروینیسیم) تئلیثی و غیر توحیدی و .. است، دیگه بقیه شیعه ها فقط می گن چشم از خودشان فتوای جدید صادر نمی کنن .

۱۷- فرمودید "چون خواننده و یا ناخوانده فرضیات داروین در نظر قاطبه ی آنان مردود است،" فقط احمقها ، زیر یک قولنامه یا سند ناخوانده را امضا می کنند ،شیعه عاقله، آن جاهایی هم که خودش متخصص نیست به عقل ولی امر صالح و متخصص مربوطه ، اعتماد می کنه و از رای او تقلید می کنه لذا اتفاقا خدا اجازه وامکان باطل را می دهد تا شیعه با زدن تو سر باطل ، یک پله خودش را ارتقا درجه بدهد و...

۱۸- فرمودید " فرضیات داروین مسَبب خلافکاری و جنایات هیچ مجرمی در کشور ما نبوده و نیست،" مجدد به تناقض خوردم آن تائیدات ضد داروینی و این دفاع جانانه از داروینیسیم با هم جور در نمی یاد . خلافکاری و جنایت هر مجرمی چه در کشور ما چه هر جای دیگر جهان به خاطر عصیان او ، از امر (سنتها و قوانین حق) پروردگارش است ، وقتی داروینیسیم اعتقاد به علت العلل و خدای احد و واحد را می زند چی میشه...

۱۹- فرمودید "چون بخصوص این گروه از تبهکاران داروین را نمی شناسند،" در اینجا ما به شخص داروین چه کار داریم؟ به قول برخی داروین پرستها ، وی آخر عمرش مسلمان شده بوده و ... حالا ... آن تبهکاران در سیستمی دارن نفس می کشن، که روی قوانینی بنا شده، که مبناش داروینیسیم است، وقتی این فکرها که نخوری ، می خورنت یا باید تو این دنیا گرگ باشی یا گوسفند و بهتره گرگ باشی و ... که از قانون بقای اقوی (بقای قویتر) مانند سم به فکر آنها تزریق شده ، شما انتظار غیر از این را داری؟!

۲۰- فرمودید " بگذریم از اینکه داروین هیچکس را ترغیب به بزه کاری ننموده است،" مجددا به تناقض خوردم به هر حال ۹۰ درصد تولیدات هالیوود به عنوان بزرگترین دستگاه تبلیغی جهان روی تمرکز بر مضامین اشاعه سکس و فحشا (بلا استثنا در همه فیلمهاشون و روابط مثلثی و ...) و خشونت با تصویرگری شلیکها و ... است . سیستمی که این میوه ها ، محصولات ، تولیدات را ساخته ،خودش بر اساس چه نظریاتی ساخته شده ، نگویید غیر از داروینیسیم که...

۲۱- فرمودید "و باز هم تکرار می کنم، خداوند متعال همه ی بندگان را در سراسر جهان دوست دارد،" صد البته اتفاقا ۱۱۶ بار رحمن و رحیم بودن را در کنار هم آورده و هیچ مسلمانی در رحمان و رحیم و اسماء الحسنی الهی شک ندارد لیکن در قیامت یَوْمَ نَقُولُ لِحَبَّتَمَ هَلْ اٰمَنَلَّتْ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِیدٍ(ق/۳۰) (به خاطر بیاورید) روزی را که به جهنم می گوئیم: «آیا پر شده ای؟» و او می گوید: «آیا افزون بر این هم هست؟!»

چرا چون بنده و خدای نکرده شما در ابلاغ رسالات الهی که به رسولش منزل کرده بود به بقیه مردم جهان کوتاهی کرده ایم و به جای پرداختن به حق ، مدام باید بر سر باطلها ، با هم بحث کنیم.

۲۲- فرمودید "وظیفه ی فرد فرد ما مسلمانان هم این است که خدا گونه رحمان و رحیم باشیم،" اولاً هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى (الحشر/۲۴) الله ۱۰۰۱ اسم و صفت حق دارد (قابل درک توسط ما) الله علاوه بر رحمان و رحیم بودن الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيِّمُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ (الحشر/۲۳) و کافران و منافقان را شدید العقاب است و ... لذا موصوف , صفت را هم باید مشخص کنید که نسبت به چه کسی یا چه جریانی الله رحمان و رحیم است تا بندگانش آنگونه باشند و نسبت به چه کسانی عدو و در حرب است تا بندگانش با آنها جهاد کنند . در مورد خدا گونگی هم , شما را نمی دانم ولی بنده هیچوقت جز بندگی خدا, فراتر نمی خواهم چه برسد به خدا گونگی و...

۷۹۴۷hasan

Member

۰۲:۲۴ - ۱۷/۰۸/۱۳۹۵

ادامه پست قبلی

۲۳-- فرمودید " باید انسان دوست باشیم،" شیعه موضع دارد انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم و ولی لمن والاکم و عدو لمن والاکم اهل البيت ع و بین حرفهای به اصطلاح روشنفکرانه و اوامر رسیده از ائمه اش , دومی را انتخاب می کند .

الَّذِينَ آمَنُوا يَفَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَفَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا (النساء/۷۶) کسانی که ایمان دارند، در راه خدا پیکار می کنند؛ و آنها که کافرند، در راه طاغوت [=بت و افراد طغیانگر]. پس شما با یاران شیطان، پیکار کنید! (و از آنها نهراسید!) زیرا که نقشه شیطان، (همانند قدرتش) ضعیف است.

۲۴- فرمودید " باور کنید بیشتر ما مسلمانان؛ مسلمان شناسنامه ای هستیم،" جهت استحضار با توجه به آیه وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا (النساء/۱۲۵) دین و آیین چه کسی بهتر است از آن کس که خود را تسلیم خدا کند، و نیکوکار باشد، و پیرو آیین خالص و پاک ابراهیم گردد؟ و خدا ابراهیم را به دوستی خود، انتخاب کرد.

شرط مسلمانی واقعی بیان شده است , حداقل ما اراده , تسلیم شدن واقعی , در برابر خداوند را اتخاذ کنیم و خودمان را از آتش جهنم نجات بدیم , بقیه هم خداشون بزرگه.

۲۵- فرمودید "به ظاهر کلمه ی لا اله الا الله بر زبان می رانیم، در نماز یومیه ایتاک نعبد و ایتاک نستعین می گوئیم ولی معانی آن در ذهنمان مستور است و خر هوای نفس خودمان را می رانیم،" این صفات و کارهایی که فرمودید بلا نسبت شما وصف منافقان است, خدا نکند در مورد همه ما صدق کند به هر حال من و شما اول از همه مکلفیم به وظایف خود به وسعتی که خدا به ما داده , تکلیف انجام وظیفه را ادا نمائیم , بقیه هم اختیارشون با خودشان و البته قَالَ اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (البقرة/۱۱۳) ... خداوند، روز قیامت، در باره آنچه در آن اختلاف داشتند، داوری می کند.

۲۶- فرمودید " در واقع در عمل نکردن به تکالیف الهی با غیر مسلمانان اشتراک وجه داریم و بین ما و آنان تفاوتی نیست " این توصیفات , وصف مردم به اصطلاح روشنفکر نماهای , سکولار , مقدس ماب است . باور کنید بین ما و آنها تفاوت است , یک قلم عرض کنم با همه مشکلاتی که منافقان داخلی و معاندان خارجی برای کشور درست کردن , نرخ حلال زادگی بچه هامون تو جهان اوله , خدا را شکر

۲۷- فرمودید " خداوند متعال برای عاقبت و آخرت تمام افراد بشر دو جایگاه مهیا ساخته؛ یکی بهشت و یکی هم جهنم، و او را مخیر ساخته تا با اعمال و رفتارشان به سوی جهنم بروند و یا به سوی بهشت. " جسارتا بهشت و جهنم

هدف نیست یک از فروع نتیجه است هدف الله از خلقت انسان ، وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (الذاریات/۵۶) من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به حق و من نزدیک شوند)! و حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ فَمَا تُغْنِ النُّذُرُ (القمر/۵) این آیات، حکمت بالغه الهی است؛ اما انذارها (برای افراد لجوج) فایده نمی‌دهد! آیات ، حکمتی است که انسان را به بلوغ می‌رساند رشد می‌دهد (همان که داروینیسرها آن را به تکامل تعبیر می‌کنند) و اینکه اعمال و رفتار به تبع اراده و تصمیم و اختیار شکل می‌گیرد و تصمیم برآیند، آراء و نظرات و تعقل در تقابل بین حق و باطل است ، لا اله الا الله یعنی باطل داروینیسیم را بزن ، تا حق ، ثابت ، قائم به ذات احدیت ، جاری شود.

۷۹۴۷hasan

Member

۰۲:۲۴ - ۱۷/۰۸/۱۳۹۵

ادامه پست قبلی و قسمت پایانی

۲۸- فرمودید "واقع بین و آرام و مهربان باشید، تا حرفهایتان مؤثر باشد،" من همواره تشنه نصیحتم ، و از این بابت از شما تشکر می‌کنم ولی حقیر همه سعی ام را می‌کنم که اگر تاثیری قرار است به وجود آید تاثیر حق کلام الله باشد و کوچکترین منیتی در کلامم نباشد تا خداوند چقدر لیاقت دهد
وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (آل عمران/۱۰۳)
و همگی به ریسمان خدا = قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت، چنگ زنید ، و پراکنده نشوید! و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید! و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید.

منتظر نظرات واقعا آنتی داروینیستی شما در پستهای بعدی هستم با تشکر

۰۱۳۱۲۲۴۷۵۶۶

Member

۰۲:۵۴ - ۱۹/۰۸/۱۳۹۵

با سلام و درود خدمت عزیزان . نظرات متفاوت بود موافق و مخالف به اصطلاح داروینیسیم. که خود کلمه داروینیسیم هم اشتباه هست به هر حال به عنوان یک زیست شناس و پژوهشگر اصلاح نژاد دام متوجه شدم که هیچ کدام از طرفین به هیچ عنوان لایه کتاب منشا انواع داروین رو باز نکردین بخونید که چی نوشته. این کتابها امثال هم به هیچ عنوان ارتباطی با نظریه داروین ندارند. البته حق دارید چون بعضی زیست شناس ها هم حوصله هزار و چهارصد صفحه خوندن رو ندارن. به عنوان کسی که بیش از ده بار کتابهای نوشته شده توسط خود داروین رو خونده و درس داده عاجزانه خواهش میکنم یک بحث علمی رو به عنوان دین گریزی و یا توجیه دین به کار نبرید . انگلستان و مانند اون از این نظریه اسفاده کردند و شما ملت عزیز دارید پول زحمت اونها رو پرداخت میکنید . به طور مثال مرغی که میخريد از نژاد راس ۵۵۰ تولید امریکا. کاپ ۳۳۰ المان. تمام تخم مرغهای خوراکی موجود در جهان لگهورن ۳۱۳ اسرائیل . گوشت گاو منجمد و کشتار روز هرفورد و دورگ بومی اسپرم منجمد فورد امریکا. تمام شیرهای موجود در اسيا دو رگ هولشتاین براهما اسرائیل. دیگه بسته اگه گندم و... . به هر حال داروین یک فرد معتقد و دین دار بود و دین یک مسئله کاملا شخصی هست واز همه مهمتر کلیسای جامع امریکا بود که این نظریه رو داد مبنی بر انسان تکامل یافته از شانپانزه و بعد اون کاریکاتور معروف از داروین و بعد از دویست سال ما تراوشات ذهن کلیسای

ان زمان امریکا رو هنوز در حال نشخوار کردنیم. اگر دوست دارید بدونین داروین چی گفته کتابش هست با ترجمه عالی قیمت یه پیتزا ۱۵۰۰۰ pdf هم در اینترنت موجود هست.

۲۵۰۰ aziznasin

Member

۰۹:۱۵ - ۱۹/۰۸/۱۳۹۵

با سلام و درود فراوان به ۰۱۳۱۲۲۴۷۵۶۶

شما قابل تقدیر هستید که این مسئله را بیان کردید. در این سایت اشخاص بسیاری هستند که از زور بیکاری و ندانم کاری برای هر کتابی دیدگاه صادر میکنند. معلوم نیست تخصص این اشخاص چیست. اگر هم ایراد بگیری که شخص محترم مگر تو در چند علم متخصص هستی که برای هر کتابی نظر صادر میکنی و توضیحات از دید خودت علمی می دهی، میگویند ما از دانش مان استفاده میکنیم (باید بگویم دانش آنها به وسعت دریا است ولی به اندازه نیم بند انگشت عمق دارد) اگر حرفی داری بیا و منطقی با علم و دانش آنها را رد کن. خب مشکل همینجاست. در کشور ما متأسفانه دانستن علوم بشمار جزء افتخارات محسوب میشود ولی سالیان سال است که در کشورهای پیشرفته متخصص بودن در یک علم مزیت محسوب میشود و این مورد باعث پیشرفته بودن یک کشور است نه سوار ماشین پورشه شدن. بر اساس نظریات روانشناسان بزرگ مانند ژان پیازه و این احساسات و اظهار فضل کردن فقط به خاطر آسیب های دوران بچگی و مخصوصا سه سال اول است. (بنده متخصص روانشناسی نیستم فقط به دنبال دلیل این موضوع میگشتم که دلیل آن را در مسائل روانی سه سال اول زندگی پیدا کردم). کسی که در کشورهای پیشرفته متخصص پیشوندهای یک زبان است به هیچ عنوان در کار پسوندهای همان زبان دخالت نمی کند. نه اینکه اطلاعی نداشته باشد، نه، ولی آنقدر شعور دارد که در این حوزه وارد نشه. کسی که در دانشگاههای آلمان در حال تدریس ادبیات فارسی است و فقط متخصص ناصر خسرو آن هم فقط کتاب سفرنامه ناصر خسرو است، نه اینکه از ادبیات ایران اطلاعاتی نداشته باشد، نه، ولی شعور دارد در بقیه ادبیات ایران اظهار نظر نمیکند.

الان مطمئن هستم بعد از این دیدگاه فضایی سایت (که واقعاً زنگ تفریح سایت هستند) شمشیر از نیام میکشند و دوباره علم و آگاهی خود را نشان خواهند داد. استادی که متخصص زبان انگلیسی است در آن واحد فیلسوف، جغرافی دان، تاریخ دان، آشنا به علوم غریبه، علوم معقول، منقول، مجهول و معلوم است، ریشه لغات را می شناسد و

واقعاً آدم سرگیچه می گیره از این همه پرمدعایی و فضل فروشی

دبیرزاده

Member

۱۹:۵۲ - ۱۹/۰۸/۱۳۹۵

در پاسخ به ۰۶۶۵۷...

مادر زیستشناسی با دو مفهوم "گزینش طبیعی Natural Selection" که داروین آنرا یاد آور شد و نیز "گزینش ساختگی artificial selection" سروکار داریم ،

که بر گفته داروین این گزینش طبیعی است که فرگشت را اداره میکند ، در حالیکه خود همین بهبود نژاد دام و امروزه دانه های بطور ساختگی دگرگون شده ژنتیکی GM دلیلی بر رد گزینش طبیعی است زیرا در اینجا خواسته های بعضی از انسانها و نه همه گونه های مردمی بر ضد روند گزینش طبیعی میکوشد،

امروزه نیز بسیاری از زیست‌شناسان و دانشمندان ژنتیک در انتقاد و حتی رد تئوری های داروین کتابهایی نوشتند همچون اخیرا:

What Darwin got wrong نوشته Fodor and Massimo Piattelli-Palmarini

به هر حال برخی از انتقادات بر تئوری داروین را بطور بسیار کوتاه، یاد آور می‌شوم ،
-ریشه همسان جانداران (تئوری درخت زندگی داروین pangenesis / این تئوری فراوانی و گونه های بسیار جانداران پیچیده انبوه یاخته و نیز تک یاخته های بجا مانده گونه و پدید آمدن گونه های تازه آنها را نمیتواند نشان دهد

-داروین از اندامهای پسمانده vestigial organs نام میبرد همانند آپاندیس و لوزه و دیگر اندامها که به پندار او و دیگران تا چندی پیش هیچ کاری نمیکند و بیهوده اند ، در حالیکه امروزه دریافته اند که همه اندامهای بدن دارای کاربردی بایسته اند ، چنانچه پیش از این و حتی امروزه کسانی هستند که بیشتر DNA درون کروموزوم را DNA آشغال junk DNA مینامند که به هیچ کاری نمیآیند بدیگر سخن کسانی هستند که در پیروی کورکورانه داروینیسیم حتی در پژوهش های علمی نیز دچار پیشداوری میشوند

-تکنیک و قانونهای مندل نشان میدهد که ویژگی های نژادی با هم میآمیزند اما دچار فرگشت نمیشوند، جاندار تازه فرآمد آمیزش ویژگی های زایندهگانشان است که حتی میتواند به فروگشت devolution بیانجامد

-داروینیسیم نمیتواند ویژگیهای ضد طبیعی همچون altruism دیگران را بر خود ترجیح دادن ، نیازهای فراماده ای همچون ادبیات و فلسفه و... را حتی اگر بر ضد روند طبیعی و بر ضد زیست طبیعی فرد باشد را توجیه کند .

-در طبیعت اگر هدفمندی نباشد پس خود همین "گرینش طبیعی" نادرست است ، زیرا طبیعت بی روح بخودی خود نمیتواند دارای ارزشهای ایده آل درونی برای تکامل Perfection باشد .

در ضمن تکنیک بهبود نژادی را نخستین بار "گرگور مندل" Gregor Mendel بررسی کرد نه داروین و این ادعای شما که « تمام شیرهای آسیا دو رگ هولشتاین برهما ی اسرائیل ..» با عقل جور نمیآید ، زیرا نژاد گاوهای شیرده در اروپا و آسیا هزاران سال است که وجود داشته اند در حالیکه اسرائیل خودش کمتر از صد سال پیش بوجود آمده است ،

دبیرزاده

Member

۲۰:۳۵ - ۱۹/۰۸/۱۳۹۵

در پاسخ به aziznasin ۲۵۰۰

هموطن ،

اینجا سایتی فرهنگی برای کتابخوان ها است ، اینجا ما مدرک تحصیلی و تخصصی یکدیگر را با مهر و امضای مربوطه نیز نمیبینیم و نیازی هم به اینکار نیست ،

زیرا هر کسی بروش خودش در انتقاد به کتابی یا نظریه ای میتواند دیدگاهی بگذارد ، یا درست است یا نادرست است ، و اگر آن دیدگاه به نظر دیگران نادرست آمده باشد ، آنها نیز (در تئوری) با دلیل و برهان میکوشند تا خلاف آنرا نشان دهند یا دستکم آنرا به نقد بکشند، و اگر هم توان بحث و برهان و منطقی نباشد ، "تخصص" گویای هیچ دلیلی نیست ، ما که در بیرون ایران زندگی کرده ایم نیز به شما اطمینان میدهم که در اروپا و امریکا بویژه در اینترنت ، هر کسی میتواند و حق دارد تا درباره هر موضوعی نظر بدهد و سخن بگوید ، و "تخصص" تنها برای استخدام است آنهم برای بعضی از شغلها و گذشته از مدرک تخصصی با خود هر کسی نیز گفتگو میکنند تا دریابند که او آیا برازنده "تخصص" اش است یا تنها مدرک اش را سپر نادانی اش کرده است ، ای کاش هموطنان ما در

روش گفتار و نوشتار حد اقل درست نویسی و ادب را رعایت میکردند که در دوره دبستانی به آنها باید آموخته باشند ، و اینجا قرار نیست که کسی را استخدام کنند تا به مدرک تخصصی نیاز باشد .

چرا ما بایستی از آگاهی گسترده شرم کنیم ؟

دانستن عیب نیست ،

۷۹۴۷hasan

Member

۲۱:۰۲ - ۱۹/۰۸/۱۳۹۵

به اسم الله

سلام و عرض وقت به خیر به همه دوستان

جوابیه دوست عزیز ۰۱۳۱۲۲۴۷۵۶۶ با آواتار امیر کبیر بزرگ که در عصر قحط الرجال ، آبرویی برای ایران ، مقابل غیر بود

۱- فرمودید " خود کلمه داروینیسیم هم اشتباه هست " داروینیسیم امروز از سوی سکولارها ، به عنوان یک ایدئولوژی در مقابل دینداران مطرح است و ... لذا کلمه ای است که خودشان می گویند ، اگر اعتراضی دارید به خودشان اعلام بفرمائید نه ما

۲- خود را " به عنوان یک زیست شناس و پژوهشگر اصلاح نژاد دام " معرفی فرمودید ، خوشبختیم

۳- فرمودید " متوجه شدم که هیچ کدام از طرفین به هیچ عنوان لایه کتاب منشا انواع داروین رو باز نکردین بخونید که چی نوشته. " عزیزم شما که خوانده اید این قسمت از صحبتهای داروین را برای ما تشریح کنید : " چالز داروین در کتاب منشا انواع: (اگر تئوریم درست باشد، تعداد بیشماری از نوعهای گذر میانی که رابطه میانی نوع ها می باشند حتما می بایستی زندگی کرده باشند و دلایل زیستن آنها را هم فقط از میان فسیل ها می توان یافت.)و در ادامه صحبت هایش :

اگر واقعا نوعها بطور تدریجی از نوعهای دیگر مشتق شده باشند پس چرا به آثار بی شماری از فرم های گذر میانی دست نمی یابیم؟ چرا تمام طبیعت در یک حالت اغتشاش نبوده، دقیقا و بطور کامل سر جای خود می باشد؟ می بایستی تعداد بیشماری از این فرم های گذر میانی باشند. فقط چرا در لایه های بیشمار گره زمین مدفون شده و آنرا نمی یابیم... چرا هر ساختار ژئولوژیک و هر قشر زمین سرشار از چنین اتصالاتی نمی باشند؟ ژئولوژی یک طیف خوب درجه بندی شده زمان را به میان نمی گذارد و شاید این بزرگترین اعتراضی می تواند باشد که در مقابل تئوری من مطرح کرد) .

باقی اشکالاتی که خودش به نظریه اش وارد دانسته از جمله پیچیدگی و ... را صرف نظر می کنم و...

۴- فرمودید " این کتابها امثال هم به هیچ عنوان ارتباطی با نظریه داروین ندارند. " لطفا شما اول امثال هم بودن این کتابها را ثابت کن بعد به ارتباطش با داروین برسیم ، در این کتاب فرضیاتی برای اولین بار در جهان مطرح شده که

...

۵- فرمودید " البته حق دارید چون بعضی زیست شناس ها هم حوصله هزار و چهارصد صفحه خوندن رو ندارن "

جسارتا

ما یک ضرب المثل داریم که میگه خشت اول چون نهد معمار کج تا ثریا رود دیوار کج لذا وقتی داروین فرض مبنایی اش یعنی تغییر ماهیت انواع از نوعی به نوع دیگر است ، امری محال و باطل است ، لذا بقیه اش حدیث نفس است و امام ضلالت شدن لذا اگر ۱۴۰۰۰۰۰۰ صفحه هم راجع بهش بنویسه ، همه اش باطله در ثانی اینجا بحث

تخصصی بین بیولوژیستها نیست ثالثا اگر قرار باشه که هر کس هر کتابی در عالم هست را بخونه (ضاله و هادی) که هزار تا عمر نوح هم کم می آد.

۴- فرمودید: " به عنوان کسی که بیش از ده بار کتابهای نوشته شده توسط خود داروین رو خونده و درس داده بدون احترام , کتاب مقدس ما, که مال دین تسلیم در برابر قوانین ثابت الهی است , (قرآن) است نه کتابهای دین مدرنیست ها , داروین و ... که همه چیز را در توهم نوع به نوع شدن , و به تبع نسبیت می بینند) لذا نمی دانم روز قیامت به قرآن چه جوابی خواهید داد

۷۹۴۷hasan

Member

۲۱:۰۳ - ۱۹/۰۸/۱۳۹۵

ادامه پست قبلی

۶ -- فرمودید "انگلستان و مانند اون از این نظریه استفاده کردند و شما ملت عزیز دارید پول زحمت اونها رو پرداخت میکنید ." کاملا درست می فرمائید اگر انگلیس این اراجیف را نمی ساخت و در ذهن نخبه گان دیگر کشورها از جمله کشور ما نمی کرد, تا آنها را مرعوب و خودباخته خود کند , چگونه می توانست ۱۱۴ برابر سرزمین اصلی خودش را اشغال کند و همه منابع آنها را غارت کند و به امروز به من و شما فخر بفروشد که بله, به خاطر داروینیسم است که ما به اینجا رسیده ایم و ... البته شاید درست گفته باشند اصل بقای اقوی(قویتر) (در اینجا خائن ها به بقای اصلح ترجمه کرده اند) می گوید هر هدفی ولو ناحق, هر وسیله ای ولو مکر و فریب و دروغ و زور و ظلم درست است و کاربردش را توجیه می کنند و...

۷ - فرمودید " به طور مثال مرغی که میخرد از نژاد راس ۵۵۰ تولید امریکا. کاپ ۳۳۰ المان. تمام تخم مرغهای خوراکی موجود در جهان لگهورن ۳۱۳ اسرائیل . گوشت گاو منجمد و کشتار روز هرفورد و دورگ بومی اسپرم منجمد فورد امریکا. تمام شیرهای موجود در اسیا دو رگ هولشتاین برهما اسرائیل. دیگه بسته اگه گندم و... ." عجب آن وقت این سند افتخار شما اساتید و پژوهشگران است یا سند بی آبرویتان, یادم باشه در قیامت یقه مسئولین جمهوری اسلامی را بگیرم که چرا سهم بنده از بیت المال را خرج اساتید و پژوهشگرانی می کردند , که خود و تولیداتش هیچ است و اینگونه مرعوب و مقهور و ذلیل بی خودی ها و نا خودی ها هستند و صرفا شیپورچی آنها هستند.

ولی نگران نباشید این عرصه ها را هم ان شاءالله نیروهای انقلاب اسلامی تسخیر می کنند, تا عوض کم کاری شما را جبران کنند و به جای انواع غذاهای تراریخته و مشکوک و ... غذاهای سالمی را برای همه انسانهای جهان معرفی و جایگزین کنند و اینکه زمستان بالاخره می رود ولی روسیاهی همچنان به ذغال خواهد ماند .

۸ - فرمودید "به هر حال داروین یک فرد معتقد و دین دار بود " دین داری به زبان نیست, دینداری که یک کلمه از خدا نگفته و همه چیز خود به خودی و ... می بینه , دینش فقط به درد جهنم می خوره .

۹ - گفتید "و دین یک مسئله کاملا شخصی هست" شما دین را کاملا شخصی بگیرید , استاد دانشگاهی با این تعریف از دین قطعاً نماز هم نمی خواند یا اگر می خواند داروینی و همینطوری و .. می خواند واگر نه متوجه می شد که این همه ضمیر ن و نا (یعنی ما, نه , من) اثبات می کند که نماز و دین یک امر جماعتی است (جمعیتی که امام دارد)

۱۰ - فرمودید " واز همه مهمتر کلیسای جامع امریکا بود که این نظریه رو داد مبنی بر انسان تکامل یافته از شانپانزه و بعد اون کاریکاتور معروف از داروین ... " در دین اسلام اصول دین , تقلید بردار نیست یعنی اینکه کسی بگوید چون فلانی گفته خدا هست پس من هم از او تقلید می کنم به درد نمی خوره هر مسلمان خودش باید به ایمان به

توحید و معاد و نبوت و عدل و امامت برسد و اینکه دین در نزد الله یکی است و آن هم (دین تسلیم در برابر قوانین ثابت الهی) اسلام است که همه انبیا و اولیا , مسلمان بوده اند لذا ماست مالی کردن و خلط مبحث و ... جواب نمی دهد به اضافه اینکه توهم نیای مشترک را که کلیسا نگفته و...

۱۱ - گفتید " و بعد از دویست سال ما تراوشات ذهن کلیسای آن زمان امریکا رو هنوز در حال نشخوار کردیم. " اگر منظورتان از نشخوار اهانت بود که به خودتان برش می گردانم ولی اگر منظورتان باز اندیشی تفکرات یک بار جویده شده است , اعلام می کنم کلیسا معتقد به خدای ساعت ساز است یعنی خدایی که یکبار جهان را ساخت و منظم کرد و خسته شد و رفت کناری نشست و گفت دیگه از اینجا به بعد خودتان و ... و همه چیز تمدن خودش را تثلیثی می خواد شرک ۳ گانه پدر و پسر و روح القدس در همه آثارشون موج می زنه , لذا قیاس باطلی فرمودید شعار ما در تسییحات اربعه همواره این بوده سبحان الله والحمدلله و لا اله الا الله و الله اکبر

۷۹۴۷hasan

Member

۲۱:۰۴ - ۱۹/۰۸/۱۳۹۵

ادامه پست قبلی

۱۲ --فرمودید " اگر دوست دارید بدونین داروین چی گفته کتابش هست با ترجمه عالی قیمت یه پیتزا ۱۵۰۰۰ pdf هم در اینترنت موجود هست. " با توجه به همان ضرب المثل معروف خشت اول ... بنده این کتاب را به هیچ کس توصیه نمی کنم جز بیولوژیستهای انقلابی و جز برای انکار باطل هایش , ما یک شاخص داریم اگر همچون همه قوانین ثابت جهانی, به یک و وحدت و خدا رسیدیم , قبول, واگر نه باطل است هر چه و هر که , می خواهد باشد , اشتباه است و ...

جوابیه مخاطب محترم aziznasin ۲۵۰۰

۱ - نسبت به منتقد قبلی , فرمودید " شما قابل تقدیر هستید که این مسئله را بیان کردید. " خدا به ما گفته بود که ... بعضهم اولیاء بعض (آنها یاران یکدیگرند) هستند لذا چیز تازه ای نیست , بگوئید.

۲ -فرمودید " در این سایت اشخاص بسیاری هستند که از زور بیکاری و ندانم کاری برای هر کتابی دیدگاه صادر میکنند. " انسان تا دردی را نشناسد, نمی تواند آن را بیان کند, واقعا بیکاریتان را نمی دانم , ولی لطفا از روی ندانم کاری دیدگاه صادر نکنید.

۳ -فرمودید "اگر هم ایراد بگیری که شخص محترم مگر تو در چند علم متخصص هستی که برای هر کتابی نظر صادر میکنی " جسارتا اگر منظورتان بنده هست, همانطور که قبلا هم اعلام کرده بودم , بنده گردآورنده و مولف کتاب هستم و باید از آن دفاع کنم اگر هم سایرینند که ... در مورد تخصص هم بنده , جزءنگر و قائل به تقسیم بندی رشته های دانشگاهی مبتنی بر ساینس غربی نیستم سعی می کنم کل نگر باشم.

۴ -فرمودید " .. و توضیحات از دید خودت علمی می دهی " کلمه قرآنی علم , با مبنای ثابت آن یعنی عالم آشکار و نهان , خداوند منان تعریف می شود , از طرفی یونانیها کلمه تئوری یعنی دیدن از موضع خداوند را برای نظریه های علمی انتخاب کرده بودند, نتیجه اینکه نسبی گرایی در علم باطل است هر نظری اگر با نظر خداوند منطبق باشد آن حرف علمی است و اگر نه باطل است شما هم این مبنا را در نظر بگیر و هر جا دیدی بنده از موضع غیر خدایی , مطلبی را بررسی کردم , رد کن.

۵ -فرمودید "باید بگویم دانش آنها به وسعت دریا است ولی به اندازه نیم بند انگشت عمق دارد" اصول دانش ثابت است مثال می زنم کافی است شما مفهوم منبع , خط انتقال , مصرف , را درک کنی آن وقت به راحتی می توانی

علوم فنی مربوط به برق (همه گرایشانش) آبرسانی، گازرسانی، نفت رسانی، پنوماتیک، هیدرولیک و... را درک کنی، بدیهی است برای تسلط به هر کدام باید زیر نظر استادی، تجربه و تمرین کنی، لذا اگر شما هم به اصول دانش خودت را مجهز کنی به همین راحتی می توانی در موضوعات مختلف ورود کنی، و نکته آخر اینکه اصول دانشها در ام الكتاب قرآن مجید نهفته است.

۶- فرمودید "اگر حرفی داری بیا و منطقی با علم و دانش آنها را رد کن." اتفاقاً بنده هم همین کار را کردم ولی اگر منطقی و علم و دانش شما به حدی نیست تا جواب آن را بدهید کمی صبور باشید تا بزرگترها نظر دهند و شما به نظر آنها تابع شوید.

۷- فرمودید "در کشور ما متأسفانه دانستن علوم بیشمار جزء افتخارات محسوب میشود" در عصر انفجار اطلاعات این جمله کاملاً بی معنی است، اتفاقاً امروز اگر کسی آپ تو دیت نباشد، به او اشکال وارد است در مورد تعریف علم و حد دانشها و... مباحث زیاد است که صرفنظر می کنم

۷۹۴۷hasan

Member

۲۱:۰۵ - ۱۹/۰۸/۱۳۹۵

ادامه پست قبلی

۸- فرمودید "ولی سالیان سال است که در کشورهای پیشرفته متخصص بودن در یک علم مزیت محسوب میشود" اولاً اگر منظورتان از کشورهای پیشرفته انگلیس و اروپائیان است، که بنده اختلاف نظر جدی با شما دارم معیار ما از پیشرفتگی حلال زادگی است، یک تمدن برآیند همه اقداماتش به خانواده بر می گردد وقتی در غرب تقریباً چیزی به اسم خانواده وجود ندارد، یعنی همه آن ظواهر و زینت ها، پشم، ثنیا متخصص بودن در علوم فنی به جهت تبحر و تکرار و تجربه و... در یک حوزه خاص، مطلوب است و اختلاف نظری نیست ولی وقتی علوم انسانی غرب از ریشه غلط است، متخصص شدن در رشته های آن هم از ریشه غلط است و افتخاری ندارد نیروهای انقلاب اسلامی باید رشته های علوم انسانی را تولید کنند، که ریشه هایش پاگان نباشد و...

۹- فرمودید "و این مورد باعث پیشرفته بودن یک کشور است نه سوار ماشین پورشه شدن." اگر توضیحات قبلی را تأیید بفرمائید، بنده هم با این جمله موافقم.

۱۰- فرمودید "بر اساس نظریات روانشناسان بزرگ مانند ژان پیاژه و..." اولاً ترجمه سایکولوژی (سازوکار شناسی خانم سایخه یا سایکه) به روان شناسی غلطه، ثنیا بزرگی به اصطلاح دانشمندان یهودی غرب برای شماس، نه برای خدا و بندگانش، در نزد ما فقط الله، اکبر است و هر کس که می خواهد بزرگ باشد باید به او تکیه و توکل کند در اراده و گفتار و کردار.

۱۱- فرمودید "این احساسات و اظهار فضل کردن فقط به خاطر آسیب های دوران بچگی و مخصوصاً سه سال اول است." اتفاقاً یکی از دلایل اهمیت خانواده و حلال زادگی در اسلام، داشتن روابط خرد سالی است چیزی که در غرب با آمار بالای ۵۰ درصد زنازادگی گم شده و... از خاطر بنده خیالتان راحت، بنده دیش احساسات خود را برای هدایت به سوی ولایت الله گرفته ام و از کسی هم توجهی را گدایی نکرده ام، در مورد اظهار فضل کردن هم،

يَنْزِلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ما همه گدای فضل الهی هستیم در مورد آسیبهای دوران کودکی هم به خدا پناه می برم تا اگر نقصی هم هست خودش کفایت کند.

۱۲- فرمودید "...دلیل آن را در مسائل روانی سه سال اول زندگی پیدا کردم" جوینده بالاخره یابنده است امید وارم با همین تلاشی که کردید بتوانید به وحدت در زندگی و خدا هم برسید.

۱۳- فرمودید "کسی که در کشورهای پیشرفته متخصص پیشوندهای یک زبان است به هیچ عنوان .." عرض شد : پیشرفتگی و پس رفتگی را همینطوری همیشه نامید , ملاک داره , شاخص داره و ... و لذا توصیه می گردد , نفی خود و اثبات وجود غربیها نکنید. در مورد مثالی که زدید ملاک ما نظام غربی برای تخصصی کردن امور نیست , بلکه آیه لا تکلف الله نفسا الا وسعها است. یعنی می بینیم که الله به فرد ۱ وسعت و توانایی چه کاری را داده است , متناسب با آن از او انتظار تکلیف و انجام وظیفه داریم و ...

از طرفی انسان به بازی روزگار خنده اش می گیرد یک زمانی همین اروپائیان که اینقدر در نظر برخی بزرگند برای اینکه خود را عالم و دانشمند جا بزنند لباس عبا مانند می پوشیدند (همینکه امروزه به عنوان لباس فارغ التحصیلی از دانشگاه تن دانشجویها می کنند) و حتی اسم های شرقی روی خود می گذاشتند شیکسپیر (شیخ پیر) و امروز ..

۷۹۴۷hasan

Member

۲۱:۰۶ - ۱۹/۰۸/۱۳۹۵

ادامه پست قبلی

۱۴-- فرمودید "نه اینکه اطلاعی نداشته باشد، نه، ولی آنقدر شعور دارد که در این حوزه وارد نشه.." شعور از ریشه شعر یک کلمه قرآنی است و به نوعی درک و دریافت باطنی دلالت دارد که برای فهم معنای آن باید به آیاتی که این کلمه در آن به کار رفته است رجوع کرد مثلا
يَخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (البقرة/۹) می خواهند خدا و مؤمنان را فریب دهند؛ در حالی که جز خودشان را فریب نمی دهند؛ (اما) نمی فهمند.

اظهار نظر کردن یا نکردن در موضوعی ربطی به شعور ندارد , ربط به عقل دارد , و ...

۱۵- فرمودید "کسی که در دانشگاههای آلمان ..." حتی در مثالی که زدید اشتباه کردید متخصص ناصر خسرو یعنی متخصص دستگاه فکری او و برای آن الزاما باید به همه آثار او رجوع کند و نظر همه سایر اندیشمندان هم عصر و بعد از او را در موردش جمع آوری کند و ... لذا یک توصیه کلی که به یک دوست دیگر هم زده بودم در مبحث تخصص به نظرم مرحوم شریعتی , در کتاب تخصص خودش مطلب را جمع کرده, لطفا به آن مراجعه کنید و .. اگر هم سعی دارید محترمانه فحش دهید, که مدام کلمه شعور را تکرار می کنید که این عمل حتی در سایکولوژی و دستورالعمل اخلاق حرفه ای متخصصها نیامده است و ...

۱۶- فرمودید "الان مطمئن هستم بعد از این دیدگاه فضلالی سایت.." حتی گفتن این حرف حقی را برای شما ایجاد نمی کند تا از اظهار نظر صرفنظر کنیم و .. لذا حرف حق فی سبیل الی الله بزنید تا ما را همراه خود ببینید نه شمشیر از نیام کشیده در مقابل خود.

۱۷- و اما در مورد جمله آخرتان "استادی که متخصص زبان انگلیسی است در آن واحد فیلسوف, جغرافی دان, تاریخ دان, آشنا به علوم غربیه, علوم معقول, منقول, مجهول و معلوم است, ریشه لغات را می شناسد و" نظر مخاطبان را به یک اصل در سیاست داخلی و خارجی غرب جلب می کنم (استاندارد دو گانه) یعنی اگر غربیها در جامعه خودی کسی مثل آلوین تافلر را داشته باشند که راجع به همه رشته هایی که ذکر شد نظر بده او نابغه دوران است و ... و همه غرب پرستان وطنی , باید قرآن را به گوشه ای انداخته و کتابهای او را دهها بار بخوانند و چشم و گوش بسته تسلیمش باشند, ولی به محض اینکه یک هموطن مسلمان فرضیه یا نظریه هایی بدهد ولو صدها بار مهمتر از حرفهای او اخ پیف شعور و ... لذا دوست عزیز از ۴۷۰۰ رشته دانشگاهی که غرب برای تمدن خودش درست کرده , در ایران فقط ۲۳۰۰ تاش آورده شده و رشته ای وجود داره به نام آرخیولوژی که روند و تغییرات و انشعابات دانش ها را از گذشته تا به امروز رصد می کند و ... در ثانی در عصر انفجار اطلاعات فقط کافی است کار کردن با کامپیوتر و

اینترنت را بلد باشی تا به این رشته ها و دهها برابر آن و هر موضوعی که فکرت در مورد آن سوال دارد، دسترسی پیدا کنی چیز عجیبی نیست که شما آن را اینجا به عنوان مسخره آورده اید.

به هر حال اگر به جای پرداختن به این حواشی ، دوستان ، سوال موردی و مشخص تری بپرسند که تلاش برای پاسخ به آن لذت علمی را ایجاد کند ، متشکر خواهیم شد . اللهم اهدنا الصراط المستقیم و لا تجعلنا ائمه الضالین والسلام

۰۱۳۱۲۲۴۷۵۶۶

Member

۲۳:۰۵ - ۱۹/۰۸/۱۳۹۵

با سلام و درود خدمت آقای دبیرزاده عزیز

قطعا داروین اشتباهاتی داشته همه انسانها بخصوص در علم به هیچ وجه نمیتوانند تمام حقیقت رو پیدا کنند پس کاملا طبیعی هست که تحقیقات داروین وحی منزل نیست اونهم یک علم کاملا نوپا در اون زمان که هنوز باور داشتن طبق نوشته های کتاب مقدس عهد عتیق و جدید تمام شکل کره زمین از قاره ها کوه ها و ... از اول به همین شکل بوده. در مورد بهبود نژاد کمی درست گفتید اما مندل علم وراثت رو کشف کرد نه اصلاح نژاد.

در مورد گاوها نوشتید قطعا از چند میلیون سال پیش از ظهور انسان گاو وجود داشته اما اما دقت کنید گاوی که روزی ۶۰ تا ۹۰ لیتر شیر بدهد نبود. متوجه شدید این یعنی اصلاح نژاد.

۰۱۳۱۲۲۴۷۵۶۶

Member

۲۳:۳۸ - ۱۹/۰۸/۱۳۹۵

با سلام و درود خدمت شما

لطف کنید یک بحث علمی رو به افراد غیر علمی کودن سکولار نجسبانیید، کودن وقتی به علم وارد میشوند چون هیچ کس هیچ زمان نمیتواند وجود یک خالق را نفی کند چون ابزار اندازه گیری برای این کار وجود ندارد پس حرفشان علمی نیست . آقای ریچارد داوکینز که حتما میشناسید خیلی بر بیخدایی اصرار داشت تا روزی که گفتند یا ثابت کن یا از انجمن علوم استعفاء بده . که البته گفت نمیتوانم.

۲: یکی از اشتباهات داروین همین بود و البته اشتباه در ذات انسان است . داروین تصور میکرد اگر به طور مثال خرطوم فیل امروز یک متر است ، اولین فیل خرطوم نداشته پس حتما فیل با خرطوم پنجاه سانتی متر وجود داشته. که امروز میدونیم این دیدگاه اشتباه هست .

در مورد سند افتخار در ایران قبل از انقلاب کارهایی انجام شد و نژاد مرغ ارین تولید شد، اما متأسفانه با طولانی شدن جنگ به تعویق افتاد و بعد هم به دلیل کمبود بودجه مردان سیاست تصمیم گرفتند این پروژه ها که بسیار زیاد بود لغو شود و از کشورهای دیگر وارد شود که در همان کشورها ایرانیها با افتخار جزو نفرات برتر هستند.

به طور مثال در ایران توسط گروه ما هشت حیوان جدید تولید کردیم که به هیچ عنوان در هیچ زمانی از تاریخ حیات سیاره ما وجود نداشتند و البته خدا رو شکر که توان داد تا بتوانیم کمی از شکوه خلقت رو درک کنیم .

با سپاس از عزیزان که نوشتند. تشکر و یک صحبت با aziznasin ۲۵۰۰ دوست خوبم شما درست میگویید اما علم یعنی همین بازخورد نظرها نقد کردن و نقد شدن ها که اگر توهین درش نباشد بسیار نیکو و پسندیده است موفق باشید.

۷۹۴۷hasan

Member

به اسم الله صاحب اسماء حسنی

با سلام خدمت همه دوستان

پیرامون مطلبی که مخاطب محترم ۰۱۳۱۲۲۴۷۵۶۶ خطاب به آقای دبیرزاده فرمودند:

۱- فرمودید "قطعا داروین اشتباهاتی داشته" ای کاش دوستان عزیز می مثل شما این اشتباهات را لیست می کردند تا سایر داروینیست ها هم از موضع تعصب جاهلی پایین بیان و حق را قبول کنند

۲- فرمودید "همه انسانها بخصوص در علم به هیچ وجه نمیتوانند تمام حقیقت رو پیدا کنند" و دقیقا به خاطر همین ضعفها بود که الله رب العالمین سلسله انبیاء و رسل و ائمه را قرار داد تا رزق انسانها را از علم و دانشها به آنها برساند، لازم به ذکر است طبق روایات اسلامی کل علم هستی ۲۷ قسمت است که تا ظهور قائم آل محمد تنها ۲ قسمت آن کشف می شود و با ظهور ایشان زمینه اکتشاف الباقی مهیا می شود

۳- فرمودید "پس کاملا طبیعی هست که تحقیقات داروین وحی منزل نیست" و دقیقا به همین خاطر است که انسانها عمر و حیات خود را که در یک کلام از امام حسین (ع) ان الحیاه عقیده و الجهاد (حیات یعنی عقیده و رای حق و جهد و کوشش در راه آن) باید روی وحی منزل از آفریننده شان، سرمایه گذاری کنند، نه هر کسی و تنها ولایت الله و الرسول و اولی الامر را قبول کنند نه ولایت هر کسی را که احیانا ۲۰۰ سال بعدش ثابت شود اشتباه کرده بود.

۴- فرمودید "اونهم یک علم کاملا نوپا در اون زمان" اگر فعالیتهای داروین را از این حیث بررسی کنید من هم ایشان را به خاطر شجاعتش در ورود به این مباحث تحسین می کنم لیکن همین علم نوپا علی رغم اشتباهاتی که داشت چون دستمایه سایر دانشمندان از سایر رشته ها بالاخص علوم انسانی قرار گرفت مبانی نظری باطلی را تولید کرد، که جامعه بشری امروز را به این فلاکت انداخته است

۵- فرمودید "هنوز باور داشتن طبق نوشته های کتاب مقدس عهد عتیق و جدید تمام شکل کره زمین از قاره ها کوه ها و ... از اول به همین شکل بوده." "اولا بارها و بارها در جای جای این کتاب و توضیحات اشاره شد که کتاب های در دسترس تورات و انجیل تحریف شده است و کاسبان مذاهب موسی و عیسی ع اصل کتب و حقیقت آنها را در معرض قرار نمی دهند و آیات کتب را به میل خود و به نفع سیاستهای خود تغییر داده اند ثانيا موضوع این کتاب خلقت نخستین انسان است مبتنی بر وحی منزل نه خلقت نخستین جهان، لذا اگر فرضیاتی وجود دارد که خدا خلقت هستی و جهان را از یک انفجار بیگ بنگی شروع کرده و ... موضوع جدا گانه ای است و ربطی به این مبحث ندارد و نباید نتیجه نا معلوم آن را به این موضوع حمل کرد.

۶- فرمودید "در مورد گاوها نوشتید قطعا از چند میلیون سال پیش از ظهور انسان گاو وجود داشته اما اما اما دقت کنید گاوی که روزی ۶۰ تا ۹۰ لیتر شیر بدهد نبود، متوجه شدید این یعنی اصلاح نژاد." در مورد تعریفی که از اصلاح نژاد دادید مورد تائید ما هم هست ولی نکته همین جاست تغییر میزان شیردهی گاو با اصلاح کلیدهای ژنی مربوطه، ربطی به تغییر ماهوی (کیفیت گاو) ندارد، یعنی گاو را از موجود نوعی ۱ به موجود نوعی ۲ تغییر نداده مثال ما را اینطور جا بیاندازم ببینید ما ۱۱۴ عنصر پایه هستی داریم (جدول مندلیف و فعلا عناصر آزمایشگاهی را کار نداریم) سیستم پژوهشی غرب که "وجود محور" هست میلیاردها دلار صرف کرد در آزمایشگاه سرن، که یک عنصر را به عنصر دیگر تبدیل کند و نتوانست البته دستاوردهای جانبی زیادی داشت لیکن این غرض محقق نشد، حال آنکه ترکیبات این عناصر پایه به میلیاردها می رسد سوال آیا این ترکیبات جدید ماهیت عنصر اولیه را تغییر می دهد؟ هرگز تمام حرف ما در این کتاب همین بوده است که ما تغییر نوع به نوع (ماکرو) نداریم و تفاوتهای مشاهده شده بین تیره ها صرفا از نوع تفاوت ترکیبی (میکرو) است این مطلب مقاله مفصلتری می خواهد انشاءالله آینده

ادامه پست قبلی

۷- فرمودید " بحث علمی رو به افراد غیر علمی کودن سکولار نچسبانید " بنده با شما موافق نیستم کودن تقریباً معادل فارسی کلمه قرآنی جاهل است با اینکه در نزد عوام نوعی فحش به شمار می رود ولی طبق منطق قرآنی جاهل مقابل عقل قرار دارد یعنی کسی که عقل نمی کند یا از قوه عقل خود استفاده نمی کند و و کسی که دانسته هایی دارد ولی آن دانسته ها غلط است لذا بنده سکولارهای عوام را افراد غیر علمی و جاهل نمی دانم بلکه آنها را دچار نوعی بیماری ماس اینفورمیشن(اطلاعات انبوه) و میس اینفورمیشن (اطلاعات مخدوش درست و غلط آمیخته) هستند که قدرت عقلی شناخت حق از باطل را در آنها ضعیف کرده و...

۸- فرمودید " هیچ کس هیچ زمان نمیتواند وجود یک خالق را نفی کند" متأسفانه غرب بعد از دوره رنسانس به دوره پاگانستی قبل از مسیحیت برگشت و اساس پاگان بر الحاد یعنی انکار وجود خالق استوار است و باز متأسفانه با تغلیبی که در سرزمینها صورت دادند این ویروس را به جهان منتقل کردند و... و جهد ما در این است که این فضا را بشکنیم

۹- فرمودید " چون ابزار اندازه گیری برای این کار وجود ندارد پس حرفشان علمی نیست . آقای ریچارد داوکینز که حتماً می شناسید خیلی بر بیخدایی اصرار داشت تا روزی که گفتند یا ثابت کن یا از انجمن علوم استعفاء بده . که البته گفت نمیتوانم." جسارتاً به عنوان یک برادر کوچک خدمتان ، خاضعانه ، عرض می کنم این منطق غلط و خطرناک است اینکه برای اثبات علمی خدا قائل به ابزار اندازه گیری باشیم ، زمانی یکی از دانشمندانشون گفت : من تنها خدایی را قبول می کنم که بتوانم زیر میکروسکوپ او را ببینم ، ببینید چقدر این آدم متکبر و شیطان صفت است و خدا را چقدر کوچک و ذلیل و در حد موجودات ذره بینی می خواهد ، در واقع او خدایی را می خواهد که به سلطه و تسخیرش در آمده باشد ، به نظر شما چنین خدایی ارزش خدا بودن را دارد ، پس فریب دام ساینس را (در این حوزه ها) نخوریم ساینستیس ها صرفاً دریافتهای حواس ۵ گانه شناخته شده و تکرارپذیری تجربه ها را ملاک اثبات می دانند، حال آنکه امور غیبی و ... خارج از آن حوزه هاست کلمه علم قرآنی دامنه اش فراتر از ساینس غربی است و مطمئن باشید همه موحدان واقعی از روی علم به خدا ایمان می آورند.

۱۰- فرمودید " داروین تصور میکرد اگر به طور مثال خرطوم فیل امروز یک متر است ، اولین فیل خرطوم نداشته پس حتماً فیل با خرطوم پنجاه سانتی متر وجود داشته. که امروز میدونیم این دیدگاه اشتباه هست." مثالی که فرمودید دقیقاً نظریه کتاب را تأیید می کند که تغییرات میکرو بین تیره ها را نباید قیاس کرد با انواع و مثلاً اینگونه نتیجه گرفت که انواع هم به همدیگر تبدیل می شوند.

۱۱- فرمودید " در مورد سند افتخار در ایران قبل از انقلاب کارهایی انجام شد و نژاد مرغ ارین تولید شد " جسارتاً قبل از انقلاب سپاه دانش و بهداشت در دست آمریکائیها و سپاه سازندگی (کشاورزی و حیوانی) در دست مدیران و دانشمندان اسرائیلی بود (که تجربیات بزرگی در این زمینه داشتند) و بعدها معلوم شد آنها برنامه بزرگی برای تخریب نژادها و گونه های گیاهی و جانوری ایران در سراسر کشور داشتند که به حمد الله به واسطه انقلاب فشل شد . لذا اقدامات آن دوره همگی مشکوک است.

۱۲- فرمودید " ... شود که در همان کشورها ایرانیها با افتخار جزو نفرات برتر هستند." امید روزی را که نوابغ ایرانی در سرزمین مادری خود به افتخار آفرینی در حیطه تخصص خود مشغول شوند، تا نام شیعه ایرانی با احترام، همه جای دنیا طنین افکن شود .

۱۳- فرمودید " به طور مثال در ایران توسط گروه ما هشت حیوان جدید تولید کردیم ... " جسارتا ای کاش کمی واضح تر به مخاطب انتقال پیام می فرمودید اینکه ۸ نوع حیوان جدید نبوده بلکه ۸ تیره از یک نوع بوده یا ... چون بیولوژیستهای غربی که بسیار پیشرفته تر از ما روی تغییر نوع کار کرده اند تا حالا حتی قادر به خلق یک نوع پشه جدید هم نشده اند و ...

۷۹۴۷hasan

Member

۱۴:۵۴ - ۲۱/۰۸/۱۳۹۵

ادامه پست قبلی

فرمودید " و یک صحبت با aziznasin ۲۵۰۰ دوست خوبم شما درست میگویید اما علم یعنی همین باز خورد نظرها نقد کردن و نقد شدن ها که اگر توهین درش نباشد بسیار نیکو و پسندیده است " جسارتا ای کاش مصادیق درستگویی ایشان را بازگو می کردید که مخاطب جدید گیج نشود و در مورد تعریفان از علم , اصلاح می کنم, " نظر و نقد طرفین تا حق و حقیقت مشخص شود " . چون حق را خداوند جعل کرده است و ثابت و لایتغیر است و هر چه با آن تفاوت کند باطل است و جعل انسانهاست . کمال انسان در این است که به حقانیت جعل خداوند برسد و به اختیار خود آن را انتخاب کند .

در پایان به خاطر توصیه به احترام متقابل و اخلاق نیکو و پسندیده از شما تشکر می کنم.

۰۱۳۱۲۲۴۷۵۶۶

Member

۰۱:۵۹ - ۲۲/۰۸/۱۳۹۵

با سپاس فراوان از آقای حسنی برای پیگیری نقدها .

ali beik mohammadloo

Member

۱۵:۱۷ - ۲۲/۰۸/۱۳۹۵

خطاب به پیروان خلقت گرا...

تو دنیایی که از امواج گرانشی، سلولهای بنیادین، ذرات اتم، فیزیک کوانتوم، روانکاوای فروید، تئوری جهانهای موازی، تئوری ریسمان و هزاران موضع عقلانی و علمی دیگه صحبت میشه، جایی برای خلقت از خاک توسط خدای پدر و خردستیزی نیست... تعصبات بی اساس و جاهلانه خود را به انبار تاریخ بسپارید.

۷۹۴۷hasan

Member

۲۱:۲۵ - ۲۲/۰۸/۱۳۹۵

با سلام خدمت همه دوستان

در جواب مخاطب محترم آقای ali beik mohammadloo

۱- اولاً دنیا یکی است و ما چند تا دنیا نداریم لذا همه مواردی که نام بردید مال یک دنیا و آن هم دنیای الله است . لیکن بشر برای هر دوره اکتشافات شاخص نام آن را بر آن زمان می گذارد مثلا عصر اتم , عصر کامپیوتر , عصر سلولهای بنیادین و ...

۲- خلقت گراها شامل فرقه های توحیدی فرزندان ابراهیم از شاخه همسر اولشان ساره به پیروان موسی (ع) و عیسی (ع) می رسد و از طریق همسر دومشان هاجر به پیامبر خاتم حضرت محمد (ص) می رسد, لیکن به دلیل رفتارهای ناشایست کاسبمنشانه برخی , به اسم خدا و توحید و ... تحریفات زیادی به دین خدا حمل شده است , در حال حاضر

صدها فرقه توحید گرا داریم که اکثرشان مملو از تحریفات اسرائیلیاتی اند و در بین مذاهب توحید گرا فقط شیعه است که به دلایل و براهین عقلی و منطقی و استفاده از منبع وحی و رهنمودهای ائمه هدی توانسته بسیاری از انحرافات و تحریفات و تابوها و خرافات را باطل کند و به عنوان تنها مذهبی که می تواند جواب ساینستیتهای مدرن اندیش را بدهد، از توحید خود، عقلانی و منطقی، دفاع کند. لذا اگر قرار است به ما نقدی وارد کنید و ما جواب شما را بدهیم بهتر است مخاطب خود را از اسم عام خلقت گرا به شیعه تغییر دهید.

۳- خوشحال می شویم، اگر بفرمائید در آن دنیایی که نام بردید شما چه کاره اید؟ قبل از اینکه مادرتان جسم شما را به این دنیا بیاورد شما کجا بودید؟ پس از اینکه انشا الله پس از ۱۲۰ سال، از این دنیا رحلت فرمودید، کجا می روید و چه بلایی قرار است سر این دنیا بیاید؟

۴- خوشحال می شدیم اگر می فرمودید این دنیایی که شما برخی مولفه های عصری اش را نام بردید اولش توسط چه کسی به وجود آمده؟ او چگونه این کار را کرده؟ او آخرش را به کجا خواهد برد؟ در گذشته ای که ما نبوده ایم و آینده ای که ما نخواهیم بود این جهان و همه جهانها چرا اثلا به وجود آمده و ...؟

۵- به نظر شما آیا ساینس با پرداختن به سوال چگونگی، جهان را از تسخیر صاحبش بیرون می آورد؟ **إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (الأعراف/۵۴)** پروردگار شما، خداوندی است که آسمانها و زمین را در شش روز [= شش دوران] آفرید؛ سپس به تدبیر جهان هستی پرداخت؛ با (پرده تاریک) شب، روز را می پوشاند؛ و شب به دنبال روز، به سرعت در حرکت است؛ و خورشید و ماه و ستارگان را آفرید، که مسخر فرمان او هستند. آگاه باشید که آفرینش و تدبیر (جهان)، از آن او (و به فرمان او) است! پر برکت (و زوال ناپذیر) است خداوندی که پروردگار جهانیان است!

أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ (لقمان/۲۰)

آیا ندیدید خداوند آنچه را در آسمانها و زمین است مسخر شما کرده، و نعمتهای آشکار و پنهان خود را به طور فراوان بر شما ارزانی داشته است؟! ولی بعضی از مردم بدون هیچ دانش و هدایت و کتاب روشنگری درباره خدا مجادله می کنند!

۵- چرا موج های اجتماعی غرب به سمت ایسم های متفاوتی و نادیدنی ها و موجودات غیبی نیل کرده است؟ (شیطانیسم یا سیطنیسم) و در بازاری که مشتری کینگ و پادشاه است. این حجم عظیم فیلم و سریال راجع به موجودات فضایی، خدایان باستان روم و مصر و ...، خرافه های قبائل بدوی، ... چرا تولید می شود؟

۷- این حجم عظیم رشته های فرینچ و ساینسی که می خواهد با ابزار آزمایشگاهی بر ماوراء اشراف پیدا کند برای چیست؟

۸- به نظر شما صنایع را چه کسی به انسان یاد داده است؟
وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُعْرِقُونَ (هود/۳۷) و (اکنون) در حضور ما و طبق وحی ما، کشتی بساز! و درباره آنها که ستم کردند شفاعت مکن، که (همه) آنها غرق شدنی هستند! **وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِتُخْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ (الأنبياء/۸۰)** و ساختن زره را بخاطر شما به او تعلیم دادیم، تا شما را در جنگهایتان حفظ کند؛ آیا شکر گزار (این نعمتهای خدا) هستید؟

آیا ما این آیه را باور کنیم بهتر است، یا اینکه انسان همینطوری و داروینی و خود به خودی فهمید که چطور کوره ای بسازد با حرارت ۱۴۰۰ درجه سانتیگراد و از کجا و چطور و چه زمان و .. از آهن زره بسازد و ...

لذا دوست عزیز حتی کشف دستاوردهای علمی به فضل الهی است چه برسد به ملکیت آن علم.

۹ - به نظر شما نقش برجسته دانشمندان یهود در تولید علم تمدن غرب به چه علت است ؟ چرا تقریباً همه نظریه‌هایی که جامعه امروز جهانی را ساخته، از جغرافیای توحیدی سربرآورده ؟

۷۹۴۷hasan

Member

۲۱:۳۱ - ۲۲/۰۸/۱۳۹۵

ادامه پست قبلی

۱۰ - بر فرض که فرضیه امواج گرانشی انیشتن، مبتنی بر نسبیت اثبات شود، آیا دلیل آن است که کیهان خالقی ندارد ؟ یا اینکه انیشتن چون آن امواج را کشف کرده، یعنی خودش خالق آن هم بوده ؟ پس از اینکه خلقت گراها را مسخره کنید تجدید نظر کنید ؟

۱۱ - در مورد رشته‌هایی که گفتید : متأسفانه تمدن غرب خیانت بزرگی در عالم بشریت کرده طوری در تبلیغات جهانی القا می‌کند، که انگار همه دانشها را از صفر خودش و با استفاده از پاگانسیسم کسب کرده، حال ما می‌دانیم که اروپا قبل از قرن ۱۶ تقریباً زندگی بدوی داشته‌اند، تازه بعد از جنگهای صلیبی و آشنایی با تمدن اسلامی و حشر و نشر با مسلمانان بود که به مقدمات علم و دانشها پی بردند و تمدن خود را روی میراثی که از تمدن اسلامی برده بودند ساختند در همه مصنوعات و دانشها و البته در قرون بعد با فترتی (سستی) که در حکومت‌های به اصطلاح اسلامی دوران به وجود آمد و دخالت‌هایی که غرب برای تغلب بر بلاد کردند آوانگاردی علمی را از دست مسلمانان ربودند و ... لذا ریشه دانش‌هایی که نام بردید هم از خلقت گراها برآمده است و مسخره کردن آنها دور از انصاف است.

۱۲ - در مورد برخی رشته‌هایی که فرمودید مثل روانکاوای فروید که مبتنی بر اعتراف در آیین مسیحیت است و ریشه‌ای تثلیثی دارد امروز ثابت شده باطل است و نه تنها مشکلی از بشر نگشوده بلکه مصیبت‌هایی را نیز به وجود آورده، لذا هر چه از زمین غرب می‌آید ممدوح نیست و نباید مایه تو سری زنی به خودی‌ها باشد.

۱۳ - یک قانون کلی وجود دارد، ما در دانشهای فیزیک و شیمی و ریاضیات و فنی و تجربی که حوزه علوم خلق است با همه دنیا مشترکیم و حقیقت همان است که همه جا جاری است ساینس غرب (غیر از علوم انسانی) در این حوزه می‌گنجد. و در عالم جعل (انحصار علوم انسانی) ما (شیعه) تعاریف توحیدی خود را، متفاوت از هر مرام و مسلک غیر توحیدی یا تحریفی داریم و لذا ما از دانشهای سلول بنیادی، فیزیک کوانتوم و ... استقبال کرده و می‌کنیم ولی از تئوریات مرتبط با علوم انسانی مثلاً داروینسیسم و فرویدیسم و ... انفکاک خود را اعلام کرده و می‌کنیم تا از مهلکه‌ای که آن فرضیه‌ها به وجود آورده‌اند، نجات پیدا کنیم.

۱۴ - فرمودید "...هزاران موضع عقلانی و علمی دیگه صحبت میشه" دوست عزیز دینی که با عقل و علم (با تعاریف قرآنی اش) کسب نشود، اثلاً به درد نمی‌خورد. لذا در شیعه‌ای که در کلاس درس امام صادقش، ۴۰۰۰ دانشمند شاگردی می‌کردند حتماً همه چیز عقلانی و علمی است.

۱۵ - فرمودید "جایی برای خلقت از خاک توسط خدای پدر و خردستیزی نیست" اخبار اینکه در آخرالزمان، شیطان و اعوان و انصارش فضای فکری انسانها را اشغال می‌کنند، به ما رسیده، ولی دوست عزیز خدای پدر، مال مسیحیت تثلیثی و تحریف شده است که ما جداگانه با آنها جدل داریم، لذا اینکه خطاهای مذاهب دیگر را به پای توحیدگرایی شیعی، بنویسید اشتباه است.

۱۶ - فرمودید "تعصبات بی اساس و جاهلانه خود را به انبار تاریخ بسپارید." خداوند جهالت را برای ما اینگونه معنی کرده **وَإِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سَلْمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَىٰ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ (الأنعام/۳۵)** و اگر اعراض آنها بر تو سنگین است، چنانچه بتوانی نقبی در زمین بزنی، یا نردبانی به آسمان بگذاری (و اعماق زمین و آسمانها را جستجو کنی، چنین کن) تا آیه (و نشانه

دیگری) برای آنها بیاوری! (ولی بدان که این لجوجان، ایمان نمی‌آورند!) اما اگر خدا بخواهد، آنها را (به اجبار) بر هدایت جمع خواهد کرد. (ولی هدایت اجباری، چه سودی دارد؟) پس هرگز از جاهلان مباش!

إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (الفتح/۲۶) (به خاطر بیاورید) هنگامی را که کافران در دل‌های خود خشم و نخوت جاهلیت داشتند؛ و (در مقابل)، خداوند آرامش و سکینه خود را بر فرستاده خویش و مؤمنان نازل فرمود و آنها را به حقیقت تقوا ملزم ساخت، و آنان از هر کس شایسته‌تر و اهل آن بودند؛ و خداوند به همه چیز دانا است.

امید وارم شما از آن دسته نباشید.

فلذا چهره معصوم آواتارتان هم ما را گول نمی‌زند که از فهم حقیقت غفلت کنیم، یا خدای نا کرده منحرف شویم. سلام بر هر کس که هدایت را بر گمراهی برگزید.

nikdoost
Member

۰۰:۵۹ - ۲۳/۰۸/۱۳۹۵

به hasan ۷۹۴۷

اجازه بدهید، ali beik mohammadloo خلقت گرا نباشند، از خلقت گرائی ی شما چیزی کم نمی‌شود، چه اشکالی دارد که ایشان خود راجزو مخلوقات خدا ندانند، ایشان تصادفی به دنیا آمده‌اند، تصادفی رشد کرده‌اند، تصادفی انسان هستند، تصادفی به مدرسه رفته و درس خوانده‌اند، تصادفی به کتابناک آمده‌اند و تصادفی به دیدگاهها توجه کرده‌اند و تصادفی نظر داده‌اند و خلاصه اینکه تصادفی خلقت گرا نیستند و تصادفی " امواج گرانشی، سلولهای بنیادین، ذرات اتم، فیزیک کوانتوم، روانکاوی فروید، تئوری جهانهای موازی، تئوری ریسمان و هزاران موضع عقلانی و علمی دیگه " فقط به گوششان خورده که اگر تصادفی دانش آنها را داشتند، اینگونه تصادفی سخن نمی‌گفتند، تصادفی بدون هیچ علم و آگاهی اظهار نظر می‌کنند، تصادفی مدعی ی همه چیز دانی هستند و تصادفی روانکاوی ی فروید و فرضیات داروین برایشان بدون آنکه حتی مروری کرده باشند وحی منزل شده و تصادفی خود را به تبع از باورهای فرضیات داروین، از نسل موجودات تصادفی ی دیگر می‌دانند و تصادفی اظهار فضل می‌کنند و تصادفی خرد ستیز نیستند و تصادفی از خاک خلق نشده‌اند، تصادفی نگفته‌اند که تصادفی از چه چیزی به وجود آمده‌اند و خلاصه تصادفی از شما و سایر خلقت گراها خواسته‌اند، تعصبات را به انبار جهان تصادفی به وجود آمده بسپارند. ما هم تصادفی بگذریم از این که تصادفی نفهمیدیم انبار تاریخ کجا است. وقتی کسی خلقت گرا نیست یعنی خلقت عالم را تصادفی می‌داند، و قتی عالم بدون خالق باشد، همه چیزش تصادفی است، ایشان باید بنا به ذهنیات خودشان بپذیرند که بنده هم تصادفاً این مطالب را نوشتم، ایجاد و بروز هر اندیشه و هر واقعه ای در تصادف، امری طبیعی است، به ایشان باید یاد آور شد که کشف و اختراع و دستیابی به علم هم تصادفی است، اما باید قبول کنند که یک چیز مهم تصادفی نیست که اگر انسان پایش را از گلیم محدوده ی دانش و آگاهی دراز تر کند و چیزی بگوید که مخالف اصول و ارزشهایی باشد که هزاران سال است، انسان به زحمت به

آن دست یافته و انسانیت را بر آن بنا نهاده، بدون تردید وی را دیوانه و جاهل فرض خواهند کرد. تصادفی عاقل باشید و تصادفی بدانید که هیچ دلیلی برای عدم خالق هستی وجود ندارد، برای اثبات وجود خداوند کتاب ها نوشته‌اند اما هیچ کس تا کنون نتوانسته ثابت کند خدا نیست. حتی داروین هم وجود خدا را انکار نکرد، زیرا نتوانست که ثابت کند خدا نیست. تنها چیزی که گفت این بود؛ خدا جهان را خلق کرده و به حال خودش واگذاشته و رها کرده است، و این به معنای نفی وجود خدا نیست.

با سلام خدمت همه دوستان

خدمت آقای نیکدوست

۱- فرمودید " اجازه بدهید، ali beik mohammadloo خلقت گرا نباشند، " آقا بنده در برابر اراده الهی چه کاره

ام، وقتی الله می فرماید :

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (المائدة/۴۸) و اگر خدا می خواست، همه شما را امت واحدی قرار می داد؛ ولی خدا می خواهد شما را در آنچه به شما بخشیده بیازماید؛ (و استعدادهای مختلف شما را پرورش دهد). پس در نیکیها بر یکدیگر سبقت جویید! بازگشت همه شما، به سوی خداست؛ سپس از آنچه در آن اختلاف می کردید؛ به شما خبر خواهد داد .

فرق انسان با سایر مخلوق در اختیارش است ، قرار نیست ما کسی را به زور بهشت ببریم ولی قرار هم نیست ما هموطنانمان را به حال کافران و ملحدین و جهنمی ها و منحرفین رها کنیم ، تا او را هم مثل خود کنند لذا بنا به تکلیفی که خالق آنها بر عهده ما گذاشته ، رسالتی که به پیامبرش رسیده را بازگو می کنیم، هم ایشان حق انتخاب دارند، هم شما ولی عاقل باید به فکر لحظه ای باشد که می گویند ، وقت تمام است برگه ها بالا

۲- فرمودید " از خلقت گرائی ی شما چیزی کم نمی شود، " فقط یک آیه :

مَنْ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا (الإسراء/۱۵) هر کس هدایت شود، برای خود هدایت یافته؛ و آن کس که گمراه گردد، به زیان خود گمراه شده است؛ و هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نمی کشد؛ و ما هرگز (قومی را) مجازات نخواهیم کرد، مگر آنکه پیامبری مبعوث کرده باشیم (تا وظایفشان را بیان کند).

۳- فرمودید " چه اشکالی دارد که ایشان خود راجزو مخلوقات خدا ندانند، " تا وقتی خودش است ، عیب ندارد خود را مخلوق هیچ بداند و اگر کلام الله را قبول نکرد ، ما هم او را به همان هیچ وا می گذاریم ، ولی به قول فلان یهودی (دیگر حیوان بین)، انسان ، حیوان اجتماعی ماب است، اگر قرار باشد حضورش در اجتماع آسیبی به سایرین بزند ، اشکال دارد و ما را روبه روی خود خواهد دید.

۴- فرمودید " ایشان تصادفی به دنیا آمده اند، تصادفی رشد کرده اند، تصادفی انسان هستند... " عجیب است اینکه شما اینگونه حکم می دهید و این همه تکیه بر تصادفی بودن ... نشان می دهد اینها ، تفکرات غالب خود شماست که آن را به ali beik mohammadloo.. نسبت می دهید پس از این به بعد ، خودتان را مخاطب قرار می دهم :

۵- اگر دوست دارید چشمانتان را ببندید و گوشه‌هایتان را بگیرید و ... همه چیز را تصادفی ببینید باید بدانید این فقط یک انتخاب است و حقیقت جاری ، بیرون از وجود شما و ما ، کار خودش را می کند و الله قاهر بر هر فکر صاحب تفکری است.

۶- تصادفی بودن چطور با وجود قوانین دقیق در عالم توجیه پیدا می کند ؟ چرا اگر فاصله زمین تا خورشید فقط ۱۰ کیلومتر نزدیکتر یا دورتر بود دیگر حیاتی وجود نداشت ، چه کسی این فاصله دقیق را (در بین فواصل سال نوری) تنظیم کرده ؟

ائمه ضلالت در غرب که تصادفی بودن همه چیز دلالت می کنند ، هدفشان فقط یک چیز است ، اینکه روی فاعل ، خالق ، حاکم ، آمر ، قانونگذار و ... خط بکشند ؟ شنونده باید عاقل باشد در جهانی که من ، من ، منم کردنهای متکبرانه و ریاکارانه بیداد می کند، آیا ممکن است این همه عظمت و آیات بدون اراده ای شکل گرفته باشد ؟

۷- فرمودید " ایشان تصادفی به دنیا آمده اند، " چرا تصادفی سنگ نشده اند ؟ چرا تصادفی گیاه نشده اند ؟ چرا تصادفی حیوان نشده اند ؟ چرا تصادفی موجودات ما وراء طبیعی نشده اند ؟ چرا انسان ؟ اگر بنا به تصادفی بودن باشد گزینه ها به چند میلیارد میلیارد میلیارد می رسد ! کدام بهتر است انسان خود را هیچ و از هیچ بداند یا انسان خود را لایق جایگاهی فراتر از جماد و نبات و حیوان و ملک بداند که باید لیاقتش را اثبات کند.

۸- فرمودید " تصادفی رشد کرده اند، " چرا تصادفی کوچک نشدند ؟ چرا تصادفی ناقص نشدند ؟ چرا تصادفی اجزاءبدنشان بدون آنکه کوچکترین اطلاعاتی در مورد کارکردشان داشته باشد ،دقیقا طبق برنامه از پیش تعیین شده کار خودشان را می کنند ؟ چرا تصادفا در رشد یکی از اجزا بدن نا متناسب با سایر اجزا رشد نمی کند و ... آیا این همه را نباید نعمت خدا بر ما دانست که فقط ما باید لیاقت شکرگویی آن را داشته باشیم .

۹- فرمودید " تصادفی به مدرسه رفته و درس خوانده اند، " ها اتفاقا از اینجا به بعد دیگه تصادفی معنی ندارد، طبق قانون اساسی اکثر کشورهای متمدن هر فرد باید (توجه کنید، باید) نظام آموزشی رسمی را بگذراند تا در آینده فرد مفیدی برای خودش و جامعه اش باشد و اصول همزیستی مسالمت آمیز را یاد بگیرد تا...

۷۹۴۷hasan

Member

۲۲:۳۹ - ۲۳/۰۸/۱۳۹۵

ادامه پست قبلی

۱۰- فرمودید " تصادفی به کتابناک آمده اند " ما در دین واژه جبر و اختیار را داریم ایشان بین دو انتخاب سایتهای مستهجن و سایتهای مفید دومی را انتخاب کرده اند (توجه کنید ، انتخاب) و از بین سایتهای مفید ، سایت کتابناک را انتخاب کرده اند و از بین کتب مختلف ،این کتاب را انتخاب کرده اند ، و... فلذا حداقل به حرف دکارت احترام بگذارید اینکه من می اندیشم (و در ادامه انتخاب می کنم) پس هستم و هستی حال حاضر او (یا خود) را به تصادفی بودن نفروشید.

۱۱- فرمودید " خلاصه اینکه تصادفی خلقت گرا نیستند " بنده با فکر ، عقل و انتخاب خودم مسلمان شده ام و شیعه(پیرو) دین ائمه هدی شده ام و شاکر الله به خاطر این نعمات بی نهایت هستم و مسئولیتم را در عالم با لحاظ نقطه ثابت و کانونی (مشیت الهی)انجام می دهم و ... لذا خدا را به خاطر همه مقدراتش تحسین و شکر می کنم حالا شما هم بروید به همان هیچستانی که از آنجا آمده اید سر کنید ، همینطوری و تصادفی و دارویی و...

۱۲- باقی تصادفی هاتان جمله های تصادفی ای بیش نیستند که حتی ارزش جواب دادن هم ندارد.

۱۳- فرمودید " تصادفی مدّعی ی همه چیز دانی هستند " فکر می کنم این جمله تصادفی تان را به بنده کنایه زده اید در جواب می گویم : اگر شما فقط و فقط یک مورد ادعای دانایی (چه برسد به همه چیز دانی) از کلام بنده کشف کردید ، بنده تابع تصادفات شما می شوم و اگر نیافتید، فقط یک کلام چشم ها را باید شست جور دیگر باید دید . مگر اینکه غرضی پشت کلامتان باشد .

۱۴- فرمودید " و تصادفی اظهار فضل می کنند " باز هم اگر کنایه تان به بنده است که قبلا هم عرض شد وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ و إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ(آل عمران/۷۳) «فضل (و موهبت نبوت و عقل و منطق، در انحصار کسی نیست؛ بلکه) به دست خداست؛ و به هر کس بخواهد (و شایسته بداند،) می دهد؛ و خداوند، واسع [= دارای مواهب گسترده] و آگاه (از موارد شایسته آن) است. و ما طبق دستور خودش و اسألوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ

(النساء/۳۲) گدای فضل او هستیم چطور شما از بنده فضل فروشی دیدید، کجای کلامم اظهار فضل و تقاضای ما به از، بود، ائلا شما بگوئید بنده کجای کلامم را اصلاح کنم که این برداشت تکرار نشود و...

۱۵- فرمودید " و تصادفی خرد ستیز نیستند" باز اگر این جمله را به کنایه به بنده گفته اید، لطفاً مصداق بیاورید تا از خرد ستیزی خود را نجات دهم و ... صحبت‌های کلی حکم تهمت پیدا می کند .

۱۶- فرمودید " و تصادفی از خاک خلق نشده اند،" حتی اگر خلقت نخستین، نوع، انسان از خاک (در ماقبل هبوط) را منکر شوند در این دنیا مثل همه انسانها، جسمشان، ابتدا با آب بی قدر منی و سپس با گیاهان و حیواناتی که از خاک به وجود آمده اند، به صورت فعلی در آمده است، لذا تصادفی در کار نیست، جسم انسان بدون خاک هیچ است. روح که بماند...

۱۷- فرمودید " وقتی کسی خلقت گرا نیست یعنی خلقت عالم را تصادفی می داند،" خیر، یعنی کسی است که، پیرو داروینیسیم است و بعد از آن پیرو نهیلیسم نیچه، پوچ گرا شده است و خود را تحت ولایت های غیر خدا قرار داده است.

۱۸- فرمودید " وقتی عالم بدون خالق باشد، همه چیزش تصادفی است" دقیقاً زدید تو خال، برعکس گفتید دوست عزیز، همه حرف داروینیسیت ها این است که بگویند همه چیز همین طوری و تصادفی به وجود آمده و لازم نیست خالقی داشته باشد و ...

و لذا چه بخواهی چه نخواهی باید قوانین راهنمایی و رانندگی را رعایت کنید، باید قوانین ایمنی را رعایت کنید، باید قوانین قضایی را رعایت کنید و ... وجود هزاران قانون و حکم اثبات می کند که عالم حاکمی دارد، قانونگذاری دارد و خالقی دارد و...

۱۹- فرمودید " ایشان باید بنا به ذهنیات خودشان بپذیرند که بنده هم تصادفاً این مطالب را نوشتم،" چیزی که شما از آن به ذهنیات یاد می کنید، نزد ما عالم جعل نام دارد و عالم بسیار بزرگی است و تمام فکرها و اراده ها، عبرتها، قوانین بشری و جنگها، آشتی ها و ... را در خود جای داده لذا خروجی آن قطعاً تصادفی نیست البته می توان سیال و نسبی بود و حزب باد بود و هر جا که اولیای باطل اراده می کنند همراهش رفت و..

۲۰- فرمودید " ایجاد و بروز هر اندیشه و هر واقعه ای در تصادف، امری طبیعی است،" ما آیه داریم که حتی قرعه زدن نیز با اراده الهی محقق است ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَقُولُونَ أَفَلَمَلَمَهُمْ آيَهُمْ يَكْفُلْ مَرِيْمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ (آل عمران/۴۴) (ای پیامبر!) این، از خبرهای غیبی است که به تو وحی می کنیم؛ و تو در آن هنگام که قلمهای خود را (برای قرعه کشی) به آب می افکندند تا کدامیک کفالت و سرپرستی مریم را عهده دار شود، و (نیز) به هنگامی که (دانشمندان بنی اسرائیل، برای کسب افتخار سرپرستی او)، با هم کشمکش داشتند، حضور نداشتی؛ و همه اینها، از راه وحی به تو گفته شد.

فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (آل عمران/۳۷) خداوند، او [= مریم] را به طرز نیکویی پذیرفت؛ و به طرز شایسته‌ای، (نهال وجود) او را رویانید (و پرورش داد)؛ و کفالت او را به «زکریا» سپرد. هر زمان زکریا وارد محراب او می شد، غذای مخصوصی در آن جا می دید. از او پرسید: «ای مریم! این را از کجا آورده‌ای؟!» گفت: «این از سوی خداست. خداوند به هر کس بخواهد، بی حساب روزی می دهد.»

لذا در نزد الله ما امر تصادفی نداریم و همه چیز در حیطه اراده اوست و ائلا امر طبیعی مولود اراده الله است، اما انسان با اختیاری که به سبب جایگاهش در هستی، به او تفویض شده می تواند اسب سرکش فکرش را به هر میدانی گسیل کند، لذا باز خورد آن هر چه باشد در حیطه اختیار او قابل تعریف است نه تصادفی و داروینی و...

ادامه پست قبلی

۲۱- فرمودید " به ایشان باید یاد آور شد که کشف و اختراع و دستیابی به علم هم تصادفی است، " با فرض درست بودن داستان نیوتن در مورد چگونگی کشف قانون جاذبه اولاً آیا نیوتن قانونگذار است یا صرفاً کاشف قانون نسبت جرم با نیرو ، ثانیاً چرا قبل از او میلیاردها باری که سیب به زمین می افتاد ، تصادفاً جرقه ای را در سر کس دیگری ایجاد نکرد ، آیا این جمله شما ظلم در حق او و تمام دانشمندانی که شبانه روز دغدغه مند و تلاشگر، حل مسئله ای از عالم هستند، نیست و ...

۲۲- فرمودید " اما باید قبول کنند که یک چیز مهم تصادفی نیست که اگر انسان پایش را از گلیم محدوده ی دانش و آگاهی دراز تر کند و چیزی بگوید که مخالف اصول و ارزشهایی باشد که هزاران سال است، انسان به زحمت به آن دست یافته و انسانیت را بر آن بنا نهاده، بدون تردید وی را دیوانه و جاهل فرض خواهند کرد. " ای کاش شفاف تر سخن می گفتید ولی به هر حال بعد از آنالیز سخنانتان اعلام می کنم، شما نه تنها مجازید مرزهای دانش و آگاهی تان را در نوردید بلکه در دین به این سفارش شده اید

وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (البقرة/۳۱) سپس علم اسماء [= علم اسرار آفرینش و نامگذاری موجودات] را همگی به آدم آموخت. بعد آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: «اگر راست می گوئید، اسمای اینها را به من خبر دهید!»

اگر منظورتان از اصول و ارزشها ، کفر و الحاد اکثریت مردم جهان باشد، فعلا که ما را به آن صفاتی که گفتید می خوانند نه شما را ، ولی اگر منظورتان اصول و ارزشهای دین در ایران است که این همه مخالف و معاند حرف و نظر خود را می زنند ، شما هم یکی اش ، دیگه مظلوم نمایی نداره ، دیگه حرفهای شما از سروش، بدتر نیست که ...

فلذا در این جملات خود تردید کنید و البته توجه شما را به مفهوم کلمه جهل در قرآن جلب می کنم وَلَوْ أَنَّا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَى وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ (الأنعام/۱۱۱) (و حتی) اگر فرشتگان را بر آنها نازل می کردیم، و مردگان با آنان سخن می گفتند، و همه چیز را در برابر آنها جمع می نمودیم، هرگز ایمان نمی آوردند؛ مگر آنکه خدا بخواهد! ولی بیشتر آنها نمی دانند!

۲۳- فتوا صادر نمودید که " تصادفی عاقل باشید" در مورد عقل فقط یک آیه از کلام الله إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (البقرة/۱۶۴) در آفرینش آسمانها و زمین، و آمد و شد شب و روز، و کشتیهایی که در دریا به سود مردم در حرکتند، و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده، و با آن، زمین را پس از مرگ، زنده نموده، و انواع جنبندگان را در آن گسترده، و (همچنین) در تغییر مسیر بادها و ابرهایی که میان زمین و آسمان مسخرند، نشانههایی است (از ذات پاک خدا و یگانگی او) برای مردمی که عقل دارند و می اندیشند!

به نظر شما در عقلیدن تصادف دخیل است!؟

۲۴- در ادامه فتاویاتان گفتید " و تصادفی بدانید که هیچ دلیلی برای عدم خالق هستی وجود ندارد، " همین است که از فلسفه بیزارم ، در هزار توی سوال از وجود ، چنان با نفیبات سر و کله می زنند، که آخرش به هیچ برسند در مرام ما ، درستی حرکت را ، در فکر و فعل ، وقتی می دانیم که به درک حضور خالق برسیم و باور کنید در حین و حول آن، به چنان لذتی دست می یابیم که حاضر نیستیم ، آن را با مطالعه حتی یک خط سوال از وجود خدا ، عوض کنیم .

ما که، هستیم که به دنبال وجود خدا بگردیم؟ (یا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا عَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ (الإنفطار/۶) ای انسان! چه چیز تو را در برابر پروردگار کریمت مغرور ساخته است؟!) سقف ظرفیت انسان (و بالمعالم هر پدیده هستی) درک "حضور" حضرت حق است، سرگذشت همه کسانی که به دنبال وجود خدا بودند، را ببینید؟ حتی یک مورد نداریم که وجود خدا را درک کرده باشد!!! خدایی که وجودش به فهم در آید به مثابه مظلومی است که در ظرفی محبوس شده، آیا به نظر شما می توان نام آن را خدا نامید.

سوال از وجود بزرگترین انحراف فلسفه است که ۲۸۰۰ ساله دانشمندان غرب و شرق عالم را متحیر خود کرده و سر کار گذاشته است و هیچ فیلسوفی را رستگار نکرده است و ... ماهیت این سوال همچون فکر کردن، شیطان است که گفت:

قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ (الأعراف/۱۲) (خداوند به او) فرمود: «در آن هنگام که به تو فرمان دادم، چه چیز تو را مانع شد که سجده کنی؟» گفت: «من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل!»

قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ (ص/۷۶) گفت: «من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل!»

و همانطور که شیطان را به فنا داد پیروان این سوال را هم به فنا می دهد و...

۲۵- فرمودید " برای اثبات وجود خداوند کتابها نوشته اند اما هیچ کس تا کنون نتوانسته ثابت کند خدا نیست." سوالهای درست، انسان را به جواب درست می رساند؟ وقتی کسی به دنبال اثبات نبودن خدا باشد، ذهنش خیلی بیشتر از اینکه به دنبال اثبات چیزی باشد به نبودن خدا تمرکز می کند، و مدام می خواهد به دلایلی برسد که نبودن خدا را اثبات کند، لذا اگر هزاران معجزه را هم به او نشان دهی حاضر نیست اعتراف کند، که خدا هست صرفا می گوید "کسی نتوانسته ثابت کند خدا نیست" گویی له له به دنبال کسی می گردد که ثابت کند خدا نیست و ... ولی به هر حال عرض شد که سوال از وجود خدا اشتباه ۲۸۰۰ ساله فلاسفه غرب است ظرفیت ما صرفا درک حضور خداست، اثبات وجودش پیشکش.

۷۹۴۷hasan

Member

۲۲:۴۹ - ۲۳/۰۸/۱۳۹۵

ادامه پست قبلی و پایانی

۲۶ -- فرمودید " حتی داروین هم وجود خدا را انکار نکرد، زیرا نتوانست که ثابت کند خدا نیست." جواب بالا، مضاف اینکه، ائمه ضلالت، پیروان خود را به جهنم می برند، انتخاب ولی، بر حق، انتخابی است به بهای بهشت یا جهنم. ۲۷- فرمودید " تنها چیزی که گفت این بود؛ خدا جهان را خلق کرده و به حال خودش واگذاشته و رها کرده است، و این به معنای نفی وجود خدا نیست." اگر نظرات قبلی را دنبال کرده بودید عرض شد که انگاره خدای ساعت ساز مال مسیحیت است و اسلام مقام خلقت و ربوبیت آن به آن را مختص الله می داند، لذا شاید نظر داروین برای کسانی که ولایت و امامت او را انتخاب کرده اند حجت باشد، ولی برای شیعه که تحت ولایت ائمه هدی هستند، انگاره های انحرافی سایر مذاهب مشخص است و لذا ما به رای اولیاء خود رجوع می کنیم نه داروین و ...

از سایر دوستان معذرت می خواهم که مجبورند چنین بحث سنگین فلسفی را تحمل کنند، ولی واقع امر همین است انحرافی که داروینیسیم در فکرها ایجاد می کند، به همین پیچیدگی می رسد، اینکه به هیچ چیز ثابتی اعتقاد ندارند و همه چیز را نسبی و تصادفی می خواهند

السلام علیک ایها النبی و الرحمه الله و برکاته

السلام علینا و علی عباد الله الصالحین

السلام علیکم و الرحمه الله و البرکاته

۰۱۳۱۲۲۴۷۵۶۶

Member

۰۰:۴۴ - ۲۴/۰۸/۱۳۹۵

با سلام و درود خدمت دوستان بخصوص جناب حسنی

با عرض پوزش کمی انتقاد به نقد دوستان خود دارم. اگر کل نوشته ها را دقت کنید متأسفانه یک جنگ به راه افتاده است. چرا؟ یک سو اعتقاد به خداوند یکتا و سوی دیگر صرفاً نه بیخدایی اما با کمی چرخش که شاید به علت تبلیغات نادرست بعضی از فلسفه ها باشد. نقد و طرف صحبت اصلی دوستانی که به سمت تفکر داروینیسیم مایل هستند. باز هم میگویم داروین به داروینیسیم ارتباطی ندارد و به اصطلاح داروینیسیم ها فقط کلمه داروین را قرض گرفته و تا پژوهشی از سمت زیست شناسان صورت میگیرد به نفع خودشان استفاده میکنند. که زیادش نمیکنم اما اگر بدانید در بین زیست شناسان و گروه پزشکی جمله معروفی هست که میگوید ایمونولوژیست ها و خونشناسان درس خدا شناسی آموختند. در تمام جهان معروف است پس نوشتجات داروینیسیم ها هیچ ارتباطی به بیولوژیست ها و شخص داروین ندارد. حرف داروین چیز دیگری بود مثال عینی میزنم:

قبل از جنگ جهانی اول افراد یک روستا را به کوهستان تبت و اند تبعید میکنند یک اتفاق مشابه برای هر دو گروه افتاد تمام افراد بالغ عقیم شدند و هرگز نتوانستند صاحب فرزند شوند اما نسل آنها همچنان باقیست چگونه؟ جواب از علم فرگشت (کلمه تکامل درست است و یک علم در دانشگاه ها که معنی و کارکرد کاملاً متفاوتی با فرگشت دارد که به دلیل از خارج بودن حوصله عزیزان به همین مقدار بسنده میکنم) علم فرگشت میگوید جامعه دو دسته میشود کسانی که با شرایط (هر چه باشد) سازگاری یافتند زنده میمانند عده ای هم میتوانند تولید نسل خودشان را ادامه دهند جز این محکوم به نابودی (ژن) هستند.

حال پاسخ واقعه بالا در هر دو شرایط منطقه زندگیشان بسیار بالاتر از سطح دریا بود با فشار بالا و سطح کسیرن پایین که تا آن موقع نسل بشر دیده بود. تمام بالغان و افراد بالای ده سال سال عقیم شدند اما نسلشان توسط کودکان و نوزادانی که توانستند زنده بمانند ادامه یافت. ژن انهایی که کودک و یا نوزادی قبل از تبعید نداشتند از بین رفت و بقیه، نسلشان ادامه یافت زیرا غدد و الات تناسلی دو جنس خود را با شرایط تطبیق داده بودند. و هنوز هم هیچ مهاجری نتوانسته در آنجا صاحب فرزند بشود. و پدیده دوجنسی شدن دختران و خرسهای قطبی ماده (ظاهر ماده اما با الت نر) نیز به همان دلیل است تطبیق و ادامه نسل انسان که دلیل این موضوع هم خارج از حوصله دوستانم است. به هر حال نظریه ای که داروین و همکارانش دادند به همین سادگی بود و روزگار ثابتش کرد. بقیه موارد قصه هستند هیچ زیست شناسی امروز نمیتواند بگوید انسان از نسل شانیانزه است که البت خود داروین هم نگفت چون مسیر زندگی و ژنوم آن پیریماتها کاملاً جدا از انسان است. پس خواهش میکنم داروین را با داروینیسیم پیوند ندهید مانند اینکه کسی داعش را با پیامبر اسلام یکی بدانند.

پس گفته های شخص داروین را که اینجانب به جرات میتوانم بگویم جز معدود کسانی در جهان هستیم که قدم به قدم تمام تحقیقات، مکانها، گیاهان و جانوران مورد مطالعه داروین و پسر عمو ایشان که علم اصلاح نژاد انسان را پایه گذاری کرد(متأسفانه به دلیل کج فهمی ها به صورت علم اکادمیک شکل نگرفت) باز خوانی و تکرار کرده است میگویم بسیار از آنچه سکولارها میگویند دور است. و البته نظریه فرگشت وحی منزل نیست و ایراداتی هم دارد مانند تمام نظریات و علوم. خوبیش همین جاست که ما را به جلو میراند.

و یک صحبت با عزیزی که مخالف سکولارها و سکولار گری هستند ، انها(سکولارها) پشت نام داروین و علم بیولوژی پنهان شده اند و تا وقتی که به داروین و نظریه اش حمله شود انها پشت این سپر سالم باقی میمانند و به حیات ادامه میدهند پس بهترین کار رو آوردن به انها و ایدئولوژی انهاست نه فرگشت یا داروین که پشت ان پناه گرفته اند.

باز هم تشکر میکنم و پوزش میطلبم اگر بی ادبی و یا کمبودی در نوشته هایم بود بگذارید به دلیل هنوز خام بودن و خستگی زیاد. موفق باشید در تمام امور زندگی.

۰۱۳۱۲۲۴۷۵۶۶

Member

۰۰:۴۷ - ۲۴/۰۸/۱۳۹۵

تصصیح میکنم (قبل از جنگ جهانی اول افراد یک روستا را به کوهستان تبت و اند تبعید میکنند) دو روستا

nikdoost

Member

۰۱:۵۳ - ۲۴/۰۸/۱۳۹۵

به hasan ۷۹۴۷ ؛

"خانه از پای بست خراب است"، از آنجا خراب است که امثال شما هدایتگر جامعه شده اند که با چماق زبان بر سر افراد ناتوان می کوبند، و عاجزند که با ملایمت و ملاحظت رفتار کنند، شما را می توان با شیخ جنید بغدادی مقایسه کرد؛ « شیخ جنید بغدادی به عزم سیر از شهر بغداد بیرون رفت و مریدان از عقب او، شیخ احوال بهلول را پرسید. گفتند او مردی دیوانه است. گفت او را طلب کنید که مرا با او کار است. پس تفحص کردند و او را در صحرائی یافتند. شیخ پیش او رفت و در مقام حیرت مانده سلام کرد. بهلول جواب سلام او را داده پرسید چه کسی؟، عرض کرد منم شیخ جنید بغدادی. فرمود تویی شیخ بغدادی که مردم را ارشاد می کنی؟ عرض کرد آری. بهلول فرمود طعام چگونه میخوری؟ عرض کرد اول بسم الله می گویم و از پیش خود می خورم و لقمه ی کوچک برمی دارم، به طرف راست دهان می گذارم و آهسته می جوم و به دیگران نظر نمی کنم و در موقع خوردن از یاد حق غافل نمی شوم و هر لقمه که می خورم بسم الله می گویم و در اول و آخر دست می شویم. بهلول برخاست و دامن بر شیخ فشاند و فرمود تو می خواهی که مرشد خلق باشی در صورتی که هنوز طعام خوردن خود را نمی دانی و به راه خود رفت. مریدان شیخ را گفتند: یا شیخ این مرد دیوانه است. خندید و گفت سخن راست از دیوانه باید شنید و از عقب او روان شد تا به او رسید. بهلول پرسید چه کسی؟ جواب داد شیخ بغدادی که طعام خوردن خود را نمی داند. بهلول فرمود آیا سخن گفتن خود را می دانی؟ عرض کرد آری، بهلول پرسید چگونه سخن می گویی؟، عرض کرد سخن به قدر می گویم و بی حساب نمی گویم و به قدر فهم مستمعان می گویم و خلق را به خدا و رسول دعوت می کنم و چندان سخن نمی گویم که مردم از من ملول شوند و دقایق علوم ظاهر و باطن را رعایت می کنم. پس هر چه تعلق به آداب کلام داشت بیان کرد. بهلول گفت گذشته از طعام خوردن سخن گفتن را هم نمی دانی، پس برخاست و دامن بر شیخ افشاند و برفت. مریدان گفتند یا شیخ دیدی این مرد دیوانه است؟

تو از دیوانه چه توقع داری؟، جنید گفت مرا با او کار است، شما نمی دانید. باز به دنبال او رفت تا به او رسید. بهلول گفت از من چه می خواهی؟ تو که آداب طعام خوردن و سخن گفتن خود را نمی دانی، آیا آداب خوابیدن خود را می دانی؟ عرض کرد آری. بهلول فرمود چگونه می خوابی؟ عرض کرد چون از نماز عشا فارغ شدم داخل جامه خواب می شوم، پس آنچه آداب خوابیدن که از حضرت رسول ص رسیده بود بیان کرد. بهلول گفت فهمیدم که آداب خوابیدن را هم نمی دانی. خواست برخیزد جنید دامنش را بگرفت و گفت ای بهلول من هیچ نمی دانم، تو قربه الی الله مرا

بیاموز. بهلول گفت چون به نادانی ی خود معترف شدی تو را بیاموزم؛ بدانکه اینها که تو گفتی همه فرع است و اصل در خوردن طعام آن است که لقمه ی حلال باید و اگر حرام را صد از اینگونه آداب به جا بیآوری فایده ندارد و سبب تاریکی ی دل شود. جنید گفت جزاک الله خیراً، و در سخن گفتن باید دل پاک باشد و نیت درست باشد و آن گفتن برای رضای خدای باشد و اگر برای غرضی یا مطلب دنیا باشد یا بیهوده و هرزه بود.. هر عبارت که بگویی آن وبال تو باشد. پس سکوت و خاموشی بهتر و نیکوتر باشد. و در خواب کردن اینها که گفتی همه فرع است؛ اصل این است که در وقت خوابیدن در دل تو بغض و کینه و حسد بشری نباشد. «، مهربان باش، مدیون همه ی مردم خوب جهان هستیم، فرضیات داروین همه فرض و قابل انتقاد و قابل تغییر هستند، اما اگر روزی ثابت هم بشوند هیچ ضدیت و منافاتی با باورهای مذهبی نداشته و نخواهند داشت و دنیا را عوض نمی کنند،

دبیرزاده

Member

۰۲:۲۱ - ۲۴/۰۸/۱۳۹۵

سعدی در گلستان در فواید خاموشی میگوید

«گر تو قران بر این نمط خوانی . ببری رونق مسلمانی»

۷۹۴۷hasan

Member

۲۳:۰۰ - ۲۴/۰۸/۱۳۹۵

با سلام خدمت همه دوستان

با تشکر از مخاطب محترم ، ۰۱۳۱۲۲۴۷۵۶۶

۱- در مورد جنگ به سخنی از امام حسین ع استناد می کنم که فرمودند ان الحیاه عقیده و الجهاد و (و اگر بنده را صرفا شاگرد ناچیز علما در نظر بگیرید) حدیثی از بزرگی دیگر قلم العلماء افضل من الدماء شهدا وقتی همه امورات مردم با عقاید باطل در حال فنا ست (ظهر الفساد فی البر و البحر) جنگیدن با باطل در نظرات پایه ، حداقل کاری است که می توانیم بکنیم

۲- فرمودید " یک سو اعتقاد به خداوند یکتا و سوی دیگر صرفا نه بیخدایی اما ... " عزیزم موضوع جنگ، یکتایی خداوند نیست، بلکه اراده و تصمیم ما انسانها نسبت به یکتایی خداست، اگر کتاب را مطالعه فرموده باشید عرض شد جنگ بین کفر و ایمان (عصیان و تسلیم و ...) مهمترین جنگ هستی حتی قبل از خلقت انسان بوده است (وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ(البقرة/۳۴) و (یاد کن) هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده و خضوع کنید!» همگی سجده کردند؛ جز ابلیس که سر باز زد، و تکبر ورزید، و شیطان از کافران بود) و آیه بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا عدوی وعدوکم اولیاء تلقون الیهم بالمؤدّة وقد کفروا بما جاءکم من الحقّ یخرجون الرسولَ وإباکم أن تؤمنوا بالله ربکم إن کنتم خراجتم جهاداً فی سبیلی... (الممتحنة/۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید! شما نسبت به آنان اظهار محبت می‌کنید، در حالی که آنها به آنچه از حق برای شما آمده کافر شده‌اند و رسول الله و شما را به خاطر ایمان به خداوندی که پروردگار همه شماست از شهر و دیارتان بیرون می‌رانند؛ اگر شما برای جهاد در راه من و جلب خشنودیم هجرت کرده‌اید.

۳- فرمودید " تبلیغات نادرست بعضی از فلسفه ها" عزیزم همه همه فلسفه ها در زمین الحاد رشد کرده اند و پارادایمشان پآگانیسم است و به کل ،با پارادایم توحیدی تفاوت ماهوی دارند، تلاش چند صد ساله برخی هم ، در فلسفه اسلامی نتوانست فلسفه را تسلیم خدا کند ،چون سوال اصلی فلسفه ، سوال از وجود است، بنده با این سوال

مشکلی ندارم به شرطی که به هر آنچه مادون جایگاه نوع انسان است، تعلق گیرد، نه خداوند که بینهایت بار، بالاتر و مافوق جایگاه نوع انسان است و متاسفانه فلسفه به این بخش کلید کرده، گویی می‌خواهد هر طور شده خدا را به فهم خود حبس کند و زهی خیال باطل و تلاش بی‌فایده و...

۴- فرمودید "باز هم می‌گویم داروین به داروینیسم ارتباطی ندارد" یک مثال برایتان می‌زنم آیا می‌دانستید انیشتن در اواخر جنگ جهانی دوم به روزولت نامه نوشت و به او توصیه کرد که قبل از آلمانها، اولین بمب اتمی را بسازد و علیه آنها استفاده کند.

باورتان می‌شود!، یعنی اولین بار برای کاربرد نظامی، و قتل و عام جمعی انسانها، به تکنولوژی هسته‌ای پرداخته شد، همه کاربری‌های آتی اتمی که نعمتهای الهی است، همگی بعد از این ماجرا به وجود آمدند در اینکه، انیشتن و داروین و ... تلاشهای بسیار زیادی کرده‌اند، شکی نیست و ما منکر آنها نمی‌شویم، ولی ما نتیجه را می‌بینیم، امروز داروینیسم، به عنوان بت بزرگ به فکر و عقل انسانها سایه افکنده و همه کفار عالم مبانی نظری خود مبتنی بر نسبییت (به جای قطعیت) و با ارجاع به تحقیقات داروین، منسوب می‌کنند.

۵- فرمودید: ایمونولوژیست‌ها و خونشناسان درس خدا شناسی اموختند. "عزیزم اگر یک خیاط از کاری که می‌کند، درس خدانشناسی نیاموزد، خیاط نیست، اگر یک بنا، یک تاجر، یک صنعتگر، و... لذا خدانشناسی انحصار به فقط ایمونولوژیستها ندارد، خداوند به قدری بزرگ است که هر کس از هر راهی برود به او می‌رسد، شما نباید آنها را به عنوان یک استثنا مطرح کنید، بلکه باید به سایرین خرده بگیرید که چرا نمی‌توانند در موضوع خود به خدا برسند و تسلیم فرمان حق شوند و..

۶- فرمودید "پس نوشتجات داروینیسم‌ها هیچ ارتباطی به بیولوژیست‌ها و شخص داروین ندارد." به شما بابت این تفکیک احترام می‌گذارم، ولی واقع امر این است داروین با سنت غلطی که گذاشت چه خواهد، چه نخواهد امام ضلالت کافران و ملحدین شده است و...

۷- بابت مثالی که زدید، ببینید ما به عنوان شیعه دستور داریم که به همه پدیده‌های عالم، که همه آنها غیر ذات باریتعالی، مادون مقام انسانی است، اشراف پیدا کنیم، و اسماء و صفات الهی که او به ما آموخته است را در موردشان جاری کنیم و...

لذا اینکه در امور خلقی (مشکل جسمانی عقیم شدن) مسئله‌ای رخ داده، انسان مکلف است با تحقیق و پژوهش بر آن مستولی شود و راه حل را کشف کند و... لذا تلاش انسان در این مسیر تکامل (از نظر قرآن) روحی و شخصیتی را به همراه دارد و این دقیقا همان هدف هستی است.

حال اگر کسی بیاید و بگوید تکامل به آن نمی‌گویند بلکه به سازگاری خود به خودی جسمتان، مثلا دستگاه تناسلی از عقیم شدن، می‌گویند که البته شخص هیچ اختیاری در آن ندارد، خوب این رد گم کرده و نقض غرض. فرمودید "علم فرگشت می‌گوید جامعه دو دسته میشود کسانی که با شرایط (هر چه باشد) سازگاری یافتند زنده میمانند، عده‌ای هم میتوانند تولید نسل خودشان را ادامه دهند جز این محکوم به نابودی (ژن) هستند." اولاً در امور جعل مرتبط با اراده و روحیات فرد و جامعه مسئله پیچیده‌تر از این حرفهاست ثانیاً وقتی فرض اولیه غلطه، نتیجه‌ای را هم که از آن در مورد جامعه می‌گیرند هم غلطه ثالثاً اگر منظورتان از شرایط، شرایط طبیعی برای حیات است عرض می‌شود دوست عزیز اراده ما چه دخل و تصرفی در ایجاد این جهان موجود داشته است، اراده ما چه دخل و تصرفی در طراحی و کارکرد و راهبری سیستمهای درونی جسم انسان دارد، بر فرض همین مثالی که گفتید آیا خود به خودی جسم انسانها راه حلی را کشف کردند و خود را تطبیق دادند و... خیر

پس چطور توقع دارید روی فرضیه‌ای که غلط است، قوانین جامعه‌سازی بنا شود و به مردم گفته شود اگر می‌خواهید زنده بمانید باید تسلیم ما (گوینده این فرضیات حاکمان داروینیست) بشوید و اگر هر چه ما گفتیم، عمل

کردید ، آن وقت شما در مسیر تکامل و سازگار شدن قرار دارید و ... و البته وقتی اوضاع بدتر و بدتر می شود کار به استحمار بکشد و..

۸- فرمودید " زن انهایی که کودک و یا نوزادی قبل از تبعید نداشتند از بین رفت و بقیه، نسلشان ادامه یافت زیرا غدد و الات تناسلی دو جنس خود را با شرایط تطبیق داده بودند." به شدت به مثالی که زدید مشکوکم مخصوصا جمله " تمام بالغان و افراد بالای ده سال عقیم شدند" در عدد ۱۰ سال چه سری نهفته است که ماقبل خود را تغییر می دهد ولی مابعد خود را به فنا می دهد و...

و این تغییر به قدری بوده که دستگاه تناسلی را دچار اختلال آنچنانی کند (پدیده دو جنسی و ..) یاد آور می شوم دستگاههای نظامی تمدن غرب هزاران آزمایش ضد بشری مرتکب شده اند از کجا معلوم قبل از تبعید بلایی سر آنها نیاورده بودند یا اثلا آنها را برای معدوم کردن در تبعید به سمی آلوده نکرده باشند یا ... دوست عزیز از این امثله که در حد استثنا است نمی توان حکم کلی استخراج کرد .

و سوال : چرا در جنگهای شیمیایی و میکروبی و هسته ای این همه ناقص الخلقه به دنیا می یاد و ... آیا انتظار دارید این اقدامات که تغییر عامدانه در سازوکار ژنتیک سلولی است، را ما نادیده بگیریم ، بعد به واقعه ای مشکوک در سال ۱۹۵۰ بر گردیم و از علل آن فرضیه پردازی کنیم و ...

در نهایت بر فرض هم که قبول کنیم ،جسم انسان قادر است به طور اتوماتیک (البته با توجه به روحیات قوی) راه حل برخی برخی دردها ، را بیابد، آیا این تغییرات میکرو ، ماهیت و نوع انسان را تغییر می دهد ؟ بارها عرض شد دعوی ما با داروین و داروینیست ها اینه که تغییرات ماکرو نوع به نوع (تغییر در جایگاه خلقی) امکان ندارد و هر موجودی دقیقا به طور یونیک و انحصاری در جایگاه فعلی اش طراحی شده است و با تغییرات میکرو در تیره ها مشکلی نداریم و..

۷۹۴۷hasan

Member

۲۳:۰۸ - ۲۴/۰۸/۱۳۹۵

۹- فرمودید " به هر حال نظریه ای که داروین و همکارانش دادند به همین سادگی بود و روزگار ثابتش کرد . " دوست عزیز وقتی ثابت می شه که تکرار پذیر باشه ، شما همین الان دوباره یک گروهی را تبعید کن آنجا ببین واقعا آن اتفاقات که گفتی در موردشان می افته و ... البته همه عوامل دیگه را ثابت بگیر ، یا نه ، در آزمایشگاه همان شرایط ارتفاع و فشار را بر روی تعدادی موش تحمیل کن ، ببین ، تغییراتی که ادعا کردی ، رخ می ده و ژنهاشون واقعا با شرایط جدید تطبیق پیدا می کند و ... بعد بیا ، آن تجربه را ثابت شده معرفی کن .

۱۰- فرمودید " پس خواهش میکنم داروین را با داروینیسم پیوند ندهید مانند اینکه کسی داعش را با پیامبر اسلام یکی بدانند." عزیز من ، یک بلانسبتی ، چیزی همینطوری .. دوست عزیز تا وقتی شما عالم خلق (علوم فنی و زیستی و ...) را با عالم جعل (اختیار انسان و علوم انسانی و دلایل جنگها و ...) خلط بکنید نمی توانید نتیجه درستی بگیرید عالم خلق، کلا طبق قوانین خدا بنا شده و اداره می شود و هیچ انسانی قادر نیست کوچکترین قانونی را به امور عالم بیفزاید یا کم کند کار دانشمندان اکتشاف قوانین موجود است نه خلق قانون جدید ، ولی در عالم جعل ، خدا حق را جعل کرده ولی ما انسانها اختیار داریم حق یا باطل را جعل کنیم) لذا اختلافات مردم دنیا در این حوزه است واگر نه شیعه کاملا تسلیم قوانین خلقی دنیاست ، حال کاشف آن هر کس که می خواهد باشد و...

و اما در مورد داعش ، طبق حدیثی از خود وجود مبارک حضرت ، دین بعد از من ۷۲ فرقه تقسیم می شود که فقط یکی بر حق است و این همه آیه در قرآن در مورد موده ذی القربی و اهل بیت و ... بلاشک دینی که ائمه هدایتش ۱۱، فرزند علی و فاطمه باشد دین حق است . شما به این حق که رسیدی ، با این تفکیک ، حساب سایر فرقه ها

دستت می یاد , لذا اتفاقا نباید روی کارهای داعش تمرکز کرد , بلکه باید دین محمد (ص) (قرآن و عترت) را خوب شناخت و شناساند خود به خود غیر آن باطل می شود و اما تاکیدی که شما روی تفکیک داروین و داروینیسم دارید , اولاً بهتر است شما این تلاش را بین خود آنها نکنید نه اینجا اگر قبول کردند ما حرفی نداریم ولی پیشاپیش می گویم انرژی تان را هدر ندهید...

ثانیا ما داروینیسم را بت بزرگ و دشمن می دانیم واگر نه آن داروین بدبخت که الان استخوانهاش هم خاک شده , حساب قیامتش هم که با ما نیست وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ لذا روی شخص او تعصبی نداریم ما (من و شما و همه) حساب و کتاب خودمان را داریم و اگر امروز مثلا حرفهای داروین را بزنیم و به دیگران یاد بدیم , همانها را پای, نامه ما, هم می نویسند , لذا بنده چون می دانم در قیامت ایشان مسئولیت بنده را قبول نمی کنه , لذا امامم را قرآن به عنوان رسول ظاهر و و عقل به عنوان رسول باطن انتخاب می کنم و... و داروین و داروینیسم را به عنوان باطل کنار می گذارم , از آنها عبور می کنم . (خیلی سعی کردم مودبانه بنویسم , ببخشید دیگه)

۱۱- فرمودید " علم اصلاح نژاد انسان را پایه گذاری کرد(متأسفانه به دلیل کج فهمی ها به صورت علم اکادمیک شکل نگرفت) باز خوانی و تکرار کرده است میگویم بسیار از آنچه سکولارها میگویند دور است" باور کنید لطف بزرگی به بشریت می کنید اگر این مطلب را باز کنید و به جهان اعلام کنید تا سکولارها اینگونه جولان ندهند و... در مورد اصلاح نژاد انسان , که بحث خیلی خیلی مهمی است و اتفاقا بنده با آن موافقم ان شاءالله در مجامع خصوصی تر و با ظرفیت درک بیشتر و ... ولی ایها الحال پس از هیتلر, بزرگان آلمان نگذاشتند نژادشان با فرانسوی ها و انگولاساکسونها, مخلوط شود , لذا برای نسل کشی به سراغ خالص ترین نژاد آریایی واقع در کوههای لرستان و کهکلیویه و بویر احمد آمدند و ... و ما متأسفانه در این رشته های اقتدار آفرین خوابیم و...

۱۲- فرمودید " و البته نظریه فرگشت وحی منزل نیست و ایراداتی هم دارد مانند تمام نظریات و علوم. خوبیش همین جاست که ما را به جلو میراند." ملاک ما برای هر فرضیه یا نظری , حق و باطل بودن آن است با شاخصهایی که داریم (عقل و وحی منزل) لذا به هیچ نظریه ای تعصب نداریم, در بهترین حالت هر اکتشاف یا نظریه ای فقط یکی از قانونهای قانونگذار عالم را صرفاً رونمایی می کند و.. در مورد جلو راندن مثال نامه انیشتن کفایت می کند که چطور خداوند از وسیله ای که(بمب اتم) , عده ای می خواستند با آن نسل بشریت را نابود کنند, این همه نعمت بیرون آورده است و فقط خدا را شکر , به آیات علمنا (ما به او علم دادیم) و فهمنا (ما به او فهماندیم) در قرآن رجوع کنید تا با دانستن منشا علم و فهم لذت ببرید.

۱۳- فرمودید " انها(سکولارها) پشت نام داروین و علم بیولوژی پنهان شده اند و تا وقتی که به داروین و نظریه اش حمله شود انها پشت این سپر سالم باقی میمانند و به حیات ادامه میدهند پس بهترین کار رو آوردن به انها و ایدئولوژی انهاست نه فرگشت یا داروین که پشت ان پناه گرفته اند." خوب دوست عزیز با فرض قبول نظر شما , تا وقتی داروینیسم هست, آنها چطور عریان و رسوا می شوند ,ثانیا وقتی به داروینیسم به عنوان بدیلی در برابر دین حمله شود و باطل بودن آن ثابت شود فضا برای اقامه دین باز می شود, لذا ما به شکستن سپر فکر می کنیم که كَتَبَ اللَّهُ لَأَعْلَبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ(المجادله/۲۱) خداوند چنین مقرر داشته که من و رسولانم پیروز می شویم؛ چرا که خداوند قوی و شکستناپذیر است! (البته فردا نگوئید بنده ادعای رسالت کردم , بنده خادم رسالات منزل به ,رسول خاتم)

۱۴- بنده هم به نوبه خود , بابت پیگیری و توجهی که به این موضوع داشته اید تشکر ویژه می کنم و منتظر نظرات سازنده شما در رسوا کردن داروینیسم هستیم.

در پاسخ به آقای nikdoost ظاهرا با نام های زیبای دوستی و نیکی و آواتار گل محمدی

۱- فرمودید " خانه از پای بست خراب است " بله البته مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (العنكبوت/۴۱) مثل کسانی که غیر از خدا را اولیای خود برگزیدند، مثل عنکبوت است که خانه‌ای برای خود انتخاب کرده؛ در حالی که سست‌ترین خانه‌های خانه عنکبوت است اگر می‌دانستند!

۷۹۴۷hasan

Member

۲۳:۰۹ - ۲۴/۰۸/۱۳۹۵

ادامه

۲- فرمودید " از آنجا خراب است که امثال شما هدایتگر جامعه شده اند " به سایر مخاطبان عرض می‌کنم تکنیک شخصی کردن امور ، در عملیات روانی ، کاربرد فراوانی دارد ، و فردی که قواعد جوانمردانه مناظره را رعایت نمی‌کند ، چاره ای جز تهمت و ایراد به شخصیت طرف مقابل ندارد ، لذا شنونده باید عاقل باشد ، با اینکه بارها از ایشان تقاضا شده مصداقی و مشخص حرف بزنید ، شانتاژ و... را رها نمی‌کنند.

بنده خدا چند دفعه آیه بیاورم که خدا گفته من هدایت می‌کنم و کس را که من اذن داده باشم هدایت می‌شود ، **إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَخِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ (البقرة/۲۶)** خداوند از این که (به موجودات ظاهرا کوچکی مانند) پشه، و حتی کمتر از آن، مثال بزند شرم نمی‌کند. (در این میان) آنان که ایمان آورده‌اند، می‌دانند که آن، حقیقتی است از طرف پروردگارش؛ و اما آنها که راه کفر را پیموده‌اند، (این موضوع را بهانه کرده) می‌گویند: «منظور خداوند از این مثل چه بوده است؟!» (آری،) خدا جمع زیادی را با آن گمراه، و گروه بسیاری را هدایت می‌کند؛ ولی تنها فاسقان را با آن گمراه می‌سازد!

بنده خیلی هنر کرده باشم اینکه ، خودم را لایق هدایت خدا کنم بقیه اش پیشکش

۳- فرمودید " که با چماق زبان بر سر افراد ناتوان می‌کوبند " به مخاطبی که می‌خواهد قضاوت کند فقط به پستهای قبلی ایشان ارجاع می‌دهم ، که مفهوم ، ناتوانی و چماق زبان را بازتعریف کنند .

۴- فرمودید " و عاجزند که با ملایمت و ملامت رفتار کنند، " با توجه به آیه **مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيَّمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَظَلَّ فِاسْتَوَى عَلَى سَوْفِهِ يَعْجِبُ الزَّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (الفتح/۲۹)** محمد (ص) فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند؛ پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می‌بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می‌طلبند؛ نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است؛ این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و بقدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی‌دارد؛ این برای آن است که کافران را به خشم آورد (ولی) کسانی از آنها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است .

شما تابعیت خودتان از رسالات منزل بر محمد (ص) را به ما ثابت کن، بعد از ما توقع ملایمت و ملامت داشته باش ، نه اینکه با هزار چهره ، یکبار از تصادفی بودن همه چیز سخن بگویی ، یکبار از آنتی داروینیست بودن ، یکبار از امام صادق و یکبار از دفاع از داروین و ... و بعد انتظار داشته باشی ما با ترحم از اشتباهات بگذریم .

۵- از حکایت جالبی که فرمودید استفاده کردیم ولی بنده را با شیخ جنید مقایسه کردید ، احيانا شکست نفسی نفرمودید که خود را با بهلول مقایسه کردید!!!

۶- اما در اشکالاتی که به بنده از زبان بهلول گرفتید " بدانکه اینها که تو گفتی همه فرع است و اصل در خوردن طعام آن است که لقمه ی حلال باید و اگر حرام را صد از اینگونه آداب به جا بیاوری فایده ندارد و سبب تاریکی ی دل شود." وقتی بت بزرگ و اصلی داروینیسیم را البته اگر امثال شما اجازه بدهند ,بزنیم, باقی بتها فرع است و در مورد لقمه حلال , ... فقط خدا را شکر

۷- و در ادامه اشکالاتی که وارد کردید " در سخن گفتن باید دل پاک باشد و نیت درست باشد و آن گفتن برای رضای خدای باشد و اگر برای غرضی یا مطلب دنیا باشد یا بیهوده و هرزه بود.. هر عبارت که بگویی آن وبال تو باشد. پس سکوت و خاموشی بهتر و نیکوتر باشد." ۱- بنده شما ,می شوم اگر ناپاکی مصادیقی که گفته ام را بگیرید و اعلام کنید ۲- شما اول درستی نیتت ,را باطنا و نه ظاهرا به ما ثابت کن بعد در مورد نیت سایرین تشکیک ایجاد کن ۳- شما رضای خداوند را در موضوع داروینیسیم , یا تصادفی دیدن عالم, برای ما مشخص کن بعد از گفتن ما اشکال بگیر ۴- بنده از هیچ کس هیچ چیز دنیایی طلب نکردم البته بهای این کتاب سنگینترین بهای دنیا است یعنی صلوات بر محمد و آل محمد (ص), لذا وقتی درخواست دنیایی در کار نیست مطمئن باشید بیهوده و هرزه هم نیست

۷۹۴۷hasan

Member

۲۳:۱۲ - ۲۴/۰۸/۱۳۹۵

۸- و در ادامه اشکالاتی که وارد کردید " اصل این است که در وقت خوابیدن در دل تو بغض و کینه و حسد بشری نباشد" بنده تو دهن این اصل بهلول می زنم و تا قیام قیامت کینه و بغض آل اباسفیان و آل معاویه و عمرو عاص ها و ابو موسی اشعری ها مروانها و یزیدهای همه دوران و عصر حاضر را در دل نگه می دارم تا به وقتش ۹-افاضات فرمودید "مهربان باش, مدیون همه ی مردم خوب جهان هستیم," اگر معنای مهربانی این است که شما نشانمان دادید, بنده سخت ترین , خواهیم شد و خود را تنها و تنها مدیون خدا می دانم چون همه مردم خوب جهان مدیون خدا هستند و...

۱۰-گفتید " فرضیات داروین همه فرض و قابل انتقاد و قابل تغییر هستند," این که حرف بنده است , حرف بنده را به خودم تحویل می دهید اگر وجود دارید این حرفها را به داروینیستهای علوم انسانی بزنید, کل فلسفه نسبی گرایی پوپر می ره رو هوا, کل داروینیسیم مالی (که شالوده بانکداری امروز است) میره رو هوا و کل علوم سیاسی مبتنی بر فلسفه قدرت نیچه و...

۱۱-گفتید " اما اگر روزی ثابت هم بشوند هیچ ضدیت و منافاتی با باورهای مذهبی نداشته و نخواهند داشت و دنیا را عوض نمی کنند," پیامبر اکرم فرمودند " اگر " از جمله های شیطان است از آن بپرهیزید , وقتی ما یقین داریم هر ایدئولوژی مقابل دین حق , باطل است , حالا منتظر باشیم , تا یک روزی اربابان غربی بعضی ها , ثابت بکنند که داروینیسیم غلط بوده و...

۱۲-گفتید " اما اگر روزی ثابت هم بشوند هیچ ضدیت و منافاتی با باورهای مذهبی نداشته و نخواهند داشت و دنیا را عوض نمی کنند," ضدیت و منافات نداشتن داروینیسیم با دین را, در لیست تصادفی های پست قبلیتان دیدیم اینکه سعی می کنید بحث را شخصی جلوه دهید , بنده از حق کوتاه نمی یام و تا وقتی در برابر کلامی که ارائه دادم منطلق حقی را نیاورید ,بنده هیچکدام را پس نمی گیرم.

بابت قصه جالبی که فرمودید تشکر می کنم ولی برداشت بنده این بود که خیلی بیشتر از ظاهر امور باید به باطن امور (یعنی غیب از حواس ظاهر) پرداخت و کار را از اصل درست کرد و ظاهر هر چقدر هم به نام دوستی ، وبه نام نیکی باشد ، ولی اگر سخن به الحاد و اثبات عدم خدا با تصادفی دانستن همه چیز براند ، ما فریب نمی خوریم .

ای کاش شما این آیه را خوانده و درک کرده بوده اید که

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ (الصف/۲) ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا سخنی می گوئید که عمل نمی کنید؟! خدا را شکر پستهای هر دویمان هست و شخص ثالث به راحتی می تواند در مورد ادعاهای ما قضاوت کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (الناس/۱) مَلِكِ النَّاسِ (الناس/۲) إِلَهِ النَّاسِ (الناس/۳) مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (الناس/۴) الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ (الناس/۵) مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ (الناس/۶)

و در پایان خدمت آقای دبیرزاده در مورد آوردن " « گر تو قرآن بر این نمط خوانی . ببری رونق مسلمانی " « برادرم مثلا ، الان که کسی در جامعه از قرآن دم نمی زند ، مسلمانی رونق دارد و ... کدام مسلمانی! ، فقط کافیه یک نگاه به نسلی که داره می یاد بکنی ، به زنان بی سرپرستی که ... ، به پیرمردان دست فروش به... شما هم هر کار از دستت بر می یاد بکن، به خدای قرآن توکل کن، با این اراجیف خودت و بقیه را از قرآن محروم نکن، زور حافظ قرآن خیلی خیلی بیشتر از خرده گویی های بنده و احیانا شماست و.... والسلام

۰۱۳۱۲۲۴۷۵۶۶

Member

۰۰:۴۹ - ۲۵/۰۸/۱۳۹۵

با سلام و درود بر عزیزان بخصوص جناب حسنی

در مورد جنگ: در دل دفنش میکنم باشد که به نام پروردگار بخشنده مهربان کسی که از رگ گردن نزدیکتر است. صرفا نه بیخدایی اما: همانا در تاریکترین لحظات با یاد او جهان لبریز از نور میشود. ولی ما نتیجه را می بینیم : من یک نتیجه.

لذا خداشناسی انحصار به فقط ایمونولوژیستها ندارد : تنها مثالی بود که بگویم جامعه زیست شناسی از تفکر سکولارها هیچ ندارند.

داروین با سنت غلطی که گذاشت چه بخواید ، چه نخواهد : متوجه سنت نشدم به طور مثال اینکه اگر انسان روزه بگیرد و یا به هر دلیلی چند روز خوراک کمی و یا نداشته باشد مغز فرمان کند شدن چرخه atp را میدهد تا انرژی کمتری به هدر رود و حیات به مخاطره نیفتد چه سنت غلطیست و یا گزینه برده داری مورچه ها

حال اگر کسی بیاید و بگوید تکامل به آن نمی گویند: تکامل در انسان را به طور بسیار خلاصه میگویم . تکمیل شدن یک سلول به سمت اسپرم شدن حرکت اسپرم به سوی خورشید حیات بخش مادر، تکمیل اسپرم توسط تخمک ، هر بار تقسیم شدن به سمت تکمیل شدن شروع ساخت اندامها و آرام آرام تکمیل شدن . خانه کوچک است مهاجرت به دنیای نادیده تکمیل شدن بینایی تا ۳ ماهگی تکمیل شدن و استحکام قدرت عضلات برای کشف دنیای اطراف باز هم تکمیل شدن به سمت تولید ستاره زندگی بخش و یک قهرمان دونده . تکمیل شدن نهایی با بیرون آوردن لباس تنگ مانند جنین و دیدار با روشنایی.تکامل

دوست عزیز اراده ما چه دخل و تصرفی در ایجاد این جهان موجود داشته است : هیچ . بدن دستورات را اجرا کرد.

...آن وقت شما در مسیر تکامل و سازگار شدن قرار دارید... : متوجه نشدم.

در عدد ۱۰ سال چه سری نهفته است که ماقبل خود را تغییر می دهد ولی مابعد خود را به فنا می دهد و ... : هیچ .

سن پایین تر هنوز دستگاه تناسلی کاملی نداشتند که شوک وارد شود.

ماهیت و نوع انسان را تغییر می دهد؟ : به هیچ وجه ارتباطی با موضوع ندارد.

ژنهایشون واقعا با شرایط جدید تطبیق پیدا کردند و ... مسئله ژن نیست یک بحث فیزیولوژی دستگاه تناسلی . خود شما در ارتفاع ۵۰۰۰ متری و یا دمای محیطی بالای ۴۰ درجه مداوم عقیم میشود به معنای مرگ اسپرها تا زمانی که شرایط مانند قبل شود.

عزیز من یک بلانستی ، چیزی همینطوری ... : خورشید را یک قطره اب خاموش نمیکند.

اما در مورد داعش : صرفا مثال بود.

پیشاپیش می گویم انرژی تان را هدر ندهید... : ...

ما داروینیسیم را بت بزرگ و دشمن می دانیم ... باد بال مگس دژ را در هم نمیشکنند.

اگر این مطلب را باز کنید : به کلامتان احترام میگذارم و رساله ای در باب ان تقدیم میکنم.

ما به شکستن سپر فکر می کنیم : سپری از جنس اب . به ان سوی رودخانه بروید عمق کم است نشان دهید ان اقیانوس عمیق و خطرناک نیست که انها فکر میکنند.

منتظر نظرات : با افتخار .

در مورد پدیده دوجنسی شدن یا shemale در جنس های ماده : یک بحث بسیار جالب تکاملی (نه فرگشتی) حتما مینویسم بسیار خوشتان خواهد آمد . وقتی ژن XX است اما مغز دستور ساخت الت نر را میدهد تا حیات نابود نشود .

nikdoost
Member

۰۲:۱۶ - ۲۵/۰۸/۱۳۹۵

۷۹۴۷hasan؛ " بنده تو دهن این اصل بهلول می زنم و تا قیام قیامت کینه و بغض آل اباسفیان و آل معاویه و عمرو عاص ها و ابو موسی اشعری ها مروانها و یزیدهای همه دوران و عصر حاضر را در دل نگه می دارم تا به وقتش "

آیا این گفته ی خودتان است؟! جلّ الخالق تا حالا فکر می کردم بهلول از شاگردان حضرت امام موسی کاظم ع بوده و به دستور آن حضرت تظاهر به جنون می نموده است، مگر این اصل بهلول چه عیبی داشت، که مستوجب کیفر جنابعالی شده و توی دهنش می زنید، خلاصه جواب بدهید، بی رودربایستی حوصله خواندن مطالب طولانی ی هیچکس را ندارم از تمامی ی مطالب کشدار شما تا بحال شاید به اندازه ی یک صفحه هم نخوانده ام و هیچوقت حرفهای خودتان را به خودتان تحویل نداده ام، فقط نگاهی به مطالب که بنده را مخاطب قرار داده اید انداخته ام، کاری به گفت و گوی شما با دیگران ندارم، این که ملاحظه می فرمائید وارد گود بحث شما شده ام نه بخاطر دیدگاههای شما است بلکه به سبب آن است که قبل از مطالعه ی کتاب شما بدانم محور تحقیقات شما بر فرضیات داروین بنا بر چه دلائلی است و نه چیز دیگر، خداوند متعال به فریاد معاشران شما برسد که اگر یک کلمه حرف بزندان کشف الآیات قرآن کریم را باز می کنید و ساعتها شیرین زبانی می کنید، چون به خوبی و به درستی دریافته ام که با مضامین آیات الهی و شآن نزول آنها چندان آشنائی ندارید و متوجه هم نیستید که ممکن است مخاطب یا مخاطبان بیچاره ی شما از بیخ عرب باشند و متوجه حرفهای شما نشوند، همه را هم با یک چوب می رانید، طرف ممکن است اعتقادات مذهبی ضعیف باشد و بلد نباشد قرآن را از رو بخواند ولی شما ول کن نیستید و آیات قرآن کریم را به گواه حرفهایتان تحویل میدهید که به هیچ وجه برایش قابل درک نیست، فقط خدا رحم کند که تنها گیر نیفتد و مخالفت نکند، چون ممکن است توی دهنش بزنی و آن بیچاره را خرد و خمیر و نفله کنید، دقیقاً مثل طالبان، رفتار آنها هم همینطور است، باور دارم که شما هم با تعصبات خشک و کینه توزانه کمتر از طالبان نیستید، وقتی توی دهن بهلول می زنید

حساب مردمان عادی پاک است، بماند که تردید دارم شیعه باشید، فرقی نمی کند، با تفکر انسان ستیزی که بر شما غالب شده سخت در اشتباه هستید. بگذریم؛ چند روز است بحث هولوکاست؛ دروغ بزرگ یهودیان " هم در کتابناک خیلی داغ شده، تقاضا دارم شما هم مطالبی با استفاده از کشف الآیاتی که در دست دارید، مرقوم بفرمائید، تا ببینیم چند مرده جلاّجید، بخصوص بنده علاقمندم بدانم نظر شما بجز به گفته ی خودتان " داروین از ائمه ی ضلالت است "، در باره ی موضوع هولوکاست چیست؟، بفرمائید مستفیض شویم

۷۹۴۷hasan

Member

۰۱:۰۳ - ۲۶/۰۸/۱۳۹۵

با سلام خدمت دوستان

خدمت مخاطب عزیز ۰۱۳۱۲۲۴۷۵۶۶

۱- فرمودید: " در مورد جنگ: در دل دفنش میکنم باشد که به نام پروردگار بخشنده مهربان کسی که از رگ گردن نزدیکتر است." به نظرتان احترام می گذارم به هر حال جهاد علیه باطل،(و کسانی که قصد نابودی ما را دارند) در اسلام واجب کفایی است ، یعنی وقتی عده ای مسئولیت آن را عهده دار شدند از بقیه ساقط می شود.
۲- دو مطلب بعدی را متوجه نشدم و فرمودید" تنها مثالی بود که بگویم جامعه زیست شناسی از تفکر سکولارها هیچ ندارند." از این تفکیک و اعاده حیثیتی که فرمودید بسیار متشکرم به شرطی که اعلان همگانی شود و...
۳- در مورد " داروین با سنت غلطی که گذاشت چه بخاوه، چه نخواهد" داروین از روی منطق قیاسی، و ظاهری همان اشتباه شیطان را تکرار کرد که

قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أُمِرْتَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ (الأعراف/۱۲)

(خداوند به او) فرمود: «در آن هنگام که به تو فرمان دادم، چه چیز تو را مانع شد که سجده کنی؟» گفت: «من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل!» و روح انسان محبوس در جسم انسان را ندید و ... یا نخواست ببیند، یا خواست پنهان کند، الله اعلم ، و فرآیندهای نوع به نوع شدن مخلوقات را به عنوان فرضیه مطرح کرد این حرف تا وقتی محصور به حوزه بیولوژی است، اشکال ندارد بالاخره یک بیولوژیست دیگر جوابی می دهد و در زد و خورد آراء حقیقت روشن می شود. ولی کافران و ملحدان و مافیای علمی زیر مجموعه فرماسونری ، سوار بر موضوع شدند و گفتند در هیچ دانش علمی ای ما نیاز به خالق که امر و نهی کند ، نداریم خودمان هستیم و خودمان و امانیسم شکل گرفت و لیبرالیزم ، کپیتالیزم ، سوسیالیزم ، کمونیزم و ... همه روی سنت و حرف داروین بنا شده و...

۴- فرمودید " به طور مثال اینکه اگر انسان روزه بگیرد..." طبق آیه ، یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (البقرة/۱۸۳) ای افرادی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما نوشته شده، همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد؛ تا پرهیزکار شوید.

خداوند ماشین جسم انسان را طراحی کرده و ساخته و ارتباطش را با روح برقرار کرده ، او میلیونها دستورالعمل (که دستگاه ادراکی انسان هیچ اطلاعی از آنها ندارد) در داخل (کلیت و جزئیت سیستم جسمانی انسان) و هزاران دستورالعمل بابت استفاده درست از این ماشین به مرکز فهم انسان(مستقر در روح) کرده است (مستقیم در قرآن یا غیر مستقیم از زبان معصوم)حالا ، آن سلول چه در جسم هیتلرها باشد ، چه در جسم بدوی های آفریقا ، چه در جسم پیامبر(ص) ، طبق همان سازوکار از پیش طراحی شده در حال کار است به صورت کاملا خودکار و اتوماتیک و البته پیچیدگی های تخصصی (مخصوصا در حوزه اعصاب)که حتی امروزه هم از درک انسان خارج است چه برسد به اینکه بخاوه تصمیمی راجع به آن بگیرد.

حالا حرف ما این است، آن اجزاء سلولی و جسمانی طبق قانونی که خدا گذاشته، مشغول کار هستند نه قانون ما و به میل ما سازوکار آن سلول تغییر نمی کند موردی که فرمودید و میلیونها مثال دیگر همگی، طبق سازوکاری که خالق تعیین کرده است، مشغول کار هستند، بله ما وظیفه داریم جهد کنیم و به آنها اشراف پیدا کنیم، ولی اشراف ما به فرآیند در حال جریان به معنای قانونگذاری آن نیست، و اثلا ما در حوزه مباحث خلقی سازوکار سلولها و ... دعوایی نداریم، سوال چنانچه مثال دوره سرمای طولانی زیر صفر به وجود بیاید، سلولهای انسان می توانند، سر خود، و غیر ارادی، و بدون دخالت خالق سازوکار خود را تغییر دهند تا با شرایط جدید وفق پیدا کنند، تا به قول داروینیست ها به تکامل جسمی متاثر از شرایط محیطی برسند، بنده این را زیر سوال می برم. **هر مخلوقی در عالم دقیقا در جایی است که قرار بوده باشد و اگر این جایگاهها جا به جا شود همه چیز به هم می ریزد.** آن خالق که شرایط ایده آل فعلی را برای حیات انسان تدارک دیده دقیقا همه چیز را با هم ست کرده و...

۴- در مورد تعریف خودتان از تکامل، فرآیند تولد جسمانی حیوانات و انسان را به زیبایی تمام فرمودید ولی تعریف کلام خدا از تکامل این است

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا (المائدة/۳) امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم

تفاوت نگاه ما به این بر می گردد که شما انسان را فقط در حوزه جسم و حیات مادی در عالم خلق بررسی می کنید و بنده با اعتقاد کامل به روح و موضوعات متعلقه اش از قبیل عالم جعل، اختیار و اجبار، قضا و قدر و حق و باطل و حکم و ... سعی می کنم هر دو را با هم ببینم و...

۵- در مورد عدد ۱۰ فرمودید " سن پایین تر هنوز دستگاه تناسلی کاملی نداشتند که شوک وارد شود." بنده با احترام به شما این دلیل را قبول ندارم، اگر تغییرات جسمانی تا این حد بزرگ در زمان تا این حد کوچک قرار بود رخ بدهد، که ابر مرد مورد انتظار نیچه را، سالها پیش درست کرده بودند و ... به هر حال اگر اصرار دارید که ماجرابی که برای شما تعریف کرده اند، درسته با تعریف آزمایشی، (با تحمیل شرایط مشابه به نمونه آزمایشگاهی) آن را اثبات کنید و ...

۶- در مورد " آیا تغییرات میکرو، ماهیت و نوع انسان را تغییر می دهد " ربطش به موضوع اینه که اگر نوع به نوع شدن موجودات (اتم ها، عنصرها، سلولهای گیاهی و جانوری وانسان به یکدیگر) در جداول رده بندی مورد ادعای داروین باطل شود هدف ما محقق شده است.

۷- فرمودید " مسئله ژن نیست یک بحث فیزیولوژی دستگاه تناسلی. خود شما در ارتفاع ۵۰۰۰ متری و یا دمای محیطی بالای ۴۰ درجه مداوم عقیم میشود به معنای مرگ اسپرها تا زمانی که شرایط مانند قبل شود." اگر این مطلب را به عنوان یک قاعده مطرح کردید و قبول دارید که دیگه در آن مثال، استثنا کردن بچه های زیر ۱۰ سال معنی ندارد مگر اینکه بگوئید آن بچه ها تبدیل به ابر انسان شده اند و...

۸- فرمودید " (ما داروینیسم را بت بزرگ و دشمن می دانیم ...) باد بال مگس دژ را در هم نمیشکند." عزیزم مسخره نکن، خدا اگر نظر کنه با یک مگس، بت بزرگ دوران ابراهیم (ع) یعنی نمرود را کله می کنه، ما به خودمان نگاه نمی کنیم به اونی که دستمون را بهش دادیم، نگاه می کنیم و... به هر حال ای کاش باد بالهای عقابی شما هم به کمک می آمد و...

۹- متوجه منظورتان از " سپری از جنس اب" نشدم. به هر حال، شیعه باید آوانگارد کشف جهان خلقت پروردگارش باشد، شیعه ایرانی باید علمی که در ثریاست را کشف کند، علوم زیستی که جای خود داره و ... در این راه برایتان دعا می کنم و...

۱۰- در مورد پدیده دو جنسی شدن ، با احترام به نظراتان ما آن را یک بلا و آنورمالی می دانیم و موجودی که نظم عالم را به هم می زند و ... و به دنبال راه حلی برای عدم وقوع آن می گردیم و... تلاشهایتان را در این مسیر ، یعنی برگرداندن به مسیر طبیعی که خداوند مقرر کرده مبذول فرمائید .

با تشکر

۷۹۴۷hasan

Member

۰۱:۰۴ - ۲۶/۰۸/۱۳۹۵

به مخاطب nikdoost

۱- سوال کردید " آیا این گفته ی خودتان است؟! " جواب چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است بله
۲- تعجب بیجا کردید که " جلّ الخالق تا حالا فکر می کردم بهلول از شاگردان حضرت امام موسیٰ کاظم ع بوده و به دستور آن حضرت تظاهر به جنون می نموده است، " مگر بنده این مطلب را منکر شدم و...
۳- سوال کردید " مگر این اصل بهلول چه عیبی داشت، که مستوجب کیفر جنابعالی شده و توی دهنش می زنید، " اولاً ملاک ما برای درستی چیزی قرآن و عترت است البته شاگردان ائمه هم برای ما محترمند ثانیاً دو اصل قبلی اش را تأیید کردم و اصل سومش را زیر سوال بردم ، به نظرتان حق چنین کاری را ندارم ؟ ثالثاً همانطور که بارها هم قبلاً مخصوصاً به شما اعلام کردم شیعه ، موضع دارد و در سلم و آشتی است با کسی که با خط دین ، انبیاء و ائمه آشتی باشد در حرب و جنگ است با کسی که با آنها در حرب باشد و دوستدار کسی است که آنها را دوست بدارد و دشمن کسانی است که با آنها دشمنی می کند در جمله ای که اشکال کردید غیر از این دیدید؟؟؟؟
رابعاً لطفاً خواهشا عجزاً با هر زبونی بلدی به خودت بفهمان ، یک کم دقت کن بنده تو دهن یکی از حرفهای بهلول زدم (تازه اگر واقعاً چنین حرفی زده باشد ، واقعاً ترجمه اش درست باشد ، منبعض را چک نکردم) نه دهان آن بزرگوار، حق این کار را ندارم؟؟؟ البته بنده مثل شما برای آن مرید اهل بیت ، درجه عصمت قائل نیستم و ... البته اگر برای شانتاز، عامدا دوست داشتی چنین برداشتی کنی ، قضاوت را به مخاطب وا می گذارم، و خطاب به سایر مخاطبان ، اینکه وقتی نفاثات فی العقده، انسان را عصبانی می کنند ، گاهی چنین جملات ، نا بهنجاری هم بیرون می یاد ، جدا عذر خواهی می کنم.

۴- گفتید " خلاصه جواب بدهید، " شیاطین انسی، فقط یک جمله می گویند مثلاً " نیچه : خدا مرد " ولی برای خنثی کردن آن باید صدها جلد کتاب نوشت و... لذا طولانی شدن جوابها ، اجتناب ناپذیر است .

۵- گفتید " بی رودربایستی حوصله خواندن مطالب طولانی ی هیچکس را ندارم " صرف خواندن مطالب مهم نیست خدای نا کرده كَمَثَلِ الْجِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا می شود سعی کنید به باور برسید.

۶- فرمودید " از تمامی ی مطالب کشدار شما تا بحال شاید به اندازه ی یک صفحه هم نخوانده ام " ای کاش من بعد ، نه یک صفحه که یک خط هم نخوانید ، تا مجبور نشوم مطالب کشدار برای جوابش تهیه کنم.

۷- فرمودید " ... که قبل از مطالعه ی کتاب شما بدانم محور تحقیقات شما بر فرضیات داروین بنا بر چه دلائلی است و نه چیز دیگر، " قضاوت با مخاطبان هنوز اصل کتاب را نخوانده اید و بعد اصول بهلول را علیه بنده علم می کنید و بنده را به ظاهر گرای متهم می کنید و بعد از کلام گل می گیرید و جوسازی و...
۸- فرمودید " خداوند متعال به فریاد معاشران شما برسد که اگر یک کلمه حرف بزنند کشف الآیات قرآن کریم را باز می کنید و ساعتها شیرین زبانی می کنید، " مخاطبان عزیز توجه کنید بشمار یک اتهام ها شروع می شود در

ایلیاد ادیسه به شیاطین انسی آموزش داده می شود ، "تیر تهمت بر بزرگان بزنی، تیرت هیچوقت به خطا نمی رود
" حالا خوبه ما عددی نیستیم و...

۹-فرمودید " چون به خوبی و به درستی دریافته ام که با مضامین آیات الهی و شان نزول آنها چندان آشنائی
ندارید" بشمار ۲ ای کاش به همان خوبی و درستی که دریافته اید به جای شانناژ مصداقی را بیان می کردید و...

۱۰-فرمودید " متوجه هم نیستید که ممکن است مخاطب یا مخاطبان بیچاره ی شما از بیخ عرب باشند" بشمار ۳
اولا بنده خاک پای همه مخاطبان کلام الله هستم ، این کتاب اگر ارزشی هم داشته باشد فقط به خاطر آیات آن
است و مخاطبان این کتاب نه تنها بیچاره نیستند، بلکه از فرهیختگان و استادان علوم مختلف و خواص هستند و...
در ضمن به نظر بنده قرآن برای مخاطبانی که از بیخ عرب بودن نازل نشده، بلکه برای همه انسانهای آزاده جهان
بالاخص ایران نازل شده است گزینش کلمات قرآن که از همه زبانها در آن وجود دارد بی همتاست ، بسیاری از
کلمات قرآن معادل در زبان فارسی یا انگلیسی یا ... ندارد یونیک و انحصاری است ، بیشترین بهره را از کلام الله
کسی می برد که به کلمات قرآن مشرف باشد (دقت کنید ،گفتم کلمات قرآن نه زبان عربی)و... در ضمن آیاتی که
بابت تنبه آورده می شود همراه با ترجمه مرسوم فارسی و آدرس است .

۱۱-فرمودید " همه را هم با یک چوب می رانید" بشمار ۴ قضاوت با مخاطبان

۱۲-فرمودید " طرف ممکن است اعتقادات مذهبی ضعیف باشد و بلد نباشد قرآن را از رو بخواند ولی شما ول کن
نیستید"

بشمار ۵ چه رابطه ای است برقرار کردید؟ چند نفر براتون بیارم ،که اعتقادات بالا به مذهب شیعه در دین اسلام
دارند ولی قرآن خوننشون غلط و اشکالداره ، و چند نفر را می خواهید مثال بزنم که قرآن را چه چه می زند و هیچ
بهره ای از آن نبردن (امثال طوسی و...) لذا شما با عقلت و وجدانت رو راست باش و بقیه اش را به خدا بسپار بهت
می فهمانه.

۱۳-فرمودید " و آیات قرآن کریم را به گواه حرفهایتان تحویل میدهید که به هیچ وجه برایش قابل درک نیست،"
بشمار ۷ و ۸ اولاً بنده غلط می کنم آیه قرآن را جهت گواه حرف ((خودم)) ارائه دهم، بنده پیرامون ((موضوع)) که
بحث علمی و معرفتی است آیات مرتبطه در قرآن را استخراج می کنم و ارائه می دهم این کار گناه است؟؟؟ در ثانی
در همه تحلیلها اصل، آیه ثابت و لایتغیر قرآن است و نظر بنده به تبع آن و به عنوان فرع ارائه می شود ، اگر شما
هم بلدید بسم الله ،گنااهش گردن من به شرطی که پیرامون موضوع باشه نه اثبات خودتان .

در مورد قابل درک شدن آیات قرآن برای آن دسته که مورد نظرتان است ، بنده فقط می تونم برایشون دعا کنم
همین ، خودشان باید بخوان تا خدا بهشون نظر کنه

۱۴-فرمودید " فقط خدا رحم کند که تنها گیر نیفتد و مخالفت نکند،" بشمار ۹-۱۰ بنده غلط می کنم اگر به
عزیزی که دنبال شنیدن کلام الله است ،جسارت کنم و اما در مورد مخالفت ، بنده با ادله منطقی کار دارم ، مخالفان
توحید و آنتی داروینیسیم ، ادله منطقی بیان ، همه گوش می کنیم ، ما هم نظر خودمان را اعلام می کنیم و قضاوت
می ماند به عهده تک تک مخاطبان ، که باید بابتش در قیامت ، جواب پس بدهند ، روال کار همین است نه به آن
شوری که شما قصد دارید القا کنید.

۱۵-فرمودید " چون ممکن است توی دهنش بزنی و آن بیچاره را خرد و خمیر و نغله کنید،" بشمار ۱۱-۱۲-۱۳-

۱۴ مخاطبان عزیز می خواهد توضیح بدهم یا نه؟؟؟ امید وارم در مقابل القائات باطل ، پوستتان کلفت شده باشد .

۱۶-فرمودید " دقیقاً مثل طالبان، رفتار آنها هم همینطور است،" بشمار ۱۵-۱۶ ای کاش به جای این حواشی بی
ارزش ما یک موضوع علمی و منطقی از ایشان دریافت می کردیم

۱۷-گفتید " باور دارم که شما هم با تعصبات خشک و کینه توزانه کمتر از طالبان نیستید،" بشمار ۱۷-۱۸-۱۹ این همه چیزهای خوب برای باور کردن را ول کردید، تمرکز روی این موضوعات پلید می کنید، یک شعر داشتیم ، هر کس به دنبال اصل خویش می گردد ...

۱۸-گفتید " وقتی توی دهن بهلول می زنی حساب مردمان عادی پاک است،" بشمار ۲۰-۲۱ دیدی باز دقت نکردی غرض داری ، عرض شد در مثالی که آورده بودید ، در دهان اصل ۳ بهلول می زنی و...

۱۹-گفتید " تردید دارم شیعه باشید،" بشمار ۲۲ ای کاش یک خورده از این تردیدها تون را هم برای داروینیسیم و موضوعات تصادفی و ... نگه می داشتید و...

۲۰-گفتید " با تفکر انسان ستیزی که بر شما غالب شده" بنده ، بنده خدا هستم به بندگان خدا احترام می گذارم و خدمت به آنها را عبادت می دانم و با دشمنان خدا دشمنم با همه کافران و منافقانی که می خوان نور معرفت و علم حقیقی را در جامعه خاموش کنند، معلوم نیست کی هستند ، کجا هستند ، چه کاره اند ، چه سوابقی داشتند ، چه کار مفیدی را قابل ارائه دارند ، گویی مامورند و معذور که به جای بحث منطقی ، جدل به راه بیندازند و هلهله کنند و سایر مخاطبان را فراری دهند و ... مخاطبان عزیز شما مسئول انتخابهایتان هستید همه این جدل ها برای این است که شما یک درجه به تعالی و تکامل ارتقا پیدا کنید ، به بنده حقیر و این فرد مجهول الهویه نگاه نکنید به حرف حق ، کلام الله و محکمه ای وجدانی که او در وجودتان نهاده رجوع کنید

قُلْ إِنَّمَا أُعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفِرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ (سبأ/۴۶) بگو: «شما را تنها به یک چیز اندرز می‌دهم، و آن اینکه: دو نفر دو نفر یا یک نفر یک نفر برای خدا قیام کنید، سپس بیندیشید این دوست و همنشین شما [= محمد] هیچ گونه جنونی ندارد؛ او فقط بیم‌دهنده شما در برابر عذاب شدید (الهی) است!»

۲۱-فرمودید " ...هولوکاست... تقاضا دارم شما هم مطالبی با استفاده از کشف الآیاتی که در دست دارید، مرقوم بفرمائید،" شرمنده ام بنده به قدری گرفتارم که نمی توانم در آن موضوع ورود کنم ولی ارجاع می دهم شما را به آیات قرآن در مورد یهودیان و اجمالا اینکه هیات حاکمه تمدن غرب شامل آپیک و بانکداران جهانی ، حزب داووس ، فرماسونری جهانی ، شبکه شرکتهای چند ملیتی برای تحمیق عوام و بقای امپراطوریشان ، به افسانه هولوکاست و دین بشری داروینیسیم نیاز دارند و چون در نظر آنها هر هدفی (بقای سلطه ناهق و قدرت مادی) ، استفاده از وسیله آن را توجیه می کند لذا از خرج کردن بابت تبلیغ آن ، دریغ نمی کنند و مزدور قلم به مزد هم که تا دلت بخواد هست و...

۲۲ -و سخن پایانی با شما آقای نیکدوست منت بگذارید و این تاپیک را با موضوعات شخصی ، مسموم نکنید، اگر مطلب علمی دارید ، در خدمتیم با منت اگر نه لطفا به همان هولوکاست بپردازید و ما را به حال خودمان بگذارید متشکرم

۰۱۳۱۲۲۴۷۵۶۶

Member

۲۲:۱۹ - ۲۶/۰۸/۱۳۹۵

عزیزم مسخره نکن ،

من به این داستان ایمان دارم:

شتر را تمسخر کردند و خندیدند که چرا اینقدر کجی و ناموظون شتر گفت از من عیب میگیرید یا از نقاشم؟
اگر بد نوشتم و بی ادبی کردم در حضور نقاشمان پوزش میطلبم.

۷۹۴۷hasan

Member

۲۸/۰۸/۱۳۹۵ - ۲۱:۳۳

سلام خدمت دوستان

تسلیمت بابت اربعین حسینی

به مخاطب عزیز ... ۱۳۱۲۰

در اسلام متعلقات ایمان ۷ تا است یعنی چیزهایی که ایمان باید به آن تعلق گیرد ۱- ایمان به کتاب ۲- ایمان به غیب ۳- ایمان به ارسال رسل ۴- ایمان به ملائک ۵- ایمان به آیت‌های الهی ۶- ایمان به خداوند ۷- ایمان به آخرت اگر خواستی آیه هاش هم برات می گذارم

هر آنچه در عالم می بینید آیت و نشانی از طرف الله است گویی الله توسط این نشانی ها با بندگانش حرف می زند به نظر من شما مجذوب آن اعجازات در علوم زیستی شده اید

به شما توجه می دهم که همه آنها و بیشترش کار خالق یکتاست نه داروین بر فرض که داروین زحمات زیادی برای رده بندی حیوانات و گیاهان ولو با مفروضات خودش کرده باشد ، باز همه آنها خالق دارند .

لذا به عنوان یک برادر کوچکتر توصیه می کنم ایمانتان را به جای آن داستان (داروینیسم) به خالق همه داستانها و ۶ متعلق زیر مجموعه اش جهت دهی کنید.

سود کردید مال خودتان ضرر کردید گردن من

موفق و پیروز و شاد باشید

nikdoost

Member

۲۹/۰۸/۱۳۹۵ - ۰۲:۲۲

شیطان های نوظهور هر لحظه با ریخت و قیافه ی بد آکیم و متلونشان برای فریب و تأثیر گذاری در اذهان عمومی ظاهر می شوند تا بلکه راه را برای عملی ساختن دسیسه های صهیونیسم جهانی که به شدت در تلاش برای ماندگاری و ادامه ی حیات ننگین و توسعه طلبی ی غاصبانه هستند هموار سازند، به هر طریق ممکن مذبحخانه به مانند آفتاب پرست در واکنش به آشفتگی ی محیط، هیجان زده می شوند و برای استتار نیات پلید خود در به دام انداختن صید خویش تغییر رنگ می دهند و منافقانه اظهار می دارند که با شما هم باور هستیم و شرم آورتر از آن خود را در جایگاه واعظان قرار می دهند، "اذا لقوا الذین آمنوا قالوا آمنوا و اذا خلوا الی شیاطینهم قالوا انا معکم انما نحن مستهزؤن" منافقان وقتی با مؤمنان مواجه می شوند می گویند ما با شما هستیم و وقتی با هم اندیشان گمراه خود خلوت می کنند، می گویند ما با شما هستیم و مؤمنان را مورد استهزاء قرار داده ایم، دوستان بزرگوار؛ مواظب طرفند های مکارانه ی hasan ۷۹۴۷ باشید، بسیار محتمل است وی از مزدوران متحدان آمریکا و ترکیه و عربستان باشد که برای بی هویت سازی شیعیان و بخصوص ایرانیان هم قسم شده اند، به دروغ اظهار شیعه بودن و ولایتمداری می کند ولی در عمل تلویحاً خوی دد منشانه اش را در لابلا ی گفتار فریبکارانه اش نشان می دهد، کتاب "فرضیه شجره و خلقت نخستین انسان ها" بسیار بی ارزش است ولی همانطور که ملاحظه می فرمائید آغازگر اجرای فرمان دشمنان کشورما با نوشتن مطالب بی سرو ته و بی محتوا و بدردنخور طولانی با رنگ و آب اسلامی است، آنانکه با قرآن کریم و روایات و احادیث ائمه ی اطهار علیهم السلام کاملاً آشنا هستند فریب این دغلبازی ها را نمی خورند، این مزور درصدد است کسانی را که با واقعیت ها و حقایق آشنا نیستند بفریبد و آرام آرام آنان را به سمت و سوئی بکشد که از عرق وطن دوستی ی خود دست بکشند و در خدمت اجانب قرار گیرند، سیاستمداران آمریکا و اخیراً معاون ریاست جمهوری "جو بایدن" که دوره ریاستشان رو به پایان است آشکارا گفته اند ما باید

کاری کنیم که سنی های وهابی اقتدار جهان اسلام را در دست بگیرند، لذا راهی برایشان برای درهم شکستن اتحاد ملی ایرانیان جز گسیل جاسوس و مزدور و رخنه در افکار عمومی ندارند، به همین منظور به افرادی چون ۷۹۴۷hasan دست نشانده ی ضعیف و ناتوان مأموریت داده اند که در سایتهای فرهنگی برای اغوای مردم و بخصوص جوانان حضور یابند، این فرد بدون تردید یعه نیست، به خاطر بیاوریم که "کینیاز دالگورکی جاسوس روسی پس از تلاش بی وقفه "علیمحمد باب" را فریفت و وی را که فردی بی سواد بود برای ادعای صاحب الامری آماده کرد، دالگورکی معلم باب بود و با روشی که هم اینک دستهای مرموز اجانب hasan ۷۹۴۷ را فریفته و روانه نموده اند، نفوذ کردند با این تفاوت که مردم این زمانه بسیار هوشمند و دانا به مسائل سیاسی هستند و هرگز تحت تاثیر این افراد خاطی و خطرناک قرار نمی گیرند، تسلیت گفتنش بابت اربعین نیز خدعه است، باید مواظب باشیم و بیهوده و ناشناخته حرفهای کسی را قبول نکنیم تا از بد و شرارت این افراد در امان باشیم.

۷۹۴۷hasan

Member

۰۰:۴۰ - ۰۱/۰۹/۱۳۹۵

با سلام خدمت همه مخاطبان محترم

خدا را شاکرم که بنده را برای قرار گرفتن مقابل تیر اتهام برخی ها (برداشت آزاد) لایق دید. به راحتی می توانستم در خواست حذف نظر نیکدوست را بدهم ولی برای بیان نکاتی به سایر مخاطبان از آن استفاده می کنم و قضاوت را به محکمه وجدان شما (هر کس خودش) وا می گذارم. هدف این نیست که مرا نکوهش یا تبرئه کنید یا جناب نیکدوست را، هدف بنده صرفا ارتقاء درجه معرفتی شخص شماس است. (البته با دانش و وسع محدودم)، مثال می زنم در یک بازی فوتبال، فقط ۱۱ نفر از هر تیمی مقابل هم بازی می کنند، ولی صد هزار نفر داخل استادیوم و میلیونها نفر خارج آن، تماشاچی بازی اند. در واقع هدف فوتبال بازی کردن آن ۲۲ نفر با هم نیست، هدفش بازی کردن در ذهن میلیونها نفر انسان خارج از گود است، لذا در این مورد هم بنده و جناب نیکدوست ۲ نفریم، شما به بازی که در ذهن خودتان جریان دارد، تمرکز کنید، چون فقط بابت آن مسئولید و باید پاسخگو باشید.

۱- گفتند "شیطان های نوظهور" شروع تهمتها را شمارش می کنیم بشمار ۱ اولا انحراف از اصل موضوع آنتی داروینیسیم و کشاندن به بیراهه ها ثانيا انسان مدعی منطق، برای نفر مقابلش و سایر مخاطبان احترام قائل می شود.

۲- گفتند "هر لحظه با ریخت و قیافه ی بد آکیم و متلونشان برای فریب و تاثیر گذاری در اذهان عمومی ظاهر می شوند" بشمار ۲ به سایر مخاطبان: در مباحث کلامی، یک قانون کلی وجود دارد "مخاطبان، باید هر جمله ای که از هر طرف بر زبان می آید را یکبار نسبت به گوینده اش بسنجند، یکبار نسبت به مخاطب جمله، تا به درک موقعیت برسند" و شما موظفید نسبت به هر دو حالت قضاوت کنید. اما در مورد فریب

إِنْ تَمَسَّسْتُمْ حَسَنَةً تَسُوهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (آل عمران/۱۲۰) اگر نیکی به شما برسد، آنها را ناراحت می کند؛ و اگر حادثه ناگواری برای شما رخ دهد، خوشحال می شوند. (اما) اگر (در برابرشان) استقامت و پرهیزگاری پیشه کنید، نقشه های (خائنانه) آنان، به شما

زیانی نمی رساند؛ خداوند به آنچه انجام می دهند، احاطه دارد. واما در مورد فریب با توجه به آیه

أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ (الفیل/۲)

آیا نقشه آنها را در ضلالت و تباهی قرار نداد؟! به زودی معلوم می شود چه کسی فریبکار است.

مخاطب عزیز : در اسلام همه ارزشها ثابتند و با مرکزیت الله تعریف شده اند ، ملاکها و شاخصها و ارزشهای حق با زمان و مکان تغییر نمی کنند، لذا اگر ملاک ها را جلوی چشمتان بگذارید به راحتی می توانید راستگو و دروغگو را از هم تشخیص دهید . هر شخصی خودش باید به اصول دین ایمان بیاورد و درجه ایمانی افراد به درجه معرفتی آنها ، رشد پیدا می کند ، به خدا توکل کنید .

اینکه ایشان اصرار دارند هر لحظه ظاهر شوند و مطلب مخالفی بنویسند جای تامل دارد .

۳- گفتند " بلکه راه را برای عملی ساختن دسیسه های صهیونیسم جهانی ... " بشمار ۲ در مورد صهیونیستها نظراتم در صفحات ۳۳، ۱۲۴، ۱۱۰، ۱۰۶ ثبت و مشخص است و در صفحه ۱۲۵ " توصیفات قرآن در مورد یهود و متون آنها موسوم به اسرائیلیات " موضع بنده نسبت به پدیده نحس صهیونیزم ، مشخص است .اولا به خاطر اینکه جناب نیکدوست ضد صهیونی هستند به ایشان تبریک می گویم و ثانيا قضاوت در مورد اینکه کدام یک از ما در عمل راست گفته ایم را به مخاطب می سپارم .

۴- در مورد " تاثیر گذاری در اذهان عمومی " مدل فوتبال را مجددا اشاره می کنم ، هدف بنده باطل کردن داروینیسیم است حالا اگر همه مخاطبان هم در اذهان خودشان توانستند داروینیسیم را باطل کنند، اثر مثبت آن به خود آنها می رسد و اگر تحت تاثیر حملات شما آقای نیکدوست نتوانستند این کار را بکنند باز هم اثر منفی آن به خود آنها بر می گردد .

۵- گفتید " دسیسه های صهیونیسم جهانی که به شدت در تلاش برای ماندگاری و ادامه ی حیات ننگین و توسعه طلبی ی غاصبانه هستند هموار سازند، " موافقم و آیاتی در مورد کید و دسیسه الَّذِينَ آمَنُوا يِقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يِقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا (النساء/۷۶)

کسانی که ایمان دارند، در راه خدا پیکار می کنند؛ و آنها که کافرنند، در راه طاغوت [= بت و افراد طغیانگر]. پس شما با یاران شیطان، پیکار کنید! (و از آنها نهراسید!) زیرا که نقشه شیطان، (همانند قدرتش) ضعیف است. وَأَمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ (الأعراف/۱۸۳) و به آنها مهلت می دهیم (تا مجازاتشان دردناکتر باشد)؛ زیرا طرح و نقشه من، قوی (و حساب شده) است. (و هیچ کس را قدرت فرار از آن نیست). ذَلِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنُ كَيْدِ الْكَافِرِينَ (الأنفال/۱۸) سرنوشت مؤمنان و کافران، همان بود که دیدید! و خداوند سست کننده نقشه های کافران است. مِنْ دُونِهِ فَكَيْدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنظِرُونَ (هود/۵۵) از آنچه غیر او (می پرستید)! حال که چنین است، همگی برای من نقشه بکشید؛ و مرا مهلت ندهید! (اما بدانید کاری از دست شما ساخته نیست)!

۶- گفتید " به هر طریق ممکن مذبحخانه به مانند آفتاب پرست در واکنش به آشفتگی ی محیط، هیجان زده می شوند " از آنجائیکه مخاطبتان بنده هستم پس بشمار ۳ مذبح از کلمه ذبح به معنی سر بریدن می آید شما از من جمله ای مذبحخانه شنیده اید (که حقی را سر بریده باشم) اگر بله لطفا مصداق؟؟؟؟ و در مورد آفتاب پرست به مخاطبان نکته شماره ۲ ارجاع می دهیم (این جمله را یکبار هم در مورد گوینده آن قضاوت کنید) و در مورد هیجان زدگی یا شور ، بنده هیچ ابایی ندارم که خود را ذوب در شور حسینی کنم و بگویم آنچه را گفتم، و طرف خود را فقط خدا می دانم . در مورد هیجانان شما هم از عقد کلامتان ، کاملا مشخص است و البته مهم این است که وجدان مخاطب فرق این دو بفهمد .

۷- گفتن " ... و برای استتار نیت پلید خود... " بشمار ۴ قاعده این است که مصلحان اجتماعی ابتدا معروف را معروف و منکر را منکر بشناسانند ، بعد امر به معروف یا نهی از منکر کاری ندارد، مخاطبان دقت کنند جناب نیکدوست ، به جای اینکه مصداق نیت پلید را بگویند، مدام تهمت می زنند ، پس هدفشان شناساندن منکر نیست صرفا تخریب شخصیت نفر مقابل است تا دیگران به او نزدیک نشوند و ...

۸- گفتن " ...در به دام انداختن صید خویش... " به مخاطبان ارجاع به نکته شماره ۲ به راحتی می توانید ساختار ذهنی گوینده را تشخیص دهید، بنده بارها و بارها اعلام کرده ام که هدفم رشد توان انتخاب حق علیه باطل در همه مخاطبانم است نه اینکه به جای آنها تصمیم بگیرم ، توان تصمیم گیری آنها را بالا ببرم، این کار با صید کردن تفاوت دارد اینکه برخی می گویند خودت لازم نیست فکر کنی تصمیم نگیر ، طبق گفته و تصمیم من عمل کن و...
۹- گفتند " و منافقانه اظهار می دارند که با شما هم باور هستیم " به مخاطبان : یک تکنیک دیگر در عملیات روانی حمله به جلوس است یعنی فرد تهمت زننده چون می داند نفر مقابلش بر چه اموری باور دارد ، جلوتر همانها را به عنوان باور خود القا می کند تا اگر نفر مقابلش آن باور را تکرار کرد به او تهمت منافق بدهد و اما جواب در اسلام معیارها و ملاک ها و شاخص ها نسبی نیست و با فرد تغییر نمی کند و برنقطه کانونی یعنی سنن و اوامر و احکام الله تکیه دارد، لذا باورهای حق حقد، چون خدا آنها را حق قرار داده است و هر آنچه غیر آن است باطل است و از طرفی هر کس، خودش باید به باور حق برسد ، لذا باور بنده یا برخی دیگر، برای مخاطبان عاقل و انتخابگر صرفا یک گزینه است ایشان فقط و فقط باید حق را با خدا دریابند و بس.

۷۹۴۷hasan

Member

۰۰:۴۳ - ۰۱/۰۹/۱۳۹۵

۱۰- گفتند " و شرم آورتر از آن خود را در جایگاه واعظان قرار می دهند، " این بار نشمرد این تعریف است نه تهمت ، طبق آیه **أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا (النساء/۶۳)** آنها کسانی هستند که خدا، آنچه را در دل دارند، می داند. از (مجازات) آنان صرف نظر کن! و آنها را اندرز ده! و با بیانی رسا، نتایج اعمالشان را به آنها گوشزد نما!

خداوند به اسوه حسنه ما پیامبر اسلام (ص) فرمودند وعظ و موعظه کن ای کاش همه ما نسبت به یکدیگر این جایگاه را اعمال می کردیم و نه تنها شرم نمی کردیم بلکه وظیفه خود می دانستیم.

۱۱- در مورد آیه منافق چون مخاطبشان بنده بوده بشمار ۵ و اما مجدد به نکته شما ۲ ارجاع می دهم (قضاوت هر پیام نسبت به گوینده آن) ما نسبت به قضاوتهایمان سوال می شویم و اگر ملاک هاتون حق و درست باشد، قضاوت کردن کاری ندارد، مثلا در آن آیه خداوند منافقان را استهزاءکننده اهل ایمان معرفی می کند، بگردید ببینید با این شاخص کی ، کجا قرار داره ؟

۱۲- گفتن " مواظب طرفند های مکارانه ی hasan ۷۹۴۷ باشید " اولاً بنده بارها اعلام کرده ام که مولف و گرد آورنده کتاب هستم لذا وضعیتم برای سایر مخاطبان کاملا سفید است (یعنی معلومه، چه کسی نظر می دهد) اما جناب نیکدوست چطور ؟ کیه ؟ کجاست ؟ چه کاره است ؟ ... این همه پیام سیاه و خاکستری برای چیست ؟ در مورد ترفند مکارانه هم دوباره سایر مخاطبان را به نکته شماره ۲ ارجاع می دم ما با قضاوتهایمان بزرگ می شویم البته (قبلش مجهز شدن به ملاک حق و باطل)

۱۳- گفتن " بسیار محتمل است وی از مزدوران متحدان آمریکا و ترکیه و عربستان باشد " بشمار ۶ از اینکه جناب نیکدوست هم آنها را سیاه و منفی می بیند به ایشان تبریک می گویم، ولی مزدوران آنها کسانی اند که نمی خواهند کلام خدا در رد داروینیسیم گفته شود ، کلام خدا را در غیر موضع خود به کار می برند ، و با مسموم کردن فضا به انواع تهمتها ، دیگران را از نزدیک شدن به موضوع حذر می دهند و...

۱۴-گفتن " برای بی هویت سازی شیعیان و بخصوص ایرانیان هم قسم شده اند" بشمار ۷ و مجدداً بابت اینکه شیعیان و ایرانیان را با هویت می دانید به آن جناب , تبریک می گویم , موضوع این کتاب ابطال داروینیسیم است که ثابت شده , بت بزرگ دوران ماست, آیا شکستن این بت ,هم قسم شدن با لیبرالیسم آمریکا و لائیسیم ترکیه ووهابیت آل سعود است...

۱۵-گفتن " به دروغ اظهار شیعیه بودن و ولایتمداری می کند" بشمار ۸ و ۹ ارجاع مخاطب به نکته ۲ ای کاش ایشان مصادیقی از شیعیه بودن و ولایت مداری خودشان را نشان بقیه هم می دادند نه اینکه خود را شیعیه شناس و ولایت شناس جا بزند و صرفاً طلبکارانه آن را از بقیه بخواهند و یک راه شناخت دروغ گو و کاذب این است *فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ* (البقره/۱۰) در دل‌های آنان یک نوع بیماری است؛ خداوند بر بیماری آنان افزوده؛ و به خاطر دروغهایی که میگفتند، عذاب دردناکی در انتظار آنهاست. برای شناخت دروغگو کافی است ,مرضهای قلب مثل حسد و بخل ,تهمت , ریا , حرص و ... را بشناسید .

۱۶-گفتن " ولی در عمل تلویحاً خوی دد منشانه اش را در لابلای گفتار فریبکارانه اش نشان می دهد " بشمار ۱۰ و مجدداً ارجاع مخاطب به نکته ۲(مصادق قرار دادن جمله نسبت به گوینده اش) امام علی به فرزندش زید گفت هنگام حمله به دشمن , زبانت را به سق بفشار و دندانهایت را به هم محکم کن و ... آیا اسم این ددمنشی است؟ در اسلام متد ,وسيله به تنهایی ارزش نیست, بلکه به همراه آن,جهت و مقصد استفاده از آن رزشمند است یعنی اینکه در زیارت عاشورا انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم و ولی لمن والاکم و عدو لمن عاداکم آمده (آشتی ام با کسی که با شما آشتی است و در جنگم با کسی که با شما در جنگ است و , دشمنم با کسی که با شما دشمن است و دوستم با کسی که با شما دوست است ,اهل البیت (ع))به عنوان مانیفست شیعیه بیان شده با کاری که امثال هیتلر و ترومن (صادر کننده دستور بمب اتم هیروشیما) کردن خیلی تفاوت داره , لذا جناب نیکدوست ,کینه من به سمت دشمنان قرآن و اهل بیت نشانه رفته , شما از آن گروه نباش در امانی .
و اما در مورد گفتار فریبکارانه به سایر مخاطبان محترم بنده بلد نیستم, از این صریحتر کلام منعقد کنم و هر جایش ابهام دارید , بپرسید.

۱۷-گفتند " کتاب" فرضیه شجره و خلقت نخستین انسان ها" بسیار بی ارزش است" بشمار ۱۱ به مخاطبان یکی دیگر از تکنیک های ناجوانمردانه عملیات روانی , حمله به متعلقات طرف مقابل است مثلاً حمله به یک دوستش , حمله به یکی از نزدیکانش , حمله به کتابش و ... شما در این منازعه به خوبی می توانید ببینید که طرف مقابل جناب نیکدوست (صاحب دو کلمه نیک و دوستی و این همه ناسزا , آن وقت معنی , منافع چی میشه؟!)بدون رحم و انصاف و مروت کلیت یک کتاب را بی ارزش می خواند , مخاطب محترم که باید قضاوت کند و بابت آن رشد یابد یا به غی برسد , نظر های بنده را کلاً از این کتاب بردارید بیش از صد آیه قرآن داخل آن هست , آیا این کتاب کاملاً بی ارزش است ؟؟؟ !!!

مخاطب مورد هجوم عملیات روانی جناب نیکدوست , چرا گوینده این جمله اصرار دارد قضاوت خودش را به شما تحمیل کند ؟

چرا گوینده ملاکهایش , برای بی ارزش دانستن آن را برای شما باز نمی کند , تا خودتان تصمیم بگیرید ؟
موضوع کتاب دفاع از خلقت انسان توسط خداوند و زدن داروینیسیم , که به تصادفی بودن همه چیز دلالت دارد است آیا این موضوع بسیار بی ارزشی است ؟

به سایر مخاطبان , در قضاوت در مورد قضاوتهای دیگران حتماً به سابقه آنها رجوع کنید, کافی است به لیست تصادفی های این آقا در چند پست قبل نظری بیافکنید تا همه چیز دستگیرتان شود.

۱۸- گفتن " ...آغازگر اجرای فرمان دشمنان کشور... " بشمار ۱۲ مخاطب محترم اساس همه سیستمها و نظریات دشمنان کشورمان، بر باطل داروینیسیم است و موضوع این کتاب آنتی داروینیسیم است ، حالا شما بگردید پرتغال فروش را

۱۹- گفتن " با نوشتن مطالب بی سرو ته و بی محتوا و بدردنخور طولانی با رنگ و آب اسلامی است، " بشمار ۱۳،۱۴،۱۵،۱۶ طولانی را نشمارید ، چون درسته و بابت آن از سایر مخاطبان شرمنده ام ولی نمی تونم حق (آنچه به حق بودنش رسیده ام) را شهید کنم ، می نویسم انتخاب خواندنش با خودتان در مورد سایر اتهام ها هم که بنده همیشه به عقل مخاطبم احترام می گذارم ، قضاوتتان به حق باد.

۷۹۴۷hasan

Member

۰۰:۴۶ - ۰۱/۰۹/۱۳۹۵

ادامه قبلی

۲۰- گفتن " آنانکه با قرآن کریم و روایات و احادیث ائمه ی اطهار علیهم السلام کاملاً آشنا هستند فریب این دغلبازی ها را نمی خورند" بشمار ۱۷ و ارجاع مجدد به نکته ۲ (اعمال این سخنان به گوینده آن برای درک موقعیت حق و باطل) و یکی دیگر از تکنیکهای عملیات روانی و جو سازی این است که یک جایگاه ذهنی خوب مثلاً آشنایی با قرآن و حدیث ، مثلاً دفاع از دین و... تعریف کنند و بعد در کلام طوری القا کنند که ای مخاطب تو اگر می خواهی جزو این دسته و جایگاه باشی ، باید فلان کار را بکنی ، مثلاً اینجا این کتاب را فریب و دغل بدانی مخاطب محترم کافی است خود گول زن (خود فریب ده) نباشد و با خودش تعارف نداشته و صادق باشد و هر کس حد آشنایی خود را از قرآن و حدیث یا هر مورد دیگر می داند و هیچکس ارزش تظاهر را ندارد ، لذا فرد صادق و مسلم به حق ، به همین راحتی تسلیم سخنان و قضاوتهای هر کسی قرار نمی گیرد .

۲۱- گفتن " این مزدور درصدد است کسانی را که با واقعیت ها و حقایق آشنا نیستند ، بفریبد" بشمار ۱۸ و ارجاع مجدد به نکته ۲ (بالعکس نسبت به گوینده) فکر کنم با همین سرعت پیش بره جناب نیکدوست کم کم این تاپیک را فحشخانه می کنه شاید واقعا هدفش همین باشه تا سایر مخاطبان نخواهند نظرات را دنبال کنند و احیاناً به واقعیت یا حقیقتی برسند...

به سایر مخاطبان : کلمات را دقیقاً سر جای خود بشناسید و کسانی که می خواهند یَحْرَفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ (سخنان را از جای خود، تحریف می کنند؛) ، بکنند را بشناسید به هر حال بنده با مطرح کردن آنتی داروینیسیم ، پایه های تمدن پاگانستی (کفر کیشی) غرب را ، نشانه گرفتم و ایشان به این عمل مزدوری می گویند و فریب کسانی که واقعیت ها و حقایق را نمی دانند سوال : آیا ایشان واقعیت یا حقیقتی را اثبات کرده اند ؟ کدام یک مزدوری است ؟ ۱- آنتی هولوکاست و آنتی داروینیسیم بودن ۲- مخالفت با کسی که گزینه ۱ را مطرح کرده است؟؟

۲۲- گفتن " و آرام آرام آنان را به سمت و سوئی بکشد که از عرق وطن دوستی ی خود دست بکشند " بشمار ۱۹ اولاً کاربرد مجدد تکنیک نکته ۲۰ در مورد جایگاه وطن دوستی (مخاطب با شناختن آن تکنیک از خام شدن رها میشوند ، ثانیاً می دانیم یهودیان استعداد خاصی در بافتن دارند به همین خاطر در فیلمنامه های هالیوود ، داستانهای تخیلی و دروغین موج می زند(متأسفانه امروز خیلی ها یهودی می اندیشند) ثالثاً تفکر غالب کشاندن مردم به هر سمت و سوی ، همچون گله داری و شبانی ، مال یهود است که در همه تعریف هاش از انسان ، اول از همه آن را حیوان معرفی می کند در اسلام مفاهیم رشد و غی دقیقاً به انتخابگری انسان مربوط است ، بنده مخاطبان را مسلمان فرض می کنم .

۲۳-گفتن "کسانی را بفریبید ... تا در خدمت اجانب قرار گیرند،" بشمار ۲۰ و ارجاع به نکته ۲ مجدداً عرض می‌کنم که شخصی کردن منازعه و غافل کردن سایر مخاطبان از اصل موضوع (در اینجا آنتی داروینیسم) همیشه از تکنیکهای مخالفان حقیقت بوده و هست. مجدداً به سایر مخاطبان محترم عرض می‌کنم موضوع این کتاب آنتی داروینیسم و فرضیه جایگزین است همه این رد و بدل کلام بر سر این موضوع است. شما یک خط کش بگذارید، جملات مرتبط را بررسی کنید و سایر جملات را حذف کنید.

۲۴-گفتن "جو بایدن: آشکارا گفته اند ما باید کاری کنیم که سنی‌های وهابی اقتدار جهان اسلام را در دست بگیرند،" یک تکنیک دیگر برای اغفال مخاطب و دور کردن ذهن او از موضوع اصلی، وسط کشیدن موضوعات جنبی، غیر مرتبط، و حساسیت بر انگیز است. مثلاً در اینجا، هیچ ربطی به موضوع آنتی داروینیسم نداره، یا شاید ایشان می‌خواستند آنتی داروینیسم را به وهابیت وصل کنند، عجب ... ولی به سایر مخاطبان عرض می‌کنم سنی‌های شافعی و مالکی کاملاً مخالف وهابیتند و درصد کوچکی از سنیان حنفی و حنبلی، گرایش به سلفی‌گری و وهابیت دارند لذا اصطلاح سنی‌های وهابی را به کار نبرید، چون آنها نوعی توهین به خود تلقی می‌کنند و برای اینکه جواب جو بایدن را هم داده باشم: شمارش معکوس تجزیه آمریکا شروع شده اگر خیلی زرنگید تومون خودتون را بالا بکشید، بقیه پیشکشتون.

۲۵-گفتن "لذا راهی برایشان برای درهم شکستن اتحاد ملی ایرانیان جز گسیل جاسوس و مزدور و رخنه در افکار عمومی ندارند،" بشمار ۲۱ (مزدورش تکراریه، نشمارید) تکنیک جو سازی در عملیات روانی را هم که گفته ام (جایگاه مقبول "اتحاد ملی ایرانیان" و خود را حاکم و نگهبان آن معرفی کردن و قضاوت در مورد دیگران و سیاه کردن فکر مخاطب و دور کردنش از اصل موضوع آنتی داروینیسم و مطیع محض خواستن مخاطب (هیچ گزینه انتخابی برایش تعریف یا تحلیل نمی‌کند) و...

۲۶-گفتن "به همین منظور به افرادی چون hasan ۷۹۴۷ دست نشانده ی ضعیف و ناتوان ماموریت داده اند" بشمار ۲۲، ۲۳، ۲۴ و ارجاع به نکته ۲ (مصدق سنجی سخن در مورد گوینده آن) همچنان فضا سازی و سیاه‌نمایی، مسموم کردن فضای ذهنی، دور کردن مخاطب از اصل موضوع که شکستن بت داروینیسم است و شخصی جلوه دادن موضوع و دروغ و تهمت و افترا و... بنده که نمی‌بخشم (حالا مرد می‌خوام دنبال حلالیت گرفتن بدود)

۲۷-گفتن "که در سایتهای فرهنگی برای اغوای مردم و بخصوص جوانان حضور یابند،" بشمار ۲۵ (اغواگر) و صرفاً ارجاع به نکته ۲ قضاوت کلام در مورد گوینده آن، کفایت به نظرات ایشان در سایر تاپیک‌ها، نگاهی بیاندازیم تا، بفهمیم که تعریف شغلی‌ای که کرده است، شایسته چه کسی است!!

۲۸-گفتن "، این فرد بدون تردید شیعه نیست،" بشمار ۲۶ همه گزینه‌های بالا به علاوه اینکه در مبارزات ناجوانمردانه هیچ قانونی وجود ندارد و ناجوانمرد از هر راه ممکن برای ضربه به حریش استفاده می‌کند ولو اینکه خود را شیعه شناس جا بزند و حکم به شیعه نبودن طرف مقابل دهد.

به هر حال ملاک و شاخص ما ثابت و لا یتغیر و با مبنای خدای محمد و آل بیت علی و فاطمه است برای همه مومنان عند الله مهم است نه عند (نزد) جناب شیطان یا عند(نزد) جناب نیکدوست

[۷۹۴۷hasan](#)

Member

۰۰:۴۸ - ۰۱/۰۹/۱۳۹۵

ادامه پست قبلی و پایانی

۲۹-گفتن "... پس از تلاش بی‌وقفه "علیمحمد باب" را فریفت و وی را که فردی بی‌سواد بود..." بشمار ۲۷ و ۲۸ سوال از سایر مخاطبان آیا صحبت از آنتی داروینیسم ملاک فریفته شدن است؟

آیا بنده ادعای سواد کرده ام که صفت بی سواد به بنده بچسبد؟

مقابله با باطل داروینیزم، چه ربطی به فرقه بابیه داشت؟

۳۰- گفتن " ... برای ادعای صاحب الامر آماده کرد..." بشمار ۲۹ همه موارد بالا و یک سوال: ربط باطل کردن داروینیزم، با صاحب الامر چه؟ مخاطب محترم، دیدید داروینیزم نقطه حساس تمدن شیطانی است، که هر کس به مقابله با آن قیام کند، اینگونه مورد حمله ناجوانمردانه و از پشت سر قرار می گیرد؟ دیدید این موضوع چقدر اهمیت دارد و در نگاه برخی تا کجاها برایش ارتباط برقرار می کنند؟ دیدید وارد شدن به این گود کار هر کسی نبوده و نیست؟ اما ما شاگرد ذبیح الله هستیم، با این وصله ها میدان را خالی نمی کنیم تا مقدر خدا چه باشد.

۳۱- گفتن "... و با روشی که هم اینک دستهای مرموز اجانب hasan ۷۹۴۷ را فریفته و روانه نموده اند، نفوذ کردند..." بشمار ۳۰ و ارجاع به ۲ (شناخت طرز تفکر گوینده پیام) تنبه دادن اینکه، در عملیات فضا سازی و جو سازی اختیار خود را دست هیچ کس ندهید و خودتان باید تصمیم بگیرید، چون باید بابت آن جوابگو باشید و اگر تنبلی می کنید و فرصت یا توان تحلیل ملاک ها را ندارید، حداقل حرفهای ۲ طرف را بشنوید و بعد قضاوت کنید. به همه مخاطبان عرض می کنم: بنده دارم ماهیگیری یادتون می دم، ماهی گندیده دستتان نمی دم، لذا یا به مسائل پیچیده ورود نکنید یا اگر وارد شدید، باید خودتان را قوی کنید و اگر نه خورده می شوید، به بازی گرفتن کلمات بسیار حساس "نفوذی" و "جاسوس" در این سطح از نظریه پردازی خیلی حرف پشت سرش داره، قوه ادراک بسیار بالایی می خواهد و تشخیص آن به توان تحلیل بالاتری نیاز داره، پس در اصل موضوع قوی بشوید تا توان فرقان (فرق گذاشتن حق و باطل) این حواشی را پیدا کنید.

۳۲- گفتن "با این تفاوت که مردم این زمانه بسیار هوشمند و دانا به مسائل سیاسی هستند و هرگز تحت تاثیر این افراد خاطی و خطرناک قرار نمی گیرند" بشمار ۳۱ و ۳۲ ارجاع به نکته ۲ (مقابله قرار دادن کلام صادر شده از هر کس نسبت به خودش) و باز تکنیک عرصه سازی، فضا سازی، و باز تهمت و دروغ و افترا و باز اغفال مخاطب از اصل موضوع و به علاوه تکنیک ترساندن مخاطب از نزدیک شدن به موضوع ضد داروینیزم و خلقت خداوند و ... و در یک کلام استعمار مخاطب، کسی که با خودش صادق باشد (یعنی واقعیت خودش را بشناسد)، هیچ نفاثات فی العقدی نمی تواند او را اغفال کند.

۳۳- گفتن "تسلیت گفتنش بابت اربعین نیز خدعه است" بشمار ۳۳ و البته تکنیک تکراری، آویزان شدن به مقدسات برای زدن اتهام به طرف مقابلش خداوند به ما دستور داده است *وَلَا تَلْبَسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ* (البقره/۴۲) و حق را با باطل نیامیزید! و حقیقت را با اینکه می دانید کتمان نکنید!

به مخاطبان: هر سخنی که شنیدید از سوی هر مدعی حقی، بلافاصله قوه فرقاتان را به کار بیاندازید، اول از همه حق و باطل را از هم تفکیک کنید و هر کدام را درست در جای خودش بگذارید؟ به رای شما: تسلیت گویی اربعین حق است یا باطل؟ آنتی داروینیزم حق است یا باطل؟، حالا دروغ و خدعه خواندن کسی که علم مخالفت با داروینیزم را بلند کرده است، حق است یا باطل؟

۳۴- گفتن "باید مواظب باشیم و بیهوده و ناشناخته حرفهای کسی را قبول نکنیم تا از بد و شرارت این افراد در امان باشیم." بشمار ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷

همه تکنیکهای بالا به اضافه تکنیک جمع بستن خود با جمعی مصلح و توصیه پدران به گروه، فضا سازی و ...

و در پایان ماحصل زحمات جناب نیکدوست را اینطور جمع بندی می کنم

۲۲ تهمت در پست قبلی و ۳۴ تهمت در این پست جمعا ۵۶ تهمت و ناسزا و افترا

تهدمت ، و فضا سازی و جوسازی منفی ، در ذهن مخاطب جدید ، یک نقطه سیاه می کارد و باعث می شود مخاطب با عینک بدبینی به موضوع وارد شود و مدام دنبال اشکال و نقض بگردد تا به آن تصویر سیاه اولیه برسد، لذا در یک نمونه عملی ، کار امثال جناب نیکدوست در پرسه زدن در شبکه های اجتماعی و سم افشانی برای نظر سازی افکار عمومی را کاملاً برایتان عیان کردم .

با اینکه ۴ ساعت وقتم را گرفت ولی ناراحت نیستم و به مخاطبی که تا اینجا مطالب را دنبال کرده است تبریک می گویم ، این مباحث و رد و بدل شدن کلام حداقل معادل ۲ واحد عرصه سازی و کار با افکار عمومی ، درس درونش نهفته داشت .

خدایا شکر ت بابت صبری که به من دادی

وَمَا تَنْقِمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَقَّنا مُسْلِمِينَ (الأعراف/۱۲۶)

انتقام تو از ما، تنها بخاطر این است که ما به آیات پروردگار خویش -هنگامی که به سراغ ما آمد- ایمان آوردیم. بار الهی! صبر و استقامت بر ما فرو ریز! (و آخرین درجه شکیبائی را به ما مرحمت فرما!) و ما را مسلمان بمیران!»
خدایا ما را تنها و تنها مسلمان خودت بمیران.

nikdoost
Member

۱۰:۰۲ - ۰۱/۰۹/۱۳۹۵

به hasan ۷۹۴۷ ؛

واقعاً خسته نمیشوی اینقدر چرند سرهم می کنی؟؛ دست از شانناژ و نیرنگ بردار، حنایت رنگ ندارد، در پشت هم اندازی ی جاهلانه ی تو همین بس که با آنهمه کودنی و کج خیالی و سفسطه بازی به خیال خام خودت فرضیه های داروین را رد کرده و بجای آنها توانسته ای مزخرفاتی را که نوشته ای فرضیه دیگری جایگزین کنی، اسلام دین رأفت و مهربانی و کنار آمدن با ابناء بشر است، گستاخی را کنار بگذار و اینقدر مَن مَن نکن، غرق در منیت خود شده ای، ممکن است بعضی از دوستان از نوشته های درهم و برهم تو سر در نیاورند، ولی به خوبی می دانم تو که هستی و برای چه به مانند دیدگاههای قبلی ات زیر بعضی کتابهای ضد ایران و ایرانی، مشغول فرافکنی های شرم آور هستی، هیچ فهمی از آیات کریمه ی قرآن نداری، آنتی داروینیسیم و این مزخرفات را کنار بگذار، تو را چه به این گنده گوئی ها، کشف الآیات را برداشته ای و بدون سبب و نامربوط، پشت سر هم از آن سوء استفاده می کنی که چی، خودت را جای دانشمندان قالب نکن، در مقابل دانش آنان دانش آموز هم نیستی، مرا تهدید نکن، بنده در کتابناک فقط برای استفاده و سیر در عالم کتاب های ارزشمند کتابناک به آن سر می زنی، مثل تو مأموریتی برای ایجاد جو طالبانی و داعشی ندارم که با آوردن کتاب سراپا دروغ و تعارض و ستیزه جوئی با عنوان فرضیه شجره، افکار پلید خود را به دیگران تحمیل نمایم، به تو گفتم راجع به هولوکاست مطلبی بنویس گفتمی وقت ندارم، اما وقت داری که صفحات دیدگاه را از اراجیف پُر کنی، نه خیر، علت طفره رفتن تو ضیق وقت نیست، چیز دیگری است، خودت بهتر می دانی!! تو آن غزالی نیستی که مردان را در کمند خود گرفتار کنی، با وسوسه گری، با عشوه و حيله گری و رنگ و آب اسلامی دادن به ستیزه جوئی، کسی در تله ی افکار مشوه و پوسیده ات به دام نخواهد افتاد .

جماعتی که نظر را حرام می گویند

نظر حرام بکردند و خون خلق حلال

غزال اگر به کمند او فتد عجب نبود

عجب فتادن مردست در کمند غزال

تو بر کنار فراتی ندانی این معنی

به راه بادیه دانند قدر آب زلال

۷۹۴۷hasan

Member

۱۸:۳۳ - ۰۱/۰۹/۱۳۹۵

سلام خدمت همه مخاطبان

نمی دانم جناب نیکدوست تا کی قراره است این ماموریت جنگ لفظی و سیل تهمتها و سیاه نمایی ها را ادامه دهند و اما جوابها

۱- گفتن " واقعاً خسته نمیشوی اینقدر چرند سرهم می کنی؟"، بشمار ۱ و ارجاع به قانون ۲ هر جمله را هم نسبت به مخاطبش، هم گوینده اش، تست کنید، تا کذب و صدق دستتان بیاد و دیگر اینکه آیا شما خسته نمی شوید از این همه جوابهایی که گرفته اید؟ اگر حتی در یک موردش حق داشتید آن را پی می گرفتید و جوابی برای آن می دادید، نه اینکه مدام تهمت جدید روانه کنید.

از من خیالتان راحت بنده اگر وقت داشته باشم، خستگی ندارم.

۲- گفتن " دست از شانناژ و نیرنگ بردار،" بشمار ۲ و ۳ و ارجاع به نکته ۲ دروغگو به اصل موضوع نمی پردازد و مصادیق را نمی گوید، صرفاً از دور هو می کند و تهمت می زند به جناب نیکدوست: هر وقت مصداق آوردید بنده این حرفم را پس می گیرم.

۳- گفتن " در پشت هم اندازی ی جاهلانه ی تو همین بس که با آنهمه کودنی و کج خیالی و سفسطه بازی به خیال خام خودت " بشمار ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹ و ارجاع به نکته ۲ (بررسی این جمله نسبت به گوینده آن) و بعد قضاوت کردن به نظر بنده ماموران موساد باید حتماً ۲ واحد کلاس فحش دادن پیش شما بگذرانند، حیف است تا حالا کشف نشده اید.

۴- گفتن "... فرضیه های داروین را رد کرده و بجای آنها توانسته ای مزخرفاتی را که نوشته ای فرضیه دیگری جایگزین کنی" بابت اتهام مزخرفات گویی بشمارید ۱۰، خدا را هزار بار شکر، که بالاخره جا انداختم که داروینیسیم فرضیه اثبات نشده است نه نظریه، بنده به نظر مخاطبم احترام می گذرام که این مطالب را مزخرف بخواند یا ارزشمند در هر صورت مزدی از هیچکس طلب نکردم، و در قبال آن نخواستیم ام کسی کاری کند لذا نه منتی بر کسی دارم نه کسی منتی بر من دارد.

۵- گفتن " اسلام دین رأفت و مهربانی و کنار آمدن با ابناء بشر است،" بله البته صهیونیست ها این تعریف را از اسلام دوست دارند ولی خود قرآن چیز دیگری می گوید:

وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ (البقرة/۱۹۱) و فتنه از کشتار هم بدتر است! وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ ائْتَهُوا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ (البقرة/۱۹۳) و با آنها پیکار کنید! تا فتنه (و بت پرستی، و سلب آزادی از مردم)، باقی نماند؛ و دین، مخصوص خدا گردد. پس اگر (از روش نادرست خود) دست برداشتند، (مزاحم آنها نشوید! زیرا) تعدی جز بر ستمکاران روا نیست.

شیاطین انسی هم جزء بشر به حساب می یان، آیا باید با آنها کنار آمد؟؟؟

۶- گفتن " گستاخی را کنار بگذار " بشمارید ۱۱ (قضاوت در مورد گوینده) برای ما جسارت در برابر شیطان و گستاخی نسبت به او عبادت است.

۷- گفتن " و اینقدر من من نکن،" لطفاً با مصداق حرف بزنید تا اگر اشتباهی کرده ام، متوجه بشوم.

۸- گفتن " غرق در منیت خود شده ای " بشمار ۱۲ لطفاً منت بگذارید و مصداق بیاورید تا اصلاح کنم.

۹- گفتن " ممکن است بعضی از دوستان از نوشته های درهم و برهم تو سر در نیاورند، " بابت درهم و برهم گویی بشمار ۱۳ بقیه دوستان خودشان زبان دارند وکیل و وصی نمی خواهند هر جا ابهامی داشته باشند مودبانه می پرسند و محترمانه پاسخ می گیرند و...

۱۰- گفتن "... ولی به خوبی می دانم تو که هستی" همه می دانند بنده که هستم ولی کسی نمی داند شما که هستید ، کسی نمی داند چرا شما به جای نقد منصفانه و احیانا دفاع منطقی از داروینیسیم مدام به بنده فحش و تهمت می زنید واقعا چه نسبتی بین شما و نانخوران داروینیسیم وجود دارد ؟

۱۱- گفتن "... دیدگاههای قبلی ات زیر بعضی کتابهای ضد ایران و ایرانی، " بابت ضد ایران و ایرانی گویی بشمارید ۱۳،۱۴ لطفا مصداق ، اینکه قطاری تهمت بزنی بدون مصداق فقط روی ابله ها تاثیر می گذارد، بنده به شعور مخاطبانم ایمان دارم .

۱۲- گفتن "... مشغول فرافکنی های شرم آور هستی، " شما اول فرافکن بودن این دیدگاه ها را ثابت کن ، بعدا شرم آور بودن یا نبودن آن را به خود مخاطبان واگذار .

۱۳- گفتن " هیچ فهمی از آیات کریمه ی قرآن نداری " بشمار ۱۵ هر چقدر هم که ور بری تا از بنده ادعا یا منیتی ، بیرون بکشی فایده ندارد، بنده ملاکم عند الله است نه عند الناس یا عند نیکدوست، لذا فهم خودم از قرآن را به خدایم نشان می دهم نه شما .

۱۴- گفتن " آنتی داروینیسیم و این مزخرفات را کنار بگذار، " مخاطبان محترم توجه فرمائید بالاخره دم خروس بیرون زد، آن همه تهمت و افترا برای رسیدن به این حرف از حالا به بعد شما مسئول قضاوت خودتان هستید قضاوتتان به حق باد

۱۵- گفتن " تو را چه به این گنده گوئی ها، " بشمار ۱۶ و توضیح قبلی عجیب است ، در برابر همه تقاضاهای ما برای مصداق گفتن فقط از ایشان فحش و ناسزا تحویل می گیریم .

۱۶- گفتن " کشف الآیات را برداشته ای و بدون سبب و نامربوط، پشت سر هم از آن سوء استفاده می کنی " بشمار ۱۷،۱۸،۱۹

سایر مخاطبان طعنه زدن کشف الایات چه معنی می دهد ؟ ، به همه مخاطبان اعلام می کنم بنده ، بنده کسی هستم، که یک مورد به من بیاموزد و در یک مورد مرا از اشتباه درآورد آیا بهتر نبود به جای اینکه مدام به شخص بنده بتازید، به مصداق می پرداختید تا موضوع روشن شود بالاخره آن کاری که از دست بنده بر می آمد همین است قضاوت و تصمیم با شما مخاطبان (هر کس خودش)

۱۷- گفتن " خودت را جای دانشمندان قالب نکن، " معمولا اشرار اول مصداق می آرن بعد تهمت می زنند، شما که از این مرحله هم عبور کرده اید بنده در جایی ادعای دانشمندی کردم ؟؟؟؟ که بعدش به قول شما دانشمندی ام را به کسی قالب کنم ؟ تازه در ازای چی ؟ بنده اجرتی از شما طلب کردم ؟

۱۸- گفتن " در مقابل دانش آنان دانش آموز هم نیستی، " اولآ آنان را تعریف کن؟ ثانيا دانش آنان را تعریف کن؟ آنگاه به تو می گویم بنده دانش آموز آنان می شوم یا خیر ، سپس اگر گفتم آره، بعدا شما حق داری این جمله را به کار ببری .

۱۹- گفتن " مرا تهدید نکن، " این همه فحش و بد و بیراه به بنده حواله کردید تازه بنده را هم تهدید گوی خودتان می بینید جدا منطقتان ، معرکه است .

۲۰- گفتن " بنده در کتابناک فقط برای استفاده و سیر در عالم کتاب های ارزشمند کتابناک به آن سر می زنم، " امان از فرهنگ لنگ و پاچه و ... البته اگر به شعار کتابناک " هر کتاب فرصت یک زندگی " احترام می گذاشتید ، آنها بیشتر خوشحال می شدن .

۲۱- گفتن " مثل تو ماموریتی برای ایجاد جوّ طالبانی و داعشی ندارم " بشمار ۲۰ و ۲۱ و ارجاع به نکته ۲ (نسبت سنجی سخن با گوینده آن) خدمت سایر مخاطبان عرض کنم در ۳ پست اخیر ایشان به ترتیب ۲۲ , ۳۴ مورد تهمت و تا حالا هم لیستشون ۲۱ تا را نشان می ده قضاوت با خودتان (خدا صبر بده)

۲۲- گفتن " که با آوردن کتاب سراپا دروغ و تعارض و ستیزه جوئی با عنوان فرضیه شجره، " بشمار ۲۲,۲۳,۲۴ به مخاطبان: یکی از خواص شیطان این است که مومنان با زدن تو سر آن (از طریق ارتقاء معرفت) می توانند , ارتقاء درجه بگیرند , متاسفانه در این مورد نمی تونم کمکتان کنم , چون هر کس خودش باید بخواد و برای خواستن آن باید به فرقان (شناخت حق از باطل) برسید, لذا بینم چه کار می کنید .

۲۳- گفتن " افکار پلید خود را به دیگران تحمیل نمایم " بشمار ۲۵ از شما مخاطبان می پرسم, یخ کردن شیطان فکر پلید است؟ شکستن بت داروینیسیم که مانع توجه انسانها به غیب و خدا و حکمت کتب آسمانی و ... شده فکر پلید است ؟ توجه دادن مردم جهان به اسلامی با قرائت شیعه اهل بیت , فکر پلید است ؟ ...

۲۴- گفتن " به تو گفتم راجع به هولوکاست مطلبی بنویس گفتمی وقت ندارم, اما وقت داری که صفحات دیدگاه را از اراجیف پُر کنی، "

بابت اراجیف گویی بشمار ۲۶ , بابت هولوکاست هم عینا نظر ۲۶/۰۸/۱۳۹۵ - ۲۱:۰۷ مجددا بازگو می کنم " فرمودید "...هولوکاست... تقاضا دارم شما هم مطالبی با استفاده از کشف الایاتی که در دست دارید, مرقوم بفرمائید, " شرمنده ام بنده به قدری گرفتارم که نمی توانم در آن موضوع ورود کنم ولی ارجاع می دهم شما را به آیات قرآن در مورد یهودیان و اجمالا اینکه هیات حاکمه تمدن غرب شامل آپیک و بانکداران جهانی , حزب داووس فرماسونری جهانی , شبکه شرکتهای چند ملیتی برای تحمیق عوام و بقای امپراطوریشان , به افسانه هولوکاست و دین بشری داروینیسیم نیاز دارند و چون در نظر آنها هر هدفی (بقای سلطه ناحق و قدرت مادی) , استفاده از وسیله آن را توجیه می کند لذا از خرج کردن بابت تبلیغ آن , دریغ نمی کنند و مزدور قلم به مزد هم که تا دلت بخواد و ... " حرف جدیدی لازم ندارد.

۲۵- گفتن " علت طفره رفتن تو ضیق وقت نیست, چیز دیگری است, خودت بهتر می دانی !! " فکر کنم کفگیر فحش هات به ته دیگ خورده, که جمله ات را با ابهام استفهامی تمام می کنی ؟ در مورد طفره رفتن هم که در ۲۴ اعلام شد لذا باطله

۷۹۴۷hasan

Member

۱۸:۳۸ - ۰۱/۰۹/۱۳۹۵

۲۶- گفتن " تو آن غزالی نیستی که مردان را در کمند خود گرفتار کنی، " بشمار ۲۷ امام محمد غزالی نزد اهل سنت اعتبار خاصی دارد, اگر اشکال یا نظری در مورد مباحث او دارید لطفا مودبانه تر بیان کنید, اگر برای خودتان آبرو قائل نیستید به فکر آبروی شیعه باشید , مواردی که برای برادران اهل سنت محترمند را مسخره نکنید . اگر هم با برخی از اعتقادات اهل سنت اشکال دارید با این روش نمی تونید حلش کنید , اگر هم اصل قصدتان , دعوا انداختن اهل سنت با ما هست که قضاوت با مخاطبان , مرگ بر سیاست نحس انگلیسی , تفرقه بیانداز و حکومت کن.

۲۷- گفتن " با وسوسه گری, با عشوه و حيله گری و رنگ و آب اسلامی دادن به ستیزه جوئی, کسی در تله ی افکار مشوّه و پوسیده ات به دام نخواهد افتاد. " بشمار ۲۸,۲۹,۳۰,۳۱,۳۲,۳۳,۳۴ باور کنید اگر بنده جای شیطان بودم به شما مدال طلای منفی بافی و تهمت را می دادم؟ در تعجبم چه مغزی دارید که توانسته ۷ انگاره منفی را اینگونه کنار هم چینش کند ؟ و حیف...

به هر حال در مورد وسوسه , مخاطبان را به آیه زیر ارجاع می دهم

فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوَاتِيهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَينِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ (الأعراف/۲۰) سپس شیطان آن دو را وسوسه کرد، تا آنچه را از اندامشان پنهان بود، آشکار سازد؛ و گفت: «پروردگارتان شما را از این درخت نهی نکرده مگر بخاطر اینکه (اگر از آن بخورید،) فرشته خواهید شد، یا جاودانه (در بهشت) خواهید ماند»!

شیطان ۲ کار می کند وسوسه می کند تا به باطل نزدیک شوید و وسوسه می کند تا از حق دور شوید، مخاطبان با تمسک به آیه شرح صدر پیدا کنند ، و از روی منازعه ای که در جریان است ، جناح خود را پیدا کنند .

در مورد عشوه : وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا (الفرقان/۶۳) بندگان (خاص خداوند) رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی تکبر بر زمین راه می روند؛ و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آنها سلام می گویند (و با بی اعتنایی و بزرگواری می گذرند)؛ جناب نیکدوست لطفا سلام ، با عشوه اشتباه نگیرید .

در مورد حيله گری قَالَ رَبِّ السَّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ (يوسف/۳۳)

(یوسف) گفت: «پروردگارا! زندان نزد من محبوبتر است از آنچه اینها مرا بسوی آن می خوانند! و اگر مکر و نیرنگ آنها را از من باز نگردانی، بسوی آنان متمایل خواهم شد و از جاهلان خواهم بود»!

البته بنده هیچگاه به داروینسیسم متمایل نخواهم شد. در مورد رنگ و لعاب اسلامی
إِنَّ الْمُتَّقِينَ يَخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَى يرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا (النساء/۱۴۲)

مناققان می خواهند خدا را فریب دهند؛ در حالی که او آنها را فریب می دهد؛ و هنگامی که به نماز برمی خیزند، با کسالت برمی خیزند؛ و در برابر مردم ریا می کنند؛ و خدا را جز اندکی یاد نمی نمایند !
ای کاش به جای این همه سم افشانی ، یک جمله ، از ذکر خدا می شنیدیم .

۷۹۴۷hasan

Member

۱۸:۳۹ - ۰۱/۰۹/۱۳۹۵

ادامه پست قبلی و بخش پایانی

در مورد بقیه اتهامها هم آیه وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ يَرَوْا كَلِمًا آيَةً لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (الأنعام/۲۵)

پاره‌ای از آنها به (سخنان) تو، گوش فرامی دهند؛ ولی بر دل‌های آنان پرده‌ها افکنده‌ایم تا آن را نفهمند؛ و در گوش آنها، سنگینی قرار داده‌ایم. و (آنها بقدری لجوجند که) اگر تمام نشانه‌های حق را ببینند، ایمان نمی آورند؛ تا آنجا که وقتی به سراغ تو می آیند که با تو پرخاشگری کنند، کافران می گویند: «اینها فقط افسانه‌های پیشینیان است»!
آیات قرآن افکار پوسیده و مشوش نیست و...

و سخنی با مخاطبان ۲ نزاع در جریان است ، یکی نزاع ظاهری ، که بنده و جناب نیکدوست درگیر آن هستیم ، و یکی نزاع باطنی ، که شما در دستگاه فکری خود علیه باطل و دروغ ، مشغول آن هستید. به نظر بنده مهمترین کارکرد کل این هستی برای این است که شما (بله دقیقاً شما) در نزاع خودتان علیه باطل، جهت اقامه حق پیروز شوید ، شاخص های حق ، ثابت و لایتغیر و با خود خدا تعریف می شوند و هر چه غیر از آن است، باطل است در آن نزاعتان ، برایتان توفیق آرزو می کنم.

و اما سخن آخر با جناب نیکدوست

سومین پست پر از تهمت و افترایتان را هم زدید و بدینوسیله گزارش تخلفتان از قوانین را به ناظر کتاب ناک اعلام می کنم و اخطار می کنم در صورت تکرار ، از طریق مراجع زیربط از شما شکایت می کنم . در پایان از هر گونه نظر سازنده و مودبانه با منت استقبال می کنم.

والسلام من التبع الهدی

kaydan
Member

۲۳:۱۲ - ۲۱/۰۹/۱۳۹۵

نقل قول از hasan: ۷۹۴۷:

سلام خدمت دوستان

تسلیت بابت اربعین حسینی

به مخاطب عزیز ... ۰۱۳۱۲

در اسلام متعلقات ایمان ۷ تا است یعنی چیزهایی که ایمان باید به آن تعلق گیرد ۱- ایمان به کتاب ۲- ایمان به غیب ۳- ایمان به ارسال رسل ۴- ایمان به ملائک ۵- ایمان به آیتهای الهی ۶- ایمان به خداوند ۷- ایمان به آخرت اگر خواستی آیه هاش هم برات می گذارم

هر آنچه در عالم می بینید آیت و نشانی از طرف الله است گویی الله توسط این نشانی ها با بندگانش حرف می زند به نظر من شما مجذوب آن اعجازات در علوم زیستی شده اید

به شما توجه می دهم که همه آنها و بیشترش کار خالق یکتاست نه داروین بر فرض که داروین زحمات زیادی برای رده بندی حیوانات و گیاهان ولو با مفروضات خودش کرده باشد باز همه آنها خالق دارند

لذا به عنوان یک برادر کوچکتر توصیه می کنم ایمانتان را به جای آن داستان (داروینیسم) به خالق همه داستانها و ۶ متعلق زیر مجموعه اش جهت دهی کنید

سود کردید مال خودتان ضرر کردید گردن من

موفق و پیروز و شاد باشید

دوست گرامی متاسفانه گفتار شما که بعضا بسیار بلند بالا نیز هست بسیار نامعقول و خارج از قوه عقل و منطق است. یکبار بر غرب خرده میگیرید و جامعه غربی را به باد انتقاد می گیرید و در جایی هرآنکه را که به علوم غرب دل بسته است را عده ای ره گم کرده می خوانید که ایمان خود را به رنگ و لعاب فرهنگ غربی فروخته اند و برای خالی نبودن عریضه چند آیه و حدیث نیز نقل می نمایید انگار که وحی منزل است!

دوست گرامی ، نازنین، بزرگواری اکنون در مکانی با دستگاه و ابزاری نظرات خود را منعکس می کنید که اگر نگوییم تماما ولی به حد میتوان گفت اکثرا ساخته و برخواسته تفکر و اندیشه و خلاقیت ذهنی همان غربی هایست که به ادعای شما ره گم کرده اند!

خواهشا دست از این ایمان کزایی که نتیجه ای جز تحجر و تعصب برای نوع بشر در بر نداشته بردار و دمی به شیوه علمی بیندیش نه به شیوه دینی .

روش اندیشه علمی یعنی بدور از تعصب و گرایشات کور اعتقادی که پایه و اساس آن نه تجربه گرایی بلکه سنتگرایی و پیروی کورکورانه بدور از هرگونه تعمق و تفکر و تجزیه و تحلیل جهان اطراف خویش است. (ارادتمند شما خدا) حالا شما با همان تفکر دینی و هزار و اندی آیه ثابت بفرما بنده خدا نیستم! البته شاید چون به زبان عربی مطلب بالا نوشته نشده بتوانید ادعا کنید که خیر بنده خدا نیستم که بنده نیز در مقابل بر این همه استدلال برگرفته از عقل دینی دورود میفرستم!

۷۹۴۷hasan

Member

۱۶:۴۴ - ۲۶/۰۹/۳۹۵

سلام به همه مخاطبان عزیز

توضیحاتی پیرامون مواردی که جناب kaydan مطرح کردند

۱- فرمودید " دوست گرامی متاسفانه گفتار شما که بعضا بسیار بلند بالا نیز هست بسیار نامعقول و خارج از قوه عقل و منطق است." جسارتا کلمات " معقول " , " خارج " , " قوه " , " منطق " که در جمله بالا استفاده کردید کلمات عربی هستند که ایرانیان هوشمند , از ظرفیت آن کلمات استفاده کرده , تا فرهنگ و تمدن ایرانی را فربه تر و متعالی تر کنند . لذا هر کدام از کلمات بالا , مفهوم خاص خود را دارد . شما اول باید عقل را که کلمه ای قرآنی است فهم کرده باشید , سپس در مقام قضاوت , تاسف بخورید یا تبریک بگوئید .

۲- فرمودید " یکبار بر غرب خرده میگیرید و جامعه غربی را به باد انتقاد می گیرید "

مسئله ما غرب نیست , مسئله ما , خودمان هستیم , هر کس هر جای دنیا , مطلب حق و درستی داشته باشد , ما آن را جذب و به کار گیری می کنیم و بالعکس , همه خوبیهایی که داریم را به آنها ارائه می دهیم تا آنها هم بهره مند شوند , از طرفی وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (البقره/۱۱۵) مشرق و مغرب , از آن خداست! و به هر سو رو کنید, خدا آنجاست! خداوند بی نیاز و داناست!

لذا اگر منظورم را بد بیان کرده ام , عذر خواهی می کنم همه سرزمینها از آن خداست و همه مردم ساکن در آنها , آفریده او هستند و شایسته احترام

۳- فرمودید " و در جایی هرآنکه را که به علوم غرب دل بسته است را عده ای ره گم کرده می خوانید " عرض شد : علوم خلقی به ذات , غربی و شرقی ندارد , ... وَإِنَّهُ لَدُوٌّ عَلِيمٌ لِمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (یوسف/۶۸) و او به خاطر تعلیمی که ما به او دادیم, علم فراوانی داشت؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند!

یعنی همه جای جهان آب در شاخص سانتیگراد شماره ۱۰۰ به جوش می آید (البته طبق فرمول مربوطه با احتساب فشار هوا و شرایط ثابت) هیچ دانشمندی در این حقیقت بحثی ندارد.

دعوا در مبانی نظری عالم جعل است , که مثلا یهودیه می گوید , (نعوذ بالله) باید خدا را پایین کشید و لنگش کرد (عین یعقوب موهومی خودشان) یا مسیحیه می گوید , خدای ساعت ساز , دستگاه خلقت را درست کرد و خسته شد و رفت کناری ... و ما که پیرو تعالیم قرآن و اهل بیت می گوئیم , خدا خالق و در حال ربوبیت آن به آن جهان است و... از آنجائیکه فیلسوفان غربی عمدتا به کفر خود مفتخرند , لذا هم خودشان ره گم کرده بودند و هم کسانی که از آنها پیروی می کنند .

۴- فرمودید " که ایمان خود را به رنگ و لعاب فرهنگ غربی فروخته اند " نمی شود هم مومن بود و همه از دستورات , فیلسوفان غربی تبعیت کرد , جوامع غربی که به پاگانیست و لائیک بودن خود مفتخرند , فرهنگشان را نیز همانگونه شکل می دهند .

۵- فرمودید " و برای خالی نبودن عریضه چند آیه و حدیث نیز نقل می نمایم انگار که وحی منزل است! " عزیزم به بنده هر چقدر می خواهید انتقاد کنید ولی وارد خط قرمز حریم قرآن نشوید . قرآن وحی منزل است و معجزه ای که هنوز بعد از ۱۴۰۰ سال درک نشده ، بنده ، ساختمان فکرم را بر مبنای دستگاه فکری قرآن بنا می کنم ، به نظر شما نباید از آیات آن استفاده کنم ؟ منت بگذارید اگر اشکالی پیدا کردید بفرمائید تا خود را اصلاح کنم .

۶- فرمودید " ، نازنین ، بزرگوار اکنون در مکانی با دستگاه و ابزاری نظرات خود را منعکس می کنید که اگر نگوییم تماما ولی به حد میتوان گفت اکثرا ساخته و برخاسته تفکر و اندیشه و خلاقیت ذهنی همان غربی هایست که به ادعای شما ره گم کرده اند! " عزیز ، اولاً همه نرم افزارهای کامپیوتری بر اساس الگوریتم طراحی می شوند و الگوریتم از نام ریاضیدان و ستاره شناس و جغرافی دان نامی ایرانی ، ابوجعفر محمد بن موسی خوارزمی (الخوارزمی) ، گرفته شده است ، لذا کشف و ساخت همه این دستگاهها را از آن غربیها ندان ، این میراث بشری است که همه اندیشمندان شرق و غرب روی هم بنا کرده اند تا این ابزارها ساخته شود . ثانیاً بین عالم خلق و عالم جعل ، تفکیک قائل شو . در عالم خلق ، که با حس و تجربه و فرمول و هندسه و ... سر و کار داریم هیچ کس با دیگری دعوایی ندارد . دعوی ما با غرب و شرق عالم بر سر محتوا هاست ، با نظریات علوم انسانی است ، شرقی که مجسمه و هزار موجود پست دیگر را می پرستد . و غربی که درگیر تحریفات عهد عتیق شده و کارش به شیطانیزم رسیده است . هدف ما کشف و روشن کردن حقیقت است .

۷- فرمودید " خواهشا دست از این ایمان کزایی که نتیجه ای جز تحجر و تعصب برای نوع بشر در برداشته بردار " ان شالله پیش خداوند ایمانمان رنگ و آب داشته باشد ، مهم نیست غیر او ، این ایمان را کذایی بخوانند یا حقیقی و اما تحجر و تعصب نوع بشر به خاطر ایمان نداشتنش است ، شمایی که از عقل دم می زنی ، تعصبی که دادگاه لائیسیته فرانسه روی یک روسری دارد ، نشانه ایمان داشتن آنها یا غیر متعصب بودنشان است و ...

۸- فرمودید " و دمی به شیوه علمی بیندیش نه به شیوه دینی. " اگر عرایض قبلی را مطالعه فرموده بودید ، عرض شد کلمه علم ، کلمه ای قرآنی است که حداقل ۱۴۰۰ سال قدمت دارد و علم در داخل دین (راه و روش زندگی) تعریف می شود و کاملاً با هم منطبقند اگر منظور شما ساینس غربی است که مجدداً عرض می شود ساینس مبتنی بر حس و تجربه در عالم خلق تعریف می شود و شیعه مشکلی با آن در موضوعات خلقی ندارد و فیلسوفان یهودی که مبتنی بر ساینس علوم مادی ، به تفسیر عالم جعل (باطنی و نظری ، حق و باطل) پرداخته اند ، به بشریت خیانت کرده اند .

۹- فرمودید " روش اندیشه علمی یعنی بدور از تعصب و گرایشات کور اعتقادی " اگر با این جمله می خواهید بی اعتقاد بودن و بی ایمان بودن را توجیه و بزک کنید ، بنده اعلام می کنم اشتباه می کنید . تا وقتی نتوانید بین عالم خلق و عالم جعل تفکیک قائل باشید ، همچنان اشتباه می کنید ، شیعه با تمام دستاوردهای فنی و پزشکی و تجربی در عالم خلق ، از سوی هر کس که باشد ، به شرط اثبات موافق است ، تمام دعوی پیروان اهل بیت (ع) با سایر نحله های فکری در عالم جعل است جائیکه ۷۱ فرقه از امت پیامبر و همه خارجین از امت پیامبر به تعصب و گرایشات کور مبتلا شده اند و تمام مصیبت امروز بشر را به وجود آورده اند .

۱۰- فرمودید " که پایه و اساس آن نه تجربه گرایی بلکه سنتگرایی و پیروی کورکورانه بدور از هرگونه تعمق و تفکر و تجزیه و تحلیل جهان اطراف خویش است. " همان اشکال قبلی وارد است (عدم تفکیک عالم خلق و جعل) در مورد سنت گرایی تعریف ما از سنت و قانون این است

سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا (الفتح/۲۳)

این سنت الهی است که در گذشته نیز بوده است؛ و هرگز برای سنت الهی تغییر و تبدیلی نخواهی یافت! لذا بله ، ما سنت گرا هستیم ، یعنی پیرو امر و قانونی که همیشه ثابت است .

در مورد پیروی کورکورانه وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمُّ بُكْمٌ عُمْى فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (البقرة/۱۷۱)

مثل (تو در دعوت) کافران، بسان کسی است که (گوسفندان و حیوانات را برای نجات از چنگال خطر)، صدا می‌زند؛ ولی آنها چیزی جز سر و صدا نمی‌شنوند؛ (و حقیقت و مفهوم گفتار او را درک نمی‌کنند. این کافران، در واقع) کر و لال و نابینا هستند؛ از این رو چیزی نمی‌فهمند!

شیعه سعی کرده گوسفند نباشد و این همه شهید راه حق، گواه این مدعاست. در مورد تعمق و تفکر و تجزیه و تحلیل هم ما سعی می‌کنیم به جای اتهام زنی با مصداق مشخص، استدلال کنیم و اگر حوصله مخاطبان اجازه می‌داد در مورد هر یک از این شبه‌ها، دهها صفحه می‌نگاشتم.

۱۱- فرمودید " (ارادتمند شما خدا) حالا شما با همان تفکر دینی و هزار و اندی آیه ثابت بفرما بنده خدا نیستیم!" بنده از این کلام شما برداشت خصمانه کردم و موضع خصمانه پیدا کردم، اگر شما خود را نه خلیفه رسول خدا، نه حتی رسول خدا، بلکه خود خدا می‌خوانید پس درجه کفرتان به نهایت رسیده فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ (البقرة/۸۹) با این همه، (هنگامی که این کتاب، و پیامبری را که از قبل شناخته بودند نزد آنها آمد)، به او کافر شدند؛ لعنت خدا بر کافران باد! شیعه خود را به خدا ثابت می‌کند، نیازی به اثبات خدا برای امثال شما ندارد. چقدر این جمله تان شبیه تصادفی‌های، جناب نیک دوست است که....

به هر حال به شما هموطن گرامی توصیه می‌کنم که از روش تفکر کانتی، اصالت سوژه (فاعل شناسا) دست بردارید، سعی کنید جهان را از منظر خالقش درک کنید و...

۱۲- جمله آخرتان را هم جز توهم گویی نیافتم. توهمی از جنس توهمات نیچه که گفت، خدا مرد، و فلسفه قدرت زمینی را نوشت ولی در آخر مالیخولیا گرفت و پوچ، پوچ، پوچ شد. خودش مرد و جهان خداوند همچنان در تسلط و قدرت خالق و رب اش به راه خود ادامه می‌دهد. وقت همگی به خیر

EFA
Member

۱۲:۴۱ - ۲۷/۰۹/۱۳۹۵

نقل قول از hasan: ۷۹۴۷:

مسیحیه می‌گوید، خدای ساعت ساز، دستگاه خلقت را درست کرد و خسته شد و رفت کناری... و ما که پیرو تعالیم قرآن و اهل بیت می‌گوئیم، خدا خالق و در حال ربوبیت آن به آن جهان است و... از آنجائیکه فیلسوفان غربی عمدتاً به کفر خود مفتخرند، لذا هم خودش را گم کرده بودند و هم کسانی که از آنها پیروی می‌کنند

برادر جان این همه سفسطه و مغالطه نکنید برهان ساعت توسط فیلسوف غربی ویلیام پالی مطرح شد برای اثبات وجود خدا پالی می‌گفت چنان که با دیدن ساعت می‌توان نتیجه گرفت سازنده هوشمندی دارد با دیدن چشم هم می‌توان نتیجه گرفت باید سازنده هوشمندی داشته باشد (حالا بگذریم از این مسئله که علم، فرگشت چشم را هم توضیح می‌دهد) این قضیه به دئیسم ربطی ندارد عموم مسیحیان و کلیسا کی دئیسم را قبول کردند که به مسیحیت می‌چسبانید و اطلاعات غلط می‌دهید و از این اطلاعات غلط نتیجه دلخواهتان را می‌گیرید.

در اسلام هم فیلسوفانی همانند دکتر عبدالکریم سروش هستند که وحی را رویای پیامبر می دانند آیا می توان گفت عموم مسلمین بر این باورند و این باور مسلمین است؟

nikdoost
Member

۰۱:۱۲ - ۲۸/۰۹/۱۳۹۵

به EFA

کمی حوصله کنید، هُوَ به هُوَ، چهل پنجاه خط شل کن سفت کن هم به عنوان پاسخ برایتان خواهد نوشت. غول خیالبافی است، افراطی ی سمج است، خودش می داند هیچ کس بجز خودش و فرد دیگری که در مظان اتهام است و به احتمال زیاد هردو یکی هستند، مزخرفاتش را نمی خوانند، با خودش شطرنج بازی می کند و همیشه بازنده است، شکر خدا حلب آزاد شد، اول غم و غصه ی او است، دو باره دستور گرفته میکروب پراکنی کند، بیچاره نمی داند بدنه اندیشه ی اهل مطالعه بسیار قوی و در مقابل این ویروسها مقاوم است، مار هیچ وقت نمیتواند به پیکر کوه آسیبی وارد سازد، باید در برابر دشمنان چون کوه استوار بود

مارگیر اندر زمستان شدید

مار می جست از دهایی مرده دید

مارگیر از بهر حیرانی ی خلق

مار گیرد اینت نادانی ی خلق

آدمی کوهیست چون مفتون شود

کوه اندر مار حیران چون شود

خویشتن نشناخت مسکین آدمی

از فزونی آمد و شد در کمی

خویشتن را آدمی ارزان فروخت

بود اطلس خویش بر دلقی بدوخت

صد هزاران مار و که حیران اوست

او چرا حیران شدست و مار دوست

۷۹۴۷hasan

Member

۲۳:۱۲ - ۲۸/۰۹/۱۳۹۵

با سلام و عرض ارادت

در پاسخ به مخاطب گرامی EFA

در مورد توضیحاتی که فرمودید شما و مخاطبان را به یک سرچ ساده با کلمات " مسیحیت خدای ساعت ساز " در گوگل جلب می کنم تا هزاران صفحه برایتان لیست کند که این تلقی از خداوند متاثر از ماشین نیوتنی یکی از انحرافات فلاسفه غرب است ، که البته بیشتر حوزه کلیسای پروتستانی را تحت تاثیر قرار داد ، ولی به هر حال از بین بیش از ۴۰۰۰ فرقه در مسیحیت ممکن است فرقه هایی هم باشند که مصداق توضیحات شما باشند .

و اما برای سایر مخاطبان در مورد دئیست عرض می کنم

«دئیسم» در معنای معروفش، بر این عقیده استوار است که یک موجود متعالی جهان را آفریده، اما سپس مانند یک مالک غایب از ملک، آن را رها کرده تا خودش به کار خود ادامه دهد. دئیسم در معنای صحیحش به یک خالق الهی

برای جهان اعتراف می‌کند، اما هر نوع وحی الهی را رد می‌کند و اعتقاد دارد که عقل بشر به تنهایی کافی است تا یک زندگی دینی و با اصول اخلاقی صحیح فراهم کند. تمرکز اصلی دئیست‌ها نه بر انکار وجود خداوند به مثابه خالق و آفریدگار جهان، بلکه به عنوان موجودی بود که از طریق وحی و الهامات فوق طبیعی در صدد دخالت غیرقابل قبول در زندگی انسان بود. آن‌ها به صورت جدی شریعت وابسته به کتاب مقدس را به چالش می‌کشیدند و قابل اعتماد بودن حکایت‌های اعجاز‌آمیز و خارق‌العاده نقل شده در متون مقدس را مورد تردید قرار می‌دادند، یا حتا عهد جدید را با عنوان امر جعلی و ساختگی یا حداقل تحریف شده رد می‌کردند.

از سخنان کلارک می‌توان برداشت کرد که انکار وحی الهی و الهام فوق طبیعی در بین هر چهار نوع دئیست مشترک است. بنابراین، نکته اصلی و مشترکی که دئیست‌ها را از خداپاوران سنتی جدا می‌کند، موضوع وحی الهی است. دئیست اصولاً انکار می‌کرد که خدا به ما حقایقی را وحی می‌کند که اعتقاد به آن‌ها برای ما اهمیت دارد، اما عقل بشر نمی‌تواند خودش به آن‌ها دست پیدا کند. در صورتی که بعضی دئیست‌ها وجود یک نوع وحی را قبول می‌کردند، پذیرش آن متضمن این شرط بود که مفاد آن کاملاً برای عقل مرموز نباشد.

نکته اینجاست که انحرافات مثل مباحث دئیسم متعلق به تمدن غرب است که عامداً یا غافلاً از معارف رسول خاتم (ص) بی بهره اند و مصداق ضالینی هستند که هر مسلمان ۱۰ بار در شبانه روز از خداوند می‌خواهد که او را به راهی هدایت کند، که آنگونه نشود. لذا بهتر است این مباحث در حوزه امراض درون تمدنی غرب بررسی شود و به آن حالت اپیدمولوژیک داده نشود. منابع دین اسلام بسیار غنی تر از این مباحث سخیف است و مطمئن باشید یک مسلمان مانوس با قرآن در برخورد با این اراجیف (جمع مکسر رجف به معنای زلزله) صرفاً با یک نیشخند می‌گذرد.

در مورد مثال آقای سروش هم که فرمودید فقط یک جمله اینکه اسلام به ذات خود ندارد عیبی، هر عیبی هست از مسلمانی ماست، ماهیت نحس فلسفه غربی که روی پایه های الحاد بنا شده است، همینگونه است که، هر کس ولو انقلابی دو آتشه سال ۵۸ و شیمیست باهوشی همچون عبدالکریم سروش، هم به مصافش برود، چنان الینه اش می‌کند که کفریاتی اینچنین سر می‌دهد، به هر حال او هم مثل خیلی های دیگه، یک چیزی گفته، قیامتی بر پا می‌شود، حق عیان و تثبیت می‌شود آنگاه، هم او، هم ما در مورد قضاوت‌مان نمره دهی می‌شویم.

أَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَأَنْفَرَقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ (البقرة/۲۸۵)

پیامبر، به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است. (و او، به تمام سخنان خود، کاملاً مؤمن می‌باشد.) و همه مؤمنان (نیز)، به خدا و فرشتگان او و کتابها و فرستادگانش، ایمان آورده‌اند؛ (و می‌گویند ما در میان هیچ یک از پیامبران او، فرق نمی‌گذاریم (و به همه ایمان داریم). و (مؤمنان) گفتند: «ما شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! (انتظار) آمرزش تو را (داریم)؛ و بازگشت (ما) به سوی توست.»

در مورد جناب نیکدوست همیشه حاضر در صحنه هم که وصف پست های گذشته کفایت می‌کند. خداوند شیاطین جنی و انسی را خلق کرده است تا مومنان با زدن تو سر آنها ارتقاء درجه بگیرند حالا رهروان وادی ایمان باید در هر عصر و زمان با شیاطین پیشرفته تری دست و پنجه نرم کنند. کفایت شما مخاطب محترم قادر باشید به هر قیمت ممکن، اختیار و انتخاب خود را دست خودتان نگه دارید تا فریب شانناز و جو سازی را نخورید، در آنصورت هیچ ابلیسی قادر نیست شما را بفریبد.

ان شا الله

والسلام

۰۱۳۱۲۲۴۷۵۶۶

Member

۱۰:۲۴ - ۰۱/۱۰/۱۳۹۵

سلام

فرد دیگری که در

مظان اتهام است

EFA

Member

۱۳:۳۷ - ۰۱/۱۰/۱۳۹۵

نقل قول از hasan: ۷۹۴۷:

با سلام و عرض ارادت

در پاسخ به مخاطب گرامی EFA

در مورد توضیحاتی که فرمودید شما و مخاطبان را به یک سرچ ساده با کلمات " مسیحیت خدای ساعت ساز " در گوگل جلب می کنم تا هزاران صفحه برایتان لیست کند که این تلقی از خداوند متأثر از ماشین نیوتنی یکی از انحرافات فلاسفه غرب است که البته بیشتر حوزه کلیسای پروتستانی را تحت تاثیر قرار داد ، ولی به هر حال از بین بیش از ۴۰۰۰ فرقه در مسیحیت ممکن است فرقه هایی هم باشند که مصداق توضیحات شما باشند .

سلام

عین کلمه مسیحیت خدای ساعت ساز را که فرموده بودید سرچ کردم همان دیئیسیم را توضیح می دهد. کلیسای پروتستان به خدایی که می آفریند و کنار می رود باوری ندارد، در شاخه پروتستان مسیحیت و حتی در بقیه شاخه های مسیحیت من جمله کاتولیک، ارتدوکس حتی فرقه هایش مانند شاهدان یهوه، یا حتی اگر مورمون ها را هم از مسیحیت حساب کنید چنین عقایدی وجود ندارد. مسیحیان جملگی معتقدند خدا حساب همه کارها را در دست دارد، شفا می دهد، در امور جهان مداخله می کند، حتی نظریه فرگشت هوشمند را پیشنهاد می کنند تا از دخالت خدا کاسته نشود.

کشف نیوتن دیدگاه ها را بسیار تغییر داد ولی خدا را شکر متعصبان در مقابل دانش معصون اند و دانش در فکر و مغز آنها چندان تاثیری ندارد و آنها را از راه راست منحرف نمی کند و لطفا هر چیزی را با هم قاطی نکنید و حداقل آن وجدان را داشته باشید که با دروغ گفتن و اطلاعات غلط دادن نخواهید به هدف برسید.

yashartr

Member

۲۳:۲۷ - ۰۲/۱۰/۱۳۹۵

یکی از بزرگترین دلایل ناخودآگاهی که منجر به رد تئوری فرگشت داروین ، اغلب توسط مذهبیبون میشه اینه که نمیتونن این تئوری رو به انسان {اغلب خودشان و نزدیکان و قدیسانشان} تعمیم بدن. چرا که قدیسین و پیامبران و امامان {از نظر نژادی و شجره ای} زیر سوال رفته و به سرشاخه ی میمونیت و تک سلولیت میرسند و تصور این مطلب تابوست. حتی علت اینکه خود داروین در مطرح کردن آن تعلل بسیار کرد همین عوامل مذهبی و درونی بود . بهرحال تئوری تکامل شاید ایراداتی داشته باشد که بعضا بمرور زمان رفع میشود اما مسلما بطور کلی و یکجا قابل نفی نیست و مثل بخش اعظمی از دنیای علم با مذهب {مخصوصا ظاهر مذهب} در تعارض است.

در واقع نگارش این نوع کتابها و جبهه گیری های ضد داروینی چه توسط نویسنده ی این کتاب و چه کله گندگان و پرچمداران مبارزه با داروینیسیم در جهان اسلام مثل "عدنان اوکتار" فقط نوعی اعلام براءت مضحک از "میمون" بودن است.

kaydan
Member

۰۳/۱۰/۱۳۹۵ - ۰۱:۵۷

نقل قول از hasan ۷۹۴۷:

سلام به همه مخاطبان عزیز

توضیحاتی پیرامون مواردی که جناب kaydan مطرح کردند

از قدیم گفتن بیهوده سخن به این درازی نبود!

به عقیده من این گفتار چندان درست نیست سخن بیهوده و مهمل میتواند از این هم درازتر هم باشد، جناب شاکر یک نگاه به ادعاهای بی اساس خود بیندازید که چیزی جز سفسطه بافی و مغلطه کلام نیست. براستی این گفتار پوچ و بی پایه و اساس رو که به خورد مخاطبین می دهید نامش را سخن مستدل و منطقی گذاشته اید!

هرچند که بهتر میدانم وقت خود را بجای پاسخ دادن به گفتار بی پایه و اساس شما به اسکن کردن یکی دو کتاب یا مطالعه صرف نمایم که مطمئنا هم برای من بهتر است و هم سودی برای دیگر دوستان علاقمند به مطالعه و اعضای این سایت دارد ولی از آنجا که امثال شما سکوت را همواره به پای نبود پاسخ می گذارید بد نیست چند نکته را خدمت شما یاد آوری نمایم خصوصا شیوه شرکت در یک مباحثه منطقی و استدلالی و عقلانی را.

۱ - وقتی بنده نوعی منکر وجود یک خالق می گردم یعنی به کل خط بطلان بر فرضیه خدا باوری می کشم در چنین حالتی یعنی بنده یک فرد ماتریالیسم یا دهری هستم پس این همه طول و تفسیر و آیه و حدیث آوردن در برابر چنین تفکری هیچ معنا و مفهومی ندارد! بهتر بود بجای اینهمه زیاده گویی اول دقت می نمودید که مخاطب چه می گوید. بحث با فردی با دیدگاه و عقیده ای همچون من لاجرم می باید برون دینی باشد نه درون دینی، به این معنا که آیات و احادیث شما برای من نوعی ارش عقلانی و استدلالی ندارد چون نقد من بر موجودیت آن چیزی است که شما آن را خالق این آیات می نامید.

۲ - بجای پرداختن به کانت و نتیجه و زدن به صحرای کربلا که طبق معمول هرکجا که کم می آورید دیواری از کفر و الحاد را به ناف این یهودی یا آن مسیحی غربی می بندید بهتر بود کمی در عقاید و نحله های فکری دانشمندان مشرق زمین و ایرانی تحقیق و تجسس می نمودید تا متوجه شوید که پیش از آنکه امثال کانت و نیچه و دکارت و مارکس ووو... ده ها فیلسوف غربی از مادر زاده شوند، محمد بن زکریای رازی این اندیشمند بزرگ ایرانی بود که وجود یک خالق موهوم را با استدلال منطقی بزیر سوال برد پس لاجرم اگر کسی منتقد یک چنین خالقی بود لزوما نمی باید پیرو اندیشه فلان دانشمند یهودی یا آن فیلسوف مسیحی باشد. در قرن سوم یعنی هزار و صد سال پیش در کشور خود ما ایران بودن بزرگانی که به کل وجود چنین خالقی را بزیر سوال برده اند.

kaydan
Member

۰۳/۱۰/۱۳۹۵ - ۰۱:۵۸

۳ - بنده پیشتر گفتم که همین غربی ها بودن که با ثبت و اختراع این فضای مجازی و این دم و دستگاہی که به شما قدرت این را داده که بتوانید از آن استفاده نمایید به جامعه بشری خدمت نموده اند و بهتر است بیاموزید بجای نمک خوردن و نمکدان شکستن که گویی عادت امثال شماست بد نیست کمی احترام اینهمه تلاش و زحمات آنان را نگاه دارید نه اینکه در سن طفولیت واکسن کزاز و فلج اطفال و سیاه زخم و ده ها واکسن دیگر بزنید و در بزرگسالی

بجای آنکه حرمت آنهایی را که به علم پزشکی و دانش بشری خدمت نمودن بتازید و به صرف مسیحی یا یهودی و غربی بودن بتازید و با الفاظ نا معقول همه را به باد نقد و انتقاد بگیرید، شمایی که هنوز رسم ادب را نیاموختید که نباید به آنان که به شما خدمت نمودن بی احترامی نمایند بعید است که بتوانید برای همان خدایی که مدام از آن دم می زنید نیز کمترین احترامی قائل باشید.

جای تعجب است که در نهایت نیز مدعی شدید که واژه الگوریتم برگرفته از نام خوارزمی است پس به این حساب با یک دودوتا چهارتای ساده به سبک خود دریافتید که آنچه که با تلاش دانشمندان غربی ساخته شده میراث اندیشمندان شرق و غرب است! خوب بفرمایید در این میراث داری امثال شما مومنان و ملایان و محدثین و رجال دینی چه سهمی داشته اید؟! آیا بجز این است که در طول تمام قرون بجای اینکه کمترین خدمتی به جامعه بشری نماید نقشی جز میراث خوی نداشته اید؟! بفرمایید نام ببرید فلان محدث و فلان قاری قرآن و رجال دینی که توانسته با سرهم کردن چهار حدیث و یکی دو آیه ای که برای شما وحی منزل است کوچکترین خدمتی به جامعه بشری نموده باشد! چگونه است که وقتی صحبت از خدمت به بشریت و ثبت اختراعات می شود ناگهان پای تمامی نوع بشر از شرق تا غرب را به وسط می کشید ولی وقتی صحبت از ایمان و اعتقاد به فلان خدا که میشود تنها شمایی شیعی مذهب با یکی دو آیه حدیث آوردن می شوید بنده مخلص درگاه آن خدا و دیگران بجز یک مشت کافر و دهری و ملحد بیش نیستند؟! شمایی که با وصله پینه کردن چهار حدیث و روایتی که مشخصا خود نیز از صحت و سقم آن چندان واقف نیستی چه گلی به سر جامعه بشری زده اید؟ بفرمایید کدام اختراع علمی که دردی را از صدها درد جامعه بشری دوا نماید را از فلان آیه و حدیث کشف کرده اید؟ خواهشا سفسطه بافی نکنید دقیقا نام آیه و یا حدیث رو نقل کنید و بفرمایید که طبق آن فلان اختراع را شما یا فلان دیندار نموده است.

kaydan
Member

۰۱:۵۹ - ۰۳/۱۰/۱۳۹۵

و اما بد نیست نگاهی به آیاتی که مدعی هستید از جانب خالق هوشمند(الله) نازل گردیده بیندازیم تا مشخص شود که بجز کپی پیست یکی دو آیه از این سایت و آن وبلاگ کار چندانی نمی کنید. تنها با شامورتی بازی و وصله پینه کردن و سانسور و تفسیر به رای از آیات سعی دارید چیزی را به خورد مخاطب بدهید که هیچ پایه و اساس عقلی(و حتی نقلی) نیز ندارد.

این گفتار عین گفتار شماست که نقل قول می نمایم:

...وَإِنَّهُ لَدُوٌّ عَلِيمٌ لِّمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ(یوسف/۶۸) و او به خاطر تعلیمی که ما به او دادیم، علم فراوانی داشت؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند!

یعنی همه جای جهان آب در شاخص سانتیگراد شماره ۱۰۰ به جوش می آید (البته طبق فرمول مربوطه با احتساب فشار هوا)

بد نیست کل این آیه را بیاوریم تا ببینیم کلا موضوع چیست و چگونه از دل سوره یوسف و آن داستان اساطیری قوم یهود یک لابراتورا و آزمایشگاه پژوهشی مدرن بیرون کشیده اید!!

وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُمْ مَا كَانَ يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةٌ فِي نَفْسٍ يَعْقُوبَ قَضَاهَا وَإِنَّهُ لَدُوٌّ عَلِيمٌ لِّمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۶۸)

و چون همان گونه که پدرانشان به آنان فرمان داده بود وارد شدند [این کار] چیزی را در برابر خدا از آنان برطرف نمیکرد جز اینکه یعقوب نیازی را که در دلش بود برآورد و بی گمان او از [برکت] آنچه بدو آموخته بودیم دارای دانشی [فراوان] بود ولی بیشتر مردم نمی دانند (۶۸)(ترجمه فولادوند)

خوب دوست محترم بفرمایید این نقطه جوش و شاخص ۱۰۰ درجه سانتیگراد رو شما چجوری با یک عجی مجی لاترجی از دل این آیه بیرون کشیدید؟!

کجای این آیه (که هیچ کل این سوره یوسف) صحبت از نقطه جوش آب و فشار هوا و اتمسفر ووو...الی آخر است؟! یا جنابعالی بنده رو احق فرض کردید یا فکر کردید با چهارتا آیه و حدیث و تفسیر به رای می توانید ادعاهای بی اساس خود را مستدل و عقلانی جلوه دهید!

وقتی خدمتتان عرض می کنم عقل علمی یعنی این دوست عزیز، یعنی شناخت و ادراکی که با قوه فاهمه از راه تجزیه و تحلیل مادی و جهان اطراف ما بدست می آید که گویا کمترین شناختی از آن ندارید. نه عقل دینی که یک آیه را که کاملاً مشخص است در چه باب و چه روایتی نقل شده را به هر نوع که خواستید تفسیر و تاویل نمایید.

kaydan

Member

۰۲:۰۱ - ۰۳/۱۰/۱۳۹۵

و اما آیه بعد...

وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمُّ بُكْمٌ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (۱۷۱)

مثل (تو در دعوت) کافران، بسان کسی است که (گوسفندان و حیوانات را برای نجات از چنگال خطر)، صدا می زند؛ ولی آنها چیزی جز سر و صدا نمی شنوند؛ (و حقیقت و مفهوم گفتار او را درک نمی کنند. این کافران، در واقع) کر و لال و نابینا هستند؛ از این رو چیزی نمی فهمند!

خوب از آنجا که احتمالاً بجز شما کسی اینجا تسلط کامل و کافی به زبان عربی ندارد بد نیست که لطف بفرمایید عین تک تک کلماتی را که در آیه ۱۷۱ سوره بقره آمده را به شیوه ترجمه (نه تفسیر و نه حتی تاویل) بیاورید، با عرض پوزش من بیسواد هرچه نگاه میکنم متوجه نمیشم چگونه نیم خط آیه عربی می تواند یک خط و نیم ترجمه داشته باشد! (خوشبختانه زبان چینی هم که نیست بگوییم ترجمه چهار حرف چینی آن میشود شاهنامه فردوسی!) زبان عربیست و قرار است شما نیز وقتی یک آیه را نقل می کنید عین ترجمه آیه را نیز زیر آن بیاورید. نه قرار است تفسیر کنید و نه تاویلی از آیه صورت گیرد.

خوب بفرمایید نشان دهید کجای آیه فوق صحبت از ((گوسفندان و حیوانات را برای نجات از چنگال خطر)) شده؟ کجای آیه عربی ذکری از ((و حقیقت و مفهوم گفتار او را درک نمی کنند. این کافران، در واقع)) کجا صحبت از گله گوسفند و کافر و ملحد شده که شما هرچی دوست داشتی برای بنده سرهم کردید و به اسم ترجمه اینجا نقل نمودید؟!

شمایی که هنوز اینقدر سواد نداری که بدونی در ترجمه آیه جایز نیست دخل و تصرفی صورت گیرد و قرار نیست مترجم هرآنچه که فکر می کند درست است را در ترجمه آیه بیاورد. اگر اینگونه است پس این کلام خدای شما نیست و کلام شخص شخیص شما یا آن مترجم است. اگر کلام خداست پس کو و کجای آیه چنین آمده (بفرمایید نشان دهید)!

از آنجا که مشخص است چه مغلطه ای را در پیش خواهید گرفت آنچه در بین دو ابر و پرانتز نقل شده به این خاطر است که خواننده این آیات درک بهتری از کلام و نیت خدا داشته باشد باید عرض کنم کی به شما یا آن مترجم اجازه داده هرآنچه که دوست داشته را در میان دو پرانتز به نام کلام خدا به خورد خلق الناس بدهد! اگر این کلام

خالق است و خالق جنابعالی قادر و مطلق و توانا و دانا و عالم به جهان ووو...الی ماشالله صفات دیگر است پس شمای نوعی چکاره هستی که علم و آگاهی او را به زیر سوال می برید؟ اگر قرار بود این کلمات از قبیل گوسفند و کافر و چنگال و خطر و حقیقت و درک ووو...الی آخر در این آیه وجود داشته باشد خالق شما مطمئنا از شمایی که در برابر ید قدرت او هیچ نیستی خود می توانست چنین کند پس لازم نبود شما کلام ناقص او را کامل نمایید(البته اگر بپذیرید که کلام او ناقص است!) و اگر ناقص نیست پس این اضافاتی که شما به اکثر آیات او با مشخص نمودن آن در میان دو پرانتز می افزایشید چه معنا و مفهومی دارد!؟

kaydan
Member

۰۲:۰۱ - ۰۳/۱۰/۱۳۹۵

یک نگاه سطحی به ۱۱۴ سوره و حدود ۶۲۰۰ آیه که بیندازید خواهید دید در اکثر ترجمه آیات صدها مورد اینگونه آمده که نشان دهنده این است، که بدون آنچه که مترجم به متن اضافه نموده متن عربی آیه هیچ معنا و مفهومی ندارد به همین خاطر نیز مترجمین با اضافه نمودن ده ها و صدها کلمه و حتی جمله به آیات سعی می نمایند به آن معنا و مفهومی قابل درک بدهند!

جالب اینجاست که اگر ترجمه قرآنی چند مترجم شیعی همچون فولادوند، الهی قمشه ای، مکارم، خرمشاهی و...را کنار هم بگذارید خواهید دید که اغلب ترجمه ها با یکدیگر متفاوت است!

جای تعجب نیست که با این همه ادعایی که شما دارید و با این ادعا که این جهان و خلقت دارای خالقی قادر و عالم و تواناست، این مترجمین و مفسرین هستند که در طول ۱۴۰۰ سال با این شیوه ترجمه و تفسیر به رای و بعضا تاویل های خود خواسته از آیات قرآنی سعی نموده اند به آن اعتبار ببخشند. و اما سخن آخر.

بنده قبلا عرض کردم من خدا هستم!

بجای مغلطه کردن و سفسطه گری و این ادعا که نمی دانم بنده کافر یا ملحد و زندیق هستم بهتر است با استدلال عقلی به دیگران ثابت نمایید که بنده خدا نیستم(خواهشا باز هفتاد خط آیه و حدیث نقل نفرمایید که نمیدانم شمای شیعی چنین و چنان هستید. اینجا صحبت از شمای شیعی نیست شما میتوانید هر عقیده و اعتقادی که می خواهید داشته باشید قرار است به بنده نوعی ثابت نمایید که این جهان خالقی دارد و آن خالق نیز من نیستم!)

باسپاس و امید اینکه بیشتر به دنبال اندیشیدن علمی باشید تا پیروی از یک ایمان کور سنتی.

kaydan
Member

۰۲:۲۲ - ۰۳/۱۰/۱۳۹۵

کتابیست به نام "تاریخچه کشمکش عقل و دین" به قلم توفیق الطویل ترجمه علی فتحی لقمان. کتاب بسیار جالبیست خصوصا که بنا به شواهد و قرائین تاریخی گردآوری شده است. از صدر تا ذیل کتاب صحبت از کشتار و قتل عام و شکنجه دانشمندانیست که در طول تاریخ بشریت همواره سعی نموده اند با کمک علم و دانش خود زندگی را برای بشر بهتر و هموار نمایند. صحبت از سوزاندن کتب و دانش فلاسفه و اندیشمندان بدست مرتجعین دینی اعم از مسیحی و یهودی و مسلمان است. آنچه که تاریخ بشریت همواره بیاد داشته چیزی جز شکنجه و تکفیر و به آتش کشیدن عالمان بدست رجال دینی و دکانداران دینفروش بیش نبوده است. جنگ میان

مذهب برپایه ایمان سنتی و تاجر و تعصب با علم و دانش بشری که از راه تجربه و تجزیه و تحلیل و آگاهی و معرفت از شناخت جهان عینی بدست آمده است.

امید به اینکه اسکن این کتاب به زودی تمام گردد و دوستان و علاقمندان بتوانند از آن بهرمنند شوند.

۷۹۴۷hasan

Member

۰۰:۰۹ - ۰۶/۱۰/۱۳۹۵

با سلام خدمت همه مخاطبان

با عذر خواهی از دوستان بابت غیبت طولانی ام

۱- در پاسخ به مخاطب محترم ۰۱۳۱۲۲۴۷۵۶۶ که فرمودند " فرد دیگری که در مظان اتهام است " لطفا جمله تان به طور کامل مفهوم کنید . اگر منظورتان بنده هستم که بنده تفکر پاگان و کفر کیشی را متهم می کنم , شما حساب خودت را با اینها قاطی نکن , از طرفی یک عقل آزاده در مورد پست ها قضاوت کند تا ببیند , آیا بنده بیشتر مورد اتهام قرار گرفته ام یا ... , اثلا مصادیق اتهام را بفرمائید تا همگان بتوانند قضاوت کنند.

در پاسخ به مخاطب محترم EFA

۲- در مورد سرچی که فرمودید و نتیجه نگرفته اید لطفا آدرسهای زیر که در صفحه اول سرچ می آید را هم مطالعه بفرمائید.

http://www.bashgah.net/fa/content/print_version/۱۰۵۸۲

<http://www.aftabir.com/articles/view/rel...%B%۳D%۸۱%۹D۸۷%۹>

و همینطور :

ژیلسون در قسمتی از کتاب خدا و فلسفه اینگونه می گوید : فلاسفه جدید پس از اینکه مفهوم «کسی که هست» را توأم با معنای حقیقی مساله وجود، به فراموشی سپردند؛ طبیعتا باید به سطحی ترین تفسیر مساله علل غائی باز می گشتند. بدین قرار خدا در آرا فونتتل و ولتر تبدیل به «ساعت ساز» شد، یعنی مهندس عالی ماشین عظیم عالم. ژیلسون معتقد است که فلاسفه جدید در باب خدا چنان سخن گفتند که گویا فلسفه قرون وسطی اصلا وجود خارجی نداشته و آنها بلاواسطه، پس از فلاسفه یونان پا به عرصه تفکر گذاشته بودند. نکته حائز اهمیت در این دوره تفکیک میان ایمان و تعقل و در نتیجه جدایی خدای فلسفه از خدای دین بود. آنگاه که فلسفه راه خود را از دین جدا کرد فیلسوفان متدین دو راه بیشتر در پیش نداشتند: برخی خدای مسیحی را در کنار خدای دکارت پذیرفتند و برخی همان خدای صنعت کار بسنده کردند.

و مزید اینکه

۷۹۴۷hasan

Member

۴۲:۰۰ - ۰۶/۱۰/۱۳۹۵

اصالت تکنیک و تکنولوژی بر نیروهای ماورایی و غیبی سبب می شود که جایگاه الوهیت پروردگار متعال دچار خدشه شود و جهان متصور در چنبره ی تفکر خدای ساعت ساز مسیحیت گرفتار گردد. خدایی که هیچ ربوبیتی نسبت به جهان ندارد و جهان را پس از خلق به حال خود رها ساخته است. با دامن زدن به این تفکر ، نقش پروردگار

متعال از صحنه ی روزگار محو می شود و نیروهای حقیر و ناچیز انسانی جای آنها را می گیرند. نتیجه ی اصالت دادن به تکنولوژی ، جهان مد نظر نیچه که در آن خدا مرده است ، تحقق پیدا خواهد کرد.

امیدوارم کفایت کرده باشد البته مسئله ما این نیست که آیا خدایی که فلاسفه مسیحی تصویر می کنند ، درست است یا غلط ما در دستگاه فکری قرآنی ، مطالب را چیدمان می کنیم و اصل برای ما ، بررسی موضوعات از منظر و کلام الله است نه فیلسوفان غرب و شرق که ، هیچ دو تایی از آنها را نمی توان پیدا کرد که پشت هم را گرفته باشند ...و

۳- فرمودید: " کشف نیوتن دیدگاه ها را بسیار تغییر داد ولی خدا را شکر متعصبان در مقابل دانش مصون اند و دانش در فکر و مغز آنها چندان تاثیری ندارد و آنها را از راه راست منحرف نمی کند " اولاً اسحاق نیوتن دانشمند شریعت یهود بوده است یعنی دیندار بوده است (حالا همان آیین تحریفی) لذا مطمئن باشید اگر علمی هم در جهان تولید می شود توسط دیندارهاست و بی دین ها فقط مصرف کننده اند و طلبکار .حتی خود داروین هم اول دوره الهیاتش را گذراند ، بعد وارد زیست شناسی شد و...

دوم اینکه ، وقتی کافران و مشرکان به باطل خود تعصب دارند و به هیچ راهی ، مستقیم نمی شوند به ما حق بدهید که بر سر قرآن و هدایت های ائمه خود تعصب داشته باشیم.

سوم اینکه حساب دکانداران یهودی و مسیحی و مسلمان را از شیعیان جدا کنید (کسانی که دین را وسیله دنیاطلبی و منافع خود می خواهند) هر چه می خواهید به آنها نسبت بدهید ، ما را هم همراه خود خواهی یافت .در شیعه عقل حجت حق است یعنی تنها چیزی را به عنوان حق قبول دارد که عقلا به آن رسیده باشد و...

چهارم اینکه امام صادق ما شیعیان، در دانشگاهش ۴۰۰۰ شاگرد تربیت کرد که یکی اش، رازی کاشف الکل بوده است و... ودعای ما همواره این است وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا(طه/۱۱۴) و بگو: «پروردگارا! علم مرا افزون کن!» لذا مصونیت از دانش اتهام بیجایی بود . لذا هیچ مذهبی به اندازه شیعه به علم اهمیت نداده است. پنجم اینکه همین توصیه ای که فرمودید را به خودتان بر می گردانم " و لطفا هر چیزی را با هم قاطی نکنید و حداقل آن وجدان را داشته باشید که با دروغ گفتن و اطلاعات غلط دادن نخواهید به هدف برسید".

۷۹۴۷hasan

Member

۰۰:۴۳ - ۰۶/۱۰/۱۳۹۵

در پاسخ به مخاطب yashartr

۴- فرمودید "... نمیتون این تئوری رو به انسان {اغلب خودشان و نزدیکان و قدیسانشان} تعمیم بدن " دوست عزیز لطفا اگر دین ندارید لاقلاً آزاده باشید ، هیچگاه نظرات باطل را ، اجباراً به خود ، نقبولان ، شما بابت عقلی که از خدا گرفته ای ، مسئولی ، همین عقل است که فرق شما را از جماد و نبات و حیوان و ملک تعیین می کند . حداقل ، حداقل این طور بگو : عقل آنها تعمیم داروینیسم را رد می کند و..

۵- فرمودید " چرا که قدیسین و پیامبران و امامان {از نظر نژادی و شجره ای} زیر سوال رفته و به سرشاخه ی میمونیت و تک سلولیت میرسند " واقعا نمی دانم چی بگم شما حرف ۱۲۴۰۰۰ پیامبر و ۱۲ امام معصوم و همه صالحان و شهدا را زمین می گذارید ، بعد ادعای فرضیه یک نفر را (نظریه ای که با حس و تجربه اثبات نشده است) را مبنا قرار می دی و اینطور راحت همه مقدسات را زیر سوال می بری !؟

۶- فرمودید " و تصور این مطلب تابوست " جسارتاً شکستن داروینیسم برای شما ، تابو است، که حاضرید همه پیامبران و ائمه را نعوذ بالله میمون و تک سلولی پایین بکشید ، ولی حاضر نیستید خودتان را تا جایگاه فراتر از ملک و خلیفه الهی بالا بکشید و...

۷- فرمودید : " حتی علت اینکه خود داروین در مطرح کردن آن تعلق بسیار کرد همین عوامل مذهبی و درونی بود. " پیامبر ما داروین نیست , لذا تعلق یا سرعت آن , برای ما هیچ ارزشی ندارد . به شما هم توصیه می کنم او را در حد خودش ببینید , یک دانشمند یهودی که تلاشهای زیادی در لیست کردن انواع گیاهی , جانوری کرد و صرفا , صرفا , یک فرضیه ارائه داد (از نوعی به نوع دیگر تبدیل شدن موجودات) که البته با هزاران آزمایش ابطال شده است و امروز داروینیسم نه به خاطر اینکه داروین گفته است طرفدار دارد , بلکه چون پناهگاهی است که کافران و مشرکان و دنیا طلبان به آن پناه برده اند هنوز طرفدار دارد.

۸- فرمودید " بهرحال تئوری تکامل شاید ایراداتی داشته باشد که بعضا بمرور زمان رفع میشود" از من می شنوید , به این خیالات امید نبندید , مرگ و قیامت دو واقعه ای است که ما به سرعت به سمت آن در حرکتیم . تا فرصت هست برگه های امتحانی مان را با خوبیها , درستها , حق ها , صدق , راستی , محبت , و... پر کنیم

۹- فرمودید " اما مسلما بطور کلی و یکجا قابل نفی نیست" ما اصل و کلیات فرضیه او را (تغییر و تبدیل نوع به نوع موجودات) نفی کردیم , البته به تلاشهای او در جزئیات , (شناسایی و لیست کردن) احترام می گذاریم .

۱۰- فرمودید " مثل بخش اعظمی از دنیای علم با مذهب {مخصوصا ظاهر مذهب} در تعارض است." دانشمندان شریعت اسلام و مذهب شیعه که علوم عظیمی را در ریاضیات , کیمیا (شیمی) و ... تولید کرده اند ثابت کرده اند که این جمله شما اشتباه و باطل است.

۱۱- فرمودید " در واقع نگارش این نوع کتابها و جبهه گیری های ضد داروینی... فقط نوعی اعلام برائت مضحک از "میمون" بودن است." بگذارید فقط به این جمله بپردازیم و عبور کنیم شما به اصل میمون بودن خودت برس , بگذار ما هم در تلاش برای شناخت جایگاه انسان معارف جدید را تولید کنیم.

۷۹۴۷hasan

Member

۰۰:۴۴ - ۰۶/۱۰/۱۳۹۵

در پاسخ به جناب kydan

۱۳- چقدر طرز تفکر تان شبیه کاربر جناب نیکدوست است گویی هر دو آی دی متعلق به یک نفر است . لذا اتهام ها را می شماریم و از روی ساعت ثبت پست هاتون میشه فهمید که , ایران نیستید شاید اسرائیل , شاید , سوئد , ... و اینکه اینقدر راحت گنده گویی می کنی و به مقدسات توهین می کنی , قطعا خارج از حکومت ایرانی ...

۱۴- گفتید " یک نگاه به ادعاهای بی اساس خود بیندازید" بشمار یک لطفا شما ادعاهای با اساس مطرح کنید ببینیم چی برای گفتن دارید

۱۵- گفتید " چیزی جز سفسطه بافی و مغلطه کلام نیست." بشمار ۲ و ۳ اتهام بدون مصداق همچون تف سر بالا به صاحبش بر می گردد.

۱۶- گفتید " براستی این گفتار پوچ و بی پایه و اساس رو که به خورد مخاطبین می دهید نامش را سخن مستدل و منطقی گذاشته اید!" بشمار ۴ و ۵ و ۶ بنده بارها و بارها مخاطبان را به علم و عقل و حریت با تعریف قرآنی اش (از منظر کلام الله) دعوت کرده ام لذا این جو سازی ها اثری ندارد.

۱۷- گفتید " هرچند که بهتر میدانم وقت خود را بجای پاسخ دادن به گفتار بی پایه و اساس شما به اسکن کردن یکی دو کتاب یا مطالعه صرف نمایم" بله از تعهدی که به سیاه نمایی دارید کاملا معلوم است چقدر به زمانتان اهمیت قائلید , و چه کتابهایی را اسکن می کنید یا به مطالعه چه کتابهایی علاقه دارید . ضمنا اسکن کتاب ارزشی ندارد , حمل کردن مفاهیم حق آن مهم است .

مَثَلُ الَّذِينَ خُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (الجمعة/٥)

کسانی که مکلف به تورات شدند ولی حق آن را ادا نکردند، مانند درازگوشی هستند که کتابهایی حمل می‌کند، (آن را بر دوش می‌کشد اما چیزی از آن نمی‌فهمد)! گروهی که آیات خدا را انکار کردند مثال بدی دارند، و خداوند قوم ستمگر را هدایت نمی‌کند!

۱۸- گفتید " ... هم سودی برای دیگر دوستان علاقمند به مطالعه و اعضای این سایت دارد" چه بسیار شهید فهمیده ها که در نوجوانی به حقیقت رسیدند و آن را ادامه دادند و چه بسیار تقی زاده ها که عمری را گذراندند و حقیقت را ، یکی دانستن فلسفه و حکمت یافتند و امروز ملعون و البته امام ضلالت خیلی ها شدند و ... و میس اینفورمیشن (اطلاعات مخدوش) در کنار ماس اینفورمیشن (اطلاعات انبوه) برای این است که مخاطب به حقیقت نرسد و... لذا هر کتابی ارزش خواندن ندارد و کتابهای فاسد مثل غذای فاسد ، روح را مریض می کند و...

۱۹- گفتید " وقتی بنده نوعی منکر وجود یک خالق می گردم یعنی به کل خط بطلان بر فرضیه خدا باوری می کشم" اجازه دهید بنده شمای نوعی را شاگرد شیطان در نظر بگیرم و از این به بعد اسم استادتان شیطان را مخاطب قرار دهم.

شیطان قسم خورده است که نوع انسان را به زیر مقام خود بکشد تا به خدا ثابت کند ، اشتباه کرده است و... لذا انکار خدا و ترویج آن هدف شیاطین جنی و انسی است و به هیچ وجه نشانه روشنفکری و عالم بودن نیست. ثانیاً اگر شیطان، خدا باوری را فرضیه خطاب کند ، ما اعتقاد به خدا و کتب خدا ، و رسل خدا ، و ملائکه خدا ، آیات خدا ، غیب خدا ، آخرت خدا را ، حقیقت می دانیم و به آن ایمان داریم . بالاخره قیامتی بر پا میشه و معلوم میشه کی درست می گفته.

۲۰- گفتید " در چنین حالتی یعنی بنده یک فرد ماتریالیسم یا دهری هستم پس این همه طول و تفسیر و آیه و حدیث آوردن در برابر چنین تفکری هیچ معنا و مفهومی ندارد!" در دنیا هزاران نوع کفر و شرک وجود دارد ، اصل برای ما این است که ایمان خودمان و اطرافیانمان را حفظ کنیم ، لذا شما هر کی می خواهی باش ، ما خودمان را تا سطح تو پایین نمی یاریم ، اثلا چرا تو خودت را از سطح پست مادیت بالا نمی کشی و در حوزه ارزشهای روحانی رشد نمی کنی.

Member ۷۹۴۷hasan

۰۰:۵۴ - ۰۶/۱۰/۳۹۵

۲۱- گفتید " بحث با فردی با دیدگاه و عقیده ای همچون من لاجرم می باید برون دینی باشد نه درون دینی،" جسارتاً شما دچار بیماری سوبجکتیویسم (عقل خود بنیاد دکارتی ...) هستید و در این بیماری فرد ، نسبی گرا می شود و با خود محوری و اگوسنتریسم، انتظار دارد که همه سایرین ، خودشان را با او تطبیق دهند که البته باطل است ، شیعه هیچوقت حقی که ثابت است و به آن رسیده را رها نمی کند ، تا بیاید ، ملحدینی امثال شما را قانع کند . اصطلاح درون دینی و برون دینی هم ، بدعتی باطل است . در شیعه دایره عقل توسط دین حق الهی محاط شده است و اثلا قابل تفکیک نیست.

۲۲- گفتید " به این معنا که آیات و احادیث شما برای من نوعی ارزش عقلانی و استدلالی ندارد و ... " جناب شیطان انسی ، وقتی کار به اینجا می رسد ، خداوند به ما یاد داده است آیات سوره کافرون را بخوانیم بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ (الكافرون/۱) بگو: ای کافران! لَا أُعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ (الكافرون/۲) آنچه را شما

می‌پرستید من نمی‌پرستم! وَاَنْتُمْ غَابِدُونَ مَا اُعْبُدُوا (الکافرون/۳) و نه شما آنچه را من می‌پرستم می‌پرستید، وَاَنَا غَابِدًا مَا عِبَدْتُكُمْ (الکافرون/۴) و نه من هرگز آنچه را شما پرستش کرده‌اید می‌پرستم، وَاَنْتُمْ غَابِدُونَ مَا اُعْبُدُوا (الکافرون/۵) و نه شما آنچه را که من می‌پرستم پرستش می‌کنید؛ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ (الکافرون/۶) (حال که چنین است) آیین شما برای خودتان، و آیین من برای خودم!

۲۳- گفتید " بجای پرداختن به کانت و نیچه و زدن به صحرای کربلا... " جناب شیطان ، کانت و نیچه در جبهه مقابل ، امام حسین (ع) هستند، لذا التقاط نکنید ، ضمنا شیعه با صحرای کربلا هویت می‌گیرد ، جسارت تو را در مولفه های هویتمان تحمل نمی‌کنیم و...

۲۴- گفتید " که طبق معمول هرکجا که کم می‌آورید دیواری از کفر و الحاد را به ناف این یهودی یا آن مسیحی غربی می‌بندید " جناب شیطان که سیاست تفرقه‌بیانداز و حکومت‌کن است ، شما که هیچ ملاحظه و احساس حیایی ندارید ، چرا جاهایی که کم آورده ام را، لیست نمی‌کنید ، بقیه بفهمند شما راست می‌گویید یا فقط شانناژ

ضمنا حرف تو دهان ما نگذارید ، حرف ما در مورد شریعت موسی و شریعت عیسی (ع) این آیه قرآن است
قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (البقرة/۱۳۶)

بگویید: «ما به خدا ایمان آورده‌ایم؛ و به آنچه بر ما نازل شده؛ و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پیامبران از فرزندان او نازل گردید ، و (همچنین) آنچه به موسی و عیسی و پیامبران (دیگر) از طرف پروردگار داده شده است، و در میان هیچ یک از آنها جدایی قائل نمی‌شویم، و در برابر فرمان خدا تسلیم هستیم؛ (و تعصبات نژادی و اغراض شخصی، سبب نمی‌شود که بعضی را بپذیریم و بعضی را رها کنیم.)»

۲۵- گفتید " بهتر بود کمی در عقاید و نحله های فکری دانشمندان مشرق زمین و ایرانی تحقیق و تجسس می نمودید تا متوجه شوید که پیش از آنکه امثال کانت و نیچه و دکارت و مارکس ووو... ده ها فیلسوف غربی از مادر زاده شوند، محمد بن زکریای رازی این اندیشمند بزرگ ایرانی بود که وجود یک خالق موهوم را با استدلال منطقی بزیر سوال برد " جناب شیطان باید اعتراف کنم تبحر خاصی در کشاندن بحث به سمت زمین بازی خودتان یعنی الحاد و کفر دارید ، حیف از این استعداد به هر حال خداوند از همه مخلوقاتش بی نیاز است و زیر سوال بردن او کوچکترین اثری در او ندارد ، ولی قطعا ملحدین ، نابود می شوند و ... بنده، رازی را به تلاشهایش برای کشف الکل برای مصارف طبی می‌شناسم ، از این موردی که گفتید بی اطلاعم ، ولی اگر درست گفته باشید ، (که بعید می‌دانم چون همیشه به جای سند ، فقط اتهام می‌زنید) به راحتی از او و حرفش اعلام براءت می‌کنیم ، ما بر سر حق و اسلام با هیچ کس عقد اخوت نبسته ایم و...

۲۶- گفتید " پس لاجرم اگر کسی منتقد یک چنین خالقی بود لزوما نمی‌باید پیرو اندیشه فلان دانشمند یهودی یا آن فیلسوف مسیحی باشد... " جناب شیطان ، با این همه تعصبی که برای انکار خدا دارید آن وقت به ما تهمت می‌زنید که شما متعصبید.

۲۷- گفتید " بنده پیشتر گفتم که همین غربی ها بودن که با ثبت... " جناب شیطان ، بنده همین جا ، کارنامه غرب پرستی شما را تأیید می‌کنم ، همین شماها هستید که ماموریت دارید ، مؤلفه های هویت داخلی را تخریب کنید و غیریت از تمدن ایران را برای ایرانیها بزک کنید و نقش مزدور نفوذی ، را برای اربابان غربی انجام دهید .

۲۸- گفتید " و این دم و دستگاهی که به شما قدرت این را داده که بتوانید از آن استفاده نمایید" جناب شیطان , هر چند وقتی کسی به بیراهه می زنه, لیاقت جواب دادن نداره ولی به احترام سایر مخاطبان عرض می کنم ,اولا قدرتمندترین در عالم خداست که هم قانونها را می گذارد و هم خودش آنها را در اجرا , ربوبیت می کند . دوم اینکه تکنولوژی های جدید روی میراث ۷۰۰۰ سال تمدن بشری بنا شده است و غربیها مالک آن نبوده اند به من بگو آتش , چرخ , محاسبات , علم مواد و را غربیها اختراع کرده بودن؟؟؟ سوم اینکه بیشتر این تکنولوژی های نوین , برای دانشمندان ژرمن بوده که پس از جنگ ۲ جهانی دو قدرت پیروز آنها را بین خود تقسیم کرده بودند (کامپیوتر , اینگما) سوم آنگولاساکسون ها بسیاری از این دستاوردهای جدید را مدیون برده های فکری است که از ایران و هند و چین ... اجیر می کند, لذا به فکر اعتبار آفرینی برای تمدن ایران عزیز باشیم و با غیر پرستان , حسابمان را جدا کنیم .

۲۹- گفتید "بهرتر است بیاموزید بجای نمک خوردن و نمکدان شکستن که گویی عادت امثال شماس" به سایر مخاطبان , دیگه حوصله اش را ندارم که سم افشانی ها و تهمت پراکنی های شیاطین انسی را شمارش کنم , اگر خواستید خودتان بشمارید و اما جواب : در همیشه روابط ما با غرب , چه کسی نمک خورد و نمکدان شکست , اینکه غرب در دوره رنسانس , میراث علمی مسلمانان را گرفتند و همه را به نام خود ثبت کردند چه معنی می دهد ؟ اینکه آمریکائیهها به مصدق خیانت کردند (در حالی که نفت را پیشکش آنها کرده بود) چه معنی می دهد؟؟ و اینکه در دهها مذاکره و قرارداد , طرف مقابل بعد از اینکه ما به تعهداتمان عمل کردیم , زیر میز می زند چه معنی می دهد...

۳۰ - گفتید " کمی احترام اینهمه تلاش و زحمات آنان را نگاه دارید نه اینکه در سن طفولیت واکسن کزاز و فلج اطفال و سیاه زخم و ده ها واکسن دیگر بزنید و در بزرگسالی بجای آنکه حرمت آنهاپی را که به علم پزشکی و دانش بشری خدمت نمودن بتازید" جناب شیطان , عرض می شود مریضی برای لیبرال پزشکی , کالایی است که باید ارزش پول درآورد , لذا آرزو می کند تا مریضی در دنیا زیاد شود , حتی بالاتر خودش پیش دستی می کند و ویروسهای جدید را در آزمایشگاه های پیشرفته , می سازد , امثال ایدز و جنون گاوی و ... و اینکه چاقو اگر دست تبهکار باشه , باهش آدم می کشه , لذا , ما فریب این منتها را نمی خوریم , اثلا معلوم نیست شما سر پیازی یا ته پیاز , شما به کفریات خودت ادامه بده , خدای ما هم اینقدر بزرگ است و خودمان اینقدر پزشکهای شریف داریم که این منت گذاشتن شما را خاک کنیم.

۳۱- گفتید " و به صرف مسیحی یا یهودی و غربی بودن بتازید" شیطان نا محترم , جوابت را دادم که ما به شرطی مسلمانیم که به تعالیم حقه شریعت موسی و عیسی و سایر پیامبران هم ایمان داشته باشیم

۳۲- گفتید " و با الفاظ نا معقول همه را به باد نقد و انتقاد بگیرید," جناب شیطان , خود را همه , تلقی نکن تو هیچی نیستی , در مورد نقد هم , اگر راست می گویی خلافت را ثابت کن.

۳۳- گفتید " شمایی که هنوز رسم ادب را نیاموختید که نباید به آنان که به شما خدمت نمودن بی احترامی نمایید" بنده به همه شیاطین جنی و انسی , بی احترامی که سهل است , لعن می کنم , هیچ شیاطینی به انسان خدمت نمی کند , چون اگر خدمت کند دیگر شیطان نیست و اما در مورد رسم ادب , یک سوزن به خودت بزن بعد یک جوالدوز به ما.

۳۴- گفتید " بعید است که بتوانید برای همان خدایی که مدام از آن دم می زنید نیز کمترین احترامی قائل باشید." جناب شیطان , شما قضاوت در این مورد را به عهده خود , خدا بگذار , شما اگر احترام سرت می شد , اینگونه هوای خدا را تنفس نمی کردی , آب خدا را نمی خوردی , از جسمی که خدا بهت به امانت داده استفاده نمی کردی تا اینگونه تبلیغ کفر کنی.

۳۵-گفتید " جای تعجب است که در نهایت نیز مدعی شدید که واژه الگوریتم برگرفته از نام خوارزمی است... "جناب شیطان , واقعا درست گفته اند, که شیاطین احمق اند , یک سرچ ساده کن تا اسناد فارسی و لاتین آن را به دست بیاری , هر چی بیشتر حرف بزنی , بیشتر خودت را ضایع می کنی , از ما گفتن بود.

۳۶-گفتید " در این میراث داری امثال شما مومنان و ملایان و محدثین و رجال دینی چه سهمی داشته اید؟ " جناب شیطان , بدان که هر خیری در عالم است به خاطر خداوند به عنوان منشا خیر است , مومنان و محدثان و ... بی جا می کنند , روی حرف و قانون خدا حرفی بزنند , آنها فقط کاشف و تابع آن هستند , همه اکتشافات اصلی عالم توسط مومنان صورت گرفته است , کسانی که معتقدند , وظیفه شان کشف قوانین ثابت خداوند (به عنوان قانونگذار و نگه دارنده آن) است که هیچ تغییر و تحولی در آن ندارد.

۳۷ – گفتید " آیا بجز این است که در طول تمام قرون بجای اینکه کمترین خدمتی به جامعه بشری نماید نقشی جز میراث خواری نداشته اید؟! " جناب شیطان هر چه از چرک و آلودگی در درونتان هست بیرون بریزید , مردم بیشتر با شما آشنا می شوند , بدان که همیشه بزرگترین خدمتها را پیامبران و صالحان و صدیقان , عالم انجام داده اند و اکثر آنها در این راه تا درک موت و شهادت پیش رفته اند , در عوض بزرگترین خیانتها را فراعنه و متکبران و دنیا طلبان عالم و کارگزاران آنها , انجام داده اند . که همگی تابع شیطان بودند . (اولیائهم الطاغوت بوده اند)

۷۹۴۷hasan

Member

۰۰:۵۸ - ۰۶/۱۰/۱۳۹۵

۳۸-گفتید "... کردن چهار حدیث و یکی دو آیه ای که برای شما وحی منزل است کوچکترین خدمتی به جامعه بشری نموده باشد!" جناب شیطان , وقتی که , نرود میخ آهنی بر سنگ , باور کن اشکال از مغز توست واگر نه میخ داره کارش را می کنه... ,

۳۹-گفتید " ولی وقتی صحبت از ایمان و اعتقاد به فلان خدا که میشود تنها شمای شیعی مذهب با یکی دو آیه حدیث آوردن می شوید بنده مخلص درگاه آن خدا و دیگران بجز یک مشت کافر و دهری و ملحد بیش نیستند؟! " جناب شیطان , به استحضار می رساند , هر کس خود را بنده مخلص خدا , معرفی کند (تا قبل از قیامت) کذاب است , چون کسی که باید اخلاص را تائید کند خود خداست , لذا این ادعای دروغ را مثل باقی دروغهای باطل می کنم , اگر راست می گفتید سند می آوردید , .. و مطمئن باش مومنان با خواندن کلام شما ایمانشان قوی تر می شود , خیالت راحت

۴۰-گفتید " شمایی که با وصله پینه کردن چهار حدیث و روایتی که مشخصا خود نیز از صحت و سقم آن چندان واقف نیستی " جناب شیطان دروغگو , بنده , استناداتم به آیات قرآن است که هیچ کس هیچ ایرادی در آن پیدا نکرده , و برای اینکه این چرندیات را نگوئی اثلا وارد حوزه روایات و احادیث نشده ام لذا...

۴۱-گفتید " چه گلی به سر جامعه بشری زده اید؟ " جناب شیطان , رسوا کردن امثال شما برای مردم و باطل کردن شبهه ها و دروغها و تهمتهای شما و تبع دشمن گرفتن امثال شما , باعث می شود در مردم فرقان به وجود بیاد , وقتی زنجیرها پاره بشه , مردم هم آزاد می شوند و آن وقت خودشان هر گلی را که خواستند انتخاب می کنند تا روی سرشان بگذارند لذا...

۴۲-گفتید " بفرمایید کدام اختراع علمی که دردی را از صدها درد جامعه بشری دوا نماید را از فلان آیه و حدیث کشف کرده اید؟ " جناب شیطان , ای کاش حداقل در یک رشته علمی یا فنی تخصص می داشتید , بعد اینگونه طلبکارانه از ما اختراع می خواستید , ثانيا شما که آیات ما را قبول نداری , پس این بحث به چه دردت می خوره

ثالثا تمام مبانی علوم انسانی شیعه ، که موضوعش خود انسان است روی شاهکلید های قرآنی بنا شده است رابعا وقتی جامعه به آرامش برسه ، ابتکارات و اختراعات و اکتشافات خلقی (فنی و تاکتولوژیکی و تکنولوژیکی) یکی بعد از دیگری در می یاد و...

۴۳-گفتید " خواهشا سفسطه بافی نکنید دقیقا نام آیه و یا حدیث رو نقل کنید و بفرمایید که طبق آن فلان اختراع را شما یا فلان دیندار نموده است." جناب شیطان احمق ، از یک متن ایدئولوژیک (فوق استراتژیک) انتظار $f=mg$ ، $(e=1/2mv^2 \quad w=mc(t_2-t_1))$ داری ، شما هنوز فرق علوم خلقی و جعلی را نمی دانی ، آن وقت به خودت اجازه می دی به قرآن اشکال کنی ؟

۴۴-گفتید " اما بد نیست نگاهی به آیاتی که مدعی هستید از جانب خالق هوشمند(الله) نازل گردیده بیندازیم" جناب شیطان ، در مذهب ما ، خداوند محافظ و نگهدارنده ، همه قوانین ثابت عالم ، همه مخلوقات ، همه انسانها و ... است لذا جز شیاطین ، که دشمن قسم خورده دستگاه خلقتند هیچکس به خود اجازه ، بیان ادعایی را نمی دهد

۴۵-گفتید " تا مشخص شود که بجز کپی پیست یکی دو آیه از این سایت و آن وبلاگ کار چندانی نمی کنید. " جناب شیطان چرا آدرس غلط می دهید زحمات باقی دوستان جای خودش محترم ولی بنده از ، منبع اصلی ، کلام الله مطالب را برداشت می کنم ،

۴۶-گفتید " تنها با شامورتی بازی و وصله پینه کردن و سانسور و تفسیر به رای از آیات سعی دارید چیزی را به خورد مخاطب بدهید که هیچ پایه و اساس عقلی(و حتی نقلی) نیز ندارد." برای آنهائیکه هنوز تعداد تهمت‌ها را می شمارند می گم ۵-۶ تا دیگه کنتر بیاندازند ، متاسفانه شیاطین هیچگاه به کلام خود توجه نمی کنند و همیشه با فرار به جلو ، همه عیوب خود را به طرف مقابل نسبت می دهند و چون یاد گرفته اند خود بین باشند ، نه حق بین ، لذا مدام شکر می خورند و...

۴۸-در مورد نقل قولی که کردید " وَإِنَّهُ لَدُوٌّ عَلِيمٌ لِمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ(یوسف/۶۸) ... " جناب شیطان اولاً همه می دانند تقطیع ، پایه منطقی ندارد ، شما کلی جمله پس و پیش آن مطلب را دلبخواه حذف کردی و بعد ادعای کار منطقی داری دوما مثال آب در ۱۰۰ درجه و ... برای نشان دادن تفکیک علوم حوزه خلق از جعل بوده ، اگر تو آی کیوت پایسته تقصیر من چیه ؟

۴۹-گفتید " بد نیست کل این آیه را بیاوریم تا ببینیم کلا موضوع چیست و چگونه از دل سوره یوسف و آن داستان اساطیری قوم یهود یک لابراتورا و آزمایشگاه پژوهشی مدرن بیرون کشیده اید!! " جناب شیطان ، هر جا در قرآن کلمات قد ،فقد ،ان ، انما ، کانما و... آمده ، آنها دکترینهای قرآنی اند و اگر در این مثال خاص، سه نقطه را در ابتدای آیه آورده ام ، یعنی منظور کلام نگارنده ماجرای پیشینی نیست بلکه توجه دادن مخاطب به دکترین قرآنی است و... الان هم دیر وقته و هم خیلی خسته ام و از طرفی می دانم توان تشخیص و تحلیل مفاهیم دکترین از دگما ، از دکسا ، از تنت ، آیدیا و ... را نداری ، و اگر نه تا صبح برات می نوشتم.

۵۰-گفتید " عقل علمی یعنی ، یعنی شناخت و ادراکی که با قوه فاهمه از راه تجزیه و تحلیل مادی و جهان اطراف ما بدست می آید که گویا کمترین شناختی از آن ندارید. نه عقل دینی که یک آیه را که کاملا مشخص است در چه باب و چه روایتی نقل شده را به هر نوع که خواستید تفسیر و تاویل نمایید." جناب شیطان یاد بگیر ، عقل کلمه ای قرآنی است و از عقال می آید به معنی دهانه بند شتر یا ... گویا اینطور فرض شده که فکر همچون شتری سرکش است که باید با دهان بند عقل مهارش کرد ، لذا هر کلمه را باید در جای خود معنی کرد از طرفی در مذهب تشیع عقل ، حجت حق است ، یعنی ما دیندار بی عقل نداریم و البته عاقل بی دین هم نداریم ، وظیفه عقل دریافت و ادراک حقیقتی است که خداوند وضع کرده است و از طرفی دین و حق با هم ممزوجند لذا تفکیک عقل به عقل دینی و عقل علمی ، غلط و باطل است و...

۵۱- گفتید " خوب از آنجا که احتمالاً بجز شما کسی اینجا تسلط کامل و کافی به زبان عربی ندارد" زبان بنده پارسی است و زبان عربی را فقط و فقط برای درک کلام خدا یاد می گیرم و زبان انگلیسی را فقط برای برقراری ارتباط عادی و این خاصیت امت وسط بودن است, که بهترین معارف , سایر تمدنها را می تواند بگیرد و تجزیه و ترکیب صورت دهد و حقایق را استخراج کند ... لذا اگر دیگران, کم کاری کرده اند به حساب , استثنا بودن بنده نگذارید.

۵۲- گفتید " هرچه نگاه میکنم متوجه نمیشم چگونه نیم خط آیه عربی می تواند یک خط و نیم ترجمه داشته باشد!" جناب شیطان , اولاً , ترجمه ای که آوردید , ترجمه بنده نیست , دوما یک نمونه ترجمه مرسوم از مرجع تقلید است , سوم در مورد قرآن اصل بر فهم است , چهارم قرآن برای همه اقوام بشری با هر زبانی نازل شده است , پنجم کلمات در دستگاه فکری قرآن , بار مفهومی خاصی دارند که فقط با درک کلیت قرآن , به فهم کامل در می یاد ششم قرآن ام الکتاب است , یعنی مرجع اولیه همه کتابهای دیگر و در عین سادگی به اندازه کل جهان قابلیت بسط دارد یعنی گاهی برای درک یک عبارت "صراط المستقیم" باید صدها جلد نگاشت نتیجه اینکه بررسی آیات قرآن با معیار جنابعالی یعنی نیم سطر به یک و نیم سطر باطل است.

۵۳- گفتید " شمایی که هنوز اینقدر سواد نداری که در ترجمه آیه جایز نیست دخل و تصرفی صورت گیرد و قرار نیست مترجم هرآنچه که فکر می کند درست است را در ترجمه آیه بیاورد. اگر اینگونه است پس این کلام خدای شما نیست و کلام شخص شخیص شما یا آن مترجم است. اگر کلام خداست پس کو و کجای آیه چنین آمده(بفرمایید نشان دهید!) " جناب شیطان , اولاً موج سواری نکن , مطلبی که خودم بهش اشکال دارم را به عنوان ادله خودت علیه بنده نیار , دوم , این ترجمه مرسوم , مرجع تقلید است که او بنا بر مقتضیات زمان و مکان , اینگونه تشخیص داده است , سوم به جای اشکال بنی اسرائیلی گرفتن , اگر ترجمه بهتری داری رو کن , چهارم بنده هم به ترجمه های قرآن اشکالات زیادی وارد کرده ام ولی یاد گرفتم , دیمی و کیلویی اشکال وارد نکنم البته در کنار نقد ترجمه پیشنهادی خود را نیز آورده ام .

۵۴- گفتید " کی به شما یا آن مترجم اجازه داده هرآنچه که دوست داشته را در میان دو پرنتر به نام کلام خدا به خورد خلق الناس بدهد!" تحلیل بنده را در صفحه ۱۱ آمده است و البته چه شباهت عجیبی است بین جملات شما و این جملات در صفحه ۱۱۱ کتاب " و ... که هر چه جلو می رویم گند این شبهه بیشتر بلند می شود . که به روشنی نشان می دهد که عده ای با بافتن فقط قصد صدوا عن سبیل داشته اند مایه شرم اینجاست که این موارد را در کتابها به عنوان " قصه های قرآن" به خورد خلق الله می دهند ."

۵۵- گفتید " خالق جنابعالی قادر و مطلق و توانا و دانا و عالم به جهان ووو...الی ماشالله صفات دیگر است پس شمای نوعی چکاره هستی که علم و آگاهی او را به زیر سوال می برید؟" جناب شیطان انسی, دیگه رو دست معبود خودت زن , حتی شیطان هم گفت : **وَإِذْ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌّ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَأَتِ الْفِئْتَانَ نَكَصَ عَلَىٰ عَقَبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكُمْ إِنِّي أَرَىٰ مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ**(الأنفال/۴۸)

و (به یاد آور) هنگامی را که شیطان, اعمال آنها [= مشرکان] را در نظرشان جلوه داد, و گفت: «امروز هیچ کس از مردم بر شما پیروز نمی گردد! و من, همسایه (و پناه‌دهنده) شما هستم!» اما هنگامی که دو گروه (کافران, و مؤمنان

مورد حمایت فرشتگان) در برابر یکدیگر قرار گرفتند، به عقب برگشت و گفت: «من از شما (دوستان و پیروانم) بیزارم! من چیزی می بینم که شما نمی بینید؛ من از خدا می ترسم، خداوند شدیدالعقاب است!»
و اما در مورد شانناژی که کردی ، بنده نوعی، غلط می کنم ، علم و آگاهی خدا را زیر سوال ببرم ، ولی تو ، فکر می کنی تا کی زنده ای و تا کی خدا بهت فرصت توبه می ده ؟ قبلی هایی که مثل تو فکر می کردن ، الان کجان ؟ ، چرا اینقدر اصرار داری ، بقیه را به اغتشاش و جهنم افکار پلیدت دعوت کنی ؟ و از جهان منظم یک مهندس و خالق فراری بدی ؟

۵۶-گفتید " پس لازم نبود شما کلام ناقص او را کامل نمایید(البته اگر بپذیرید که کلام او ناقص است!) " شیطان ، انسی احمق ، خیلی خیلی خیلی ، از تو بزرگتر ، خواستن ، از قرآن نقص در بیان ، دریغ از یک آیه ، آن وقت تو جوجه شیطان ، بلند شدی در لفافه انتقاد از مترجم ، به قرآن حمله می کنی...

۵۷-گفتید " و اگر ناقص نیست پس این اضافاتی که شما به اکثر آیات او با مشخص نمودن آن در میان دو پرانتز می افزایشید چه معنا و مفهومی دارد؟! " احمق ، کدام اضافه ؟

وَإِذَا تُلِّتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا أَتَنْتِ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدَّلْتَهُ لِيُتَبَدَّلَ مِنْ تِلْقَاءِ نَفْسِي إِنَّ آتَيْتُ إِلَّا مَا يُوْحَىٰ إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ (يونس/۱۵)

و هنگامی که آیات روشن ما بر آنها خوانده می شود، کسانی که ایمان به لقای ما (و روز رستاخیز) ندارند می گویند: «قرآنی غیر از این بیاور، یا آن را تبدیل کن!» (و آیات نکوهش بتها را بردار) «من حق ندارم که از پیش خود آن را تغییر دهم؛ فقط از چیزی که بر من وحی می شود، پیروی می کنم! من اگر پروردگارم را نافرمانی کنم، از مجازات روز بزرگ (قیامت) می ترسم!»

تو اگر با این ترجمه ها ، مشکل داری ، همت کن برو و به زبان اصلی یاد بگیر.

۷۹۴۷hasan

Member

۰۱:۰۱ - ۰۶/۱۰/۱۳۹۵

۵۸-گفتید " اگر ترجمه قرآنی چند مترجم شیعی همچون فولادوند، الهی قمشه ای، مکارم، خرمشاهی و... را کنار هم بگذارید خواهید دید که اغلب ترجمه ها با یکدیگر متفاوت است!" اولاً ماجرا به این شوری که گفتید نیست ترجمه ها در بیش از ۹۰ درصد آیات با هم همپوشانی دارند، دوم در مورد تشابهات که کمتر از ۱۰ درصد است در نظر مترجمان ، اختلافاتی وجود دارد یعنی مثلاً ۱۰ مترجم از یک متن ثابت برداشتهای متفاوتی داشته اند، لذا بر فرض هم ثابت شود یکی از ترجمه ها ایراد داشته ، این اشکال به مترجم بر می گردد نه به متن اصلی .

۵۹-گفتید " جای تعجب نیست که با این همه ادعایی که شما دارید و با این ادعا که این جهان و خلقت دارای خالقی قادر و عالم و تواناست " جناب شیطان ، اینها ادعای بنده نیست ، کلام خود خالق هستی است که ۱۲۴۰۰۰ نبی و ۵ پیامبر اولی العزم ، و ۱۲ امام معصوم با خون خودشان پای آن را امضا کردند و امثال بنده ، به حقانیت و درستی اینها ایمان داریم و همه هست و نیست خود را بابت آن هزینه می کنیم ، قیمت تو چقدر است ؟ تا کجا حاضری پای فلسفه هایی که خیلی هاش زیر سواله ، الباقی اش هم هر لحظه امکان باطل شدنش هست ، ایستادگی کنی ؟

۶۰-گفتید " این مترجمین و مفسرین هستند که در طول ۱۴۰۰ سال با این شیوه ترجمه و تفسیر به رای و بعضاً تاویل های خود خواسته از آیات قرآنی سعی نموده اند به آن اعتبار ببخشند." به جناب شیطان اعظم ، بابت تربیت همچین شاگردی تبریک می گویم ، ولی همانطور که قبلاً هم ذکر شد، هدف از خلقت شیطان و حزبش این است که مومنان با زدن تو سر آنها ، به درجات ، عقل و ایمان خود بیافزایند و اما در مورد اعتبار قرآن

لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (الحشر/۲۱)

خدا می‌شکافد! اینها مثالهایی است که برای مردم می‌زنیم، شاید در آن بیندیشید!

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (البقرة/۲۳)

و اگر در باره آنچه بر بنده خود [= پیامبر] نازل کرده‌ایم شک و تردید دارید، (دست کم) یک سوره همانند آن بیاورید؛ و گواهان خود را - غیر خدا - برای این کار، فراخوانید اگر راست می‌گویید!

وَأَقْدَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ (البقرة/۹۹)

ما نشانه‌های روشنی برای تو فرستادیم؛ و جز فاسقان کسی به آنها کفر نمی‌ورزد.

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (الحجر/۹)

ما قرآن را نازل کردیم؛ و ما بطور قطع نگهدار آنیم!

۶۱- گفتید " بنده قبلا عرض کردم، من خدا هستم!" ما هم قبلا بارها و بارها اعلام کرده ایم، که شیطان و حزبش و پیروان شیطانیزم، هیچ پخی نیستند.

۶۲- گفتید " ... از صدر تا ذیل کتاب صحبت از کشتار و قتل عام و شکنجه دانشمندانیست، که در طول تاریخ بشریت همواره سعی نموده اند با کمک علم و دانش خود زندگی را برای بشر بهتر و هموار نمایند." البته در شیعه داریم که قلم العلما افضل من دماء شهداء، لذا دانشمندانی که از روی آزادی خود و به خاطر بشریت، به مخالفت با فراعنه و قلم به مزدهای آنها برخاسته اند، در مقام شهید قرار دارند. ولی قطعاً حساب قلم به مزدها از شهدا جداست، ولو اینکه در ظاهر هر دویشان، لباس دانشمندان را به تن کرده باشند.

۶۳- گفتید " صحبت از سوزاندن کتب و دانش فلاسفه و اندیشمندان... " جناب شیطان، همین جا ترمز کن، فلاسفه که همواره نوکران دربار سلاطین و فراعنه بوده و همیشه در عیش و عشرت بوده اند و افتخارشان پاگان بودن و هم جنس باز بودن... بی خود آنها را ضعیف‌نمایی نکن، تا مثلاً آبرو سازی برایشون بشه و... آنها بزرگترین خائنان به بشریت اند چون وظیفه بدیل سازی در برابر حکمت دین انبیاء را داشته اند، لطفاً آنها را قاطی دانشمندان خادم به بشریت نکن، دانشمندان همچون چاقوی دو لبه اند، یا مومند و حقی را اقامه می‌کنند، یا دزدند که چراغ به دست گزیده تر برند کالا.

۶۴- گفتید " ... بدست مرتجعین دینی اعم از مسیحی و یهودی و مسلمان است " بارها گفته شد که دین نزد الله فقط اسلام (تسلیم حق) است و همواره دکانداران شریعت یهود و شریعت مسیحیت و روحانیت منهای اسلام، در داخل تمدن اسلامی بزرگترین ضربه‌ها را به جامعه دینی زده اند.

۶۵- گفتید " آنچه که تاریخ بشریت همواره بیاد داشته چیزی جز شکنجه و تکفیر و به آتش کشیدن عالمان بدست رجال دینی و دکانداران دینفروش بیش نبوده است." غلط گفتید، برعکس گفتید، چون این انبیاء بودند که به دست دینداران تقلبی، نوکران فراعنه هر دوران، به قتل می‌رسیدند.

فَبِمَا نَقُضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ وَكُفْرِهِمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ بَعِيرٍ حَقَّ قَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا (النساء/۱۵۵)

(ولی) بخاطر پیمان‌شکنی آنها، (ولی) بخاطر پیمان‌شکنی آنها، و انکار آیات خدا، و کشتن پیامبران بناحق، و بخاطر اینکه (از روی استهزا) می‌گفتند: «بر دل‌های ما، پرده افکنده (شده و سخنان پیامبر را درک نمی‌کنیم!» رانده درگاه خدا شدند). آری، خداوند بعثت کفرشان، بر دل‌های آنها مهر زده؛ که جز عده کمی (که راه حق می‌پویند و لجاج ندارند) ایمان نمی‌آورند.

، وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَوْلَاهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا (النساء/۷۵)

چرا در راه خدا، و (در راه) مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟! همان افراد (ستم‌دیده‌ای) که می‌گویند: «پروردگارا! ما را از این شهر (مکه)، که اهلش ستمگرند، بیرون ببر! و از طرف خود، برای ما سرپرستی قرار ده! و از جانب خود، یار و یابوری برای ما تعیین فرما!

۶۶- گفتید " جنگ میان مذهب بر پایه ایمان سنتی و تحجر و تعصب با علم و دانش بشری که از راه تجربه و تجزیه و تحلیل و آگاهی و معرفت از شناخت جهان عینی بدست آمده است. " جناب شیطان ، اگر استثنا دوره حضرت داوود و سلیمان و پیامبر اکرم(ص) را کنار بگذاریم و اگر کمی با تاریخ منازعات درون و برون تمدنی آشنا بودی ، می دانستی که همه جنگ ها ریشه در کسب سلطنت و حکومت داشته و دارد پسر علیه پدر ، برادر علیه برادر ، سلطان یک کشور علیه سلطان کشور دیگر و ... البته در بستر آن همواره از ، مطالب دین سطحی ، به عنوان وسیله ای برای تحمیق و استثمار مردم استفاده می شده است .ولی هر عاقلی می تونه بفهمه که اصل جنگ بین سلاطین رخ داده و روحانی نماها ، وسیله و آلت آنها بوده اند. تا وقتی به فرقان نرسی ، یعنی نتوانی راست و دروغ ، اصلی و تقلبی ، ظاهر و باطن و را از هم تشخیص بدی ، همچنان در باتلاق جهل (دانسته های غلط)دست و پا می زنی .

۶۷- و اما سخن آخر

جناب شیطان انسی ، به وظیفه ات عمل کن و هر چه در چنته داری ، علیه ما به کار ببر ، چون کارکرد شما در حیات جز این نیست ، امیدوارم روزی استادت ابلیس ، جرات ظاهر شدن در برابر ما را داشته باشه و وجود، پیکار نفر به نفر را داشته باشه و خودش غلیظ بشه و بیاد وسط میدان و نوچه هایی مثل شما را قربانی خودش نکنه

والسلام من التبع الهدی

۰۱۳۱۲۲۴۷۵۶۶

Member

۰۲:۰۴ - ۰۶/۱۰/۱۳۹۵

با سلام و درود

جناب حسنی این جمله یکی از منتقدین بود که فکر میکنم منظورشان من بودم. پوزش که منظور خود را بد رساندم

EFA

Member

۱۴:۴۱ - ۰۶/۱۰/۱۳۹۵

نقل قول از hasan: ۷۹۴۷:

در پاسخ به مخاطب محترم EFA

۲- در مورد سرچی که فرمودید و نتیجه نگرفته اید لطفا آدرسهای زیر که در صفحه اول سرچ می آید را هم مطالعه بفرمائید.

http://www.bashgah.net/fa/content/print_version/۱۰۵۸۲

<http://www.aftabir.com/articles/view/rel...%B%۳D%۸۱%۹D۸۷%۹>

و همینطور :

ژیلسون در قسمتی از کتاب خدا و فلسفه اینگونه می گوید : فلاسفه جدید پس از اینکه مفهوم «کسی که هست» را توأم با معنای حقیقی مساله وجود، به فراموشی سپردند؛ طبیعتا باید به سطحی‌ترین تفسیر مساله علل غائی باز می‌گشتند. بدین قرار خدا در آرا فونتئل و ولتر تبدیل به «ساعت‌ساز» شد، یعنی مهندس عالی ماشین عظیم عالم.

ژیلسون معتقد است که فلاسفه جدید در باب خد اچنان سخن گفتند که گویا فلسفه قرون وسطی اصلا وجود خارجی نداشته و آنها بلاواسطه، پس از فلاسفه یونان پا به عرصه تفکر گذاشته بودند. نکته حائز اهمیت در این دوره تفکیک میان ایمان و تعقل و در نتیجه جدایی خدای فلسفه از خدای دین بود. آنگاه که فلسفه راه خود را از دین جدا کرد فیلسوفان متدین دو راه بیشتر در پیش نداشتند: برخی خدای مسیحی را در کنار خدای دکارت پذیرفتند و برخی همان خدای صنعت کار بسنده کردند.

و مزید اینکه

اصالت تکنیک و تکنولوژی بر نیروهای ماورایی و غیبی سبب می شود که جایگاه الوهیت پروردگار متعال دچار خدشه شود و جهان متصور در چنبره ی تفکر خدای ساعت ساز مسیحیت گرفتار گردد. خدایی که هیچ ربوبیتی نسبت به جهان ندارد و جهان را پس از خلق به حال خود رها ساخته است. با دامن زدن به این تفکر ، نقش پروردگار متعا %

همین دو لینی که دادید الاهییت از منظر فلسفه و فیلسوفان مسیحی را برسی می کند و در هیچ کجای آن ادعا نشده است که " مسیحیت معتقد است خدا آفرید و سپس کنار رفت " که اگر ادعا هم می کرد به دروغ بود. این دو قضیه که فلاسفه مسیحی چه عقایدی دارند، که گاه در تناقض و اختلاف با هم نیز هستند و اینکه مسیحیه باور دارد خدا آفرید و سپس کناری رفت دو قضیه جدا از هم هستند. شما تماما از فیلسوفان بحث می کنید و فیلسوفان مسیحی، نه از مسیحیت که در واقع کلیسا و کشیش است.

یک مثال میزنم تا روشن تر شوید: در اسلام فیلسوفان و اندیشمندان گاه رو در روی آخوند ایستاده اند، برای مثال در اواخر می توان به عبدالکریم سروش و سروش دباغ اشاره کرد چون فیلسوف و اندیشمند مسلمانی گفته وحی رویای پیامبر است یک مسیحی نمی تواند بگوید اسلام می گوید وحی رویای پیامبرشان بوده و بعدا نتایج خودش را بگیرد این مغالطه و عوام فریبی است. چیزی که در سخنان شما بسیار زیاد است.

شما دارید بر روی یک چیز کاملا بدیهی با من بحث می کنید! و گردن هم نمیگیرید که دروغ بافی می کنید، مقدمه غلط می دهید نتیجه دلخواهتان را از آن می گیرید.

پروتستان را مثال زدید بهتر است بروید عقاید خود پروتستان ها را مطالعه کنید تا ببینید بیشتر از شما به دخالت پروردگارشان باور دارند.

کتاب های مسیحی

تلوزیون شبکه مسیحی

توجه کنید من مدافع مسیحیت نیستم ولی مشکل سفسطه ها و مغالطات و دروغ پردازی های شماست.

[nikdoost](#)

Member

۱۹:۱۹ - ۰۶/۱۰/۱۳۹۵

به ۷۹۴۷ hasn

با این اراجیف بلند بالا و بی سر و تهی که می نویسی هیچکس تو را عاقل و فرزانه و فرزانه نخواهد شمرد، بدی ی اقبالی که به تو روی آورده این است که هنوز نفهمیده ای و نمی دانی هیچ عاقلی پیدا نمی شود، و فرصت ندارد آنها را بخواند، به خصوص که از پیش می داند جز اتلاف وقت و به هم خوردن حالش چیزی عایدش نخواهد شد، شاید آنهایی که مزدورش شده ای نوشته هایت را وجب می کنند و به تو پول می دهند، گمان نمی کنم حتی آنها هم حوصله ی خواندن این مزخرفات را داشته باشند. " فرضیه شجره و خلقت نخستین انسان ها " را خواندم بسیار

سطحی نگری و سفیهانه و غلو آمیز و به نوعی آلاغ پردازی و جفتک اندازی به موضوعات پیچیده ی داروین بود، طبل تو خالی و پر از ادعا بود، بد فهمی از فرضیه های داروین آنچنان که موجب محبوبیت بیش از پیش وی نزد خواننده ی بی خبر می گردد، شاید هم مأموریت تو این باشد که از تو خواسته باشند کاری کنی که آوازه و شهرت خفته ی داروین که در جامعه ی تحصیل کرده و دانشگاهی ما چندان مطرح نیست، بیدار گردد، در این زمینه هم ناتوان هستی زیرا مقولات تو به هیچ وجه قابل تأمل نیست، طالبانی و دگم و پر از تعصب و حاکی از نا آگاهی است، مثل چاقو کش ها و قمه زن ها به شخصیت این دانشمند حمله ور شده ای. نمی دانی که سفارش شده؛ « و لم یلبسوا ایمانهم بظلم » یعنی

مؤمن به ایمان خود لباس ظلم و ستم و نارواگویی نمی پوشاند، اول از همه ذات متمرّد و نافرمان خودت را اصلاح کن، به تو سفارش می کنم عاقل باش و قبل از این که حرص نوشتن و طمع به شهرت رسیدن را در خود ارضا کنی؛ مطالعه کن چون متاسفانه اسلام را به هیچ وجه درک نکرده ای و فقط لاف می زنی روش طالبان بی خرد را در پیش گرفته ای، از آیات قرآن حکیم سوء استفاده نکن و معانی و تفاسیر آن را در جهت قالب کردن اندیشه های نابخردانه ی خود به کار نگیر، « و من فسّر القرآن برأیه فلیتوباً مقعده من النار »؛ روز قیامت در مقعد کسی که به رأی خود آیات الهی ی قرآن را تفسیر کند و اشاعه دهد، آتش اِماله خواهند کرد، دست بردار و برو ردّ کارت، خودت را فریب نده، خود فریبی هم ظلم به نفس است قبلاً هم به تو گفته ام ولی گوش شنوا نداری. منتظر پاسخت نیستم، وراجی را کنار بگذار و شرم داشته باش و از خدا بترس.

می کوش به هر ورق که خوانی ... کان دانش را تمام دانی
پالان گیری به غایت خود بهتر ز کلاه دوزی بد
گفتن ز من از تو کار بستن ... بی کار نمی توان نشستن
با این که سخن به لطف آب است ... کم گفتن هر سخن صواب است
آب ار چه همه زلال خیزد ... از خوردن پر ملال خیزد
کم گوی و گزیده گوی چون دُر ... تا ز اندک تو جهان شود پُر
لاف از سخن چو در توان زد ... آن خشت بود که پر توان زد
مرواریدی کز اصل پاکست ... آرایش بخش آب و خاکست
تا هست درست گنج و کانه است ... چون خرد شود دوی جانهاست
یک دسته گل دماغ پرور ... از خرمن صد گیاه بهتر
گر باشد صد ستاره در پیش ... تعظیم یک آفتاب ازو بیش
گرچه همه کوبی به تاب است ... افروختگی در آفتاب است

padshah nashnas

Member

۲۱:۲۳ - ۰۶/۱۰/۱۳۹۵

nikdoost عزیز ، شما از خدا بترسید!

طبق مشاهده ی من کامنت های شما ، شما به هرکس که نظرش که ذره ای اختلاف با شما داشت حمله کردید و با گستاخی نظرات او را الاغ پردازی و جفتک اندازی خواندید. اگر از خدا خجالت نمی کشید، حداقل از این همه کاربران کتابناک خجالت بکشید.

نکته جالب توجه دیگر این است که شما به شکل عجیبی متوهم هستید و تمام مردم را در حال توطئه بر علیه دیگران می بینید ، نمونه واضح آن هم همین کامنت زیر که جناب حسنی را به ترویج افکار داروین در زیر پوشش مخالفت با آن می بینید !

بنده خود با تقریبا هیچکدام از نظرات جناب حسنی موافق نیستم اما این را دلیل بر زدن تهمت و گستاخی نسبت به ایشان نمی بینم!

nikdoost جان شما از خدا بترسید!

عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت

که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت

من اگر نیکم گر بد تو برو خود را باش

هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت

همه کس طالب یارند چه هشیار و چه مست

همه جا خانه ی عشق است چه منزل چه کنشت

سر تسلیم من و خشت در میکده ها

مدعی گر نکند فهم سخن گو سر و خشت

نا امیدم مکن از سابقه ی لطف ازل

تو پس پرده چه دانی که خوب است و که زشت

نه من از پرده تقوا به در افتادم بس

پدرم نیز بهشت ابد از دست بهشت

حافظا روز اجل گر به کف آری جامی

یک سر از کوی خرابات برندت به بهشت

۷۹۴۷hasan

Member

۲۱:۴۵ - ۰۶/۱۰/۱۳۹۵

با سلام و وقت به خیر

خدمت مخاطب گرامی ۰۱۳۱۲۲۴۷۵۶۶ اختیار دارید , باور کنید اگر همه آزاد اندیشان جهان بتوانند حرفشان را درست مفهوم کنند , در می یابند که تقریبا هیچ اختلاف اساسی بین آنها نیست و مشکل ما کلمات عنب , ازن , انگور ... است همه از یک حقیقت دم می زنیم (تلاش برای نجات بشریت)ولی کلمات خود را به کار می بریم . البته اینکه گفتم برای آزاداندیشان بود و حساب کافران و ملحدین و مارقین , ناکشین , ساقطین و اشرار از این قاعده جداست.

خدمت مخاطب گرامی EFA

فرمودید " همین دو لینکی که دادید الاهییت از منظر فلسفه و فیلسوفان مسیحی را بررسی می کند ... " خوب دوست عزیز , ۱- شما وقتی راجع به یک جمعیت بررسی انجام می دهید , سراغ عوام آنها می روید یا سراغ سران و متولیان آنها

۲- کتب کلامی مسیحیت و تلوزیونهای مسیحی که نوعی دین تبشیری را تبلیغ می کنند , مصداق حرف مارکس هستند که گفت , دین افیون توده هاست , برای مقدمات ورود به دین خوب است, ولی برای مقاطع بالاتر که دین باید جواب سوالات عقلی را بدهد, کافی نیست به همین خاطر اکثر فیلسوفان غرب , مسیحی بوده اند , یا کشیش

بوده اند، و گرایش‌های دینی قوی داشتند، از آگوست کنت بگیر تا خود جناب داروین که تازه پس از تکمیل دوره الهیات، وارد نظریه پردازی در حوزه زیست‌شناسی شده است.

و امروز مسیحیت در دانشگاه‌ها و علوم مختلف، کاملاً ورود پیدا کرده است. منطق‌های (روش فکر کردن‌های) که مبتنی بر تز، آنتی‌تز، سنتز است، کاملاً مبتنی بر انحراف اقنوم سه‌گانه است (پسر، پدر، روح القدس) و اکثر علوم و فلسفه تولید غرب بر پایه این منطق، چیدمان شده است.

لذا به نظر بنده این نوع مسیحیت است، که باید بررسی شود و انحرافات و تحریف‌هایش را کشف کرد و لذا پاسخی که دادم معطوف به این دسته است، حال اگر شما عوامی که فقط یکشنبه‌ها، یک سری به کلیسا می‌زنند، یا پای تلویزیون به سخنان شبان‌ها، (شبان‌رمگی: مردم را گله‌ای می‌بینند که باید هدایت شود) گوش می‌دهند، منظورتان بوده، بنده اثلا حرفی ندارم.

اتفاقاً در آن رویکرد است که کلیسایی برای آقای جرج دبلیو بوش ساخته می‌شود و در جلو آن عکسی از او قرار داده می‌شود و به بچه‌های خردسال گفته می‌شود که او (بوش) پسر خداست، و باید او را پرستش کنند و

لذا دوست عزیز، عقل حجت‌درونی است، هر چه عقل سالم پذیرفت، آن را جزء دین قلمداد کن و بالعکس را نه

شما به جای اینکه روی ادعای ساعت‌ساز نبودن خدا کار کنی به کلام خود خدا مراجعه کن

قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَىٰ ذَلِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ (الأنبياء/۵۶)

گفت: «(کاملاً حق آورده‌ام) پروردگار (رب، ربوبیت‌کننده آن به آن) شما همان پروردگار آسمانها و زمین است که آنها را ایجاد (از وجه فطرت و فاطریت) کرده؛ و من بر این امر، از گواهانم!

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ (البقرة/۲۵۵)

هیچ معبودی نیست جز خداوند یگانه زنده، که قائم به ذات خویش است، و موجودات دیگر، قائم به او هستند؛ هیچگاه خواب سبک و سنگینی او را فراموشی‌گیرد؛ (و لحظه‌ای از تدبیر جهان هستی، غافل نمی‌ماند) آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن اوست؛ کیست که در نزد او، جز به فرمان او شفاعت کند؟! (بنابراین، شفاعت شفاعت‌کنندگان، برای آنها که شایسته شفاعتند، از مالکیت مطلقه او نمی‌کاهد.) آنچه را در پیش روی آنها [= بندگان] و پشت سرشان است می‌داند؛ (و گذشته و آینده، در پیشگاه علم او، یکسان است.) و کسی از علم او آگاه نمی‌گردد؛ جز به مقداری که او بخواهد. (اوست که به همه چیز آگاه است؛ و علم و دانش محدود دیگران، پرتوی از علم بی‌پایان و نامحدود اوست.) تخت (حکومت) او، آسمانها و زمین را دربرگرفته؛ و نگاهداری آن دو [= آسمان و زمین]، او را خسته نمی‌کند. بلندی مقام و عظمت، مخصوص اوست.

در مورد سروش هم مثالی زدید " چون فیلسوف و اندیشمند مسلمانی گفته وحی رویای پیامبر است یک مسیحی نمی‌تواند بگوید اسلام می‌گوید وحی رویای پیامبرشان بوده و بعداً نتایج خودش را بگیرد " دوست عزیز بین فلسفه و دین تفکیک قائل بشو، کل شریعه نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد (ص) را که پشت در پشت هم هستند را یک دین در نظر بگیرد (آیاتش را قبلاً آوردم) که به همه اش، تسلیم در برابر حق، یا اسلام نام نهاده اند. حالا متکبران و سلاطین و دنیاطلبان جهان از همان اول ارسال رسل، یک جریان فکری مقابل دین درست کردند که نامش را فلسفه گذاشتند، بسیاری از کلمات در این دو جریان معانی متفاوت و برخی حتی معنی متضاد دارد لذا، عبارت فیلسوف مسلمان غلط است (لطفاً بحث ملا صدرا و ... را پیش نکشید که آن خودش داستان درازی دارد) فلسفه و دین، هیچ وقت آبشون با هم در یک جوی نرفته است و نمی‌رود و نخواهد رفت و ...

لذا سرورش ۲۰۱۶ را فیلسوف بدانید نه متدین مسلمان و لطفاً این جمله را " این مغالطه و عوام فریبی است. چیزی که در سخنان شما بسیار زیاد است. و دروغ بافی می کنید، مقدمه غلط می دهید نتیجه دلخواهتان را از آن می گیرید. " نیز پس بگیرید. از شخصیتی فکری، مثل شما بعید است که به وادی تهمت و افترا بگرائید فرمودید " توجه کنید من مدافع مسیحیت نیستم " دوست عزیز شما مدافع حق باش، حالا هر جا که بود، و بدان هر مسلمانی که پیامبری عیسی مسیح (ع) و تعالیم صدقه او را قبول نداشته نباشد، اثلاً مسلمان نیست و...

به شیطان بزرگ جناب نیکدوست، یا کایدان، یا...

راه شناخت منافق این است که بدانی او نام نیکی و دوستی روی خود می گذارد و آواتار گل محمدی را انتخاب می کند ولی در باطن جز سیاه نمایی، عقده پراکنی، لجن پراکنی چیزی در گفته هایش نمی یابید. قبلاً در چند پست، به طور مفصل جوابش را داده ام و دیگر ارزشی برای جواب دادن به پست او نمی یابم. و فقط جمله شهید بهشتی را به ایشان می گویم که ای مزدور منافق، از دست ما عصبانی باش و از این عصبانیت بمر... و سخنی با سایر مخاطبان، مباحث علوم انسانی، این درجه از پیچیدگیها را دارد، از هر جا وارد می شوید، الا و لابد به مبانی می رسید، ما بحثمان نقد داروینیسیم برای کشف حقیقت بود که کار به اینجا کشیده، لذا چاره ای نیست، وقتی شیطان، همه توان، همه سپاه و همه حزبش را روانه میدان می کند، و هیچ ادله منطقی و عقلانی به مصداق، هم نمی تواند ارائه دهد چاره ای جز زدن این حرفهای کثیف، ندارند از طرفی، امکان خوبی فراهم شده تا شما هم تمرین کنید، در این کلمات کثیف سیر کنید بدون آنکه، جزئی از آن دامانتان را بگیرد. به زودی در همه رشته های علوم انسانی، جدلهایی به این سنگینی، حتی بیشتر را شاهد خواهید بود. موفق و پیروز باشید.

nikdoost
Member

۰۶/۱۰/۱۳۹۵ - ۲۲:۲۳

به padshah nashnas

جناب حسنی ارزانی خودت اما، "هیچ کس" را هرگز کسی نینگار، به جناب حسنی ی شما ولننگاری نکردم، نمی شناسمش و نمی خواهم شخص اور بشناسم، هر که می خواهد باشد، به مطالب غلط انداز وی انتقاد کردم و گفتم؛ " سطحی نگری و سفیهانه و غلو آمیز و به نوعی آلاغ پردازی و جفتک اندازی به موضوعات پیچیده ی داروین بود،" این مطلب کجایش اهانت به جناب حسنی شما بود؟ برعکس این تو هستی که مرا گستاخ و متوهّم خواندی و اهانت ورزیدی که البته قابل اغماض است و بر تو حرجی نیست زیرا تو هم به تبع از او سخنان ناسنجیده می گوئی و به خیال خودت پاسخ دندان شکن به من دادی و اشعار زیبای حافظ را نابجا چاشنی ی گفتار موهنت کردی. اینکه از کسی بابت مطالبی که نوشته و یا سخنانی که گفته، انتقاد کنی کار بدی نیست و می تواند سازنده باشد ولی حتماً باید در این امر خبره و با تجربه باشی و مرتبت خود را بدانی، واکنش تو در مقابل حرفهائی که مخاطبش نبودی اساساً ناپسند و مداخله جویانه و بد فهمی بود، واقعاً سوء تفاهم بود، مطالبی را که نوشته ام دوباره با تأمل بخوان، عزّت نفس داشته باش، زود قضاوت نکن، نشانه ی وجود عزّت نفس در آدمی؛ خوش فکری و نیکو اندیشی، خوش گفتاری و گشاده روئی و تداوم خوش رفتاری است، در این حالت است که جامعه منسجم و همچون درختان سرسبز، سر به هم می آورد و در باغ و بوستان و جنگل ها موجب شکوفائی و زیبایی و وحدت و بی اندازه فرح بخش می شود که انسان برای دیدنشان لحظه شماری می کند، اما و چرا اجتماع بسیاری از آدمیان در وقت و بی وقت هراسناک و به مانند سرطان وحشت آفرین می شود و نفرت و تفرّد و تنهائی، همچون تک درختان نا همگون و

بی بر و بار بسیار به چشم می خورد؛ چون تفاهم پایمال می شود و جای خود را به تحمّل طاقت فرسا و سرانجام به تک روی و خطر بزرگ فروپاشی می دهد و در این حالت است که دیگر داروی نصیحت و اندرز هم در تن و روان بیماران بی خیال مؤثر نخواهد بود. باید تلاش کرد تفاهم و همدلی ی بی حد و حصر و پایدار فراگیر شود و بر سر جای خود باز گردد زیرا طاقت تحمّل اندازه دارد و تمام شدنی است، بدفهمی مایه ی نِقار و مسبب کینه و کدورت و کشمکش و نزاع و دشمنی و پدید آمدن درد بی درمان مجادله می شود، همه ی بدبختی ها و جدال ها برخاسته از سوء تفاهم و عدم وجود عزّت نفس است. راه رسیدن به تفاهم شکیبائی و تأمل در منعکس کردن نظرات و بیشتر گوش دادن و فهمیدن دیگران است.

دارو سبب درد شد اینجا چه امید است

زایل شدن عارضه و صحت بیمار

IranistNIMA

Member

۲۳:۳۷ - ۰۶/۱۰/۱۳۹۵

باز هم یکسری برداشت عامیانه از یک واقعیت علمی که هزاران هزار دلیل بر اثباتش وجود دارد. باز هم چسب و قیچی دست گرفتن و نگاه انتخابی به متون دینی و استخراج فرضیاتی فاقد قابلیت اثبات. مایه شرمساری است.

kaydan

Member

۰۹:۲۷ - ۰۷/۱۰/۱۳۹۵

نقل قول از hasan ۷۹۴۷:

چهارم اینکه امام صادق ما شیعیان، در دانشگاهش ۴۰۰۰ شاگرد تربیت کرد که یکی اش، رازی کاشف الکل بوده است و... ودعای ما همواره این است وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا(طه/۱۱۴) و بگو: «پروردگارا! علم مرا افزون کن!» لذا مصونیت از دانش اتهام بیجایی بود. لذا هیچ مذهبی به اندازه شیعه به علم اهمیت نداده است. پنجم اینکه همین توصیه ای که فرمودید را به خودتان بر می گردانم " و لطفا هر چیزی را با هم قاطی نکنید و حداقل آن وجدان را داشته باشید که با دروغ گفتن و اطلاعات غلط دادن نخواهید به هدف برسید".

جای بسی تاسف برای بنده که با فرد بیسواد و بی ادب و بی نزاکتی که شعور صحبت کردن نداره باید وارد مباحثی بشم که کمترین اطلاعی بجز حرافی و خزئبلات گویی و توهین به دیگران بلد نیست. شما در کامنتهای بعد خود بنده رو احمق، نادان و شیطان ووو... خطاب کردید. ادعا کردید بنده فردی دروغگو هستم آنهم به صرف اینکه جنابعالی اطلاعی از افکار و نیات دانشمند بزرگی همچون محمد بن زکریای رازی ندارید. این بخش از ادعای مضحک شما رو بنده نقل قول کردم تا دیگر اعضا ببینند با چه شخصیتی در این جستار باید سرو کله بزنییم!

فرمودید زکریای رازی شاگرد امام صادق بوده؟!!!!

در صورتی که ابوعبدالله جعفر بن محمد صادق (معروف به امام جعفر صادق) در سال ۸۳ هجری قمری در مدینه به دنیا آمد و در سن ۶۵ سالگی در ۱۴۷ تا ۱۴۸ هجری نیز در همان مدینه وفات نمود.

محمدبن زکریای رازی فیلسوف و شیمیدان بزرگ ایرانی در سال ۲۵۱ تا ۳۳۱ هجری میزیسته یعنی فاصله تولد او با مرگ امام صادق ۱۰۳ سال فاصله زمانی وجود داره! حالی یکی نیست بگه چجوری این دانشمند میتونه شاگرد کسی باشه که یک قرن پیش از تولد او فوت کرده!!

جناب شاکری تا آنجا که بنده متوجه شدم شما در مباحث بجز زیاده گویی، زیاده نویسی، مغلطه و بی ادبی و توهین و تهمت زدن حرفی دیگری برای گفتن ندارید، بقیه گفتارتون به همین شکله بجای پاسخ منطقی و عقلانی با سفسطه بافی و کلی گویی و سه چهارتا توهین فکر می کنید مشکلتون حل شده و مخاطب رو تونستید متقاعد کنید!

یک فرد منصف یک نگاه به کامنتهای بعد شما بنده متوجه خواهد شد بجز گفتار پوچ و بی ارزش و لفاظی کردن هیچ نظری مستدل و مستندی ابراز نکردید. (فقط تعجب من اینجاست واقعا جنابعالی بی کار هستی اینهمه حرف بی اساس رو توی اینهمه کامنت به خورد دیگران می دهی؟! خودت خسته نمیشی از این همه گفتار بی ارزش؟)

۲۵۰۰ aziznasin

Member

۱۲:۰۴ - ۰۷/۱۰/۱۳۹۵

با سلام

به تمام کسانی که در این دیدگاه به همدیگر توهین میکنند.

اگر به گفته خودتان نمی خواهید با افراد بی سواد و بی ادب وارد بحث شوید و برایتان مهم نیست پس چرا اینقدر به هم توهین میکنید. مگر نه اینکه آن دیگران و حرفهایشان برایتان اهمیت دارد که جواب میدهید، اگر اهمیت نداشت اصلا جواب نمی دادید. پس بازی و سیاه بازی را کنار بگذارید بگوئید این سایت جای خوبی برای عقده گشایی و خالی کردن خودتان است نه برای دادن آگاهی به دیگران.

EFA

Member

۱۸:۱۰ - ۰۷/۱۰/۱۳۹۵

نقل قول از hasan ۷۹۴۷:

خدمت مخاطب گرامی EFA

بحث ما بر سر هگل و اسپینوزا و کانت و دکارت و مارکس و هایدگر و فوکو و ... نیست، بحث ما بر سر الاهیات مسیحی هم نیست، بحث ما بر سر گفته های دین و جرج بوش هم نیست. بحث ما بر سر این هم نیست که فلسفه و اندیشدن و علم آب شان با دین به یک جوی می رود یا نه که نمیروند و خودتان هم تایید می کنید.

بحث بر سر این بود یک دروغی گفتید که مسیحیت می گوید خدا آفرید و سپس کناری رفت. در کدام دوره کلیسا یک چنین حرفی زده و یا تایید کرده؟

تک تک ادعاهایتان در رابطه با منطق هگلی و فلسفه و دین پاسخ دارد و هر کدام موضوعی است بحث مفصلی دارد که باید هر موضوع انتخاب شود و درباره آن موضوع بحث شود ولی بحث چیز دیگری است، بحث بر سر دروغ و مغالطه ای بود که کرده اید و حالا هی آسمان و ریسمان می بافید البته مشت نمونه خروار است که همگی حرفایتان مثل همین ادعایتان بر روی مقدمات غلط و مغالطه بنا شده و به خیال خام جنابتان به خورد دیگران می دهید.

خواهشا به جای کشیدن پای آگوستین قدیس و هگل و دکارت و اسپینوزا و مارکس و بیکن و جورج بوش و ترامپ به قضیه پاسخ سوال بالایی را بدهید متشکرم.

۷۹۴۷hasan

Member

۲۰:۲۴ - ۰۹/۱۰/۱۳۹۵

با سلام خدمت همه مخاطبان پیگیر

به مخاطب padshah nashnas

یکی از فرقه‌های آدم زنده و آدم مرده در این است که آدم زنده در مقابل ظلم و بی عدالتی قیام می کند و اعتراض می کند ، اینکه شما با نظرات بنده موافق نبودید ، حداقلش این است که عکس العملی نشان داده و اعلام وجود کرده اید ، وارد گود شده و حساب خود را از سایرین ... جدا کرده اید ، و اما حقانیت یا ابطال نظرات بنده ، به مرور زمان مشخص می شود و جای گلایه ای برای بنده نیست و اما اینکه جناب نیکدوست ، تاکتیکی جدیدی را در پیش گرفته است مجبورم به پست ایشان در مورد شما پاسخ دهم.

دیکتاتورها و فراعنه و کارگزارانشان ، جهت کنترل عوام ، خفقان را در دستور کار خود قرار می دهند اینکه در پاسخ به یک اعتراض ساده اینگونه به شما می تازد ، معنی عام تری دارد ، در واقع او می خواهد از ورود بازیگر جدیدی به این گود جلوگیری کند و با این کلام بقیه را بترساند و محدود و محصور کند ، اینکه او اصرار دارد حضور منفی خود را در تاپیک مدام و مدام به عنوان ملحدی که یک طرف دعواست ، اعلام کند ، یعنی این موضوع به قدری برایش مهم است که به آن به مصابه یک جنگ نگاه می کند و ...

یکی دیگر از تاکتیکهای شیاطین انسی (برای کنترل جو فکری) این است که بعد از کلی بد و بیراه به شما در مقام معلمی دلسوز بر می آید و اندرز می دهد "مطالبی را که نوشته ام دوباره با تامل بخوان، عزت نفس داشته باش، زود قضاوت نکن، نشانه ی وجود..." و در واقع اندرزها به این خاطر بی خاصیت شده اند که از دهان امثال اینان هم بیرون می آید، یعنی شیطان در ظاهر حرفهای نیکو می زند ولی در باطن شما را به کفر و الحاد و ولایت خودش دعوت می کند، وقتی از شما راضی می شود ، که به دین او درآئید و در نهایت خواسته خود را به شما و سایرین القا می کند که "راه رسیدن به تفاهم شکیبائی و تامل در منعکس کردن نظرات و بیشتر گوش دادن و فهمیدن دیگران است. " به قدری واضح است که نیاز به هیچ سخنی ندارد . به هر حال دنیا محل امتحان است وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَ نَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ (محمد/۳۱)

ما همه شما را قطعاً می آزمائیم تا معلوم شود مجاهدان واقعی و صابران از میان شما کیانند، و اخبار شما را بیازماییم! موفق باشید

۷۹۴۷hasan

Member

۲۰:۲۷ - ۰۹/۱۰/۱۳۹۵

در پاسخ به جناب kaydan

که هنوز معلوم نیست چه نسبتی به جناب نیکدوست دارد که اینقدر طرز تفکر و جمله هایشان با یکدیگر شباهت دارد . به هر حال از کل آن مطالبی که پاسخ داده شد فقط به اشکال رازی بر خوردید که در جواب آن متن زیر را از کتاب سیره عملی اهل بیت نوشته کاظم ارفع می آورم "جابر بن حیان / شاگردی از خراسان که سرآمد علم شیمی شد

او اهل خراسان و پدرش دارای شغل دارو فروشی بود و چون از مخالفین حکومت بنی‌امیه بوده با ابومسلم و سایر مخالفین اموی به طور سری همکاری می‌نمود و بالاخره هم طرفداران بنی‌امیه او را در خراسان به قتل رساندند. جابر پس از کشته شدن پدر از خراسان بیرون آمد و به مدینه رفت و خدمت امام محمد باقر علیه‌السلام مشرف شد اما پس از مدت کوتاهی امام پنجم علیه‌السلام به شهادت رسید و او در ردیف شاگردان امام صادق - علیه‌السلام - قرار گرفت و چون بعدها در کوفه ساکن شده بود معروف به کوفی شد. جابر یکی از مردان با نبوغ روزگار بود که نظیرش در تاریخ خیلی کم دیده شده است. او در تمام علوم و فنون مخصوصا در علم شیمی تألیفات زیادی دارد و به اعتراف خود همه را از امام صادق علیه‌السلام آموخته است.

در اکثر آثار و رساله‌هایش می‌نویسد: «قال لی جعفر علیه‌السلام القی علی جعفر علیه‌السلام، حدثنی مولای جعفر علیه‌السلام، اخذت هذا العلم من جعفر ابن محمد سید اهل زمانه علیهما السلام.»

جابر علاوه بر فریضه‌ها و تئوری‌های علمی که از اظهار کرده شخصا آزمایشگاهی متناسب با وسایل آن روز بوجود آورد و تئوری‌های خود را به صورت عمل در می‌آورد. از مخترعات او اسید آرتیک (تیزاب معمولی) و تیزاب سلطانی می‌باشد که مرکب از اسید آرتیک و اسید کلرید ریک است. همچنین الکل از مخترعات اوست و او بود که چندین فلز و شبه فلز را کشف کرد.

جابر یکی از مفاخر علمی اسلامی در قرن دوم هجری است و ترقی علوم طبیعی مخصوصا شیمی در اثر کاوش‌های او بوده و **دانشمندان بعد از وی مانند محمد زکریای رازی**، ابو علی سینا، ابو علی مسکویه از آثار او استفاده‌های گوناگون علمی نموده‌اند. لذا اصلاح می‌کنم "امام صادق ما شیعیان، در دانشگاهش ۴۰۰۰ شاگرد تربیت کرد که یکی اش، با واسطه رازی کاشف الکل بوده است (در مورد کاشف الکل دو نظر وجود دارد) و... ودعای ما همواره این است وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا (طه/۱۱۴) و بگو: «پروردگارا! علم مرا افزون کن!» لذا مصونیت از دانش اتهام بیجایی بود. لذا هیچ مذهبی به اندازه شیعه به علم اهمیت نداده است."

در مورد اینکه بنده، شیطان و پیروانش را احمق و نادان خوانده ام، طبق این آیه بوده إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانِ ضَعِيفًا (النساء/۷۶) به درستی که کید و مکر شیطان ضعیف است. در مورد شیطان انسی هم... وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ... (الإسراء/۶۴) و در ثروت و فرزندانشان شرکت جوی! لذا هر ۳ تا صفتی که به ملحدی (خدا ستیز) چون شما دادم، مبنای کلامی داشته اما شما چی؟؟ لطفا در مورد اتهامهای "مغلطه و بی ادبی و توهین و تهمت زدن و سفسطه بافی" مصداق بیاورید؟ تا بقیه هم به عمق استدلال شما پی ببرند.

در مورد باقی فحشها تون هم قضاوت با سایر مخاطبان، بالاخره هدف هر دویمان آنها هستند، آنها ایند که باید با انتخابهایشان بین حق و باطل به رشد برسند یا به غی برسند.

۷۹۴۷hasan

Member

۲۰:۲۸ - ۰۹/۱۰/۱۳۹۵

در پاسخ به IranistNIMA

دوست عزیز، کلام الله سخن عامیانه نیست، کلام خالق جهان و انسان است و بسیار برتر از کلام ارسطوها، هیتلرها و نیوتن‌ها و... است که همان معنای الله اکبر است، در مورد علم و واقعیت و حقیقت و... سخن در پستهای قبلی بسیار گفته شده است، اگر شما متخصص بیولوژی بودید، می‌دانستید که داروینیسیم در داخل علم بیولوژی در حد یک فرضیه است (نظریه ای که هنوز با حس و تجربه ثابت نشده) ولی در خارج حوزه بیولوژی، حاکمان سرمایه داری، آن را تا حد یک ایدئولوژی بزرگش کرده‌اند و هزاران بهره برداری از آن می‌کنند.

در مورد "باز هم چسب و قیچی دست گرفتن و نگاه انتخابی به متون دینی" عزیزم سایر متون دینی (توسط کاسبان آنها) دچار تحریفات زیادی شده است و تنها مرجعی که در حال حاضر می توانیم به آن استناد کنیم قرآن است، اگر از قرآن نتوانیم حقیقتها و راه حل ها را در بیاوریم پس آن به چه درد می خورد، تنها فرق ما با لیبرال ها این است که آنها کلام، ارسطو و آدام اسمیت و دورهام و بنتام و ... برایشان وحی منزل است و ما کلام الله رسیده توسط پیامبر خاتم را وحی منزل و حق می دانیم لذا، نگاه انتخابی نیست، جستجوی حقیقت در آیه های موضوعی قرآن است.

فرمودید "و استخراج فرضیاتی فاقد قابلیت اثبات" عزیز بعضی اتفاقات فقط و فقط یکبار می افتد مثل تولد آیا کسی را دیده اید که پس از پایان عمرش دوباره نوزاد شود و یعنی زندگی اش چرخه داشته باشد؟؟؟، لذا اگر با منطق ساینستیک هم به موضوع نگاه کنید، تولد هم، چون تکرار پذیر نیست پس در حد فرضیه است، به همین طریق تولد دنیا، تولد موجودات، تولد یا خلقت انسانها نیز در این حوزه می گنجد. این انتخاب ما و شماست که به مطالب قرآن در این موضوع ایمان داشته باشیم یا فرضیات داروین.

و اما اینکه این عمل را مایه شرمساری دانسته اید، سوالی که پیش می آید این است، شرمساری برای چه کسی؟ هر افتخار پیروان الله مایه شرمساری پیروان شیطان است و بالعکس، لذا همینکه کافرین و ملحدین (خود خدا انگارها) از این مجموعه برآشفته اند مایه افتخار ماست و...

۷۹۴۷hasan

Member

۲۰:۲۹ - ۰۹/۱۰/۱۳۹۵

پاسخ به مخاطب "aziznasin" ۲۵۰۰،

با تشکر از ابراز نظرتان، متذکر می شوم ان الحیاه عقیده و جهاد، زندگی و حیات چیزی نیست جز عقیده و جهاد و مبارزه در راه تحقق آن، و امام حسین (ع) مبتنی بر این دیدگاه کارش به صحرای کربلا کشید، از شیعیان او انتظار نداشته باش که در مقابل ملحدین و خدا ستیزانی مثل جناب نیکدوست که همه چیز را خود به خودی می بیند یا جناب kaydan که خود را خدا می بیند، کم بیاورند، اکثر پیامبران الهی شهید راه حق شدند و همه ائمه به جز قائم آل محمد شهید راه حق شدند، و ما میراث دار خون همه آنها هستیم، اجازه نمی دهیم، کافران و ملحدین در هر لباسی ولو ایرانی پارسی گو باشد و منافقانه وارد شوند و ضربه بزنند. لذا با همه منافقانی که هر نوع فکر و مکتب لیبرال و غیر قرآنی را به این حکومت می آورند و به اسم اسلام به خورد خلق الله می دهند، مبارزه می کنیم و در این مبارزه، فحاشی از طرف آنها کمترین کاری است که می توانند بکنند، فکر می کنند، چون خارج از ایرانند، خارج از قدرت ما یا قدرت خدا هستند و...

۷۹۴۷hasan

Member

۲۰:۲۹ - ۰۹/۱۰/۱۳۹۵

در پاسخ به مخاطب efa

بحث ما دقیقا همان چیزهایی است که عنوان شد و شما لیست فرمودید، حال اینکه چرا اینقدر اصرار دارید مسیحیت را به کتب مسیحی یا تلوزیون های تبلیغ مسیحیت محدود و محصور کنید، جای سوال دارد؟ عنوان شد که همه مسلمانان باید به پیامبری عیسی مسیح (ع) ایمان داشته باشند، بیان شد که عیسی مسیح به دلیل توطئه حاخام های یهود عروج فرمودند و خدای عیسی (ع) همان خدای محمد (ص) است که هم خالق است و هم رب و

پرورگار آن به آن همه مخلوقات و... , و اینکه آنچه به عنوان عهد جدید با چند دست واسطه نوشته شده است و توسط دکانداران و رباخواران یهودی , تحریفات زیادی در آن وارد شده است از جمله مهمترین آن , تثلیث (۳ خدایی)

و مشخصاً در کلام خدای عیسی (ع) و همه انبیا هست که لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَلَاثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ(المائدة/۷۳)

آنها که گفتند: «خداوند، یکی از سه خداست» (نیز) بیقین کافر شدند؛ معبودی جز معبود یگانه نیست؛ و اگر از آنچه می‌گویند دست بر ندارند، عذاب دردناکی به کافران آنها (که روی این عقیده ایستادگی کنند)، خواهد رسید.

اکثر کتب عهد عتیق و عهد جدید قبل از انقلاب صنعتی نوشته شده است و تلقی خدای ساعت ساز از روی برداشت متفکرین مسیحی راجع به ماشین نیوتنی ایجاد شده است، که شرحش رفت . این چه درخواست بیجایی است که شما می کنید , که بنده بگردم از کتب مسیحیت برای شما سند بیارم که تلقی آنها اینگونه است یا مثلاً فلان شبان در فلان تلوزیون اینها را گفته باشد و... .

سطح آن بحثها در حد عوام بسیار ساده است ,وقتی قرار باشد در دین تفقه صورت داد و از آن مدل و انگاره سبک زندگی در آورد مسیحیان متفکر چاره ای ندارند که آن را از عینک فلسفه بررسی کنند . ان شالله خود حضرت عیسی (ع) همراه قائم آل محمد ظهور می کنند و به حوزه تمدنی مسیحیت اعلام می کنند که همچون خودش مسلمان(تسلیم امر حق) و پیرو امام مهدی (عج) بشوند و همه این بحثهای مزخرف در مورد انواع خداها پایان یابد. والسلام.

ycrow ۴gr

Member

۲۲:۲۳ - ۰۹/۱۰/۱۳۹۵

سلام به همگی...

وجدانا" خیلی شگفت زده شدم کامنت های دوست عزیزمون hasan ۷۹۴۷ رو دیدم...

در عرض ۵ دقیقه یعنی از ۲۰:۲۴ - ۰۹/۱۰/۱۳۹۵ تا ۲۰:۲۹ - ۰۹/۱۰/۱۳۹۵ ، ۵تا کامنت پُر و پیمون در جوابِ دوستانِ عزیزِ دیگر دادن که فکر میکنم در نوعِ خودش اگر بی نظیر نباشه مطمئناً کم نظیره...

دست مریزاد...

hanieh

مدیر ارشد

۰۱:۳۱ - ۱۰/۱۰/۱۳۹۵

نسخه ی ویرایش شده جایگزین شد.

nikdoost

Member

۰۱:۵۴ - ۱۰/۱۰/۱۳۹۵

به ycrow ۴ gr

اگر یک دقیقه هم طول بکشد شگفت زده نشوید، اینها را از قبل آماده دارد، قبلاً وجب به وجب کاپی پیست می کرد ولی حالا چار انگشتی و سه انگشتی اش کرده. کاش از آیات قرآن سوء استفاده نمی کرد، متأسفانه روی پارچه ی سیاه داعشیان صهیونیست برای فریبکاری؛ کلمه ی جلالتی " لا اله الا الله " دیده می شود، این شازده هم همان شیوه را درپیش گرفته و بدون آنکه معانی آیات و شانِ نزول آیات کریمه را بداند چاشنی ی مزخرفات خود

می کند. بیچاره نمی داند؛ " کلّ بدعۀ ضلاله و کلّ ضلاله سبیلها الی النار" هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی راهش به طرف جهنم است، فکر می کند با این کارها می تواند فضیلت و زیادتی برای خود کسب کند و بر دیگران قالب کند، به زبان حال این نگون بخت لاف زن باید گفت؛

بخت من خواب است بیدارش کنید
گر که بیمار است تیمارش کنید
مانده ام این بخت است یا بختک است
چون مُدام از بهر من در جُفتک است

Azkiya
Member

۱۴:۲۵ - ۱۰/۱۰/۱۳۹۵

نقل قول از ۰۱۳۱۲۲۴۷۵۶۶:

... حال پاسخ واقعه بالا در هر دو شرایط منطقه زندگیشان بسیار بالاتر از سطح دریا بود با فشار بالا و ...

تا جاییکه اندک سواد من یاری میکند، هر چه از سطح دریا بالاتر رویم، فشار کاهش خواهد یافت و دقیقا به همین دلیل است که در ارتفاعات و منطق کوهستانی گاه خون ازبینی انسان خارج میگردد. در نتیجه ادعای حضرتعالی با اصول علمی ناسازگار است.

kaydan
Member

۱۴:۲۸ - ۱۰/۱۰/۱۳۹۵

نقل قول از hasan: ۷۹۴۷:

که هنوز معلوم نیست چه نسبتی به جناب نیکدوست دارد که اینقدر طرز تفکر و جمله هایشان با یکدیگر شباهت دارد. به هر حال از کل آن مطالبی که پاسخ داده شد فقط به اشکال رازی بر خوردید که در جواب آن متن زیر را از کتاب سیره عملی اهل بیت نوشته کاظم ارفع می آورم "جابر بن حیان/ شاگردی از خراسان که سرآمد علم شیمی شد

متاسفانه جنابعالی در مغلطه کردن و تهمت زدن گویا ید طولانی دارید، بجای اینکه به سوالات و نقدها پاسخ دهید هم و غم خود را بر این گذاشته اید که با ترور شخصیت دیگران و تهمت زدن مداوم به مخاطبین و منتقدین خود جو سازی نمایید. با وجود ادعای شیعه و مسلمان بودن حتی این حدیث معروف از امام اول خود علی ابن ابی طالب را نیز نمی دانید که می گوید:

انظر الی ما قال و لا تنظر الی من قال (نگاه کن ببین چه چیزی گفته شده، نگاه نکن که چه کسی گفته است.) شما بجای اینکه به گفته ها توجه کنید و مستدل به نقدها بپردازید به دنبال این هستید که گوینده کجاست و یا کیست. ادعا می کنید بنده اسرائیل یا سوئد و خارج نشین هستم یا آی دی بنده یکی از اعضای دیگر این انجمن است!! و مدام سعی دارید با این جو سازی و تهمت زدن بنده را شخصی دیگر معرفی کنید! و در اکثر پستهای اخیر خود این ادعای کاذب و بی اساس رو تکرار می کنید. اولاً بنده ساکن ایرانم و به ایرانی بودن خود افتخار میکنم و نه نسبتی با شخصی که نام بردید دارم و نه اصولاً علاقه ای به نظرات این فرد که به عقیده من اگر قرار باشد آن را به کسی

نسبت دهید بهتر است به خودتان نسبت دهید که عقیده و دیدگاهش در تهمت زدن به دیگران دست کمی از شخص شما ندارد.

نقل قول از همین شخص در یکی از مباحث (به مباحثی که ذیل معرفی کتاب قتل کسروی آورده شده مراجعه کنید) که او نیز خطاب به بنده چنین ادعایی دارد آنهم به صرف اینکه نظراتی مخالف دیدگاه ایشان بیان نمودم: ((فقط به دوستان بزرگوار ایرانیم و به هموطنان عزیز غیور و شجاع و فهیمم هشدار می دهم که مواظب امثال تو باشند که نیت پلیدی در سر دارند

و آن تفرقه افکندن بین جامعه و به خطر انداختن حراست از مرز و بوم کشور است، امروز عربستان سعودی خطر بزرگی برای امنیت کشور ما شده و سعی می کند با گسیل ماموران خود فروخته و مزدور که اندک آشنائی با زبان فارسی دارند در اذهان عمومی نفوذ کنند، اما خوشبختانه آنان با فرهنگ ما آشنا نیستند که جای شکرش باقی است، اگر توجه داشته باشید پسوند کلمه ی سعودی به کشور عربستان امری فوق العاده نکبت بار و زائد و غصبی است ازین جهت که عده ای حکام عیاش بد صفت و بد طینت وهابی، یک کشور بزرگ مسلمان را قبضه کرده و به ملکیت خود درآورده و علناً به نام خود ثبت کرده اند. و ملت آن کشور جرأت اعتراض و نفس کشیدن ندارند، آنطور که معلوم شده عربستان به کمک هم پیمانانش مشغول برنامه ریزی ی حمله ی احتمالی به کشور ما هستند و سعی می کند از جاسوس تطمیع شده برای تشخیص نقاط ضعف ما استفاده کند، نمی گویم kaydan جاسوس است ولی دوست ما هم نیست...))

Azki
Member

۱۴:۴۰ - ۱۰/۱۰/۱۳۹۵

نقل قول از ۰۱۳۱۲۲۴۷۵۶۶:

عزیزم مسخره نکن ،

من به این داستان ایمان دارم:

شتر را تمسخر کردند و خندیدند که چرا اینقدر کجی و ناموظون. ...

ناموظون؟ ناموظون؟ شاید منظورتان ناموزون به معنای نامتناسب، ناسازگار و ناموافق باشد!

Azki
Member

۱۴:۴۷ - ۱۰/۱۰/۱۳۹۵

نقل قول از: Azkia:

تا جاییکه اندک سواد من یاری میکند، هر چه از سطح دریا بالاتر رویم، فشار کاهش خواهد یافت و دقیقاً به همین دلیل است که در ارتفاعات و منطق کوهستانی گاه خون ازبینی انسان خارج میگردد. در نتیجه ادعای حضرتعالی با اصول علمی ناسازگار است.

شایسته نیست ایراد از دیگری گرفتن و ایراد خود را مستور ساختن. منظور حقیر در جمله فوق الذکر «مناطق کوهستانی» بود که به اشتباه «منطق کوهستانی» ثبت شد.

۰۱۳۱۲۲۴۷۵۶۶

Member

۱۴:۵۳ - ۱۰/۱۰/۱۳۹۵

با سلام و درود خدمت جناب: azkia

کاملا درست گفتید حتما اشتباه نوشتاری بیشتری هم دارم . با سپاس فراوان از شما دوست عزیز حتما بعد از این رعایت میکنم.

kaydan
Member

۱۴:۵۵ - ۱۰/۱۰/۱۳۹۵

این شخص نیز همچون شما بجای اینکه به سوالات پاسخ دهند بدنبال جو سازی و تعیین هویت مخاطب است ! ادعای این دارید که بنده شما رو بی جهت به مغلطه کلام و سفسطه کردن و تهمت و توهین متهم می کنم. در باب تهمت زدن که پست قبل کاملا مشخص است بجز اینکه باز با سفسطه کردن بخواهید جو سازی نمایید. اما اینکه فردی مغلطه کار هستیید جای هیچ شک و شبهه ای نیست.

برای مثال همین مورد آخر. شما ادعا کردید : ((امام صادق ما شیعیان, در دانشگاهش ۴۰۰۰ شاگرد تربیت کرد که یکی اش, رازی کاشف الکلی بوده است و... ودعای ما همواره این است وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا(طه/۱۱۴) و بگو: «پروردگارا! علم مرا افزون کن!» لذا مصونیت از دانش اتهام بیجایی بود . لذا هیچ مذهبی به اندازه شیعه به علم اهمیت نداده است.))

بنده نیز سال تولد و وفات این امام مذهب شیعه را همراه با تاریخ تولد و وفات ذکریای رازی را آوردم تا مشخص گردد که اصولا میان حیات و ممات این دو بیش از یک قرن فاصله زمانی بوده.

در کامنت بعد خود برای دفاع از این اشتباه خود چه گفتید؟!

مشخص است حرفی برای گفتن نیست بجز مغلطه کردن. بجای روشن نمودن اینکه اشتباه کردید و بجای پوزش خواهی شروع به داستان سرایی کردید که نمیدانم جابرین حیان شاگرد این یا آن امام بوده کی متولد شده و کجا فوت کرده در کوفه چه می کرده ووو... گفتاری اینگونه که کاملا مشخص است از روی عجز است ، اینکه افلاطون چند صد سال پیش از میلاد مسیح میزیسته چه ربطی به توماس ادیسون دارد؟!

حالا اگر بنده بخواهم به همین جابرین حیان بپردازم احتمالا باز نام حسن علی میر پنج را به میان می کشید که اینگونه و آنچنان بوده!

و اما بد نیست بدانید جابرین حیان به روایت تاریخ تا سن ۱۹ سالگی در نزد جعفرصادق درس فقه می آموخته، اگر خدمتی به جامعه بشری نموده و اگر بدنبال علوم طبیعی و ماده گرایی رفته تنها به این دلیل بوده که بعدها به مطالعه آثار و عقاید دانشمندان و فیلسوفان یونانی و ایرانی و کتب سانسکریت و... پرداخته است. آنهم نه در سنین اندک بلکه در دوران بلوغ. اینکه کسی در دوران کودکی دروس فقه اسلامی و حدیث و قرآن می آموخته چندان عجیب نیست چون اصولا در جامعه ایران پس از اسلام بجز این دروس آموختن دروس دیگر و علوم غیر دینی امری نکوهیده و بعضا کفرآلود محسوب می گردیده است. مراجعه کنید به زندگی ابن رشد و امام محمد غزالی و بسیاری دیگر. تا همین دوران گذشته تا پیش از باز شدن مدرسه رشديه در تبریز و یا دارالفنون در تهران بدست امیر کبیر تنها مدرسین ملایان بودن آنهم تنها به دروس اسلامی و فقه کلام و حدیث و خواندن قرآن در مکتب خانه ها به اکابر می پرداختن. یکی از دلایل مهم انحطاط دانش و علوم نظری و طبیعی در جوامع شرقی همانا این تحجر و نگاه کینه توزانه دستگاه روحانیت و دینداران به این علوم بوده تابدانجا که دانشمندی همچون بوعلی سینا در اواخر عمر خود اکیدا به شاگردان خود توصیه می نماید که مبادا عامیون و دستگاه مرتجع دینی از آنچه که او به آنها آموخته مطلع گردن که حکم به تکفیر آنان خواهند داد. شخص بو علی نیز از دست همین تفکر متحجرانه دینی همچون فارابی معلم ثانی سر به بیابان گذاشته و در اواخر زندگی خود آواره این شهر و آن دیار گردید.

جای تعجب نیست که میان ده ها و صدها دانشمند و عالم طبیعی تنها به یک مورد آنهم جابر بن حیان بسنده نمودید، البته بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های زندگی او...! جای شک نیست چون خوب میدانید که برخلاف ادعایی که دارید این اندیشمندان دانش و علوم خود را نه از احکام دینی بلکه مدیون ترویج نظرات و تلاش نهضت ترجمه ای بودن که بسیاری همچون خاندان نوبختی و ابن مقفه و... در ترجمه آثار یونانی و پهلوی و سانسکریت هند نمودن و این امر باعث این گردید بزرگانی همچون ابن سینا با مطالعه آرا و افکار فلاسفه ای همچون ارسطو، افلاطون و ...دیگر دانشمندانی که چندان باوری به ادیان ابراهیمی نداشته اند. به چنین درجه ای از دانش و علوم دست یابند.

kaydan
Member

۱۵:۲۳ - ۱۰/۱۰/۱۳۹۵

و اما سفسطه در کلام شما:

در پست های گذشته به صراحت آوردم که بنده ماتریالیسم و راسیونالیسم هستم. مطمئنا آنان که اهل تحقیق و مطالعه در این زمینه هستند بخوبی میدانند که کسی که بر این اصول باور و عقیده دارد به کل وجود موجود یا پدیده ای موهوم به نام "شیطان" را نفی و مردود می داند. و اما پاسخ جنابعالی که فرمودید: ((اجازه دهید بنده شمای نوعی را شاگرد شیطان در نظر بگیرم و از این به بعد اسم استادتان شیطان را مخاطب قرار دهم.

شیطان قسم خورده است که نوع انسان را به زیر مقام خود بکشد تا به خدا ثابت کند ، اشتباه کرده است و... لذا انکار خدا و ترویج آن هدف شیاطین جنی و انسی است و به هیچ وجه نشانه روشنفکری و عالم بودن نیست.)) با این ادعا ثابت نمودید که نه تنها چیزی از باور و عقاید ماتریالیسم نمی دانید که چه بسا کمتر آشنایی با نظرات کانت، دکارت، هیوم، مارکس و...دیگر فلاسفه اروپایی نیز نمی دانید و تنها به همین بسنده نمودید که نام این بزرگان را طوطی وار بر زبان آورید آنهم برای خالی نبودن عریضه! دیگر گفتار شما نیز به همین منوال بجز سفسطه کردن و کلی گویی و مغالطه چیزی بیش نیست. مثال دیگر:

بنده کل آیه سوره یوسف را آوردم. همان سوره ای که جنابعالی با تفسیر به رای سعی نمودید از آن به این نتیجه برسید که اشاره به واژه ((علم)) در این آیه بیان یک نظریه علمی و ماده گرایانه است. جای تعجب ندارد که در اینجا هم با گفتار بی اساس سعی نمودید اشتباهات عمدی خود را یکجوری رفع و رجوع نمایید و در پاسخ چنین ادعایی نمایید.

((گفتید " بد نیست کل این آیه را بیاوریم تا ببینیم کلا موضوع چیست و چگونه از دل سوره یوسف و آن داستان اساطیری قوم یهود یک لابراتورا و آزمایشگاه پژوهشی مدرن بیرون کشیده اید!! " جناب شیطان ، هر جا در قرآن کلمات قد ،فقد ،ان ، انما ، کانما و... آمده ، آنها دکترینهای قرآنی اند و اگر در این مثال خاص، سه نقطه را در ابتدای آیه آورده ام ، یعنی منظور کلام نگارنده ماجرای پیشینی نیست بلکه توجه دادن مخاطب به دکترین قرآنی است و... الان هم دیر وقته و هم خیلی خسته ام و از طرفی می دانم توان تشخیص و تحلیل مفاهیم دکترین از دگما ، از دکسا ، از تنت ، آیدیا و ... را نداری ، و اگر نه تا صبح برات می نوشتم.))

باور کنید هر انسان عاقلی این گفتار مهممل و سفسطه بافی های شما را بخواند محال است که خنده اش نگیرد. دکترین قرآنی! کامات قد، فقد، ان، انما، کانما، دگما، دکسا،تنت، آیدیا و...مشتی گفتار پوچ و بی معنایی که مشخص است دارید به در و دیوار می کوبید تا این ترجمه به رایبی که از این آیه آوردید را رفع و رجوع نمایید. بله

بنده اطمینان دارم که تا صبح هم برای من و دیگران از این گفتار اباطیل سرهم خواهید کرد. ولی بد نیست بدانید در ادبیات زبان فارسی و عربی وقتی پیش از یک جمله کوتاه شده ما از سه نقطه(...) استفاده می نماییم. به معنای این است که این جمله بخشی از یک کل می باشد و اگر در جلوی جمله قرار گیرد به این معناست که آنچه که آورده شده دنباله دارد. اصولاً نویسندگان زمانی از این شیوه استفاده می نمایند برای اینکه نشان دهد که آنچه که آورده بخشی از یک کل(متن) بوده و به این دلیل که خواست او را همین یک بخش برآورده می سازد احتیاجی به آوردن کل متن نیست.

اگر نمیدانید بد نیست بجای اینگونه مغلطه کردن تشریف ببرید از آنهایی که آشنایی با ادبیات فارسی و عربی دارند سوال کنید.

kaydan
Member

۱۵:۲۹ - ۱۰/۱۰/۱۳۹۵

واژه دکترین نیز کاملاً معنای آن مشخص است. چه ربطی به ترجمه ای که آوردید دارد؟! مجموعه ای از باور و اصول و نظریات را دکترین می گویند، این دکترین می تواند متعلق به یک شخص یا یک مکتب فکری باشد. در این ترجمه ای که آوردید چه ربطی به دکترین قرآنی دارد؟! شما یک آیه را نقل می کنید و باز تکرار میکنم. موظف هستید عین ترجمه و برگردان(معنایی) آیه متن عربی یا هر زبان دیگری را به فارسی نقل نمایید. در آیه ای که آوردید کمترین اشاره ای به علم طبیعی و نقطه جوش آب نشده هست. نه در آیه بلکه در کل سوره یوسف چنین ادعای بی اساسی که آوردید مشاهده نمی شود!

اینکه کسی بخواهد از روی ذهنیت و برداشت شخصی یک متن(آیه) را ترجمه نماید اصولاً در اسلام عملی خلاف و کفر محسوب می گردد همانگونه که در تفسیر از آیات نیز اینگونه است. این مبحث به علم تاویل قرآنی مربوط است که در اینجا نیز اصلاً مورد بحث ما نیست. حال باز بیایید هفتاد خط گفتار مغلطه آمیز ردیف کنید که نمیدانم بنده این یا آن را نمیدانم!!

در جایی دیگر اینگونه پاسخ می دهید:

((...جناب شیطان یاد بگیر , عقل کلمه ای قرآنی است و از عقال می آید به معنی دهانه بند شتر یا ... گویا اینطور فرض شده که فکر همچون شتری سرکش است که باید با دهان بند عقل مهارش کرد , لذا هر کلمه را باید در جای خود معنی کرد از طرفی در مذهب تشیع عقل , حجت حق است , یعنی ما دیندار بی عقل نداریم و البته عاقل بی دین هم نداریم , وظیفه عقل دریافت و ادراک حقیقتی است که خداوند وضع کرده است و از طرفی دین و حق با هم ممزوجند لذا تفکیک عقل به عقل دینی و عقل علمی , غلط و باطل است و ...))

kaydan
Member

۱۵:۵۴ - ۱۰/۱۰/۱۳۹۵

خوب در اینجا هم مشخص نیست سعی دارید چه چیز را ثابت کنید.

اینکه مدعی هستید عقل واژه قرآنی و به معنای دهان بنده شتر است، چه ربطی به موضوع ما دارد؟! آیا بجز سفسطه کردن است؟!!

اول اینکه واژه "عقال" نه به معنای دهان بند شتر بلکه به معنای ریسمانی است که پای شتر را با آن می بندند! شما هنوز فرق بین پا و دهان را نمی دانید و حتی نمی دانید یک کلمه با وجود معانی مختلف در جمله است که معنا و

مفهوم پیدا می کند! مثال اینکه بنده بگوییم "شیر آب چکه می کند" و جنابعالی بگویید، شیر نام حیوانیست که در جنگل زندگی می کند! و شروع کنید به توضیح و تفسیر در باب اندازه یال و دم شیر!....

دوم اینکه نمی گویند عقل یک کلمه قرآنی بلکه می گویند عقل یک واژه عربیست، چون پیش از پدید آمدن قرآن به لسان عرب این زبان عربیست که طی قرنهای تداوم رشد و تکامل یافته. به هر روی ریشه این واژه عربی یا حبشی، یا رومی، یا پهلوی و برگرفته از هر زبان دیگری که باشد(همچون ابابیل، ابلیس، فردوس و...) در اینجا معنا و مفهومیست در جمله ای که آوردیم کاملاً مشخص است به معنای قوه ادراک و فاهمه و تشخیص است.

عقل یا قوه فهم شما متأسفانه ناقص است به دلایلی که خواهیم آورد:

عقل یا خرد از طریق معرفت(شناخت) صاحب عقل بر موضوعات و رخدادها و عوامل طبیعی است که رشد می یابد. معرفت یا شناخت نیز وابسته به تجربه و علم تجربی دارد. عقل انسان با تجربه ای که از آزمون و خطا بدست می آید رشد می نماید. حال یا خود با آزمون و خطا به این معرفت نائل می گردد یا از تجاربی که دیگران به همین شیوه کسب نموده اند بهره مند می شود.

وقتی می گوییم عقل علمی به این معناست که شخص هیچ عاملی را برای جلوگیری از کسب تجربه و شناخت حجت نمی داند. او بر این باور است که هرآنچه که در اندیشه انسان رسوخ می کند می باید از فیلتر آزمون و خطا عبور نماید تا بتوان به صحت و سقم و درستی یا نادرستی آن پی برده شود و هیچ چهارچوب و حد و مرزی برای کسب این تجارب نمی شناسد. ولی یک فرد دیندار اصول و قوایدی را موظف است برای اندیشیدن خود پیش از هرگونه تصمیم گیری مد نظر قرار دهد. و هرآنچه را که خارج از این چهارچوب باشد را کفر و شرک می خواند. پس وقتی می گویند جنابعالی برپایه اصول و قواید عقل دینی در مباحثات شرکت می کنید به معنای این است که پیش از هرچیز اصول و قوانینی را برای خود حجت قرار داده اید و برپایه آن اصول و قوانین است که می اندیشید و حق عدول از آن را ندارید چون از نگاه احکام و شعائر دینی چنین امری مساوی با شرک و الحاد خواهد بود.

به همین دلیل است که در طول تاریخ میان ادیان الهی و صاحبان دین بسیاری از علوم طبیعی همچون فیزیک، شیمی، زیست و... از علوم الحادی و شرک قلمداد میشده چون کتاب دین آنها(تورات، انجیل، قرآن) تفکر و تجربه چنین علومی را بر نمی تابیده است و هرآنکس که به این علوم پرداخته را تکفیر نموده است. نمونه بارز آن در تاریخ گالیله، اپیکور، جوردینیو و مثال بارز آن در این بحث چارلز داروین و... بسیاری دیگر بوده اند. گالیله به این دلیل که زمین را مرکز کائنات ندانسته تکفیر گردید و دیگر اندیشمندان نیز همچون جوردینیو یا کشته یا تکفیر گردیدن.

kaydan
Member

۱۶:۱۴ - ۱۰/۱۰/۱۳۹۵

و اما در پایان:

از آنجا که پیشتر نیز گفتم و اکنون نیز خاطر نشان می سازم. بحث با جنابعالی و امثالهم نتیجه ای جز آنچه که اکنون شاهد آن هستیم در پی نخواهد داشت. دلیل بارز آن نیز این است که نظرات و عقایدی که بیان می نماید کلام در محدوده عقل دینی و قوانین و اصول از پیش تعریف شده بیان می گردد، اصولی که برای خود وحی منزل دانسته و در درستی آن کمترین شک و شبهه ای به خود راه نمی دهید. بحث با چنین فرد و چنین شخصی متحجر که هرآنچه که خود و اصول و شعائر دینی که به شیوه سنتی کسب نموده است را درست می پندارد از نظر منطقی درست نیست. یا باید به اصول و قوانین او بحث را دنبال کرد یا می باید او شهامت اینکه برای شرکت در چنین بحثی از اصول و قوانینی که به آن باور و ایمان قلبی دارد عدول نماید را داشته باشد.

هرگاه توانستید خارج از چهارچوبی که برای خود تعیین کردید به این موضوع بنگرید و توانستید از بی‌خدایی(به ادعای شما کفر و الحاد) به وجود چنین خالق‌ی پی ببرید آن زمان است که ارزشمند است. وگرنه با پذیرفتن یک پیش‌فرض و ایمان داشتن به اینکه آن پیش‌فرض کاملاً درست(وجود یک خالق هوشمند‌آنگونه که ادیان الهی برای آن تعریف آورده‌اند) و اینکه آن پیش‌فرض نیز بدور از هرگونه خطا است چندان کار شاقی نکرده‌اید.

روایت است در روزگار سعدی شاعر ایرانی فردی بود که همواره او را به بحث و مجادله ترغیب می‌نمود و سعدی نیز همواره از این مجادله به بهانه‌های مختلف فرار می‌کرد. تا اینکه روزی این فرد او را در بازار می‌بیند و به او می‌گوید امروز می‌باید در جمع بزرگان با تو بحث و مجادله نمایم و به هر طریق ممکن باید تو را شکست دهم، سعدی در خطاب می‌گوید هیچ احتیاجی به بحث و مجادله نیست و من از همین آغاز می‌پذیرم که شکست خوردم و هرآنچه که تو می‌گویی درست است! وقتی از سعدی دلیل را جویا می‌شوند می‌گوید: این فرد قرار است با این باور و با این پیش‌دآوری با من بحث نماید که به هر طریقی استدلال‌ات من خطاست و تنها بدنبال شکست دادن من است با این وجود بنده نیز هر دلیل و برهان و هر استدلالی که بیاورم طبق آنچه در ذهن دارد بی‌ارزش است چون تنها قرار بر این است که حرف حرف او باشد نه پذیرفتن برهان و استدلالاتی که از راه منطق و علم بدست می‌آید.

به عقیده من شیوه بحث کردن شما نیز همچون آن فرد است و تازمانی که با این پیش‌فرض و این عقیده وارد بحث با دیگران می‌شوید کمترین ارزشی برای ادامه چنین بحث و جدلی وجود ندارد. به همین دلیل عقلانی‌ترین کار ممکن این است که به چنین بحث بی‌فایده‌ای شخصاً پایان دهم. کمترین سود آن لااقل برای من نوعی این خواهد بود که از این صفات و تهمت‌های بی‌اساسی که به کرات و مراتب به بنده نسبت می‌دهید بری خواهم بود.

این بود کلام آخر من به شما(اگر از آوردن دیگر نظراتی که آوردید خودداری می‌کنم به این دلیل است که بار علمی و منطقی آن نظرات نیز چیزی بیش از آنهایی که اکنون از شما نقل گردید نبوده و نیست.)

شادکام باشید و کمی نیز باخرد

nikdoost
Member

۰۱:۵۷ - ۱۱/۱۰/۱۳۹۵

بدون استثناء تمامی ی‌علماء و فقهاء و دانشمندان شیعه از زمان حضرت امام صادق علیه السلام تا به امروز از شاگردان مکتب پُر فیض و با برکت آن حضرت بوده و تا به قیامت خواهند بود، بدون مراجعه به آثار علمی ی آن حضرت متفکر و عالم شیعه فاقد اعتبار است. هرچه آموخته و می‌آموزند از مکتب هدایتگر حضرت امام جعفر صادق و جانشینان وی می‌باشد، مزخرفات kaydan حیل‌گر و هابی هیچ ارزش و اعتباری ندارد، این مکار سالوس که باره‌ها تاکید کرده‌ام دشمن اسلام و دست‌افزار طالبان و القاعده است، حضورش در این‌جا بابت مزد خیانتی است که از مفتیان و هابی می‌گیرد که روز گذشته دست در دست صهیونیست‌ها گذاشته بودند و بی‌شرمانه می‌گساری می‌کردند و به رقص و شادی پرداخته بودند، هرکسی گفته درست گفته؛ کیدان دشمن شیعه است. امیدوارم این سمج کج خیال‌دستان آلوده‌اش از دامن پاک کتابناک مجمع اندیشمندان و فرهنگیان پر طرفدار ایران و جهان کنده شود، اندیشه و گفتار این ناپاک بسیار زهرآگین است، چند کتاب که نخوانده و نمی‌داند موضوعاتش چیست را مودیان‌آلود کرده تا به خیال باطل خودش جائی در صف اهل علم و ادب باز کند و از این طریق در سم پاشی آزاد باشد.

بشنو این نکته که خود را ز غم آزاده کنی

خون خوری گر طلب روزی ننهاده کنی

آخر الامر گل‌کوزه‌گران خواهی شد

حاليا فکر سبو کن که پر از باده کنی
گر از آن آدمیانی که بهشتت هوس است
عیش با آدمی ای چند پری زاده کنی
تکیه بر جای بزرگان نتوان زد به گـزاف
مگر اسباب بزرگی همه آماده کنی

۷۹۴۷hasan

Member

۰۵:۰۲ - ۱۱/۱۰/۱۳۹۵

با سلام خدمت همه دوستان و مخاطبان گرامی

۱ - خدمت مخاطب گرامی ۴ gt YCROW شگفت زده نشوید دوست عزیز بنده چون نت ضعیفی دارم جواب همه دوستان را تهیه می کنم و یکجا آپلود می کنم این است که زمان پشت سر هم به نظر می یاد
۲ - با تشکر از کاربر محترم hanieh بله ویرایش دوم کتاب فرضیه شجره و خلقت نخستین انسانها را برای استفاده عموم دیروز آپلود کردم , باشد که مقداری از مهجوریتمان نسبت به قرآن کم شود.

۳ - کامنتهای جناب نیکدوست هم که معرف همگان است , گویی تکلیفی سنگین بر عهده دارد تا نگاه منفی را به سایر مخاطبان پمپ کند , سایر مخاطبان را به توضیحات مفصلی که قبلا به کامنتهای ایشان داده ام جلب می کنم و اینکه ایشان بهترین نمونه زنده برای منافع شناسی است , کسی که ظاهر الصلاح است و اسم نیکی و دوستی بر خود می نهد و آواتار گل محمدی و .. ولی در باطن همه چیز را خود به خودی می بیند وبا مواضع ضد خدایش به الحادش اعتراف می کند و...

از تهمت‌های اولیه اش عبور می کنم چون تکراری اند و قبلا پاسخ گرفته اند در مورد حدیث "کلّ بدعۀ ضلاله و کلّ ضلاله سبیلها الی النار " باید گفت ۱- اولاً ایشان تقطیع حدیث کرده اند و اصل آن این بوده : " اما روایت کامل ان هم در صحاح سته و هم در کتاب صحیح و ضعیف الابانی با سند صحیح وارد شده است

۲۲۳۳ - أما بعد فإن أصدق الحديث كتاب الله و إن أفضل الهدى هدى محمد و شر الأمور محدثاتها و كل محدثه بدعۀ و كل بدعۀ ضلاله و كل ضلاله في النار أتتكم الساعة بغتة بعثت أنا و الساعة هكذا صحبتكم الساعة و مستكم أنا أولى بكل مؤمن من نفسه من ترك مالا فلأهله و من ترك ديناً أو ضياعاً فإلى و على و أنا ولي المؤمنين .تخریج السیوطی ۲ -به تعریف بدعت از دل قرآن رجوع کنیم قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ(الأحقاف/۹) بگو: «من پیامبر نوظهوری نیستم؛ و نمی دانم با من و شما چه خواهد شد؛ من تنها از آنچه بر من وحی می شود پیروی می کنم، و جز بیم‌دهنده آشکاری نیستم!» ۳- خداوند در قیامت از حجت باطنی یعنی عقل ما , ما را خطاب قرار می دهد , آیا اکتشافات علمی و اختراعات , بدعت در دین خدا و شریعت محمد است ؟ , پیامبری که می گوید به دنبال علم برو ولو در چین باشد و... لذا مغلطه ای که فرمودند و این روش تحقیق و پژوهش را به نام بدعت معرفی کردند را باطل می کنم . در این کتاب اول کلام الله آورده شده است , سپس برداشتهای نگارنده آورده می شود , هر حقیقتی که کشف شود مربوط به کلام الله است و هر کژی که ثابت شود از نظر برداشت کننده است, و...

۴ -در مورد سایر سخنان جناب نیکدوست هم مخاطبان را به حکمت خلقت شیطان جلب می کنم : ما با عمل به دستور خداوند ,اینکه شیطان را دشمن بگیریم و تو سرش بزنی , می توانیم ارتقا درجه ایمانی بگیریم, لذا هیچ عیبی نداره فحشهایش را من می خورم , ولی شما با تعقل و سبک و سنگین کردن حرفهای او , و زدن تو سر باطل هم می توانید به حقیقت برسید و هم به کرامت ایمانی برسید.

۵- خدمت مخاطب گرامی azkia دوست عزیز , ای کاش در مورد انتقادی که وارد کردید جمله نرم تری را به کار می بردید , شاید منظور جناب ۰۱۳۱۲۲۴۷۵۶۶ از فشار بالا , (فشار خون) بالا بوده نه فشار هوا باور کنید اگر آزاده گان عالم کمی مهربانتر با هم برخورد کنند , تفاوت کلمات عنب , اذن, انگور آنها را از درک حقیقت واحد دور نمی کند . ضمنا می توانستید به جای غلط املایی گرفتن از دوستان , صحیح آن کلمه را در نظر خود بازنویسی کنید لطفا در جمله بندیهای خود بیشتر دقت کنید تا از آنها زدگی و دلخوری به وجود نیاد . و البته اصلاح کلمه خود هم , توسط خودتان جای تقدیر دارد و امیدوارم این دقت نظر در امور ظاهری , به امور معنایی هم منتقل شود.

در پاسخ به جناب kaydan

۶- فرمودید " هم و غم خود را بر این گذاشته اید که با ترور شخصیت دیگران و تهمت زدن مداوم به مخاطبین و منتقدین خود جو سازی نمایید" خیر هم و غم بنده این است که از پس کافران و خداسنیز ها بر پیام و بتهای باطل آنها را بشکنم

۷- اگر در این تاپیک , سری به کامنتهای غیرمومنان بزنید خواهید دید که چه فشار سنگین و فحش و تهمتیهایی بدون مصداق به بنده روا داشته اند لذا ترور شخصیتی هم اگر هست علیه بنده است که همه می دانند , چه کسی هستم , ولی هیچکس نمی داند , شما یا سایر فحاش ها چه کسی هستید.

۸- لطفا مصداق تهمتیهایی که بنده به مخاطبین و منتقدین خود زده ام را بگوئید تا موردی راجع بهش بحث کنیم
۹- در مورد جو سازی هم که نوعی عملیات روانی بر مخاطب ثالث هست ,هم درست است , همانطور که شما و امثال شما برای اثبات کفر و الحاد خود از هیچ لجن پراکنی و منفی بافی دریغ ندارید, بنده هم برای شکستن آن جو , مدام به آیات قرآن رجوع می کنم تا جو ایمانی را حفظ کنم .

۱۰- فرمودید" با وجود ادعای شیعه و مسلمان بودن حتی این حدیث معروف از امام اول خود علی ابن ابی طالب ... " جناب کایدان , اولاً " و " ندارد , شیعه به همه پیامبران الهی اعتقاد دارد , شیعه و مسلمانی , قابل تفکیک نیست , ثانیاً همه اهل سنت , به غیر از وهابی ها و همه آزادگان جهان, احترام والایی برای امام علی (ع) قائلند , لذا ایشان را محصور و محدود به ما شیعیان نکنید .

سوما در مورد حدیث " نگاه کن بین چه چیزی گفته شده, نگاه نکن که چه کسی گفته است" کافی است که به کامنتهای اولیه اینجانب رجوع کنید تا ببینید چند بار این مفهوم را به کار برده ام و...

۱۱- فرمودید " شما بجای اینکه به گفته ها توجه کنید و مستدل به نقدها بپردازید..." شما وقتی با این منطق می آید جلو که " من خدا هستم , ثابت کن من خدا نیستم " چه انتظاری از بنده دارید , اینکه خدای احد و واحد را رها کنم , بیافتم دنبال شما که به شما ثابت کنم تو مخلوقی نه خالق ... ,

۱۲- فرمودید " به دنبال این هستید که گوینده کجاست و یا کیست." خوب این کجایش بده , شیطان هم مدام وعده می دهد , آرزو در ذهن ها می کارد , ... آیا ما باید تابع حرفش بشویم , یا اینکه با شناختن او به عنوان دروغگو , تحقیرش کنیم و ازش رد شیم. ثانیاً اگر شما فهمیدید که پیش فرض یک گوینده ای این است : "من خدا هستم و ثابت کن من خدا نیستم" , تکلیفتان با بقیه گفته هاش مشخص می شه

۱۳- فرمودید : " ادعا می کنید بنده اسرائیل یا سوئد و خارج نشین هستم یا آی دی بنده یکی از اعضای دیگر این انجمن است " وقتی بین جملات و تفکر شما و جناب نیکدوست حول کفر و الحاد اینقدر نزدیکی وجود دارد , حق دهید که مخاطب شک کند , شما دو نفر یا یک آی دی هستید یا یک تیم هستید (دو لبه یک قیچی) در مورد خارج نشینی هم , سایر مخاطبین محترم : به نظر شما ممکن است کسی درایران و حکومت دینی ساکن باشد و این جمله را علناً در مورد قرآن بگوید " متن عربی آیه هیچ معنا و مفهومی ندارد به همین خاطر نیز مترجمین با اضافه

نمودن ده ها و صدها کلمه و حتی جمله به آیات سعی می نمایند به آن معنا و مفهومی قابل درک بدهند!" یا " بنده قبلا عرض کردم من خدا هستم!" و... و آن وقت آزاد بماند !.

۱۴- فرمودید " اولاً بنده ساکن ایرانم و به ایرانی بودن خود افتخار میکنم و نه نسبتی با شخصی که نام بردید دارم و نه اصولاً علاقه ای به نظرات این فرد" از اینکه روشنگری کردید و حساب خود را از جناب نیکدوست جدا کردید ، تشکر می کنم. همه ما به ایرانی بودن خودمان افتخار می کنیم ، باور کنید اگر روی مشترکات ، انرژی بگذاریم ، مفترقات ، ما را دشمن هم نمی کند .

۱۵- فرمودید " نقل قول از همین شخص(نیکدوست) در یکی از مباحث(به مباحثی که ذیل معرفی کتاب قتل کسروی آورده شده مراجعه کنید)... " متأسفانه بنده به دلیل مشغله ، فرصت بررسی نظرات سایر کتابها، را ندارم ولی همین مطلبی که آوردید دلیل دیگری برای شناسایی این فرد به عنوان منافق مزدور است ، اینکه با کلمات ظاهر الصلاح ، نیت پلید خود را به مخاطب منتقل می کند و... و بابت این روشنگری مجدداً از شما تشکر می کنم.

۷۹۴۷hasan

Member

۰۵:۰۷ - ۱۱/۱۰/۱۳۹۵

ادامه

۱۶- در مورد مثال رازی ، پس از کلی بد بیراه فرمودید " بجای روشن نمودن اینکه اشتباه کردید و بجای پوزش خواهی شروع به داستان سرایی کردید که نمیدانم جابربن حیان شاگرد... " خوب جناب کاپدان ، شما دنبال چی هستید ، ظاهر یا معنا ؟ در متنی که آوردم نشان دادم که بسیاری از کشفیات علمی با واسطه یا بی واسطه به خاندان اهل بیت نبوت و امامت می رسد ، حالا شما اصل را ول کردی غلط املایی می گیری ، مگر بنده هارد کامپیوترم که سال تولد و وفات همه افراد عالم را در حافظه ام ذخیره کنم ، اثلا چه ارزشی دارد ، مهم این است که کشف مهمی در پزشکی چون الکل (که پایه ساخت بسیاری از داروهاست) توسط شخصی صورت گرفته که به امام صادق منتسب است . حالا اگر شما از امام صادق کینه دارید ، یا نمی خواهید مقام علمی ایشان را بپذیرید ، به خودتان مربوط است ، بنده ذهنیتی که از الکل و رازی و امام صادق داشتم آن بود که نگاشتم ، بعد از اینکه شما حساب سالها را عنوان کردید ، مجدداً بررسی کردم و دیدم رابطه این ۳ کلمه با اضافه کردن عبارت " با واسطه " تکمیل و اصلاح می شود . حالا این مطلب به نظر شما اینقدر مهم است که بنده باید بگویم غلط کردم ! یک کم انصاف داشته باشید.

۱۷- فرمودید " اینکه افلاطون چند صد سال پیش از میلاد مسیح میزیسته چه ربطی به توماس ادیسون دارد؟! " کشفیات ادیسون مبتنی بر فیزیک الکتریسته است و فیزیک یا فوژیس تنه درخت فلسفه است و ریشه های فلسفه به یونان ۲۸۰۰ سال پیش می رسد (کلمه ، کمیت ، کیفیت) و... یعنی آن مسیر تولید علم رسیده به کشفیات ادیسون و... لذا علم امروز طبقه آخر از یک ساختمان چند هزار ساله است ، لذا ربط دارد عزیز ...

۱۸- فرمودید " و اما بد نیست بدانید جابربن حیان به روایت تاریخ تا سن ۱۹ سالگی در نزد جعفرصادق درس فقه می آموخته، اگر خدمتی به جامعه بشری نموده و اگر بدنبال علوم طبیعی و ماده گرایی رفته تنها به این دلیل بوده که بعدها به مطالعه آثار و عقاید دانشمندان و فیلسوفان یونانی و ایرانی و کتب سانسکریت و... پرداخته است. " لطفاً جعل(دروغ) تاریخ نکنید در زمان امام صادق که مثل امروزه دو جریان علمی (حوزه و دانشگاه) نبوده ، همه علوم در یک نظام علمی تعریف می شده و تفقه در دین یعنی چنگ زدن به دین برای استخراج راه حلهای مسائل در موضوعات مختلف، لذا جابر بن حیان را بی آبرو نکنید و سعی نکنید ، دین را خالی از علم معرفی کنید و از آن طرف اکتشافات علمی را به دم ماتریالیسم و فلسفه ببندید و ... از نظر شیعه ماتریالیسم در محدوده حواس ۵ گانه که عقلاً

قابل اثبات باشد، قابل پذیرش است و چون ماتریالیسم از درک غیبیات عالم عاجز است ، برون دادش در آن حوزه هیچ ارزشی ندارد .(علوم انسانی ، ماتریالیستی غلط و باطل است)

۱۹-فرمودید " چون اصولا در جامعه ایران پس از اسلام بجز این دروس آموختن دروس دیگر وعلوم غیر دینی امری نکوهیده و بعضا کفرآلود محسوب می گردیده است. مراجعه کنید به زندگ... " بنده این را اطلاع ندارم ، ولی بر فرض هم که اینطور بوده باشد ، به دلیل عدم پذیرش عقل ، امری باطل بوده است و باید زده شود و...

۷۹۴۷hasan

Member

۰۵:۰۸ - ۱۱/۱۰/۱۳۹۵

۲۰-فرمودید " جای شک نیست چون خوب میدانید که برخلاف ادعایی که دارید این اندیشمندان دانش و علوم خود را نه از احکام دینی بلکه مدیون ترویج نظرات و تلاش نهضت ترجمه ای بودن که بسیاری همچون خاندان نوبختی و ابن مقفه ووو... در ترجمه آثار یونانی و پهلوی و سانسکریت هند نمودن و این امر باعث این گردید بزرگانی همچون ابن سینا با مطالعه آرا و افکار فلاسفه ای همچون ارسطو،افلاطون و ...دیگر دانشمندانی که چندان باوری به ادیان ابراهیمی نداشته اند. به چنین درجه ای از دانش و علوم دست یابند." اولاً احکام دینی امر و نهی جاده زندگی را نشان می دهند و در حوزه عالم جعل قابل تبیین است ، اختلاط آن با حوزه علوم خلقی غلط است ، ثانیاً آیا درستی و صدق ، وفاداری ، راستی ، نیکی و ... در ۲۰۰۰ سال پیش با امروز تغییر پیدا کرده است احکام دین به این اصول می پردازد ، حال در مسیر جهان ، خداوند نعمات عصری جدیدی را خلق می کند ، یک زمان انسان برای جابه جایی پیاده بود ، یک زمان چهارپایان ، یک زمان کالسکه ، یک زمان اتوموبیل بخار ، یک زمان هواپیما و ... آیا در نفس انتقال از یک نقطه به نقطه دیگر تغییری ایجاد شده است ؟ خیر فقط وسیله جابه جایی فرق کرده است ، لذا جایگاه مباحث علوم خلقی با مباحث جعلی (علوم انسانی و جهان بینی ها و ...) کاملاً جداست.

۲۱-البته اگر به خودتان نگیرید ، وقتی کسی داشته های خودش را نشناسد و به آن ارزش ندهد مجبور است آویزان " در ترجمه آثار یونانی و پهلوی و سانسکریت هند" بشود در حالیکه همه مواردی که آوردید را سلاطین جور ، برای خفه کردن ائمه و علمای شیعه ردیف کرده بودند (تاسیس دارالعلم مامون و...) تمام بدبختی ما در دوره ای که اروپا دوره انقلاب صنعتی را می گذراند ، این بوده که خائنانی با واردات تفکرات غیر ، خواص جامعه را به خواب بردند (و به تبع جامعه را) بدون اینکه در برابر نظرات آنها یک جمله " نظر من هم این است ... " بیاورند ، خود و جامعه را الینه کردند و ... در مورد ابن سینا هم فقط به یکی از آخرین جملاتش بسنده می کنم که گفت(قریب به مضمون) " عمرم به بطالت گذشت تازه فهمیدم کارم اشتباه بوده و به جای پرداختن به اصل قرآن خود را سرگرم قیل و قال ، این و آن کرده بودم و..."

۲۲-فرمودید " در پست های گذشته به صراحت آوردم که بنده ماتریالیسم و راسیونالیسم هستم. مطمئناً آنان که اهل تحقیق و مطالعه در این زمینه هستند بخوبی میدانند که کسی که بر این اصول باور و عقیده دارد به کل وجود موجود یا پدیده ای موهوم به نام "شیطان" را نفی و مردود می داند.و..." جناب کایدان ما با هم تفاوت پارادایمی داریم ، شما مبتنی بر فکر خود بنیاد دکارتی ، می خواهید بنده را مجبور کنید که در وادی ماتریالیسم وارد شوم و با ادبیات و کلمات آنها با شما بحث نمایم و بالعکس بنده می خواهم همچنان فکرم را مبتنی بر دستگاه فکری قرآن نگه دارم و در آن پارادایم موضوعات را بررسی کنم . لذا وقتی خود ماتریالیست های اصلی ساکن در تمدن غرب به شکست تفکرشان اعتراف دارند و از طرفی این همه مصیبت تمدنی شان (بیکاری ، بدهی ، زنا زدگی ، فردیت و ...) نشان از شکست ماتریالیسم دارد ، اصرار شما برای بولد کردن این موضوع در این مقال جای سوال دارد ، بنده با قواعد تمدن رقیب وارد زمین منازعه نمی شوم ، چون خودمان قواعد بسیار قوی داریم و اینجا هم زمین ماست.

بنده مشخصا جواب شما را دادم که لکم دینکم و لی دینی (دین شما برای خودتان و دین من هم برای خودم) دین ماتریالیسم شما برای خودتان و دین توحید (با قرائت شیعه) ما هم برای خودمان

۲۳- فرمودید "... جنابعالی با تفسیر به رای سعی نمودید از آن به این نتیجه برسید که اشاره به واژه ((علم)) در این آیه بیان یک نظریه علمی و ماده گرایانه است." جناب کایدان دنیا مزرعه آخرت است، این دنیا و همه مواد آن آزمایشگاهی است که انسانها در آن آزمایش می شوند و به رشد می رسند یا به غی لذا شیعه با داشتن و استفاده از دنیای مادی هیچ اختلافی ندارد و برعکس در حال تولید مدلی است که انسانها را، از این دنیای مادی، به عرش اعلی، برساند، لذا لطفا القاء نکنید که شیعه با نظریات علمی و ماده گرایانه (محدود به ۵ حس) مخالف است.

۲۴- فرمودید " سعی نمودید اشتباهات عمدی خود را یکجوری رفع و رجوع نمایید و در پاسخ چنین ادعایی نمایید..." و جواب بنده که "... هر جا در قرآن کلمات قد، فقد، ان، انما، کانما و... آمده، آنها دکترینهای قرآنی اند..." خیر جناب کایدان، از نظر بنده اشتباه نبوده و درست بوده منظور بنده از آوردن " وَإِنَّهُ لَدُوْ عِلْمٍ لِّمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (یوسف/۶۸) و او به خاطر تعلیمی که ما به او دادیم، علم فراوانی داشت؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند!" دقیقا توجه دادن مخاطب به کاربرد کلمه علم در کلام الله بوده است آن هم به عنوان دکترین، اجمالا عرض کنم باور به مثابه دکترین یعنی نه آنقدر سطحی به مانند هوا و نه آنقدر دگم به مانند سنگ بلکه همچون خمیر مایه ای که در هر موضوعی وارد شود، خروجی منطقی و درستی می دهد. اگر داستانهای قرآن را از آن جدا کنید، به باید و نباید هایی می رسید، به فرمولها و قواعد پایه ای می رسید، که اگر با آن ابزار به هر حوزه ای وارد شوید، می توانید خروجی بگیرید، دلیل زنده بودن قرآن این است که قواعدش (دکترینهاش) کهنه نمی شود و همین امروز هم می تواند و باید مبنای سیاست داخله و خارجه و معیشت و علم و... قرار گیرد. لذا همه اتهاماتی که دادید را باطل می کنم.

۲۵- فرمودید " دکترین قرآنی! کلمات قد، فقد، ان، انما، کانما، دگما، دکسا، تنت، آیدیا ووو...مشتی گفتار پوچ و بی معنایی..." هیچ ماتریالیستی در حوزه ای که در آن تخصص ندارد و واژگان آن را نمی شناسد، به خود اجازه ورود نمی دهد، به نظرم، به تعریفی که از خودت کردی شک کن ...

۲۶- در مورد اشکالی که به (...) وارد کردید و تعریف " اصولا نویسنده زمانی از این شیوه استفاده می نماید برای اینکه نشان دهد که آنچه که آورده بخشی از یک کل (متن) بوده ... " بر فرض که تعریف تکنیکی اش آن باشد که شما گفتید، آن نوع تعریفها را اشاعره می پسندند، گروهی که می خواهند دین و کلام الله و سنتهای زندگی را محدود و محصور به تاریخ ۱۴۰۰ سال پیش کنند،... ولی شیعه فرزند زمان خویش است و از آیات قرآن، معنای جاری و امروزینش را جستجو می کند و لذا بنده، از آن آیه مورد نظر به دکترینش کار داشتم، نه تمام آیه...

۲۷- در مورد تعریفی که از دکترین ارائه دادید " مجموعه ای از باور و اصول و نظریات را دکترین می گویند" بنده با شما اختلاف نظر دارم مختصری از آن را در نکته شماره ۲۴ گفتم و اینکه کلمات دکتر، دکترینر، دکترینال، دکترینولوژی و... هر کدام داستان خود را دارد. دکترین به مثابه قاعده و دکترین به مثابه روش (متد) قابل تفکیک است و ...

۲۸- گفتید " موظف هستید عین ترجمه و برگردان (معنایی) آیه متن عربی یا هر زبان دیگری را به فارسی نقل نمایید." گفتن این حرف با این حالت تعصب، از جانب یک ماتریالیست بسیار عجیب است، و جای خوشحالی دارد،

به هر حال در برگردان یا ترجمه، اصل بر انتقال مفهوم و معنای کلام است و مترجم صالح و واجد شرایط می تواند تا جایی که لازم بداند، مطلب را طول دهد تا هدف اصلی محقق شود.

۷۹۴۷hasan

Member

۰۵:۰۹ - ۱۱/۱۰/۱۳۹۵

۲۹- فرمودید " اینکه کسی بخواهد از روی ذهنیت و برداشت شخصی یک متن (آیه) را ترجمه نماید اصولاً در اسلام عملی خلاف و کفر محسوب می گردد " بیایید اول " کسی " را معنی کنیم ، بلکه اگر کسی که خود را خدا می داند این کار را بکند حکمی که فرمودید (خلاف و کفر) صحیح است ولی اگر مرجع تقلید جامع شرایط که از راویان حدیث ائمه اطهار هم هست، این کار را بکند ، درست است ، هرچند بنده هم با بسیاری از ترجمه های رایج مشکل دارم ولی چاره ای نیست به قول معروف کاجی به از هیچی و باید تلاش کرد تا معانی کلمات قرآن را به جای خودش برگرداند ، البته دور از نظر نماند یکی از دلایل این وضعیت ، هجوم مترجمان بی صلاحیت ، آثار و نوشته های غرب بوده است ، مثلاً ترجمه فیلاسوفی به حکمت کاملاً غلط و خائنانانه بوده است و وضع پیچیده امروز در نظام معرفت ریشه در التقاطی است که توسط غربزده ها صورت گرفته است و کلمه های بزرگ حکمی و قرآنی را به مفاهیم کوچک ، تمدن ماتریالیستی غرب اطلاق کرده اند ...

۳۰- اشکال گرفتید که " اول اینکه واژه "عقل" نه به معنای دهان بند شتر بلکه به معنای ریسمانی است که پای شتر را با آن می بندن و...! " تکمیل می کنم " عقل به معنای عقل و بندی که اعراب برای بستن زانوی شتر و جلوگیری از حرکت آن است می باشد و از این جهت به عقل اطلاق می گردد که انسان را از حرکت های بی جهت و بیهوده و انحراف از مسیر حق باز می دارد " بلکه متأسفانه درست گفتید ، عرض کردم نت ام ، ضعیف است (البته این دلیل ، تنبلی ام را توجیه نمی کند) و آن موقع ، بدون سرچ در اینترنت ، صرفاً به ذهنیتم بسنده کرده بودم ، از سایر مخاطبین بابت این اشتباه (اینکه عقل زانو بند بوده نه دهن بند) عذرخواهی می کنم، ولی این مطلب اصل مفهومی که می خواستم منتقل کنم را، تغییر نمی دهد و الباقی مطلب همان است که عرض شد، با عقل باید کنترل اسب سرکش فکر را صورت داد و ... و ثانیاً اینکه الباقی توصیفاتتان در مورد شیر و ... ، بی جا بدون تناسب بود.

۳۱- گفتید " عقل یک کلمه قرآنی بلکه می گویند عقل یک واژه عربیست، چون پیش از پدید آمدن قرآن به لسان عرب این زبان عربیست که طی قرنهای تداوم رشد و تکامل یافته " سوال چرا از بین هزاران لغت دیگر ، خداوند این لغت را برای انتقال معنای (کنترل فکر و ...) انتخاب کرده است ، وقتی خداوند این کلمه را مناسب تشخیص داده و در قرآنش آورده ، آن وقت است که این کلمه دارای ارزش می شود ، شما اصل را به انتخاب خداوند قرار بده، آنگاه زبان عربی به تبع آن تعریف می شود و آبرویش را از آن می گیرد ، در اینصورت برداشت برعکس شما (که زبان عربی قرنهای گذشته و تکامل ...) باطل می شود ، در ثانی در قرآن کلمات زیادی از سایر زبانها وجود دارد ، که معرب (عربی سازی) شده است، لذا آنچه برای ما رجحان و برتری دارد و اصل است اعتبار این کلمه به واسطه کاربردش در قرآن است نه زبان مردم سرزمین حجاز.

۳۲- گفتید " معرفت یا شناخت نیز وابسته به تجربه و علم تجربی دارد. " علم و معرفت در تعریف ساینستیک آن محدود به حس و تجربه است ، حال آنکه بسیاری از گزاره هایی که نسبت به انسان در غیب قرار دارد ، خارج از این تعریف قرار می گیرند و اتفاقاً به همین دلیل ما تعریف ساینس از علم را فقط در حوزه ماده معتبر می دانیم و و صدها گزاره غیب از حواس ۵ گانه را ، با عقل و حکمت و کلام رسیده از وحی ، بررسی می کنیم

۳۳- گفتید " ... او بر این باور است که هرآنچه که در اندیشه انسان رسوخ می کند می باید از فیلتر آزمون و خطا عبور نماید تا بتوان به صحت و سقم و درستی یا نادرستی آن پی برده شود و هیچ چهارچوب و حد و مرزی برای کسب این تجارب نمی شناسد " .

در مورد درستی و نادرستی ، سوال می پرسیم آیا اقداماتی که فراعنه و هیتلرها می کرده اند (که به نظر خودشان درست بوده) واقعا درست بوده ؟ البته خیر ، (به همین دلیل نسبی گرایی زیر سوال است) ، پس صحت و سقم هر عملی خارج از عامل آن، به حقیقتی مطلق و ثابت و محاط بستگی دارد و شیعه معتقد است که حق و درستی را فقط و فقط الله قرار داده است و لاغیر ،

در مورد حد و مرز کسب تجربه سوال می پرسیم ؟ آیا انسان توانسته یا می تواند زمان را به عقب یا جلو ببرد ؟ آیا انسان می تواند چرخه حیات خود را تکرار کند تا آزموده ها و تجربه های دور اول حیات خود را در دور دوم بهره برداری کند ؟ البته خیر ، پس همیشه برای تجربه ها ، حد و مرز وجود دارد. جناب کایدان با ، رویکرد ساینس محور (۵ حس و تجربه تکرار پذیر) نمی توان ، وارد مباحث حکمی و علوم جعل شد ، اصولا نظریه پردازی در حوزه علوم انسانی ، بسیار پیچیده تر از علوم خلقی مثل برق و مکانیک و ... است . لذا ممکن است مثلا ژاپن یا کره یا اسپانیا یا... اتوموبیل ساز (یا هر کالای فنی دیگری) خوبی باشند ، اما هرگز در علوم انسانی عددی به حساب نمی آیند . لذا سیطره علوم انسانی در جهان با یهود و شیعه (به عنوان پیروان دین ابراهیمی) است ، امیدوارم این توضیح ، به التقاط ساینس و علم پایان دهد و شما و سایر مخاطبان ، هر کدام از این موضوعات را در جایگاه خودش ببینید ، و از تفکر ساینستیک ، در حوزه های جعل ، اجتناب کنید و

۷۹۴۷hasan

Member

۰۵:۱۰ - ۱۱/۱۰/۱۳۹۵

۳۴- گفتید " ولی یک فرد دیندار اصول و قواعدی را موظف است ، برای اندیشیدن خود پیش از هرگونه تصمیم گیری مد نظر قرار دهد." خیر اولاً اینکه حساب حاخامهای یهودیان ، کشیشان قرون وسطایی کلیسا، و سلاطین اموی و عباسی و ... را در بلاد اسلامی از دین واحد توحید و اسلام جدا کنید ، ثانياً ، شیعه نه خود را کاملاً مجبور می بیند، نه خود را کاملاً مختار بلکه امر بین الامرین لذا شیعه حرکت اندیشه خود را از صفر شروع نمی کند و دستگاه معرفت خود را روی کلمات میراث انبیاء و ائمه چیدمان می کند، ثالثاً اگر منظور شما از اصول و قواعد ، "منطق" است ، مثلاً منطق هگلی ، منطق فازی ، یا منطق ین و یانگ ، یا منطق توحیدی ، بنده با شما موافقم . و بارها اعلام کرده ام که منطق مطلوب من ، منطق توحیدی (۰-۱) دیجیتالی ، صفر و یک ، راست و دروغ ، حق و باطل ، صلاح و فساد ، عقل و جهل و سایر فروع آن، است ، که قطعاً متفاوت با منطق فیلسوفان غربی و فیلسوفان وطنی ،(مکلا و معمم شان) است و...

۳۵- گفتید " ... و هرآنچه را که خارج از این چهارچوب باشد را کفر و شرک می خواند." با توجه به توضیحات ارائه شده ، بله ، هر آنچه را که خداوند مصداق کفر و شرک معرفی کند ، ما هم کفر و شرک می دانیم و..

۳۶- گفتید " به همین دلیل است که در طول تاریخ میان ادیان الهی و صاحبان دین بسیاری از علوم طبیعی همچون فیزیک، شیمی، زیست و... از علوم الحادی و شرک قلمداد میشده " خیر ، تعریفی که مد نظر شماست ، تعریف دکانداران کلیسا از دین است ، که آنها برای بقای نفوذ و حکومت خود ، مردم را به استحمار کشیده و بالاخص با پژوهشگران مخالفت داشتند ، ثانياً واژه ادیان غلطه ، راه رسیدن به رضایت الله یک دین است و طبق آیاتی که مکرر بیان شده همه انبیا و اولیای الهی مسلم بوده اند (تسلیم حق) و بیان شد که ، نظر شیعه در مورد علوم طبیعی و خلقی ، نه تنها بایکوت و شرک نیست ، بلکه امر به مکاشفه است اطلبوا العلم ولو بالسنین

هیچ کس در عالم بر سر قوانین عالم خلق (مثلا $f=mg$ $w=1/2mc^2$) دعوایی ندارد، چون ثابت و لایتغیرند با حس و تجربه اثبات می شوند و ... ، همه دعوایها در عالم، در حوزه علم جعل است ، استاندارد دوگانه ، نسبی گرای ، ماتریالیسم ، اومانیسیم ، لیبرالیسم ، بودیسم و ... اسلام با قرائت شیعی ، اسلام با قرائت حنفی و حنبلی و

۳۷-گفتید " چون کتاب دین آنها(تورات،انجیل،قرآن) تفکر و تجربه چنین علمی را بر نمی تابیده است" در مورد تورات و انجیل تحریفی موجود ، قضاوت نمی کنم ولی قطعا در مورد قرآن سخنتان باطل است ، تاکید مدام خداوند بر بصر (دیدن) ، شنیدن ، فکر ، عقل ، علم ، یقین و... دوران تمدن درخشان اسلامی ، عکس کلام شما را بیان می کندو...

۳۸-گفتید " و هرآنکس که به این علوم پرداخته را تکفیر نموده است. نمونه بارز آن در تاریخ گالیله،اپیکور، جوردینیو" با این مصادیقی که آورید کاملا مشخص شد ، که منظور شما کلیسای خشن ، قرون وسطایی است ، و سعی دارید، حکم آن را به دین اسلام هم تعمیم بدهید ، که البته باطل است ، چون ما هم اعلام کرده ایم که با اینگونه اقدامات آنها مخالفیم.

۳۹ -گفتید " و مثال بارز آن در این بحث چارلز داروین و... " خلط شما بیجا بود ، داروین برای دوره پسا رنسانس است و نباید شرایط ما قبل آن را بر ایشان حمل نمود ، اتفاقا به نظر بنده ، یکی از دلایلی که غرب به داروینیسم پناه برده و نمی خواهد ، حقایق ابطال آن را بپذیرد، همین است ، چون فکر می کند اگر این را از دست بدهد مجبور می شود مجددا به زیر قیومیت ، کلیسا برود و...

۳۹ -گفتید " گالیله به این دلیل که زمین را مرکز کائنات ندانسته تکفیر گردید و دیگر اندیشمندان نیز همچون جوردینیو یا کشته یا تکفیر گردیدن." واقعا اگر در کل تمدن ماتریالیستی بگردید، جز همین چند نفر قربانی دیگری می توان پیدا کرد؟ ، یک انسان آزاده ، این طرف ، هزاران شهید ، جریان حق گرای توحیدی را هم ، می بیند ، بعد قضاوت می کند ، اولاً چرا تکفیر کردن کلیسای انحرافی را می خواهید پای ما بنویسید ؟ در حالیکه ما مدام عکس این را گفته ایم ، ثانيا آنچه گالیله گفته بود (گرد بودن زمین) ۳ قرن قبلش ابوریحان بیرونی با محاسبات ریاضی ثابت کرده بود و به احتمال زیاد گالیله در جریان نهضت ترجمه آثار مسلمانان در غرب ، به آن حقیقت رسیده بود لذا ، به داشته های خود افتخار کنیم ، و به فکر حل مسائل خود باشیم و غرب را به حال خودش بگذاریم، از آنها عبور کنیم ، کار سختی است ؟!!!

۷۹۴۷hasan

Member

۰۵:۱۱ - ۱۱/۱۰/۳۹۵

۴۰ - فرمودید " دلیل بارز آن نیز این است که نظرات و عقایدی که بیان می نماید کلهم در محدوده عقل دینی و قوانین و اصول از پیش تعریف شده بیان می گردد،اصولی که برای خود وحی منزل دانسته و در درستی آن کمترین شک و شبهه ای به خود راه نمی دهید." اولاً بیان شد که عقل دینی و عقل غیر دینی نداریم ، عقل حجت درون انسان و ابزار کشف و تسلیم شدن به حقیقت است و همه علوم خلقی و جعلی (مادی و معنایی) توسط یک قانونگذار وضع شده و کاملا با هم همپوشانی دارند . و اصول دین همچون جاده ای است که پیامبران الهی مبتنی بر وحی ساخته اند ، آیا یک انسان عاقل برای رسیدن به مقصد از راه و جاده مستقیم آن باید برود یا کوه و دره و بیابان ؟ و در مورد تعریفی که فرمودید " و در درستی آن کمترین شک و شبهه ای به خود راه نمی دهید" هم متشکریم و هم امیدوارم اینگونه باشد ، چون مهم این است که خداوند تأیید کند نه شما.

۴۱ -گفتید " بحث با چنین فرد و چنین شخصی متحجر که هرآنچه که خود و اصول و شعائر دینی که به شیوه سنتی کسب نموده است را درست می پندارد، از نظر منطقی درست نیست." حجر یعنی سنگ و به حالتی اطلاق

می شود که فرد حاضر نیست باورهایش را تغییر دهد ، به نظر شما موسی (ع) بعد از دیدن آن همه معجزه باید باورهایش را به خدا تغییر دهد؟ ، چرا فرعون با دیدن آن همه معجزه باز حاضر نشد ، تسلیم حق شود؟ و از باورهای قبلی اش دست بردارد ؟ لذا همواره تاریخ دو پارادایم وجود داشته ، پارادایم خداباورانی که خود را تحت ولایت او می سپارند و پارادایم خداناباورانی که چندین ولی هر کدام جداگانه ، افسار آنها را به هر سمت که بخواهند می کشند **اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ**(البقرة/۲۵۷)

خداوند، ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ آنها را از ظلمتها، به سوی نور بیرون می‌برد. (اما) کسانی که کافر شدند، اولیای آنها طاغوتها هستند؛ که آنها را از نور، به سوی ظلمتها بیرون می‌برند؛ آنها اهل آتشند و همیشه در آن خواهند ماند.

در مورد شیوه و متدلوژی کسب معرفت هم ، مهم نیست قدیمی باشد یا جدید ، یا به اصطلاح سنتی و بومی باشد یا مدرن و غربی ، مهم این است که آموزنده بوده و حقیقت دغدغه اش باشد و به حقیقت برسد . لذا در این شرایط که هیچ کدام حاضر نیستیم ، از پارادایم خود دست برداریم ، بهترین کار عمل به آیات سوره کافرون است لکم دینکم و لی دینی ، بالاخره هر چیزی پایانی دارد و در آن پایان معلوم میشود ، حق با کی بوده است !

۴۲-گفتید " یا باید به اصول و قوانین او بحث را دنبال کرد یا می باید او شهامت اینکه برای شرکت در چنین بحثی از اصول و قوانینی که به آن باور و ایمان قلبی دارد، عدول نماید را داشته باشد." خیر جناب کایدان ، الله منشا حق است و ثابت و مطلق بوده و هست و خواهد بود، لذا حقیقت جویان باید به شیوه خدا بحث کنند (آنگونه که از کلامش بر می آید) ماها کی باشیم که در برابر دستگاه فکری خداوند ، ادعایی داشته باشیم ، در مورد شهامت هم ، هر گاه شما شهامت این را داشتید که از تعلق خاطر به غیر (عموما اروپائیان پاگان یا نئوپاگان)، دست بردارید و به داشته های تمدنی و ایمانی خود (اولین امپراطوری عالم و دین آخرین نبی) تسلیم شوید ،آنگاه ، بنده شهامت را برای شما معنی می کنم . و شیطان هزار سال سیاه را به خواب ببیند ، که من از باور و ایمان قلبی ام عدول کنم، به اذن الله

۷۹۴۷hasan

Member

۰۵:۱۲ - ۱۱/۱۰/۱۳۹۵

۴۳-گفتید " هرگاه توانستید خارج از چهارچوبی که برای خود تعیین کردید به این موضوع بنگرید و توانستید از بی خدایی(به ادعای شما کفر و الحاد) به وجود چنین خالق پی ببرید آن زمان است که ارزشمند است." بنده اشتباه اکثر فلاسفه را مرتکب نمی شوم ، سوال از وجود در مورد هر چه در عالم است،(مادون مقام انسان)، حق است و در مورد الله ، احمقانه است .

کسی سوال از وجود را می پرسد که بخواهد بر آن شیء یا موضوع مسلط شود و سیطره پیدا کند و محاط شود ، این قابلیت و ظرفیت را خداوند به انسان داده است ،در مورد همه پدیده های عالم (بما شاء) ولی هرگز انسان که خود توسط خداوند محاط شده است، نمی تواند بر خداوند محاط شود ، هیچگاه یک انسان نمی تواند وجود خداوند را به طور کامل درک کند ، که در آن صورت خدا دیگر خدا نیست ، پس احمقند کسانی که می خواهند خدا را زیر میکروسکوپ یا پشت تلسکوپ ببینند...

در مورد خدا فقط و فقط باید از درک حضور وارد شد ، حالا هر چقدر که خودش محرم بداند ما را ، و راهنمان دهد !
۴۴-گفتید " وگرنه با پذیرفتن یک پیش فرض و ایمان داشتن به اینکه آن پیش فرض کاملا درست(وجود یک خالق هوشمند آنگونه که ادیان الهی برای آن تعریف آورده اند) و اینکه آن پیش فرض نیز بدور از هرگونه خطا است چندان

کار شاقی نکرده اید." لطف کنید اگر می توانید این کار نه چندان شاق را انجام دهید تا بقیه هم به شاق نبودن آن پی ببرند ،

أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ (العنكبوت/۲)

آیا مردم گمان کردند همین که بگویند: «ایمان آوردیم»، به حال خود رها می شوند و آزمایش نخواهند شد؟! وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ (البقرة/۱۵۵)
قطعا همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مالها و جانها و میوهها، آزمایش می کنیم؛ و بشارت ده به استقامت کنندگان!

۴۵- حکایتی از سعدی نقل کردید و قیاس کردید که " این فرد قرار است با این باور و با این پیش داوری با من بحث نماید که به هر طریقی استدلالات من خطاست و تنها بدنبال شکست دادن من است "
اولا احیانا شکست نفسی نکردید ، که خود را با سعدی قیاس کردید و بنده را ، آن جوانک خام و ... ثانيا
منظور سعدی از باور و پیش داوری ، نفس (خود) جدل بوده است، یعنی آن فرد خام به دنبال واقعیت و حقیقت ، نیست ، بلکه برای ارضای هوای نفسش به دنبال شکست دادن طرف مقابل بوده است ، لذا مصداق این عبارت " ...که به هر طریقی استدلالات سعدی خطاست " را زیر سوال می برم ، شما استدلال معقول (عقل مبتنی بر ثابتها و سنتهای الهی) بیاور ، نگران نباش ، اینقدر عقول آزاد اندیش داریم ، که نیاز نباشد ملاحظه ، نظر من را بکنی .

۷۹۴۷hasan

Member

۰۵:۱۲ - ۱۱/۱۰/۱۳۹۵

۴۶-گفتید " با این وجود بنده نیز هر دلیل و برهان و هر استدلالی که بیاورم طبق آنچه در ذهن دارد، بی ارزش است" تا اینجای کار که شما فقط به پارادایم کفر کیشی خود چسبیده بودید لذا "هر دلیلی " در جمله فوق بی معناست . و در مورد ذهنیات بنده عرض شد که علوم ماتریالیستی صرفا در حوزه علوم خلقی (ریاضیات و فیزیک و شیمی) به شرط اثبات ، پذیرفتنی است و در حوزه علوم جعلی (عالم معنا ، کیفیت حیات و علوم انسانی) ما به منابع غنی قرآن و حدیث ائمه عصمت و طهارت استناد می کنیم . شما هم به فلاسفه غیر . (عموما غربی) دیگر دلخوری ندارد .

نکند انتظار دارید ، بنده تابع ادله نسبی گرایانه استادهاى شما (فلاسفه غرب) ، بشوم ، که زهی خیال خام ...
۴۷-گفتید " چون تنها قرار بر این است که حرف حرف او باشد نه پذیرفتن برهان و استدلالاتی که از راه منطق و علم بدست می آید." اولاً برهان ، دلیل ، استدلال ، کلماتی با مفاهیم ایمانی دارند ، لطفا آنها را روی مفاهیم وارداتی از غرب نگذارید ، که اسمش التقاط می شود و التقاط ... ثانيا ، خیر ، شما اشتباهات بنده را پیدا کن و به حقیقت بپرداز ، مطمئن باش همه را ممنون خود خواهی یافت ، چون حقیقت نه حرف من است نه حرف توست نه حرف اوست نه حرف ماست نه حرف شماست نه حرف آنهاست ، بلکه حرف و کلام خدای ثابت و لایتغیر و کامل الصفات است . و هر انسان مختاری، این حق را از خدا گرفته است که به انتخاب خودش، استدلالی را بپذیرد.

۴۸-گفتید " و تازمانی که با این پیش فرض و این عقیده وارد بحث با دیگران می شوید کمترین ارزشی برای ادامه چنین بحث و جدلی وجود ندارد." بسیار خوب ، پس خوشحال می شویم این بحث و جدل را همینجا خاتمه دهید و از وارد کردن شبهات جدید بپرهیزید ، بنده هم مجبور نباشم تا ساعت ۴ صبح ، جوابیه شما را تهیه کنم

۴۹-گفتید " کمترین سود آن لاقل برای من نوعی این خواهد بود که از این صفات و تهمت های بی اساسی که به کرات و مرات به بنده نسبت می دهید بری خواهم بود." اولاً بنده در مورد شیطان صفت احمق و نادان را به کار بردم

، اگر شما به خود گرفته اید مشکل شماسست و ثانيا این عبارات تهمت نیستند ثالثا اینها در مورد شمایی که آن جملات شدید را علیه خدا و دین خدا و کتاب خدا و پیامبر خدا و وحی خدا گفتید ، هیچ است ، من هم توصیه می کنم دست از مظلوم نمایی بردارید، هیچوقت حضوری این بحث را با یک شیعه واقعی مطرح نکنید ، و ...
وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمٌّ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ مَنْ يَشَأِ اللَّهُ يَضِلُّهُ وَمَنْ يَشَأِ يَجْعَلُهُ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (الأنعام/۳۹)
آنها که آیات ما را تکذیب کردند، کرها و لالهایی هستند که در تاریکیها قرار دارند. هر کس را خدا بخواهد (و مستحق باشد)، گمراه می کند؛ و هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، بر راه راست قرار خواهد داد.
إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ (الأنفال/۲۲)
بدترین جنبنندگان نزد خدا، افراد کر و لالی هستند که اندیشه نمی کنند .
برایتان هدایت را دعا می کنم ان شاء الله

۷۹۴۷hasan

Member

۱۰:۱۴ - ۲۵/۱۱/۱۳۹۵

با سلام خدمت همه مخاطبان عزیز

به استحضار می رسانم بنده گرد آورنده و مولف مطالب این کتاب هستم .
چنانچه سوالی یا مطلبی دارید که به روشنتر شدن بحث کمک می کند لطفا دریغ نفرموده و با جمع به اشتراک بگذارید، امید اینکه بتوانم جواب قانع کننده و مناسبی برای آن تهیه کنم .
با تشکر

از اینکه تا اینجای بحث و جدل، حوصله کردید و این فشار سنگین را تحمل کردید ، تشکر می کنم و به شما تبریک می گویم ، و مطمئنم که ظرفیت و سعه وجودی شما ، پس از این زد و خوردهای معرفتی ، بالاتر رفته است ، می خواستم بنویسم پایان ، ولی یک دفعه وجودم به لرزه افتاد ، چون پایان این جنگ و مناظره ، وقتی است که اسرافیل ملک ، زنگ آخر ، امتحان دنیا را بنوازد و

وَيَوْمَ يَنْفُخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلٌّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ (النمل/۸۷)
و (به خاطر آورید) روزی را که در «صور» دمیده می شود، و تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند در وحشت فرو می روند، جز کسانی که خدا خواسته؛ و همگی با خضوع در پیشگاه او حاضر می شوند!
وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ (یس/۵۱)

(بار دیگر) در «صور» دمیده می شود، ناگهان آنها از قبرها، شتابان به سوی (دادگاه) پروردگارشان می روند!
وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ (الزمر/۶۸)

و در «صور» دمیده می شود، پس همه کسانی که در آسمانها و زمینند می میرند، مگر کسانی که خدا بخواهد؛ سپس بار دیگر در «صور» دمیده می شود، ناگهان همگی به پا می خیزند و در انتظار (حساب و جزا) هستند.
وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ (ق/۲۰)

و در «صور» دمیده می‌شود؛ آن روز، روز تحقق وعده وحشتناک است!

يَوْمَ يَنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا (النبا/۱۸)

روزی که در «صور» دمیده می‌شود و شما فوج فوج (به محشر) می‌آیید!

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَاقَّةُ (الحاقه/۱)

(روز رستاخیز) روزی است که مسلما واقع می‌شود!

مَا الْحَاقَّةُ (الحاقه/۲) چه روز واقع شدنی!

وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ (الحاقه/۳) و تو چه می‌دانی آن روز واقع شدنی چیست؟!

كَذَّبَتْ ثَمُودٌ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ (الحاقه/۴) قوم «ثمود» و «عاد» عذاب کوبنده الهی را انکار کردند (و نتیجه شومش را دیدند)!

فَأَمَّا ثَمُودُ فَأَهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ (الحاقه/۵) اما قوم «ثمود» با عذابی سرکش هلاک شدند!

وَأَمَّا عَادٌ فَأَهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ غَاثِيَةٍ (الحاقه/۶) و اما قوم «عاد» با تندبادی طغیانگر و سرد و پرصدا به هلاکت رسیدند،

سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَنَعٌ لَيَالٍ وَتَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ (الحاقه/۷)

(خداوند) این تندباد بنیان کن را هفت شب و هشت روز پی در پی بر آنها مسلط ساخت، (و اگر آنجا بودی) می‌دیدى که آن قوم همچون تنه‌های پوسیده و تو خالی درختان نخل در میان این تند باد روی زمین افتاده و هلاک شده‌اند!

فَهَلْ تَرَى لَهُمْ مِنْ بَاقِيَةٍ (الحاقه/۸) آیا کسی از آنها را باقی می‌بینی؟!

وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَةِ (الحاقه/۹) و فرعون و کسانی که پیش از او بودند و همچنین اهل شهرهای زیر و رو شده [=قوم لوط] مرتکب گناهان بزرگ شدند،

فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخْذَةً رَابِيَةً (الحاقه/۱۰) و با فرستاده پروردگارشان مخالفت کردند؛ و خداوند (نیز) آنها را به عذاب شدیدی گرفتار ساخت!

إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ (الحاقه/۱۱) و هنگامی که آب طغیان کرد، ما شما را سوار بر کشتی کردیم، لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكَرَةً وَتَعْيِبَةً أَدْنَى وَأَعْيِبُهُمُ الْخَاقَةَ (الحاقه/۱۲) تا آن را وسیله تذکری برای شما قرار دهیم و گوشه‌های شنوا آن را دریابد و بفهمد.

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ (الحاقه/۱۳) به محض اینکه یک بار در «صور» دمیده شود،

وَحَمَلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً (الحاقه/۱۴) و زمین و کوه‌ها از جا برداشته شوند و یکباره در هم کوبیده و متلاشی گردند،

فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ (الحاقه/۱۵) در آن روز «واقعه عظیم» روی می‌دهد،

وَأَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ (الحاقه/۱۶) و آسمان از هم می‌شکافت و سست می‌گردد و فرومی‌ریزد!

وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ تَمَانِيَةً (الحاقه/۱۷)

فرشتگان در اطراف آسمان قرار می‌گیرند (و برای انجام مأموریتها آماده می‌شوند)؛ و آن روز عرش پروردگارت را هشت فرشته بر فراز همه آنها حمل می‌کنند!

يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ (الحاقه/۱۸) در آن روز همگی به پیشگاه خدا عرضه می‌شوید و چیزی از

کارهای شما پنهان نمی‌ماند!

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَؤُلَاءِ أَقْرَبُوا كِتَابِيَةَ (الحاقه/۱۹) پس کسی که نامه اعمالش را به دست راستش دهند (از شدت شادی و مباهات) فریاد می‌زند که: «(ای اهل محشر!) نامه اعمال مرا بگیریید و بخوانید!

إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَةَ (الحاقه/۲۰) من یقین داشتم که (قیامتی در کار است و) به حساب اعمالم می‌رسم!»

فَهُوَ فِي عَيْشَةٍ رَاضِيَةٍ (الحاقه/۲۱) او در يك زندگي (كاملا) رضايتمبخش قرار خواهد داشت،
 فِي جَنَّةٍ غَالِيَةٍ (الحاقه/۲۲) در بهشتي عالي،
 قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ (الحاقه/۲۳) كه ميوه هايش در دسترس است!
 كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ (الحاقه/۲۴) (و به آنان گفته مي شود): بخوريد و بياشاميد گوارا در
 برابر اعمالی كه در ايام گذشته انجام داديد!
 وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَةَ (الحاقه/۲۵) اما كسي كه نامه اعمالش را به دست
 چپش بدهند مي گويد: «اي كاش هرگز نامه اعمالم را به من نمي دادند.
 وَلَمْ أُدْرِ مَا حِسَابِيَةَ (الحاقه/۲۶) و نمي دانستم حساب من چيست!
 يَا لَيْتَهَا كَانَتْ الْأَفْضِيَةَ (الحاقه/۲۷) اي كاش مرگم فرا مي رسيد!
 مَا أَعْنَى عَنِّي مَالِيَةَ (الحاقه/۲۸) مال و ثروتم هرگز مرا بي نياز نكرد،
 هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيَةَ (الحاقه/۲۹) قدرت من نيز از دست رفت!»
 خُدُوهُ فَغُلُوهُ (الحاقه/۳۰) او را بگيريد و در بند و زنجيرش كنيد!
 ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلَّوهُ (الحاقه/۳۱) سپس او را در دوزخ بيفكنيد!
 ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْأَلُوهُ (الحاقه/۳۲) بعد او را به زنجيري كه هفتاد ذراع است ببنديد؛
 إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ (الحاقه/۳۳) چرا كه او هرگز به خداوند بزرگ ايمان نمي آورد،
 وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمُسْكِينِ (الحاقه/۳۴) و هرگز مردم را بر اطعام مستمندان تشويق نمي نمود؛
 فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ (الحاقه/۳۵) از اين رو امروز هم در اينجا يار مهرباني ندارد،
 وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غَسَلِينِ (الحاقه/۳۶) و نه طعامي، جز از چرك و خون!
 لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ (الحاقه/۳۷) غذايي كه جز خطاكاران آن را نمي خورند!
 فَلَا أَقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ (الحاقه/۳۸) سوگند به آنچه مي بينيد،
 وَمَا لَا تُبْصِرُونَ (الحاقه/۳۹) و آنچه نمي بينيد،
 إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ (الحاقه/۴۰) كه اين قرآن گفتار رسول بزرگواري است،
 وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ (الحاقه/۴۱) و گفته شاعري نيست، اما كمتر ايمان مي آوريد!
 وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ (الحاقه/۴۲) و نه گفته كاهني، هر چند كمتر متذكر مي شويد!
 تَنْزِيلٍ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (الحاقه/۴۳) كلامي است كه از سوي پروردگار عالميان نازل شده است!
 وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ (الحاقه/۴۴) اگر او سخني دروغ بر ما مي بست،
 لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ (الحاقه/۴۵) ما او را با قدرت مي گرفتيم،
 ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ (الحاقه/۴۶) سپس رگ قلبش را قطع مي كرديم،
 فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ (الحاقه/۴۷) و هيچ كس از شما نمي توانست از (مجازات) او مانع شود!
 وَإِنَّهُ لَتَذَكَّرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ (الحاقه/۴۸) و آن مسلمانا تذكري براي پرهيزگاران است!
 وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُكَذِّبِينَ (الحاقه/۴۹) و ما مي دانيم كه بعضي از شما (آن را) تكذيب مي كنيد!
 وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ (الحاقه/۵۰) و آن مايه حسرت كافرين است!
 وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ (الحاقه/۵۱) و آن يقين خالص است!
 فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (الحاقه/۵۲) حال كه چنين است به نام پروردگار بزرگت تسبيح گوي!